

مهر مجله بین الملل



نسل کشی مسلمانان رو هینگیا؛ گناه مسلمانی

گفتگو با «ذبیح الله مجاهد» سخنگوی طالبان

موانع اصلاحات فرهنگی عربستان

جنگ تونلها در سوریه

گفتگو با «برایان کاتولیس» مشاور مجلس سنای آمریکا

گفتگو با «محمد محقق» معاون رئیس اجرایی دولت افغانستان

گفتگو با «ریچارد نیفو» طراح تحریمهای ایران

فهرست مطالب

ایران در جهان
۳



- ۸ گفتگو با «استفن لندمن» نظریه پرداز آمریکایی
- ۱۰ گفتگو با «برایان کاتولیس» مشاور مجلس سنای آمریکا
- ۱۳ گفتگو با «داریل کیمبال» رئیس موسسه خلع سلاح امریکا
- ۱۴ نسخه دیپلمات افراطی برای برجام

خاورمیانه و شمال آفریقا
۱۵



- ۱۶ فصول پایانی جنگ در سوریه
- ۱۷ گفتگو با «جان لمبرت» رئیس سابق میز ایران در وزارت خارجه آمریکا
- ۲۰ گفتگو با «محمود الزهار» عضو ارشد حماس
- ۳۱ جنگ تولهها در سوریه

اروپا
۳۹



- ۴۰ سایه کوربین بر داویننگ استریت
- ۴۲ گفتگو با «جافری کالینز» استاد دانشگاه بوستون امریکا
- ۴۳ آیا اروپا به عمو سام پشت می کند
- ۴۵ گفتگو با «فاروق لوغ اوغلو» معاون حزب جمهوری خلق ترکیه

آمریک
۴۶



- ۴۷ آیا آمریکا به کره شمالی حمله می کند
- ۴۸ گفتگو با «دانیل سرور» مشاور سابق وزارت خارجه آمریکا
- ۵۱ آثار خروج از برجام در گفتگو با کارشناسان بین المللی
- ۵۲ گفتگو با «ریچارد نیفو» عضو تیم هسته ای امریکا

آسیا
۵۶



- ۶۱ گفتگو با «سیدشاه حسین مرتضوی» سخنگوی ریاست جمهوری افغانستان
- ۶۲ گفتگو با «دبیح الله مجاهد» سخنگوی طالبان افغانستان
- ۶۵ پاکستان و چرخه بی ثباتی سیاسی
- ۶۸ گفتگو با «محمد محقق» معاون رئیس اجرایی دولت افغانستان



شناخته شده مجله

□ مدیر مسئول: علی عسگری

□ شورای سردبیری: سید امیرحسین دهقانی، محمد قادری، حنیف غفاری، جواد حیران نیا

□ دبیر تحریریه: جواد حیران نیا

□ همکاران این شماره: سمیه خمارباقی، رامین حسین آبادیان، بیمان یزدانی، وحید پورتجریشی، عبدالحمید بیاتی، مریم خرمائی، فرزاد فرهاد توسکی، بنفشه اسماعیلی، مهدی ذوالفقاری، محمد فاطمی زاده، فاطمه محمدی پور

□ مدیر هنری: محبوبه عزیزی

شماره تماس: ۴۳۰۵۱۳۶۰
پست الکترونیک: world@mehrnnews.com

آدرس: ایران، تهران، خیابان اسناد نجات الهی، کوچه بیمه، پلاک ۱۸

علاقه‌مندان می توانند مقالات و مطالب خود را برای مجله بین الملل مهر ارسال کنند.



ایران در جهان

در گفتگو با مهر اعلام شد؛

گفتگوی مفصل ظریف با معاون و بازرسی ارشد پیشین آژانس اتمی



همچنین در این سفر نشست سه جانبه وزرای امور خارجه ایران، عراق و ترکیه در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد برگزار شد و مسائل منطقه به ویژه موضوع همه پرسی در کردستان عراق در این نشست مورد گفتگو و تبادل نظر قرار گرفت.

هاینونن معاون سابق آژانس بین المللی انرژی اتمی از دیدار خود با وزیر خارجه ایران و گفتگوی مفصل با وی خبر داد.

«اولی هاینونن» معاون سابق آژانس بین المللی انرژی اتمی در گفتگو با خبرنگار مهر گفت که دوشنبه شب در حاشیه حضور وزیر خارجه ایران در نیویورک با وی بطور مفصل دیدار و گفتگو کرده است.

گفتنی ست «اولی هاینونن» از خط دهندگان اصلی و موافقان بازرسی از مراکز نظامی ایران توسط آژانس بوده و در نوشته های اخیر خود به اقامه دلیل در خصوص ضرورت بازرسی از مراکز نظامی پرداخته است. وی در حال حاضر در مرکز دفاع از دموکراسی مشغول به کار است.

وزیر امور خارجه کشورمان که برای شرکت در هفتاد و دومین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک حضور دارد، در حاشیه این نشست با بسیاری از مقامات کشورهای اروپایی و آسیایی دیدار و در خصوص موضوعات مختلف از جمله روابط دوجانبه، تحولات منطقه و توافق هسته ای ایران و ۵+۱ به گفتگو و رایزنی پرداخته است.

علاوه بر دیدارهای دوجانبه، ظریف در نشست کمیسیون مشترک برجام که در سطح وزرای خارجه کشورهای طرف توافق هسته ای ایران و ۵+۱ برگزار شد، شرکت و موارد نقض برجام از سوی آمریکا را در این نشست مطرح کرد. دیگر کشورها حاضر در این نشست نیز بر پایبندی همه طرف ها بر توافق هسته ای تاکید کردند.

تحرکات تازه ترامپ علیه برجام / واشنگتن از برلین چه می خواهد؟

حنیف غفاری

موفقیت در نیویورک، تصمیم گرفته است خود به صورت مستقیم با مرکز در این خصوص وارد مذاکره شود. این در حالیست که چندی پیش زیگمار گابریل وزیر امور خارجه آلمان ضمن دفاع از کلیت برجام اظهار نموده بود که کشورش آمادگی دارد به همراه آمریکا، انگلیس و فرانسه، ایران را در خصوص عمل به همه تعهداتش وفق توافق هسته ای تحت فشار قرار دهد! این اظهارات در حالی صورت می گیرد که آژانس بین المللی انرژی اتمی در هشت گزارش مکرر خود، پایبندی ایران نسبت به توافق هسته ای را مورد تایید قرار داده است.

نکنه دیگر اینکه به موازات لابی گری های ترامپ و انگلا مرکل، تلاش های مجدد نیکی هیلی نماینده ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل متحد برای اعمال فشار بر آژانس بین المللی انرژی اتمی آغاز شده است. نیکی هیلی اخیرا بار دیگر اعلام کرده است که بازرسی های هسته ای از ایران کافی نیست و آژانس باید به امکان نظامی در ایران برای راستی آزمایی؛ در خصوص فعالیتهای هسته ای این کشور دسترسی داشته باشد. به نظر می رسد، موضوع اصلی مذاکره ترامپ و انگلا مرکل نیز همین مسئله بوده است. به نظر می رسد، ترامپ در گزارش ماه اکتبر خود به کنگره، به موضوع بازرسی از امکان نظامی ایران، اشاره مستقیمی کرده و در مذاکره با سران اروپایی نیز نسبت به این مسئله اصرار ورزد.

جمهوری اسلامی ایران بارها اعلام کرده است که اساسا بازرسی از امکان نظامی کشورمان و دسترسی به اسرار نظامی کشور، از سوی بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی و به بهانه راستی آزمایی فعالیتهای هسته ای امکانپذیر نیست. موضوعی که یوکیو آمانو نیز نسبت به آن آگاه است. تاکنون بارها مواضع رسمی جمهوری اسلامی ایران در این خصوص به جامعه جهانی و آژانس بین المللی انرژی اتمی اعلام شده است. موضعی که تحت هیچ شرایطی قابل تغییر نیست.

های زیادی با مقامات اروپایی و صهیونیستی در خصوص برجام صورت داد. این ایزنی ها به اندازه ای زیاد بود که بسیاری از رسانه های غربی اعتراف کردند که اصلی ترین دغدغه ترامپ در نیویورک، مواجهه با توافق هسته ای با ایران بوده است. اگرچه ترامپ در دیدار با نخست وزیر رژیم صهیونیستی در خصوص لزوم ایجاد تغییر در توافق هسته ای با توافقاتی دست یافت، اما با همراهی مطلق مقامات اروپایی در این مسیر مواجه نشد. حتی همراهی نسبی برخی مقامات اروپایی با ترامپ در این خصوص، به اندازه ای نبود که منجر به رضایت رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا شود.

قبل از برگزاری نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد، سایت بلومبرگ گزارش داده بود که ترامپ قصد دارد از مقامات فرانسوی و انگلیسی در نیویورک بخواهد تا آلمان را در مسیر مواجهه با توافق هسته ای با واشنگتن همراه سازند. با این حال، به نظر می رسد ترامپ پس از عدم

به موازات لابی گری های ترامپ و انگلا مرکل، تلاش های مجدد نیکی هیلی نماینده ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل متحد برای اعمال فشار بر آژانس بین المللی انرژی اتمی آغاز شده است.

دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا اخیرا با انگلا مرکل، صدراعظم آلمان در خصوص توافق هسته ای با ایران گفت و گو کرده است. هنوز از جزئیات این گفت و گو اخباری منتشر نشده است، اما به نظر می رسد ترامپ در فاصله حدود دو هفته باقیمانده تا انتشار گزارش خود به کنگره در خصوص پایبندی ایران به برجام، قصد دارد از ظرفیت ترویجکای اروپایی در راستای مواجهه با توافق هسته ای نهایت بهره ممکن را ببرد.

واقعیت امر این است که در جریان برگزاری مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک، ترامپ رایزنی



دفس وان بررسی کرد؛

ترامپ مواظب لفاظی خود علیه ایران باشد / آثار فاجعه بار جنگ با کره



ایالات متحده آمریکا در پی لفاظی های غیر عقلانی ترامپ، در یک قدمی جنگ با کره شمالی قرار گرفته است.

پایگاه تحلیلی دفس وان اخیرا مقاله ای با عنوان «ایالات متحده آمریکا در دو قدمی جنگ با ایران و کره شمالی» با قلم «کریستوفر بولان» منتشر کرده است. بولان در این مقاله بر احتمال جنگ آمریکا با تهران و پیونگ یانگ به طور همزمان اشاره نموده و ادعا می کند: جنگ آمریکا با ایران و کره شمالی به طور همزمان خارج از توانایی و قدرت امریکاست. متن مقاله پیش روی شماست.

بنیاد هریتیج (اندیشکده محافظه کار آمریکایی) چند سال پیش استدلال کرد هیچ ابرقدرتی توانایی جنگیدن با دو دشمن به طور همزمان در مناطق مختلف را ندارد و کاهش بودجه دفاعی و یک دهه مبارزات طولانی باعث شده نیروی نظامی آمریکا توانایی جنگیدن با دو دشمن به طور همزمان را نداشته باشد.

با این وجود واشنگتن در حال حاضر در یک قدمی جنگ با کره شمالی و دو قدمی رویارویی نظامی با ایران قرار دارد، وضعیتی که در آن یک اشتباه می تواند فاجعه ای عظیم ایجاد کند.

لفاظی های بسیار شدید میان «دونالد ترامپ» و «کیم جونگ اون» در طی چند ماه گذشته بسیار شدید شده است به طوری که هر یک دیگری را به نابودی کامل کشورش تهدید می کند. هر دو طرف اقدامات نظامی تحریک آمیز انجام داده به نحوی که طرف دیگر به اجبار آن را یک اقدام تحریک آمیز قلمداد می کند.

برای مثال طی چند روز گذشته بمب افکن های آمریکایی بر فراز آبهای شرقی کره شمالی پرواز کردند. در پاسخ وزیر امور خارجه کره شمالی اعلام کرد: ما حق داریم اقدامات تلافی جویانه انجام داده از جمله بمب افکن های آمریکایی را حتی خارج از حریم هوایی کره شمالی هدف قرار دهیم.

ممکن است برخی از کارشناسان و ناظران بین المللی تهدیدات فوق را بوچ و توخالی تصور کنند اما باید گفت که با نگاه به تاریخ روابط کره شمالی و آمریکا می توان شاهد حملات کره شمالی به نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا در شرایطی مشابه بود. ۱. حمله قایق های گشت کره شمالی به ناو هواپیمابر Pueblo USS در سال ۱۹۶۸ و به اسارت در آوردن آن، ۲. منهدم کردن هواپیمای بدون سرنشین آمریکا در حریم هوایی بین المللی در سال ۱۹۶۹.

طبق اسناد منتشر شده در آن زمان به نیکسون رئیس جمهور وقت آمریکا لیستی از گزینه های نظامی علیه پیونگ یانگ پیشنهاد شد، از جمله استفاده از تسلیحات هسته ای تاکتیکی به منظور پاسخ نظامی ارتش آمریکا به حملات کره شمالی. در آن زمان با توجه به شرایط خاص سیستم دو قطبی از وقوع جنگ اجتناب می شد به همین دلیل نیکسون گزینه های نظامی را رد نمود. در حال حاضر با حمله کره شمالی به نیروی نظامی آمریکا هیچ تضمینی جهت اجتناب از جنگ بین آمریکا و کره شمالی وجود نخواهد داشت.

می تواند اقدامات تحریک آمیز بیشتری در دریای چین جنوبی انجام دهد. بازیگران غیر دولتی مانند داعش، القاعده و دیگر گروه های تروریستی می توانند در آفریقا یا امریکای لاتین پیشروی کنند. در واقع صحنه برای مواجهه نظامی چند جانبه آمریکا در مقیاس جهانی فراهم می شود.

تمرکز سیاستگذاران در واشنگتن باید بر اجتناب از این نتایج فاجعه بار متمرکز شود. دولت ترامپ باید واقعیت ها را مورد بررسی قرار داده و به طور ماهرانه و با هماهنگی متحدان آمریکا تصمیمات لازم را جهت اجتناب از جنگ با کره شمالی یا ایران اتخاذ نماید.

در واقع رئیس جمهور ترامپ باید مواظب لفاظی هایش باشد. ابراز مکرر قدرت و توانایی آمریکا باعث کاهش اثر بخشی تهدیدات آمریکا شده و دیگر تهدیدات به عنوان یک عامل بازدارنده عمل نخواهند کرد.

مقامات امنیت ملی آمریکا نیز باید خطوط قرمز این کشور را ترسیم نموده و تهدید کنند اگر کشوری این خطوط قرمز را نقض کرد با واکنش نظامی آمریکا مواجه خواهد شد.

نکته مهم این است که دولت ترامپ باید بر عنصر دیپلماسی در ارتباط با دشمنان و متحدان خود تاکید کند. کاربرد این گزینه در ارتباط با تهران و پیونگ یانگ بسیار سخت است زیرا آمریکا با این دو کشور ارتباط دیپلماتیک رسمی ندارد.

آمریکا می تواند جهت برقراری ارتباط دیپلماتیک با کره شمالی و ایران از کشور ثالث (سوئیس در تهران، سوئد در پیونگ یانگ) استفاده کند. استفاده از عنصر دیپلماسی باعث می شود سیاستمداران آمریکایی محاسبات غلط انجام نداده و رهبران در واشنگتن، پیونگ یانگ و تهران دچار سوء تفاهم نشوند.

در مورد ایران باید گفت که ایالات متحده آمریکا در دو قدمی جنگ با تهران قرار دارد. ۱۵ اکتبر ترامپ باید مجددا پایبندی ایران به برجام را مورد تایید قرار دهد. اگر ترامپ پایبندی ایران به برجام را مورد تایید قرار ندهد، کنگره ظرف مدت ۶۰ روز می تواند تحریم هایی که در زمان انعقاد توافق هسته ای ایران لغو شده بود را بار دیگر علیه ایران تحمیل کند. این امر ماهیت توافق هسته ای را نقض خواهد کرد و باعث خواهد شد ایران به شدت برنامه هسته ای خود را از سر گرفته و توسعه دهد. در پی آن، بدون شک سیاستمداران آمریکایی خواهان انجام اقدام نظامی پیشگیرانه علیه ایران خواهند بود.

سناریو مربوط به کره شمالی و سناریو مربوط به ایران بسیار خطرناک بوده و امکان واقعی شدن آنها در یک زمان وجود دارد زیرا تنش میان پیونگ یانگ و واشنگتن، واشنگتن و تهران به طور همزمان افزایش یافته است. رهبران در پیونگ یانگ و تهران به خوبی متقاعد شده اند که قصد واشنگتن تغییر حکومت در ایران و کره شمالی است.

واقعیت این است که حملات نظامی آمریکا علیه کره شمالی و ایران، دیگر حکومت های مخالف آمریکا را متقاعد می کند که دستیابی به سلاح هسته ای تنها عامل بازدارنده آنها است. حتی اگر سیاستگذاران آمریکایی از اقدام نظامی علیه دو کشور (ایران و کره شمالی) صرف نظر کنند اقدام نظامی علیه یک کشور می تواند سایر بازیگران در مناطق مختلف را جهت محدود کردن منافع و مزایای آمریکا جسور کند.

برای مثال، اگر ایالات متحده آمریکا وارد جنگ با کره یا ایران شود، روسیه به سمت اروپای شرقی یا سوریه با سرعت بیشتری حرکت خواهد کرد. چین

صادق ملکی:

همگرایی ایران و ترکیه اجتناب ناپذیر است / اهمیت سفر اردوغان



یاسر نظیفی گیلوان - پیمان بزدانی

کارشناس ارشد مسائل منطقه با اشاره به سفر رئیس جمهور ترکیه به ایران گفت اگر سفر اردوغان همراه با تغییر ذهنیت باشد می تواند منشأ تحولات مثبت در روابط تهران و آنکارا شود. در پی تحولات اخیر در منطقه در ماه های اخیر شاهد سفرهای مقامات سیاسی و نظامی ایران و ترکیه هستیم. بعد از یک دوره طولانی پرتنش در روابط دو کشور از آغاز تحولات سوریه، امروز شاهد آن هستیم که تهدیدات مشترک موجب همگرایی بیشتر دو کشور شده است بطوریکه از ماه گذشته تا کنون بعد از حدود ۴ دهه برای اولین بار عالیترین مقامات نظامی دو کشور دو مرتبه با همدیگر دیدار کرده اند و بر افزایش همکاری های نظامی دو کشور تاکید کرده اند.

امروز نیز «رجب طیب اردوغان» رئیس جمهور ترکیه در راس هیاتی بلندپایه وارد تهران می شود و با بالاترین مقامات ارشد ایران دیدار می کند. در خصوص اهمیت سفر وی به تهران در این مقطع زمانی خاص گفتگویی با صادق ملکی کارشناس ارشد مسائل منطقه انجام شده است که مشروح آن در زیر آمده است:

|| اردوغان بعد از یک دوره پرتنش در روابط تهران - آنکارا قرار است به ایران سفر کند. ارزیابی جناب عالی از این سفر چیست؟

سفر اردوغان اگرچه در چارچوب سفرهای دوره ای روسای جمهور است اما اگر سفر به همراه تغییر ذهنیت اردوغان و اصلاح رفتار ایشان باشد می تواند گامی مهم برای دور شدن از فضای تنش و رسیدن به نقطه همکاری باشد.

|| چقدر این سفر می تواند عامل تحول در روابط باشد؟

هیچ سفری به تنهایی عامل تغییرات بنیادی و راهبردی در روابط کشورها نمی شود ولی باید از نقطه ای شروع کرد. سفر در سطح رئیس جمهور مهم و دارای بار سیاسی است. انجام این سفر در شرایط گذار و بحرانی خاورمیانه و در حالی تحولاتی چون همه پرسی اربیل برگزار شده و

داعش شکست خورده بر ابعاد و اهمیت این سفر افزوده است.

|| اردوغان با چه کسانی ملاقات کرده و دستور کار سفر چیست؟

اردوغان را مقام معظم رهبری بحضور پذیرفته و ایشان با رئیس جمهور نیز ملاقات خواهد داشت. برگزاری شورای عالی راهبردی، مذاکرات در خصوص مسایل دوجانبه، منطقه ای، همه پرسی اقلیم، نشست های آستانه، مسایل سوریه، عراق، گسترش همکاری های در بخش انرژی از جمله محورهای مهم گفتگوهای طرفین در این سفر خواهد بود.

|| اشاره به برگزاری نشست شورای راهبردی در این سفر نمودید. آیا می توان به این نشست امیدوار بود؟

پس از همکاری های اخیر و مواضع نسبتاً نزدیک دو کشور در خصوص همه پرسی اقلیم و از همه مهمتر سفر روسای ستاد مشترک این نشست در قیاس با جلسات قبلی در شرایط بهتری برگزار می شود. با این وجود نباید نسبت به آن بیش از اندازه بزرگ نمایی گردد.

روابط راهبردی، حاصل نام ها و برگزاری نشست ها نبوده و نیست. روابط راهبردی میان دو کشور زمانی شکل می گیرد که کشورها نه در شعار بلکه در عمل امنیت، توسعه و منافع دیگری را امنیت، توسعه و منافع خود ببینند. ترکیه با عراق و سوریه نیز توافق راهبردی داشت.

رسیدن با روابط راهبردی اگرچه مسیری دو طرفه است اما عملکرد ترکیه نشان داده است که این کشور همچنان درگیر ذهنیت چالدران و اسیر تاریخ گذشته است. تا زمانی که این ذهنیت تغییر نکند ما شاهد اقداماتی چون دیوار کشی در مرزهای صلح چهارصدساله ای خواهیم بود که بجای صلح و دوستی، ترس، جدایی را منعکس می نماید. در نگاه ترکیه عضو ناتو، ایران همچنان رقیب تعریف شده است.

|| آیا می توان عنصر رقابت را در روابط ایران

و ترکیه حذف کرد؟

شدنی است، اما کاری سخت بوده و نیاز به شکل گیری اراده ای واقعی دارد. کاهش فاصله میان سیاست های اعلامی با سیاست های اعمالی، گامی اساسی برای رسیدن به این نقطه است. بررسی علل شکل گیری داعش و شرایطی که کمک کرد اربیل علیرغم مخالفت بغداد، تهران، آنکارا و... همه پرسی برگزار نماید، می تواند راهنمایی برای رسیدن به نقشه راهی باشد که انتهای آن همکاری ایران و ترکیه و در نقطه مطلوب رفتن بسوی خاورمیانه متحد است.

اتاق های فکر بجای کارهای پنهان، باید روی کارهای آشکار متمرکز شده و برای تعمیق روابط فرصت ایجاد نمایند. با شعار و کارهای مقطعی نمی توان به این هدف نایل شد. ناحیه لرن در روابط آلمان و فرانسه عامل چالش در روابط برلین و پاریس بود. اختلاف را این دو کشور در گام اول با تغییر ذهنیت حل کرده و بعداً در وسعت جغرافیا نیز حل شد. مسلماً نقاط اشتراک ایران و ترکیه از آلمان و فرانسه اگر بیشتر نباشد، کمتر نیست.

باید نقطه پایانی برای رقابت های ژئوپلیتیکی ایران و ترکیه یافت و این میسر نمی شود مگر آنکه ژئواستراتژی دو کشور را بهم پیوند داد. درگیری ها و رقابت ها در خاورمیانه در بخش مهمی حاصل دخالت های بیگانگان خارج از این جغرافیا است. باید با همکاری ایران و ترکیه به آن پایان داد.

نباید تجربه تلخ اروپا در خاورمیانه تکرار شود. باید روی صلح و همکاری متمرکز شد. در روابط ایران و ترکیه الزامات ناشی از تاریخ و بخصوص جغرافیا و منافع حاصله از همکاریها، دیر یا زود همگرایی میان دو کشور را ضروری و اجتناب ناپذیر خواهد کرد. با بهای کمتر باید بستر ساز رسیدن به این نقطه شد.

در این راستا ایران ترکیه لازم است در کنار توجه به زمینه ها و قابلیت های مختلف همکاری در حوزه های سیاسی، اقتصادی، امنیتی، به همکاری در بخش انرژی به عنوان یکی از مهمترین عوامل ارتقای روابط به سطح ایده آل توجه خاص نمایند. در این راستا سفر اردوغان به ایران اگر همراه با تغییر ذهنیت باشد، می تواند منشأ تحولات مثبت در روابط تهران - آنکارا گردد، لذا باید از آن استقبال کرد.

نشال اینترست بررسی کرد:

ترامپ قدرت ایران را باید بپذیرد / چرایی نیاز واشنگتن به برجام



با توجه به این واقعیت که واشنگتن در حال حاضر با مسائل مهم داخلی مواجه است، بهترین اقدام ترامپ جهت تامین منافع امنیتی و اقتصادی آمریکا در صحنه بین الملل، حفظ برجام است.

سایت تحلیلی نشنال اینترست اخیرا مقاله ای با عنوان «چرا واشنگتن به برجام نیاز دارد؟» با قلم «دانیل دیویس»، سرهنگ بازنشسته ارتش آمریکا منتشر نموده است. «دانیل دیویس» در این مقاله عواقب رد برجام توسط واشنگتن را بیان کرده است. ترجمه مقاله پیش روی شماست.

دیپلماسی وسیله ای است که سیاستمداران و رهبران کشورها با استفاده از آن، منافع اقتصادی، امنیتی و فرهنگی کشور خود را در محیط پیچیده بین الملل دنبال می کنند. باید گفت، محکوم کردن توافق هسته ای ایران (برجام) به منافع میان مدت و بلند مدت آمریکا آسیب خواهد رساند زیرا رد برجام از سوی آمریکا به معنی کاهش قدرت دیپلماسی آمریکا در صحنه بین المللی است. رد برجام نه تنها محدودیت های موجود بر توانایی ایران جهت رسیدن به تسلیحات هسته ای را حذف نموده بلکه حل مسائل با ایران را سخت تر کرده و قدرت چانه زنی واشنگتن با تهران را کاهش خواهد داد.

مهمترین نتیجه رد برجام این است که متحدان و دوستان آمریکا به این نتیجه می رسند که ایالات متحده آمریکا دیگر یک رهبر بین المللی قابل اعتماد نبوده لذا به توانایی آمریکا در تعیین قراردادهایی که جهت پیشبرد منافع ملی و اقتصادی آمریکا ضروری هستند، آسیب وارد خواهد کرد.

متأسفانه ترامپ نمی خواهد قبول کند که ایالات متحده آمریکا در محیط پیچیده بین الملل قرار داشته و نمی تواند آن چه را که می خواهد به دست آورد. در مدینه فاضله ایالات متحده آمریکا می تواند شاهد وجود ایران بدون برنامه موشکی بالستیک و برنامه هسته ای باشد، اما در دنیای واقعی این امر شدنی نبوده و آمریکا مجبور است ایران را به عنوان یک قدرت در منطقه خاورمیانه بپذیرد. در دنیای واقعی آمریکا باید بر دشمنان خود نفوذ داشته و

با دوستان و متحدان خود همکاری نماید. به صراحت می توان گفت که رد برجام منافع بلند مدت و کوتاه مدت آمریکا در سراسر جهان را تحت تاثیر قرار خواهد داد.

اگر رئیس جمهور ترامپ پایبندی ایران به برجام را مورد تایید قرار ندهد و سپس کنگره با اعمال تحریم های گذشته برجام را نقض کند، کنترل های موثر بر برنامه هسته ای ایران حذف خواهد شد. پس از آن ایران انگیزه لازم را جهت شروع دوباره برنامه هسته ای خود به دست خواهد آورد. در پی آن نوحافظه کاران در واشنگتن دولت را جهت اقدام نظامی علیه ایران تحت فشار قرار خواهند داد. در این مرحله ایران برنامه هسته ای خود را با سرعت بیشتری دنبال نموده و به سطح بازدارندگی هسته ای با آمریکا خواهد رسید. طبیعتا این واقعیت خلاف منافع امنیتی آمریکا و اسرائیل خواهد بود.

اقدام نظامی علیه ایران قبل از دستیابی تهران به تسلیحات هسته ای نیز یک اشتباه بزرگ و جبران ناپذیر خواهد بود. زیرا در پی حمله به ایران خاورمیانه به یک کوره مذاب تبدیل شده که آمریکا را نابود خواهد کرد. ترامپ روز پنجشنبه بعد از نشست با فرماندهان ارشد نظامی آمریکا که در آن درباره ایران و کره شمالی بحث شده بود بدون ارائه جزئیات بیشتر خطاب به خبرنگاران گفت: شاید الان آرامش قبل از طوفان است.

سخنان رئیس جمهور ترامپ در خصوص ایران و مقابله نظامی با آن یک اشتباه بزرگ و خطرناک است. ترامپ فکر می کند آمریکا می تواند در طی یک حمله نظامی مقرون به صرفه ایران را شکست دهد، اما باید گفت که تصور ترامپ خیال پردازی محض است. ایالات متحده آمریکا در طی حمله به عراق در سال ۲۰۰۱ هزینه گزافی (از لحاظ اقتصادی، نظامی، امنیتی و پرستیژ بین المللی) پرداخت. حال وسعت ایران تقریبا دو برابر عراق بوده لذا در پی حمله نظامی به ایران، آمریکا چندین برابر هزینه پرداخت خواهد کرد و خشونت و تروریسم منطقه خاورمیانه را فرا خواهد گرفت.

علاوه بر موارد ذکر شده، رد برجام، منافع آمریکا را در ارتباط با دوستان و متحدان آن تحت تاثیر قرار داده و

توانایی آمریکا جهت تضمین قراردادهای امنیتی و تجاری کاهش خواهد داد. اگر متحدان آمریکا از جمله فرانسه، آلمان و ژاپن به این باور برسند که آمریکا امروز توافقی بین المللی را امضاء نموده اما با روی کار آمدن دولت جدید توافق را لغو خواهد کرد، دیگر به واشنگتن اعتماد نخواهند کرد. اگر دوستان آمریکا نتوانند به آن اعتماد کنند دشمنان واشنگتن نیز نمی توانند به آن اعتماد کنند و این یک فاجعه خواهد بود.

برای مثال آمریکا ادعا می کند از طریق دیپلماتیک می تواند مسئله کره شمالی را حل کند. اما اگر «کیم جونگ اون» متوجه شود واشنگتن بعد از سالها مذاکره با ایران، برجام را به راحتی کنار می گذارد، منطقی است که فکر کند هر گونه توافقی با آمریکا جهت کنار گذاشتن برنامه هسته ای خود، یک اشتباه بزرگ است. بنابراین پیونگ یانگ برنامه هسته ای خود را دنبال خواهد کرد و این واقعیت نیز در تضاد با منافع ملی و امنیتی آمریکا قرار دارد.

یکی دیگر از عواقب رد برجام توسط آمریکا، کاهش اعتبار و قدرت چانه زنی واشنگتن با مسکو و پکن در مذاکرات بین المللی آینده است. آمریکا در حال حاضر خواستار مذاکره با مسکو و پکن در مورد موضوعات مهم بین المللی از جمله حاکمیت کریمه و اوکراین است. اگر واشنگتن می خواهد به نتیجه مذاکرات با مسکو و پکن امیدوار باشد باید کاری کند که چین و روسیه باور کنند آمریکا به توافقات بین المللی که امضاء می کند پایبند است. اگر آنها بر این باور باشند که آمریکا به توافقات بین المللی پایبند نیست، شانس واشنگتن جهت رسیدن به توافق با آنها تقریبا صفر خواهد بود.

در حال حاضر ایالات متحده آمریکا با مسائل بسیار مهم داخلی مواجه بوده لذا ترامپ باید به توافقات بین المللی که امضاء نموده پایبند باشد و اهداف امنیتی و اقتصادی آمریکا را مد نظر داشته باشد. رد برجام به معنای از دست دادن اعتبار دیپلماتیک واشنگتن در صحنه بین المللی بوده لذا منافع ملی، اقتصادی و امنیتی آمریکا در صحنه بین الملل با رد برجام تحت تاثیر قرار خواهد گرفت.



اهمیت برجام و ناکامی ترامپ

ابراهیم فراهانی

بهبان‌های ضد برجام «دونالد ترامپ» که از سوی نتوکان‌ها و لابی‌های عربی - صهیونیستی حمایت می‌شود، تنها باعث تزلزل اعتبار جهانی آمریکا خواهد شد.

توافقنامه سال ۲۰۱۵ میان ایران و شش قدرت جهانی سبب شد پرونده هسته ای ۱۲ ساله در یک بازه زمانی در مسیر گره‌گشایی قرار بگیرد. ویژگی‌های برجام از سطوح مختلف:

۱- سطح همکاری استراتژیک دو دولت: خدشه دار شدن رابطه آمریکا و اسرائیل یکی از این ویژگی‌هاست. رابطه محکم دولت غاصب اسرائیل با آمریکا حمایت همه جانبه بوده است. این حمایت به رابطه غیر قابل خدشه در طول سال‌ها تبدیل شده بود. مخالفت اوباما با صحبت‌های نتانیاهو و تصویب قطعنامه‌ای در شورای امنیت سازمان ملل علیه تجاوزات اسرائیل در شهرک سازی برای نخستین بار تنش را افزایش داد. برجام برای نخستین بار میان دولت آمریکا و رژیم اسرائیل شکاف ایجاد کرد اما با بازگشت ترامپ این رابطه بهبود یافت.

۲- سطح داخلی کشور آمریکا: ادامه برجام در طول نزدیک یک سال ریاست جمهوری ترامپ میان کارگزار (agent) و ساختار (structure) اختلاف ایجاد کرد. پوپولیست راستی که در طول انتخابات شعار شکستن ساختار واشنگتن را بارها تکرار کرد اما دوام نیاورد و حواریون افراطی ترامپ یک به یک با فشار ساختار کنار گذاشته شدند. جدل بارها میان هم‌حزبی‌ها تکرار شد.

۳- سطح نظام بین الملل و قدرت‌های بزرگ: برجام همچنین توانست اعتبار آمریکا را خدشه دار کند. تنها توافقنامه برجام نبود که دولت جدید آمریکا به آن متعهد نماند اما مهمترین توافقنامه بعد از دو سال مذاکره فشرده بود.

تایید گزارش هر سه ماه یک بار برجام توسط رییس‌جمهور آمریکا به کنگره برای ویو کردن تحریم‌های هسته‌ای یک موضوع داخلی آمریکاست و به برجام ربطی ندارد. دولت آمریکا متعهد است تا زمانی که آژانس انرژی اتمی به عنوان تنها مرجع دوری بین المللی، تعهد ایران به برجام را تایید می‌کند، به مفاد این توافقنامه پایبند باشد.

بهبان‌های ترامپ که از سوی نتوکانها و لابی‌های عربی - صهیونیستی حمایت می‌شود، تنها باعث تزلزل اعتبار جهانی آمریکا می‌شود. وفای به عهد جزو اصول اصلی حقوق بین الملل است که دولت‌ها در توافقنامه‌های بین المللی چند جانبه ملزم به اجرای آن هستند. آمریکا همواره در گذشته که سازمان‌های بین المللی را نادیده گرفته سرانجام در پی توجیه حقوقی عمل خود بوده است. برجام ضعف دارد اما نقاط قوت حقوقی آن چنان است که ترامپ و مخالفان برجام را بر مرز بی‌خردی کشانده است و قدرت تحلیل درست را از آنان گرفته است.

ترامپ با گفتن نام جعلی برای خلیج فارس سطح مناقشه را از میان نخبگان به سطح ملی ایران سوق داد. تضعیف هویت ملی و پاک کردن نام تاریخی خلیج فارس، خط قرمز بسیاری از ایرانیان خارج کشور است که حتی با مناسبات سیاسی ج.ا. موافق نباشند. می‌توان ایرانیان مقیم آمریکا که سیاسی نیستند اما از موقعیت اجتماعی بالایی در آمریکا برخوردارند، در یک لابی غیر سیاسی با هدف مقابله علیه وطن‌سازماندهی کرد و در مقابل لابی‌های فعال دشمن قرار داد.

نظریه پرداز آمریکایی در گفتگو با مهر: هرگز نمی‌شود به آمریکا اطمینان کرد / اقدام ایران در واکنش به ترامپ

فاطمه محمدی



«استفن لندمن» با بیان اینکه هرگز نمی‌شود به آمریکا اعتماد کرد گفت: ترامپ سعی می‌کند ایران را تحریک کند ولی ایران اقدام سنجیده خود را خواهد داشت. دولت ترامپ ۱۵ اکتبر باید پایبندی ایران به برجام را مورد تایید قرار دهد. در صورت عدم تایید پایبندی ایران به برجام، کنگره ظرف ۶۰ روز می‌تواند تحریم‌هایی که در زمان انعقاد توافق هسته‌ای لغو شده بودند را بار دیگر علیه تهران تحمیل کند. در این خصوص خبرنگار مهر گفتگویی با «استفن لندمن» نظریه‌پرداز آمریکایی انجام داده که در ادامه می‌آید.

|| برخی منابع خبری غربی اعلام کرده اند دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا عدم پایبندی ایران به برجام را اعلام خواهد کرد و عملاً برجام را نقض خواهد کرد. نظر شما در این خصوص چیست؟

آخرین مهلت ترامپ هفته آینده است. من تصور می‌کنم که او قصد دارد کاری را انجام دهد. ما نمی‌دانیم تا وقتی که اعلام کند.

دشمنی غیر منطقی ترامپ نسبت به ایران، همراه با نوحافظه کاران آلوده واشنگتن، بسیار نگران کننده است. آنها سوریه را از دست دادند، بنابراین ممکن است به وسیله لغو معاهده هسته‌ای ایران را به چالش بکشند.

من به شدت شک دارم که آنچه که او اعلام می‌دارد را ایران قبول کند و به رسمیت بشناسد؛ آنچه که همه دنیا می‌داند، و اجازه شرکت در آن را می‌دهد. ما هفته آینده یا زودتر از آن آنچه که ترامپ در نظر دارد را خواهیم دانست.

|| اگر ترامپ برجام را نقض کند گام بعدی وی در خصوص ایران چه خواهد بود؟

من انتظار دارم تحریم‌های غیر قانونی یک جانبه تحمیل شود. ترامپ ایران را تحریک می‌کند که در پاسخ به اقداماتش کاری نادرست انجام دهد که این اتفاق نخواهد افتاد. امیدوارم کشورهای دیگر P۵+۱ همچنان از برجام JCPOA پشتیبانی کنند. برای اطمینان روسیه و چین، انگلیس و فرانسه یک علامت سوال هستند، اما حدس می‌زنم که آیا آنها نیز خواهند بود.

|| اگر ترامپ برجام را نقض کند در این صورت برای بازگشت تحریم‌های هسته‌ای ایران، کنگره آمریکا باید رای گیری کند. آیا کنگره چنین تصمیمی خواهد گرفت؟

هر اتفاقی که بیفتد، در کنگره دموکرات‌های غیر دموکراتیک در کنار حزب جمهوریخواهان، بر علیه ایران از ترامپ حمایت خواهند کرد.

|| برخی افراد مانند Richard Goldberg معتقد هستند اگر ترامپ برجام را نقض کند در این صورت اروپایی‌ها وی را در خصوص تحریم مجدد هسته ای ایران همراهی خواهند کرد. نظر شما در این خصوص چیست؟

من شک دارم که اتحادیه اروپا از برجام JCPOA عقب نشینی کند، اما ممکن است دوباره بریتانیا و فرانسه تحت فشار قرار بگیرند. در هیچ چیزی نمی‌شود به آمریکا اطمینان کرد. تاریخ کثیف و پست آنها نشانگر این موضوع است.

بررسی موضوع ایران در سفر ملک سلمان / پوتین برنده و ترامپ نگران است

فرزادفرهادی

سفر ملک سلمان به مسکو جدای از حواشی آن مثل از کار افتادن پله برقی وی در فرودگاه، مورد توجه تحلیلگران امور منطقه خاورمیانه و رئیس جمهور آمریکا است.

سلمان بن عبدالعزيز پادشاه عربستان چهارشنبه گذشته عازم مسکو شد و در روز پنجشنبه ۱۳ مهر ماه در کاخ کرملین با ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه دیدار کرد. وی درباره ایران، یمن، فلسطین و سوریه، عراق، تروریسم و انرژی حرف زد. رسانه ها اعلام کردند که عربستان سعودی روز پنجشنبه در جریان سفر پادشاه این کشور به مسکو، توافقنامه اولیه خرید سامانه اس ۴۰۰ روسیه را امضا کرد. سازمان صنایع نظامی عربستان در بیانیه ای اعلام کرد: به موجب این توافقنامه، ریاض سامانه اس ۴۰۰ را از روسیه خریداری می کند. بر اساس بیانیه مذکور، عربستان سعودی همچنین به جدیدترین موشک های روسیه برای حمایت از حریم هوایی خود از جمله سامانه پدافند هوایی اس-۴۰۰ و موشک های ضد زره «کورت-ای ام» و موشک انداز و همچنین نارنجک انداز (ای جی، اس. ۳۰) و مسلسل های کلاشینکوف (کی. ۱۰۳) دسترسی پیدا می کند. طبق این بیانیه، طرفین برای ایجاد طرح ساخت سامانه دفاع موشکی اس-۴۰۰ و نگهداری قطعات در عربستان همکاری خواهند کرد و فناوری تجهیزات نظامی به این کشور منتقل خواهد شد.

اما اگر بخواهیم از اهداف سفر ملک سلمان به روسیه سخن بگوییم به اعتقاد برخی تحلیلگران هدف آن در وهله اول تحت الشعاع قرار دادن روابط میان روسیه و ایران و کاستن از همکاری راهبردی میان تهران و مسکو است. زیرا از نگاه آل سعود، ایران دشمن راهبردی آنها در منطقه خاورمیانه محسوب می شود. سعودی ها به دنبال توسعه همکاری های اقتصادی با روسیه و تبدیل این همکاری به عنوان پایگاهی محکم برای اثر گذاری آن در موضوعات سیاسی و کاستن از اختلافات موجود میان روسیه و عربستان است. استراتژی که سعودی ها در قبال چین نیز اتخاذ کرده اند همین است. با وجود اینکه دو کشور در زمینه سیاسی اختلاف دارند اما همکاری اقتصادی میان دو کشور برقرار است.

سعودی ها در حال حاضر به دنبال توسعه روابط اقتصادی با روسیه شامل سرمایه گذاری گسترده در بخش های مختلف اقتصادی روسیه به ویژه در زمینه های نفت، توسعه راهها و نیز بخش نظامی شامل خرید تسلیحات نظامی از روسیه هستند. در همین راستاست که قرارداد همکاری در بخش انرژی هسته ای، همکاری مشترک در زمینه خطوط راه آهن، پرتاب ماهواره سعودی ها با موشک های روسی رخ امضا می شود. از سویی روسها هم تلاش می کنند که روابط آنها با ایران بر روابطشان با عربستان تأثیر منفی نداشته باشد.

اما موضوعی است که در بخش خریدهای نظامی عربستان وجود دارد این است که سعودی ها به اندازه کافی سلاح آمریکایی، انگلیس و فرانسوی خریداری کرده اند و نیازی به خرید سلاح بیشتر ندارند پس چه دلیلی برای خرید سلاح از ایران وجود دارد؟ از سویی روسیه به سود از طریق فروش جنگ افزار می رسد و از سوی دیگر



سعودی ها تمام تلاش خود را می کنند که سلاح به سوی ایران نرود و حاضرند که سلاح هایی که برای ایران می رود را خریداری کنند.

اما موضوع این است که روسها تا چه اندازه به خواسته های سعودی ها پاسخ می دهند. اینکه پوتین به استقبال ملک سلمان که برای اولین بار به روسیه سفر می کرد، نرفت خود سئوالات و ابهامات زیادی را مطرح می کند. کما اینکه صورت نگران ملک سلمان در ۱۵ متری میان هواپیما و زمین و از کار افتادن پله برقی و واکنش روسها به این موضوع که این پله برقی ربطی به آنها نداشته است نیز گویای حقایق دیگری است.

پوتین تاکنون ثابت کرده است که متحدان خود را به راحتی فراموش نمی کند و از سویی هرگز موضع نفتی سعودی ها با هدف ضربه زدن به اقتصاد این کشور را فراموش نکرده اند. تمديد توافق نفتی موضوعی است که دیگر اصراری از جانب پوتین در این باره صورت نمی گیرد بلکه این سعودی ها هستند که اصرار دارند.

به عبارت دیگر رغبت و تمایل برای همکاری میان ریاض و مسکو در زمینه های سیاسی و انرژی و سلاح بیشتر از جانب عربستان است تا روسیه.

ملک سلمان در کاخ کرملین کوشید که با موضع گیری علیه ایران اقدامی انجام دهد اما تیرش در سنگ خورد زیرا تأثیر چندانی نداشت و برای رهبر کرملین جذابیتی نداشت.

اینکه بلافاصله روسها اعلام کرده اند که همکاری فنی و نظامی با عربستان علیه طرف دیگری نیست گواه این مدعاست. روسها بیشتر حامل این پیام برای آمریکا بودند که بازار تسلیحاتی عربستان نفوذ کرده اند موضوعی که نگرانی آمریکا را به دنبال داشت و وزارت دفاع آمریکا از اینکه همیمانانش به خرید سامانه های موشکی روسیه گرایش پیدا کرده اند ابراز نگرانی کرد.

می توان گفت که بیشتر روسیه برنده این سفر است تا ملک سلمان و عربستان. درباره سوریه نیز به نظر می رسد که موضع سعودی ها به موضع مسکو نزدیک شده است؛ دیگر آنها حرفی از کنار رفتن بشار اسد نمی زنند. روزنامه البناء در مطلبی با اشاره به سفر ملک سلمان به روسیه و دیدار با پوتین آورده است: «سئوالاتی کنونی این است که کدام طرف از میان عربستان و روسیه قادر به تأثیر گذاری بر طرف دیگر در موضوع سوریه است؟ آیا ملک سلمان می تواند رئیس جمهور روسیه را در پذیرش دیدگاه ریاض درباره سوریه مجاب کند یا اینکه پوتین موفق می شود که دیدگاه عربستان درباره سوریه را عوض کند؟»

این رسانه در ادامه می نویسد: تحول خاصی در این زمینه رخ نخواهد داد زیرا نقش عربستان در کنار ائتلاف بین

المللی به هدایت آمریکاست که طراح و حامی جنگ تروریستی در سوریه است و عربستان نمی تواند خارج از این ائتلاف حرکت کند و هر گونه تغییر در موضع عربستان در قبال سوریه در راستای همین سقف ائتلاف بین المللی و کشورهای غربی که قانع شده اند طرح های آنها برای براندازی نظام سوریه و تبدیل سوریه به همپیمان غرب با شکست روبرو شده است، تعریف می شود. با توجه به روند تحولات میدانی و سنگین بودن کفه ترازو به نفع ارتش سوریه و متحدانش است، واقعیت طلب می کند که بازگشت از سقف های عالی مد نظر قرار بگیرد. شاید موضع گیری ترکی الفیصل به رسانه های روسی که سرنوشته بشار اسد را سوری ها تعیین می کنند و اینکه از احتمال تغییر موضع عربستان سخن گفته است در این راستا باشد.

البناء آورده است: اینکه روسیه برای دست برداشتن از سوریه در مبارزه با تروریسم با وسوسه روبرو شود موضوعی است که تاریخ آن سپهری شده است و این پس از توسعه سطح حمایت روسیه و با توجه به ارزیابی روسیه از مخاطرات تروریسم بر امنیت آن است. وانگهی روسیه از طریق مشارکت در جنگ با تروریسم در سوریه به دستاوردهای سیاسی رسیده است و جایگاه بین المللی روسیه ارتقا یافته است و سوریه تنها عرصه ای است که آمریکا بر سیاست گفتگو و رایزنی با روسیه به جای تحریم و اعمال مجازات و روبرویی مجبور شده است.» در موضوع سوریه، سعودی ها پذیرفته اند که با اقدام نظامی نمی توانند بشار اسد را کنار بزنند و این بشار اسد است که توانسته است بخش اعظم اراضی را به کنترل خود درآورد.

اما درباره پرونده ایران، موضع سعودی ها همچنان خصمانه است و روسیه این موضع را اشتباه می داند به ویژه که مسکو همواره در راستای نزدیک کردن دیدگاهها میان ایران و عربستان حرکت می کند. طرف سعودی به خوبی می داند که نمی تواند موضع مسکو را در قبال تهران تغییر دهد و از همین رو ملک سلمان و وزیر خارجه اش با حرفهای خود ضد ایران در واقع تبری در تاریکی شلیک کردند. اما روسیه از اینکه بتواند نقشی در کاهش اختلافات میان ایران و عربستان ایفا کند، خرسند خواهد بود.

اما بُعد دیگر این سفر به آمریکا و روسیه و موفقیت مسکو به ملحق کردن متحدان واشنگتن از جمله ترکیه و عربستان به جرگه همپیمانانش است. پوتین رئیس جمهور زیرکی است و قصد دارد که با ائتلاف بندی با ترکیه، ایران، عراق و مصر به عنوان کشورهای اصلی خاورمیانه نفوذ آمریکا را محدود کند و کشورش را به عنوان بازیگر قوی در حل بحرانهای منطقه مطرح کند. پوتین به دنبال جذب عربستان به اردوی روسیه نیز هست. بدون شک ترامپ این سفر را به دقت زیر نظر دارد و از این نزدیکی میان روسیه و عربستان خرسند نیست به ویژه که به عنوان تاجر شاهد عقد قراردادهای کلان میان مسکو و ریاض است.

اما درباره موضوع یمن سعودی ها و ملک سلمان به دنبال یافتن راه خروجی از این بحرانی که روز به روز بیشتر در آن در حال غرق شدن هستند، و پناه آوردن به روسها در این زمینه است. روسها هم از اینکه بتوانند نقشی در این باره ایفا کنند خرسند خواهند شد زیرا جایگاه منطقه ای آنان را تقویت می کند.

مشاور سنای آمریکا در گفتگو با مهر:

پیش بینی واکنش کنگره در خصوص برجام دشوار است / ساز مخالف فرانسه

جواد حیران نیا



مشاور مجلس سنای آمریکا گفت: ممکن است کنگره آمریکا تحریم‌هایی را علیه ایران در نظر بگیرد که برجام را نقض نکند.

همانگونه که انتظار می‌رفت «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا روز جمعه ۲۱ مهر در گزارش خود به کنگره مدعی عدم پایبندی ایران به برجام شد.

ترامپ در اظهارات خود مدعی شد: توافق به ایران اجازه می‌دهد که برنامه هسته‌ای ایش را کامل کند و تا چند سال دیگر که محدودیت‌ها برطرف شود؛ ایران به سراغ تأسیسات هسته‌ای می‌رود. فقط در برابر یک تعلیق موقت، ایران برای مدت کوتاهی از تأسیسات هسته‌ای عقب افتاده است. آمریکا می‌گوید که چرا در ابتدای توافق کلی پول به ایران داده شده است؟ ایران مرتکب موارد نقض این پیمان شده است و دو بار از محدودیت ۱۳۰ متریک تن غنی سازی خود فراتر رفته است. ایران بازرسان را ارباب کرده است.

ترامپ ادعا کرد: برخی معتقدند که ایران با کره شمالی همکاری داشته است. ایران روح برجام را نقض کرده است. قرار بود توافق هسته‌ای ایران به صلح و ثبات کمک کند؛ اما ایران تروریسم را پراکنده می‌کند. ایران روح توافق را نقض کرده است.

اما قدرت‌های جهانی به رغم عدم تأیید پایبندی ایران به توافق هسته‌ای از سوی دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، کماکان به اجرای برجام متعهد هستند و حسن روحانی، رئیس جمهوری ایران نیز در واکنش به اظهارات ترامپ گفته است آمریکا امروز تنها ترس از همیشه در برابر برجام قرار گرفته است. ایران تا زمانی که از منافع برجام برخوردار است، به آن احترام می‌گذارد.

فرانسه، آلمان و بریتانیا هم نسبت به سخنان ترامپ ابراز نگرانی کرده و بر تعهد خود در قبال برجام تأکید کرده‌اند. این سه کشور گفته‌اند توافق هسته‌ای به نفع امنیت ملی این کشورهاست.

فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز گفته است برجام یک قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل است و رئیس جمهور هیچ کشوری نمی‌تواند به آن پایان بدهد. روسیه هم از اظهارات ترامپ انتقاد کرده و گفته است چنین روش‌هایی برای حل مشکلات محکوم

|| اگر کنگره تحریم‌های هسته‌ای را باز گرداند یعنی عملاً نقض برجام صورت گرفته است. با این حساب ترامپ مسئولیت نقض برجام را نیز متوجه کنگره خواهد کرد. آیا کنگره تحریم‌های هسته‌ای را باز می‌گرداند؟

پیش بینی این موضوع که کنگره در مقابل برجام چه اقدامی انجام خواهد داد بسیار سخت است - کنگره با مسائل زیادی به خصوص در صحنه داخلی مواجه است. کنگره ممکن است تحریم‌هایی اضافی علیه ایران در نظر بگیرد که شرایط برجام را نقض نکنند؛ به عنوان مثال اعمال تحریم‌های بیشتر علیه ایران در خصوص برنامه موشک‌های بالستیک و حمایت از تروریسم.

|| در اروپا صدای واحدی در خصوص نقض برجام از سوی آمریکا شنیده نمی‌شود. امانوئل ماکرون رئیس جمهوری فرانسه چندی پیش اعلام کرد که باید چند بند به برجام اضافه شود و مسائل موشکی و حقوق بشری ایران نیز در قالب برجام آورده شود. این سخن تقریباً همان چیزی است که ترامپ می‌گوید. تصور می‌کنید اروپا با خواست آمریکا برای تجدیدنظر در خصوص برجام همراه خواهد شد؟

به نظر می‌رسد که واکنش اصلی اروپا مخالفت با پیام سخنرانی و اقدامات ترامپ باشد. موضع فرانسه در حال حاضر تا حدی متفاوت از موضع کشورهای اروپایی است.

|| محمد جواد ظریف وزیر خارجه ایران اعلام کرده که برجام یا با حضور همه طرف‌های متعاقد است یا بدون هیچ کس. بر این اساس واکنش ایران به خروج آمریکا از برجام چیست؟

ایران همچنان نسبت به اظهارات و اقدامات ترامپ بدگمان است. ایران در بازی طولانی درگیر شده و به خوبی می‌داند که ترامپ از انزوای ایالات متحده آمریکا در جامعه بین المللی آسیب خواهد دید و اینکه ممکن است ترامپ برنامه‌ای معتبر در خصوص ایران در منطقه خاورمیانه نداشته باشد.

به شکست است. در خصوص ابعاد مختلف این اقدام خبرنگار مهر گفتگویی با «برایان کاتولیس» مشاور سنای آمریکا انجام داده است که در ادامه می‌آید.

برایان کاتولیس عضو ارشد مرکز پیشرفت آمریکا است که در آن کار خود را در سیاست امنیت ملی ایالات متحده در خاورمیانه و جنوب آسیا متمرکز است.

وی به عنوان مشاور سازمان‌های متعدد دولت آمریکا، شرکت‌های خصوصی و سازمان‌های غیر دولتی در پروژه‌های کشورهای عراق، پاکستان، افغانستان، یمن، مصر، و کلمبیا خدمت کرده است. وی به عنوان سخنران در جلسات کمیته‌های مهم مجلس سنای آمریکا از جمله کمیته روابط خارجی و نیروهای مسلح حضور می‌یابد و مشاور سناتورهای مهمی نیز هست.

وی عضو وزارت دفاع و وزارت خارجه آمریکا و شورای امنیت ملی آمریکا نیز بوده است.

|| ترامپ در حالی که مخالفت‌های داخلی و بین‌المللی زیادی با لغو برجام از سوی وی داشت، برجام را لغو کرد. دلایل این کار از سوی وی چه بود و خواستار ارسال چه پیامی در داخل آمریکا از یک سو و جامعه بین‌المللی از سوی دیگر بود؟

من فکر می‌کنم انگیزه اصلی ترامپ عمل به وعده‌هایی بود که در طی مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری داده بود - یا حداقل عمل به خواسته‌هایی بود که باید انجام می‌شدند. او می‌خواست این پیام را به ایران و متحدان خود در خاورمیانه ارسال کند که قصد دارد اقدامات سخت تری را جهت مقابله با اقدامات ایران در منطقه در پیش بگیرد اما باید گفت که میان لفاظی‌هایی که ترامپ مطرح می‌کند و اقداماتی که تاکنون انجام داده است شکاف وجود دارد.

ترامپ می‌خواهد این پیام را به کنگره ارسال کند که او قصد دارد نمایندگان کنگره اقدامات بیشتری در رابطه با تحریم‌ها علیه ایران در خصوص موشک‌های بالستیک و حمایت از تروریسم در پیش گیرند.

محقق آمریکایی در گفتگو با مهر:

سپاه پاسداران بزرگترین مانع آمریکایی برای هژمونی منطقه‌ای است

پیمان یزدانی

آوردن صلح.

|| چرا دولت آمریکا سعی در هدف گرفتن سپاه پاسداران و نیروهای نظامی نخبه ایران دارد؟

نیروهای سپاه پاسداران در حقیقت همان نیروهای نظامی نخبه ایران هستند و به همین خاطر مورد هدف (آمریکا) قرار گرفته شده‌اند. آمریکا شناسایی می‌کند، مورد هدف قرار می‌دهد، و با قدرت نابود می‌کند، نهادهای مختلف را در میان ملت‌های خارجی متحد می‌کند تا از این طریق قدرت و تأثیر خود را در کشور مورد هدف به نمایش بگذارد. در ایران، در بین دیگر نهادهای سپاه به عنوان هدفی ویژه برای آمریکا به حساب می‌آید. سپاه خود را به عنوان یک نیروی موثر هم در ایران و هم در خارج از مرزهای این کشور به خصوص در برابر گروه‌های تروریستی نیابتی که آمریکا از آنها در داخل ایران و به منظور هدف قرار دادن مردم ایران و همچنین در سوریه، جایی که ایرانیان در حال مبارزه با شبه نظامیان مورد حمایت کشورهای خارجی هستند، استفاده می‌کند. سپاه پاسداران یک مرکز بسیار بزرگ قدرت ژئوپلیتیکی را در خاورمیانه و آسیای میانه نمایندگی می‌کند که هم علیه منافع آمریکا کار می‌کند و هم در برابر خشونت‌های نیابتی آمریکا دفاع می‌کند. همانطور که امپراطورها در سراسر تاریخ عمل کرده‌اند، آمریکا نیز به سادگی برای رفع موانع موجود بر سر راه هژمونی خود در خاورمیانه تلاش می‌کند. سپاه پاسداران بزرگترین مانع (بر سر راه آمریکا) است. هدف قرار دادن و تضعیف سپاه نه تنها به آمریکا اجازه خواهد داد تا سیاست‌های منطقه‌ای خود را دنبال کند، بلکه ایران را نیز در برابر براندازی‌های حاصل از حمایت‌های آمریکا آسیب‌پذیر خواهد کرد.

سیاستمداران آمریکایی از زمان رخ دادن کودتای ۱۹۵۳ (۲۸ مرداد ۱۳۳۲) در تهران همواره به دنبال کنترل ایران و تحولات سیاسی این کشور بوده‌اند. از آن زمان، آمریکا همواره به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم تلاش کرده تا از طریق ابزارهای اقتصادی، دیپلماتیک، نظامی و دیگر ابزارها، نظم سیاسی فائق بر ایران را زیر سوال برده و مورد براندازی قرار دهد.

برجام تنها آخرین تکرار این فرآیند است که در آن، سیاستمداران آمریکایی از سال ۲۰۰۹ توطئه چیدند تا «پیشنهادی فوق‌العاده» به ایران ارائه دهند و بعد ادعا کنند که ایران به تعهدات خود عمل نکرده است تا این کار زمینه‌ای شود برای توجیه کردن مواجهه اقتصادی و نظامی مستقیم‌تر با ایران.

«بهدا بروکینگز» به عنوان یکی از اتاق‌های فکر آمریکا با انتشار مطلبی با عنوان «راه دستیابی به ایران چیست؟ گزینه‌هایی برای استراتژی جدید آمریکا در برابر ایران»، به صراحت اشاره می‌کند که استقبال جامعه جهانی از تجاوز نظامی آمریکا علیه ایران بسیار ضعیف بوده و حمایت‌چندانی از آن نمی‌شود. سیاستمداران بروکینگز در این مطلب اشاره کردند که احتمالاً حمایت بیشتر از تجاوز آمریکا به ایران از این راه حاصل خواهد شد که آمریکا در ظاهر (برای بهبود روابط با ایران) تلاش کند اما رسیدن به توافق دیپلماتیک با ایران باز بماند. واضح است که آمریکا این کار را از طریق برجام انجام داد.

به عبارت دیگر، توافق ایران همواره به این معنا بوده که کارشکنی از سوی آمریکا در آن اجتناب‌ناپذیر بوده است - هیچ یک از عملکردهای ایران نمی‌تواند توقعات آمریکا از ایران در قبال برجام را برآورده کرده و منافع واشنگتن را تأمین کند. این کار همواره به معنای مکانیسمی برای ایجاد تحریک و توجیه جنگ بوده است و نه به دست

کارشناس آمریکایی مسائل ژئوپلیتیک معتقد است دلیل دشمنی آمریکا با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این است که این گروه نظامی مانعی در برابر هژمونی آمریکا در منطقه است.

در پی دلایل اصلی پشت پرده تخاصم آمریکا علیه سپاه پاسداران، «آنتونی کارتالوچی» محقق مسائل ژئوپلیتیک در بانکوک معتقد است تضعیف سپاه پاسداران به آمریکا اجازه می‌دهد تا برنامه‌های خود را در منطقه به پیش ببرد.

دولت ترامپ روز جمعه پاره‌ای از تحریم‌های جدید را علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به عنوان سازمانی قدرتمند به لحاظ امنیتی و نظامی اعلام کرد که در حقیقت نقشی کلیدی در اثرگذاری ایران در منطقه بر عهده دارد. این تحریم‌ها در حقیقت بخشی از دستور کار گسترده‌تر دولت ترامپ برای تنگ‌تر کردن عرصه بر ایران که به ادعای آمریکا حامی تروریسم در خاورمیانه به شمار می‌رود به حساب می‌آید.

برای روشن‌تر شدن بیشتر زوایای اهداف پشت پرده آمریکا از تحمیل این تحریم‌ها علیه سپاه پاسداران، خبرنگار مهر گفتگویی با آنتونی کارتالوچی محقق مسائل ژئوپلیتیک مستقر در بانکوک داشته است. متن کامل این مصاحبه در ادامه آمده است:

|| علیرغم تایید پایبندی ایران به برجام، دولت آمریکا فشارهای خود بر ایران را به بهانه‌ها و اتهامات واهی حفظ کرده است. هدف واقعی آمریکا چیست؟



صادق ملکی در گفتگو با مهر:

مشکل آمریکا با استقلال عمل ایران است

کارشناس مسائل منطقه با پرداختن به اختلافات تاکتیکی آمریکا و اروپا درباره توافق هسته ای گفت اساسا مشکل واشنگتن با ایران به خاطر استقلال عمل ایران در عرصه سیاست خارجی است.

همانگونه که انتظار می رفت «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا روز جمعه ۲۱ مهر در گزارش خود به کنگره مدعی عدم پایبندی ایران به برجام شد.

ترامپ در اظهارات خود مدعی شد: توافق به ایران اجازه می دهد که برنامه هسته ای را کامل کند و تا چند سال دیگر که محدودیت ها برطرف شود؛ ایران به سراغ تأسیسات هسته ای می رود. فقط در برابر یک تعلیق موقت، ایران برای مدت کوتاهی از تأسیسات هسته ای عقب افتاده است. آمریکا می گوید که چرا در ابتدای توافق کلی پول به ایران داده شده است؟ ایران مرتکب موارد نقض این پیمان شده است و دو بار از محدودیت ۱۳۰ متریکن تن غنی سازی خود فراتر رفته است. ایران بازرسان را ارباب کرده است.

ترامپ ادعا کرد: برخی معتقدند که ایران با کره شمالی همکاری داشته است. ایران روح برجام را نقض کرده است. قرار بود توافق هسته ای ایران به صلح و ثبات کمک کند؛ اما ایران تروریسم را پراکنده می کند. ایران روح توافق را نقض کرده است.

اما قدرت های جهانی به رغم عدم تأیید پایبندی ایران به توافق هسته ای از سوی دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، کماکان به اجرای برجام متعهد هستند و حسن روحانی، رئیس جمهوری ایران نیز در واکنش به اظهارات ترامپ گفته است آمریکا امروز تنها تر از همیشه در برابر برجام قرار گرفته است. ایران تا زمانی که از منافع برجام برخوردار است، به آن احترام می گذارد.

فرانسه، آلمان و بریتانیا هم نسبت به سخنان ترامپ ابراز نگرانی کرده و بر تعهد خود در قبال برجام تأکید کرده اند. این سه کشور گفته اند توافق هسته ای به نفع امنیت ملی این کشورهاست.

فدریکا مومگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز گفته است برجام یک قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل است و رئیس جمهور هیچ کشوری نمی تواند به آن پایان بدهد. روسیه هم از اظهارات ترامپ انتقاد کرده و گفته است چنین روش هایی برای حل مشکلات محکوم به شکست است.

در خصوص این مسئله گفتگویی داشته ایم با صادق ملکی کارشناس ارشد مسائل منطقه که مشروح آن در زیر آمده است:

|| اظهارات ترامپ در خصوص ایران و برجام در محافل سیاسی مورد توجه و تحلیل واقع شد. در این خصوص جویای نظر صادق ملکی کارشناس و تحلیلگر ارشد سیاسی شده و گفتگوی خود را با ایشان با این سؤال آغاز کردیم که ترامپ بدنبال چیست؟

انتخاب ترامپ را برای آمریکا و نظام بین الملل باید یک فاجعه تلقی کرد. امروز متأسفانه مردی خود شیفته و روان پریش که بر مسند ریاست جمهوری نشسته است که باید در مواجهه با او احتیاط کرد. ترامپ در سیاست خاورمیانه ای تاجری است که در

پیمان یزدانی



|| چقدر می توان به فاصله میان اروپا و آمریکا دل بست؟

صحنه سیاست محل دل بستگی نبوده و عرصه تأمین منافع است. اختلافات میان اروپا و آمریکا در خصوص ایران راهبردی نبوده و تاکتیکی است. اما در عرصه سیاست در بسیاری از اوقات همین اختلافات تاکتیکی فرصت ساز می باشد. بلکه حتماً برخی از شرکت های بزرگ اروپایی ملاحظات منافع کلان خود با آمریکا را بیشتر از سرمایه گذاری در ایران مدنظر قرار خواهند داد. توجه داشته باشید در صورت بروز یک بحران در ارتباط با ایران، اروپا به کانون بحران نزدیک است نه آمریکا. لذا در بخشی فارغ از منافع، نگاه امنیتی ناشی از بحران هسته ای و مسایل حاشیه ای آن، مد نظر پایتخت های اروپایی است. در این میان توجه داشته باشید اختلاف بروکسل با واشنگتن بیشتر در حوزه هسته ای و برجام بوده و اروپا و آمریکا در خصوص اتهامات حقوق بشری و ایران هراسی ناشی از قدرت موشکی با آمریکا همنا هستند. حتی در فشارهای حقوق بشری اروپا پیشگام تر هم می تواند باشد.

|| با مد نظر قرار دادن عملکرد کشورهای منطقه خصوصاً در مورد حمایت از گروه های تروریستی چون داعش آیا در دوران ترامپ بحران جدی میان تهران و واشنگتن قابل پیش بینی است؟

پیشگویی درباره آینده پیش رو دشوار است آن هم در منطقه خاورمیانه ای که در حال عبور از تحولاتی مهم اما گذار است. ریسک ورود به چالش جدی با ایران بسیار پرهزینه و پر دامنه خواهد بود. چالش ایران و آمریکا حاصل موضوع هسته ای نیست. آمریکا با استقلال عمل ایران مشکل دارد. از الگو شدن ایران هراسیده و می هراسد. آمریکا به خوبی می داند در نگاه خارج از ملاحظات کثیف عرصه سیاست، دولت ایران و مردم آن دولتی مدرن و تاریخی بوده و با نظام های قبیله ای و یا کشورهای قومی و مذهبی منطقه فاصله زیادی دارد. در حالی که هزاران نفر از کشور مدعی نظام سکولار و عضو ناتو به تروریست های داعش و... پیوسته اند ایران و ایرانیان در صفا اول مبارزه با تروریست ها بوده اند. اتهامات آمریکا در خصوص ایران، ناشی از ملاحظات سیاسی و اقتصادی بوده و واشنگتن با توجه به دسترسی های اطلاعاتی و تجربیات افغانستان و عراق بیش از همه می داند که عملکرد و کارنامه ایران در مواجهه با تروریسم قابل قیاس با متحدین منطقه ای آمریکا نیست.

خدمت ریاض و تل آویو است. عقبه بیش از یک دهه مذاکره با بکارگیری عقلانیت برخاسته از دستور عمل نرمش قهرمانانه توانست در سایه خردجمعی و مذاکرات تیم هسته ای به تدبیر برجام منجر گردید. اگرچه در نگاه آرمانی که چندان در سیاست جای ندارد برجام برای ایران هم نقطه ایده آل نبوده و نیست اما در شرایط خاص راهگشا خروج از بحران جدی بوده است. امروز روی کار بودن ترامپ نشان می دهد که توافق برجام در زمان و شرایط مناسب بوده است. در حال حاضر پایبندی به برجام برای ترامپ کابوس شده اما کار چندان از او بر نمی آید. اگرچه برجام توافقی چندجانبه و بین المللی است اما نقش آمریکا در آن از دیگران پررنگ تر بوده است و توجه داشته باشیم که ترامپ با وجود مخالفت با آن و علیرغم همه جاروجنجال ها همچنان توانسته است برجام را لغو نماید.

|| آیا اعتمادی به آمریکا و ترامپ هست که برجام لغو نشود؟

اعتماد به آمریکا ساده لوحی است. مذاکرات برجام هم نه براساس اعتماد و نه با هدف اعتمادسازی بوده است. این مذاکرات چارچوب تعریفی خاص خود را داشته و در آن راستا هم توافقات صورت گرفته است. در مورد ترامپ هم نباید نگران بود لغو برجام از سوی آمریکا غیرممکن نیست اما بسیار دشوار بوده و بطور جدی به اعتبار این کشور لطمه وارد خواهد کرد. فارغ از آن لغو برجام پایان دنیا نیست و اگر آمریکا آنرا یک طرفه لغو نماید خط فاصله ایجاد شده ناشی از لغو آن با سایر طرف های برجام، خود فرصتی است که برجام ایجاد خواهد کرد. یعنی در صورت خروج آمریکا از برجام باز شرایط ایران در قیاس با شرایط قبل از برجام در فضای بین المللی شرایط بهتری خواهد بود. در این میان لغو برجام به بهانه های واهی توسط آمریکا خود عامل انسجام و وحدت ملی بیشتر ایرانیان شده و این قلدری، پیمان شکنی، ظلم و ... در فرهنگ و نگاه مبتنی بر عاشورای ایرانیان معنای خاص خود را دارد.

|| چرا شرایط بهتری خواهد بود در حالی که ما زیرساخت ها را از میان برده ایم؟

در پاسخ بیشتر شرایط سیاسی در فضای بین المللی و خروج ایران از فصل هفتم شورای امنیت، مدنظر بود. اما باز باید توجه داشت که در موضوع هسته ای آمریکا بیش از ترس از زیر ساخت های هسته ای، از پیشرفت های علم مربوط به دستیابی ایرانیان به تکنولوژی دانش هسته ای نگران بوده و ترور دانشمندان هسته ای نیز روشنتر این نگرانی بوده است. نباید نگران بود. ایران دانش هسته ای خود را دفن نکرده است. آلمان و یا ژاپن کشور هسته ای نیستند اما با توجه به سطح پیشرفت و دانش در این کشورها، قرار گرفتن در میان قدرت های هسته ای برای این کشورها، امکانی قابل دسترس است. اگرچه ایران با این کشورها فاصله دارد اما یکی از دلایل تن دادن به برجام از سوی مذاکره کنندگان آگاهی آنان از میزان دانش هسته ای ایران بوده است. پس رسیدن و حتی فراتر رفتن ایران به قبل از برجام در موضوع هسته ای چندان دشوار نیست.

رئیس موسسه کنترل سلاح آمریکا:

ایران نیازی به تخطی از برجام ندارد / اقدام ترامپ غیر مسئولانه بود

عبدالحمیدیاتی



رئیس موسسه کنترل سلاح آمریکا با غیر مسئولانه خواندن سیاست های «ترامپ» عنوان داشت که اگر کنگره تحریمها را بازگرداند رفتار ایران در خصوص برجام به رفتار اروپا وابسته است.

«دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا روز دوشنبه ۲۴ مهر در ادامه بدعهدی این کشور در قبال توافق هسته ای ۱۴ جولای سال ۲۰۱۵ (۲۳ تیرماه ۱۳۹۴) موسوم به «برجام» از خروج واشنگتن از آن سخن گفت و اعلام کرد: پایان کامل برجام یک احتمال بسیار واقعی و قوی است. دیگر از امتیاز گرفتن دیگران از آمریکا خسته شده ام. شاید برخی بگویند که احتمال بیرون آمدن آمریکا از برجام، از احتمال ماندن در این توافق بیشتر باشد.

ترامپ روز جمعه گذشته نیز از تأیید پابندی ایران به برجام خودداری کرده و مدعی شد: توافق به ایران اجازه می دهد که برنامه هسته ایش را کامل کند و تا چند سال دیگر که محدودیت ها برطرف شود؛ ایران به سراغ تأسیسات هسته ای می رود. فقط در برابر یک تعلیق موقت، ایران برای مدت کوتاهی از تأسیسات هسته ای عقب افتاده است. آمریکا می گوید که چرا در ابتدای توافق کلی پول به ایران داده شده است؟ ایران مرتکب موارد نقض این پیمان شده است و دو بار از محدودیت ۱۳۰ متریکی تن غنی سازی خود فراتر رفته است. ایران بازرسان را ارباب کرده است.

اتخاذ این رویکرد از سوی رئیس جمهور آمریکا با واکنش های منفی زیادی مواجه شد تا جائیکه وزیران امور خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا در نشست روز دوشنبه ۲۴ مهر خود در لوکزامبورگ با صدور بیانیه ای ضمن حمایت همه جانبه از برجام از کنگره آمریکا نیز خواستند تا از خروج واشنگتن از توافق هسته ای کشورهای ۵+۱ با ایران جلوگیری کند.

اتخاذ این رویکرد از سوی ترامپ آینده مهمی را برای برجام رقم زده و اتخاذ رویکرد متحد از سوی مقامات ایرانی نیز موجب شده تا ادامه حیات توافق هسته ای در هاله ای از ابهام قرار بگیرد از همین رو برای روشن تر

از بین رفتن کامل برجام قوت گرفت. ترامپ با وجود توصیه های متحدان کلیدی آمریکا و کارشناسان پیشرو در موضوع منع اشاعه جهان، اعلام کرد که برجام این توافق موفق هسته ای که در سال ۲۰۱۵ بین ایران و کشورهای ۵+۱ و اتحادیه اروپا به سرانجام رسید، را تأیید نمی کند. ترامپ در بیان دلیل خود برای این کار عنوان داشت که معتقد است تحریم های لغو شده علیه تهران متناسب با محدودیت های تعریف شده برای ایران در برجام نیستند. ترامپ با این کار درها را برای اقدام کنگره و اعمال مجدد تحریم های لغو شده علیه ایران و همچنین اعمال تحریم هایی اضافه بر آنها باز کرد.

ترامپ همچنین تهدید کرده که اگر کنگره نتواند قانون جدیدی را علیه ایران اعمال کند به حضور آمریکا در برجام پایان می دهد و به این ترتیب امکان اعمال دوباره تحریم ها علیه ایران فراهم می شود. در همین رابطه سناتور «باب کورکر» و «تام کاتن» که هر دو از جمهوریخواهان حاضر در کنگره هستند اعلام کرده اند که بر اساس خواسته ترامپ پیش نویس قانونی را آماده می کنند که بر اساس آن اگر ایران از محدودیت های در نظر گرفته شده برای این کشور که بر اساس مفاد برجام تاریخ هایی برای پایان این محدودیت ها در نظر گرفته شده، عبور کند تحریم هایی علیه تهران اعمال شود.

|| شما به پیش نویس مورد نظر سناتور کورکر و کاتن علیه ایران اشاره کردید، آیا با توجه به وضعیت موجود در کنگره امکان تصویب آن وجود دارد؟

به موجب پیش نویس مورد نظر کاتن و کورکر، امکان مذاکره مجدد و یکجانبه با ایران برای تغییر یک توافق چند جانبه امکان پذیر می شود. چنین پیش نویس برای تصویب نیاز به رای بالایی مثبت دارد. مثلاً در سنا باید از ۱۰۰ رای ۶۰ رای مثبت را به خود اختصاص دهد. در حالیکه تعدادی از سناتورهای کلیدی دموکرات و برخی از سناتورهای جمهوریخواه مخالفت خود را با چنین رویکرد افراط گونه ای اعلام کرده اند پیش بینی می شود که

شدن این وضعیت با «داریل کیمبال» رئیس موسسه کنترل سلاح آمریکا به گفتگو نشستیم. کیمبال از سال ۲۰۰۱ تا کنون مدیر اجرایی انجمن تحقیقاتی کنترل سلاح آمریکا است و در سال ۲۰۰۴ میلادی توسط نشنال ژورنال به عنوان یکی از ۱۰ چهره تاثیرگذاری که نظریات آنها به شکل گیری سیاست های آتی در مورد آینده تسلیحات هسته ای کمک می کند معرفی شده است. متن کامل این گفتگو به شرح زیر است:

|| دونالد ترامپ روز دوشنبه ۲۴ مهر عنوان کرد که پایان برجام یک احتمال بسیار قوی است. وی روز جمعه نیز از تأیید برجام خودداری کرده بود. اتخاذ این رویکرد چه وضعیتی را برای برجام رقم می زند؟
در حقیقت ترامپ با این اقدام خود کاری کرد که احتمال



ساز و کارهایی با کشورهای دیگر از جمله روسیه در خصوص تامین سوخت مورد نیاز برای راکتورها رسیده، بنابراین بصورت منطقی ایران نیازی به افزایش توانایی خود برای غنی سازی اورانیوم (افزایش سطح غنی سازی) ندارد.

ادامه سیاست های خصمانه آمریکا چه تبعاتی می تواند داشته باشد؟

متأسفانه سیاست غیر مسئولانه ترامپ ادامه حیات برجام را زیر سوال برده و می تواند بار دیگر ما را به سمت جنگ سوق دهد بویژه اگر ایران تصمیم بگیرد که بطور ویژه ای توانایی خود در غنی سازی اورانیوم را افزایش دهد و یا تهران از همکاری کامل با آژانس بین المللی انرژی اتمی در خصوص بازرسی ها که با هدف تأیید صلح آمیز بودن برنامه هسته ای این کشور طراحی شده سرباز بزند. روزهای سختی در پیش داریم، اما ممکن است رهبران هوشیار بر این وضعیت پیروز شوند. موسسه ما (انجمن کنترل سلاح) اینجا در واشنگتن بر روی این موضوع کار می کند که رهبران منتخب آمریکا را متقاعد کند که ایالات متحده به تعهدات خود در برجام عمل کند تا این تشویقی باشد برای همه طرف ها تا بطور کامل تعهدات خود را انجام داده و بدنبال حمایت جهانی برای حیات بندهای خلاقانه عدم اشاعه موجود در توافق برای سال های آینده باشیم.

اجرا بگذارد این تحریم ها شامل محدودیت های «فرا آمریکایی» می شوند که در خصوص شرکت ها و بانک هایی که با ایران کار می کنند اعمال می شود. اگر چنین وضعیتی رخ دهد فکر می کنم اتحادیه اروپا در مقام دفاع از بانک ها و شرکت های خود در برابر چنین تحریم های فرا آمریکایی برآید. چنینی اقدامی از سوی اتحادیه اروپا تا حد زیادی قدرت تاثیر تحریم های جدید آمریکا را کاهش داده و احتمال ادامه حضور ایران در برجام را افزایش می دهد زیرا به این ترتیب ایران می تواند از فواید سرمایه گذاری و تجارت که به موجب برجام فراهم شده همچنان بهره مند شود.

اشتباه ترامپ در عدم تأیید برجام که با درخواست وی برای تصویب قانون و تهدید وی برای خروج از آن همراه شده است با حمایت جامعه بین الملل همراه نمی شود و این امکان را فراهم می سازد که ایران از برخی از محدودیت های موجود در برجام تخطی کند.

ایران باید هوشیار باشد تا در دامی که توسط برخی در واشنگتن پهن شده تا تهران را به عنوان عامل از بین رفتن برجام معرفی کنند نیافتد. علاوه بر آن ایران بنا به دلایل فنی و اقتصادی برای تولید ایزوتوپ های پزشکی و تولید برق نیازی به تخطی از محدودیت هایی که در برجام برای این کشور در نظر گرفته شده ندارد. ایران به

این پیش نویس در کنگره تصویب نشود. اگر کنگره این پیش نویس را تصویب نکند و ایران به برجام پایبند باشند ممکن است برجام به حیات خود ادامه بدهد. «حسن روحانی» رئیس جمهور ایران تا کنون رفتار عاقلانه ای داشته و بصورت منطقی اعلام کرده که ایران اولین کشوری نخواهد بود که از برجام خارج می شود. اما وی این موضع را نیز اعلام کرده که اگر دیگر طرف ها برجام را به هم بزنند ایران فعالیت صلح آمیز هسته ای خود را از سر می گیرد.

هر چند روحانی این اظهارات را بیان کرده اما مشخص نیست که در صورت نقض برجام از سوی آمریکا و حرکت ترامپ در مسیر اعمال دوباره تحریم ها علیه تهران که نقض صریح برجام محسوب می شود آیا ایران فعالیت های هسته ای ممنوع شده در برجام را انجام می دهد یا خیر. اینکه ایران چنین رفتاری را از خود نشان می دهد یا نه تا حد زیادی به اقدامات اروپا بستگی دارد.

شما به رفتار اروپا اشاره کردید، اگر آمریکا تصمیم به خروج از برجام بگیرد واکنش اروپا به آن چگونه خواهد بود؟

اگر آمریکا تحریم های جدیدی را علیه ایران وضع کرده و یا تحریم های قبلی را مجدداً علیه تهران به

نسخه دیپلمات افراطی برای برجام/سناریوی برای تحمیل توافق ثانویه

محمد قادری



ظاهراً مقامات واشنگتن به این نتیجه رسیده اند که باید عملاً توافق موجود را کنار گذاشت و توافقی ثانویه در این باره منعقد کرد که بتواند دغدغه های چند گانه رئیس جمهور آمریکا را در برجام تأمین کند. جان بولتون نماینده سابق ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل متحد و یکی از اصلی ترین مخالفان توافق هسته ای، در تازه ترین سخنان خود تأکید کرده است که برجام اساساً قابل تغییر نیست.

بولتون اذعان کرده است که توافق هسته ای امضا شده بین کشورهای ۵+۱ و ایران قابل اصلاح نیست و نمی توان بندی به آن اضافه کرد.

بولتون در این باره تأکید کرده است: «آنچه مهم است افزودن بندهای فرعی به این توافق نیست بلکه اصل توافق اشتباه بوده و به هیچ وجه قابل اصلاح نیست!» این اظهارات بولتون را باید در کنار اظهارات اخیر رکس تیلرسون وزیر خارجه آمریکا قرار داد. وی که خود یکی از مخالفان نقض ظاهری توافق هسته ای از سوی کاخ سفید است، اخیراً از احتمال انعقاد «توافق ثانویه» میان ایران و اعضای ۵+۱ سخن به میان آورده است!

تیلرسون اخیراً در گفت و گو با شبکه تلویزیونی سی ان ان با تأکید بر اینکه کاخ سفید از کنگره درخواست اعمال تحریم هایی علیه ایران را ندارد که موجب لغو برجام شود گفته است: «اگر اقدامی در خصوص این توافق صورت نگیرد، رئیس جمهوری اصرار دارد که از آن خارج شود. رئیس جمهوری راهبرد جامع تری در قبال ایران می خواهد. برای مدت زمانی طولانی و به ویژه در دولت پیشین، ما روابط با ایران را محدود به توافق هسته ای کردیم. این توافق نقص ها و ضعف هایی دارد که ما نه تنها می خواهیم به این ها رسیدگی کنیم، بلکه قصد

دغدغه های چند گانه رئیس جمهور آمریکا را در قبال برجام تأمین کند.

بدیهی است که میان اظهارات بولتون درباره غیر قابل تغییر بودن برجام و اظهارات تیلرسون در خصوص احتمال انعقاد توافقی ثانویه هماهنگی کامل وجود داشته است.

لازم به ذکر است که طی هفته های اخیر، بحث های زیادی در کمیته بررسی برجام در آمریکا بر سر شیوه و شکل اعمال تغییر در توافق هسته ای صورت پذیرفته است.

آنچه مسلم است اینکه؛ اساساً برای جمهوری اسلامی ایران اهمیتی ندارد که مقامات آمریکایی در راستای اعمال خواسته های ترامپ در برجام به کدام مکانیسم ظاهری و شکلی متوسل شوند و هر گونه تلاش و اقدامی در راستای تغییر توافق هسته ای - هر اندازه هم این تغییر کوچک و محدود باشد - از سوی کشورمان غیر قابل قبول است.

داریم مجموعه تهدیدهای بسیار دیگری هم که از جانب ایران متوجه منطقه است، مورد بررسی قرار دهیم. یک توافق داریم که می خواهیم با دیگر طرف ها برای رفع نواقص آن تلاش کنیم و امکان دارد که این موارد را در توافقی ثانویه بگنجانیم!

به نظر می رسد مشاوران حقوقی ترامپ به این نتیجه رسیده اند که وضع محدودیت های جدید در برجام در قالب یک الحاقیه یا اصلاحیه اساساً امکان پذیر نیست زیرا الحاقیه، نباید به مثابه نقض مفاد و بندهای اصلی یک توافق تلقی شود. این در حالی است که تأکید ترامپ در خصوص اصلاح بندهای موسوم به «غروب آفتاب» به معنای تغییر متن توافقی اصلی خواهد بود.

در چنین شرایطی، مقامات آمریکایی به این نتیجه رسیده اند که باید عملاً توافق موجود را به کناری گذاشت و توافقی ثانویه در این خصوص منعقد کرد که بتواند



خاورميانه و شمال افريقا

فصول پایانی جنگ در سوریه؛ خاورمیانه ملتهب می ماند

فرزاد فرهادی



جنگ در سوریه اگر چه به اعتقاد ناظران امور این کشور فصول پایانی خود را طی می کند اما این به منزله تمام شدن توطئه ها و تحرکات آمریکا در منطقه خاورمیانه نخواهد بود.

شرایط در سوریه به نحوی به پیش می رود که کاملاً متفاوت با سالهای اول بحران است اما هنوز تلاش ها و تحرکات آمریکا و همپیمانان منطقه ای آن در جریان است. موضوعی که بشار الجعفری نماینده دائم سوریه در سازمان ملل از آن به دروغ پردازی و انحراف افکار عمومی یاد کرده است.

وی اعلام کرد: «سیاست سوریه بر دو محور مبارزه نامحدود با تروریسم و همزمان پیگیری روند سیاسی برای حل و فصل بحران متمرکز است و اعتقاد به اینکه مذاکرات سوری-سوری راهکار حل بحران سوریه و موضع ثابت دمشق است. زمان پایان دروغ ها و انحراف افکار عمومی درباره جنگ تحمیلی ضد سوریه فرا رسیده است. دولت سوریه از ابتدای جنگ با سازمان ملل و نهادهای وابسته به آن همکاری کرده است و آماده همکاری با هر تلاش صادقانه ای که به نفع ملت سوریه به دور از سیاست های تحمیلی و دیکته شده است. برخی از مطالبی سخن به زبان می آورند که واقعی نیست و به گفته ها و دروغ پردازی های رسانه های مربوط می شود. ما خواستار روابط بر پایه قانون و اخلاق با سازمان ملل و مبتنی بر عدم سیاسی کردن پرونده انسانی و نیز رابطه شراکت و واقعی هستیم. اینکه برخی کشورها اقدام بشردوستانه را به شروط سیاسی ربط بدهند نابود کننده نقش سازمان ملل است. ما با پیشنهاد کمیته بین المللی برای ایجاد ساز و کار سه جانبه سوریه، روسیه و سازمان ملل با هدف تقویت هماهنگی درباره امور بشردوستانه و کمک های انسانی موافقت کردیم و بر ضرورت ارسال این کمکها به همه مناطق از جمله مناطقی که دست ارتش سوریه از جمله در دیرالزور آزاد شده، هستیم».

بحران سوریه با تحرکات کشورهای غربی و ادوات آنها در منطقه برای سرنگونی نظام سوریه آغاز شد و فشارها در سال های اول بحران به اوج خود رسید اما زمانی که در شورای امنیت تلاش های آنها با حمایت قوی روسیه از دمشق راه به جایی نبرد و همه تحرکات آنها در جبهه نظامی نیز با ناکامی روبرو شد از براندازی بشار اسد نا امید شدند و تغییر رویه دادند. پیروزی های ارتش سوریه و متحدانش در این میان نقش به سزایی در تغییر موازنه داشت.

در ابتدای بحران سوریه، نیروهای ارتش سیاست صرف نظر کردن از جغرافیا با هدف تثبیت و بهبود شرایط دفاعی را مورد توجه قرار دادند به عبارت دیگر در سه سال اول بحران اولویت دولت سوریه پیاده کردن این سیاست بود اما در سه سال بعد اوضاع عوض شد و سیاست توسعه جغرافیایی مد نظر قرار گرفت و عملیات های نظامی در مناطق مختلف سبب شد که اراضی از دست رفته به آغوش دمشق بازگردد و ترجمان عملی تسلط بر مناطق گسترده و شکست های سریالی تروریستها بود و آنچه وزارت دفاع روسیه از سیطره ارتش سوریه و متحدانش بر ۸۷ درصد مساحت سوریه خبر داد.

عمر معروونی کارشناس و تحلیلگر نظامی در گفتگویی با العهد در این باره گفت: «پس از شروع عملیات فجر

بزرگ به سمت البادیه سوریه، عملیات ارتش سوریه و متحدانش از مرحله دفاع متحرک که شامل دفاع منفی و مثبت بود به مرحله حمله فراگیر و راهبردی سوق داده شده است.

وی می افزاید: در مرحله نخست جنگ اولویت تثبیت مواضع در مناطقی که قلب سوریه محسوب می شدند و از اهمیت راهبردی برخوردارند، بود. مناطقی که شامل شهرهای بزرگ، راههای ارتباطی میان آنها و تاسیسات حیاتی سوریه در آن قرار داشت. اما هم اکنون این مرحله به پایان رسیده است و این با آزادسازی حلب و حومه شرقی از لوث تروریستها رخ داده است. در واقع آزادسازی حلب زیر بنای مرحله ای است که در آن به سر می بریم به ویژه که همزمان با آن عملیات های آشتی با توجه به فشار نظامی که بر روی گروههای مسلح وجود داشت در آن برهه صورت گرفت و داربا، المعضیمه، خان الشیخ، الکسوه و الدرخیبه و برخی دیگر از مناطق و حتی صعصع در ورودی قنيطرة و منطقه غباغب در شمال درعا، قدسیا،

درعا، قدسیا،

الهامیه و بزه و القابون به سیطره دولت سوریه درآمدند. معروونی تاکید کرد: همه این مناطق با عملیات نظامی و فشاری که از سوی ارتش صورت گرفت، به آغوش سوریه بازگشتند. پس از آن عملیات نظامی در حومه شرقی حلب، تدمر و فجر ۱،۲،۳ و رسیدن نیروها به دیرالزور و شکستن محاصره انجام شد. به این ترتیب ۸۷ درصد از شهر در کنترل ارتش سوریه قرار گرفت و ارتش در شمال دیرالزور نیز به پیشروی های خود ادامه داد.

این کارشناسان نظامی در ادامه به پیشروی های ارتش سوریه با حمایت متحدانش اشاره می کنند و می افزاید: آتش سنگین و مشارکت فعال متحدان ارتش سوریه نقش اساسی در بازپس گیری محور حمیمه، شاره الوعر، وادی رطیمه در شمال شرق التنف با هدف رسیدن به شهر البوکمال داشت و این همزمان با عملیات ارتش سوریه از دیرالزور به سوی شهر المیادین پس از احداث پل شناور از سوی روسها بود.

معروونی نسبت سیطره بر اراضی سوریه از سوی طرفهای

برخوردار است. در حال حاضر هم در داخل سوریه، وضعیت «بشار اسد» رئیس جمهوری کشور نسبت به آغاز بحران، بهبود چشمگیری پیدا کرده است. وی در میان نیروهای نظامی سوریه از محبوبیت زیادی برخوردار است. اگرچه در آغاز بحران، انتقادهایی از بابت ضعف، متوجه اسد بود و در همان حال رسانه‌های غربی سعی می‌کردند وی را دیو صفت نشان دهند؛ تجربیات حاصل از جنگ به بهبود وجهه وی کمک بزرگی کرد. در حال حاضر، به طور نسبتاً پیوسته شاهد پیروزی سوریه و متحدانش در میدان‌های جنگ هستیم. با این وجود، توقف تردد تروریست‌ها به داخل مرزهای این کشور، مدت زمان بیشتری طول خواهد کشید و به طور حتم به برخی تعاملات با دولت‌های منطقه‌ای که حامی تروریسم هستند، بستگی دارد. در این جا منظور اصلی قطر، ترکیه و عربستان سعودی است. همه این کشورها به نوبت، با حمایت آمریکا، انگلستان و فرانسه در جابجایی از تروریسم نقش داشته‌اند اما نشانه‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه حتی این قدرت‌های بزرگ نیز رفته رفته از طرح شکست خورده خود، عقب نشینی می‌کنند.

در پایان می‌توان گفت که چشم‌انداز سوریه حکایت از این دارد که جنگ در سوریه در فصل پایانی خود قرار دارد اما این به منزله پایان جنگ‌های خاورمیانه و تحرکات بی ثبات‌کننده آمریکا و رژیم صهیونیستی نخواهد بود. طرح‌های آمریکایی-صهیونیستی برای فروپاشی منطقه به نحوی که در خدمت تل آویو باشد ادامه دارد. مرحله‌ای که سوریه در آن قرار دارد خطرناکترین فصل جنگ‌های نظامی است اما این بدان مفهوم نیست که دیگر فصل‌های جنگ سوریه از اهمیت کمتری برخوردار است. شکست تروریسم در سوریه به مفهوم پایان طرح‌های آمریکا، رژیم صهیونیستی و هم‌پیمانان آن در منطقه نیست. طرح‌های آنها به ادوات و ابزار و شیوه‌های دیگر ادامه خواهد داشت. به عبارت دیگر حتی پس از پایان جنگ، تحرکات و حملات به شیوه‌های مختلف به دولت سوریه و محور مقاومت ادامه می‌یابد.

سوریه خواهیم بود». این درحالی است که تیم اندرسون نویسنده کتاب جنگ کثیف علیه سوریه در گفتگو با خبرنگار مهر درباره چشم‌انداز بحران سوریه گفت: «فکر می‌کنم از دید همه، پیشروی نیروهای سوریه و متحدین آنها امری واضح است. اما پایان درگیری و حصول راه حل سیاسی تا حدی به کنار آمدن با حامیان گروه‌های تروریستی نظیر عربستان سعودی، قطر، ترکیه، اسرائیل و برخی دیگر از کشورها بستگی دارد. به همین دلیل نیز هست که نقش دیپلماتیک ایران و روسیه در این میان از اهمیت برخوردار است چراکه به عنوان مثال سوریه با ترکیه و قطر رابطه‌ای ندارد حال آنکه ایران از چنین امکانی برخوردار است. البته رویکرد ایران و روسیه در قبال سوریه متفاوت از ترکیه و قطر است اما به هر حال مذاکره برای یافتن راه حل دیپلماتیک بلند مدت برای پایان دادن به بحرانی که تحت تاثیر عوامل خارجی است، از اهمیت زیادی

درگیر را اینگونه توضیح می‌دهد: داعش فقط ۱۱ تا ۱۵ درصد از اراضی سوریه را تحت اشغال خود دارد. دیگر گروه‌های تروریستی ۱۵ درصد، کردهایی که نیروهای سوریه دموکراتیک خوانده می‌شوند ۲۲ درصد و بقیه در اختیار ارتش سوریه و متحدانش است. داعش فقط ۱۱ تا ۱۵ درصد از اراضی سوریه را تحت اشغال خود دارد. دیگر گروه‌های تروریستی ۱۵ درصد، کردهایی که نیروهای سوریه دموکراتیک خوانده می‌شوند ۲۲ درصد و بقیه در اختیار ارتش سوریه و متحدانش است. وی تاکید کرد: ما در برابر مرحله‌ای کاملاً متفاوت قرار داریم که تحول راهبردی محسوب می‌شود. پیروزی در دیرالزور، مرتبط کردن مرزهای سوریه با عراق، به ویژه که این برای محور مقاومت از اهمیت به سزایی برخوردار است. به زودی شاهد پایان کامل گروه‌های تروریستی در



گفتگو با مقام سابق وزارت خارجه آمریکا:

«تجزیه» اوضاع عراق را بدتر می‌کند / ایران مشکلی با قومیتها ندارد

جواد حیران نیا



همزیستی با قومیتها مشکلی نداشته است. اما برخی کشورها از جمله عراق با این موضوع دارای مشکلاتی بوده‌اند.

رئیس پیشین میز ایران در وزارت خارجه آمریکا در ادامه افزود: از همین رو است که در عراق شاهد این معضلات هستیم.

وی یادآور شد: در ایران مرزها بین کرد، عرب، ترک و فارس هرگز متصل نشده است. بسیاری از مناطق دارای ترکیب جمعیتی متنوع هستند و ازدواج‌هایی میان اقوام مختلف صورت گرفته است.

دستیار معاون وزیر خارجه پیشین آمریکا در ادامه تاکید کرد: در خصوص مرزهای مذهبی هم در خصوص ایران می‌توان این موضوع را گفت و تصدیق کرد.

جان لمبرت در ادامه افزود: در عراق میراثی از سیاستهای قومی و مذهبی وجود دارد و در حال حاضر نیز عراق با این میراث مواجه است.

این مقام سابق وزارت خارجه آمریکا در ادامه گفت: اما باید توجه داشت که تقسیم کشور عراق به دولت‌ها (کشورها) کوچک هیچ چیزی را حل نخواهد کرد.

رئیس پیشین میز ایران در وزارت خارجه آمریکا با اشاره به اینکه «تجزیه» اوضاع عراق را بدتر می‌کند گفت: ایران مشکلی با مسأله قومیتها هرگز نداشته است. علیرغم افزایش مخالفت‌های بغداد و کشورهای همسایه عراق با جدایی اقلیم کردستان و تجزیه عراق، همه پرس‌و‌جایی کردستان عراق امروز در حال برگزاری است. ناظران معتقد هستند جدایی احتمالی اقلیم نفع و صرفی برای مردم کرد نخواهد داشت؛ چرا که کشوری محصور در خشکی و با ضعف ژئوپلیتیک و عدم شناسایی از سوی جامعه بین‌المللی در سرزمین پر منازعه خاورمیانه ظهور خواهد کرد.

«جان لمبرت» رئیس پیشین میز ایران در وزارت خارجه آمریکا در خصوص همه پرس‌و‌جایی اقلیم کردستان عراق به خبرنگار مهر گفت: اصول در اینجا مهم است. بسیاری از کشورهای خاورمیانه باید راهی را برای زندگی با هویت‌های قومی، نژادی و مذهبی بیابند.

وی در ادامه تصریح کرد: ایران هرگز در خصوص

وی افزود: در واقع تقسیم عراق اوضاع را وخیم‌تر می‌کند. لمبرت در پایان تصریح کرد: البته همسایگان عراق از اقدام همه پرس‌و‌جایی اقلیم کردستان عراق خوشحال و خرسند نخواهند شد. چرا که این کشورها جمعیت‌های کردی در خود دارند که برخی از آنها نسبت به آن آسیب‌پذیر هستند.

فعال سیاسی بحرینی در گفتگو با مهر:

آل خلیفه فاقد مشروعیت است / تلاش برای برقراری رابطه با صهیونیسم

رامین حسین آبادیان



«علی الفایز» فعال سیاسی بحرینی با بیان اینکه رژیم آل خلیفه مشروعیت خود را از دست داده، گفت: آل خلیفه برای بازیابی مشروعیت به برقراری روابط با دشمن صهیونیستی متوسل شده است. مردم بحرین در سال ۲۰۱۴ به منظور تحقق مطالبات مشروعی که آل خلیفه از آنها سلب کرده بود، قیام کردند. در طول تمامی روزها، ماهها و سالهایی که از قیام مردمی در بحرین سپری می‌شود انقلابیون هیچگاه از مسیر صلح‌طلبی در بیان خواسته‌های به حق خود خارج نشده‌اند. این در حالی است که در طول این مدت، رژیم آل خلیفه به انواع و اقسام راه‌ها و شیوه‌های اعمال فشار بر انقلابیون با هدف منصرف ساختن آنها از خواسته‌هایشان، متوسل شده است. استفاده از اشکال مختلف شکنجه‌ها، بازداشت‌های بدون تفهیم اتهام، یورش به منازل انقلابیون و تخریب آنها، سلب تابعیت شمار زیادی از شیعیان و اعطای تابعیت به اتباع خارجی تنها گوشه‌ای از سلسله فشارهای گسترده‌ای است که توسط حکام آل خلیفه بر انقلابیون بحرینی تحمیل شده است؛ فشارهایی که اخیراً نیز با سلسله تدابیر ناپخته تصمیم‌گیران خاندان آل خلیفه تشدید شده‌اند.

در همین ارتباط خبرنگار مهر گفتگویی را با «علی الفایز» فعال سیاسی بحرینی ترتیب داده است که مشروح آن از نظر می‌گذرد:

|| همانگونه که می‌دانید قریب به ۴ ماه است که از اقامت اجباری شیخ عیسی قاسم سپری می‌شود و رژیم آل خلیفه همچنان از شکست آن خودداری می‌کند. تداوم اقامت اجباری رهبر عالی شیعیان بحرین چه پیامدهایی می‌تواند به دنبال داشته باشد؟

هدف قرار دادن شیخ عیسی قاسم در بحرین در واقع، به مثابه هدف قرار دادن تمامی اقشار ملت بحرین است. آل خلیفه به دنبال آن است تا میان شیخ عیسی قاسم و انقلابیون بحرینی فاصله بیندازد و آنها را از هم دور کند. رژیم آل خلیفه با این اقدام، ارزشها و باورهای ملت بحرین را هدف قرار داده است. این رژیم در صدد تغییر باورهای مردم بحرین است. اما نمی‌داند که مردم بحرین تحت هیچ شرایطی حاضر به دست کشیدن از شیخ عیسی نیستند و به راه وی ادامه می‌دهند.

ادامه اقامت اجباری شیخ عیسی قاسم توسط رژیم آل خلیفه از یک سوی خشم انقلابیون بحرینی را بیش از پیش افزایش می‌دهد و از سوی دیگر بر انزوای رژیم آل خلیفه خواهد افزود. امروز ما شاهد هستیم که رژیم آل خلیفه به یک رژیم منزوی تبدیل شده است و همه می‌دانند که نمایندگی مردم بحرین را برعهده ندارد.

|| اکنون که در ماه محرم الحرام قرار داریم، شاهد آن هستیم که رژیم آل خلیفه در

از دیدگاه ملت بحرین، مسأله فلسطین مسأله اصلی امت اسلامی است. رژیم آل خلیفه اکنون نمایندگی مردم بحرین را برعهده ندارد. مردم بحرین به مسأله فلسطین پایبند هستند و صهیونیستها را دشمن خود می‌پندارند.

دوستان و دشمنان ملت بحرین کاملاً واضح و مشخص هستند. مردم بحرین در محور حق و حقیقت حرکت می‌کنند و صف دوست و دشمن خود را جدا کرده‌اند. صهیونیستها در صف دشمن قرار دارند و این آل خلیفه است که با آنها ارتباط برقرار می‌کند. ابزار ما، ابزار مقاومت است. رژیم آل خلیفه منتخب مردم بحرین نیست و بر اساس اراده ملت بحرین حرکت نمی‌کند. آل خلیفه با برقراری ارتباط با رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند تا برای خود مشروعیت بخرد.

|| آل خلیفه در طول قریب به هفت سال گذشته به انواع و اقسام اقدامات خشونت آمیز و ضد حقوق بشری برای مقابله با انقلاب بحرین متوسل شده است. آیا این اقدامات تاکنون منجر به توقف تحرکات انقلابی مردم بحرین منجر شده‌اند؟

به هیچ وجه رژیم آل خلیفه تاکنون نتوانسته است که افکار و عقاید مردم بحرین را سرکوب کند. گلوله‌های آل خلیفه تنها می‌تواند جان‌ها را از جسم‌ها بستاند و کار بیشتری انجام نمی‌دهد. با شلیک گلوله، افکار، عقاید و ارواح کشته نمی‌شوند. رژیم آل خلیفه تنها به جسم انقلابیون آسیب می‌رساند.

باوجود تمامی سرکوب‌های صورت گرفته علیه مردم بحرین، روح انقلابی همچنان در رگ‌های انقلابیون جریان دارد و آل خلیفه خود نیز این مسأله را به خوبی می‌داند. رژیم آل خلیفه تاکنون از طریق سرکوبگری‌های گسترده خود به اهدافش نرسیده است. علت اصلی این مسأله هم این است که صهیونیستها در مقابل ملت بحرین و روح انقلابی آن عاجز هستند.

اقداماتی که کاملاً با دین اسلام در تعارض بوده و با اصل آزادی اندیشه و بیان و عقاید در تناقض است، اقدام به برچیدن مظاهر عاشورایی از سرتاسر این کشور می‌کند. هدف از این اقدام موهن چیست؟

امام حسین (ع) بزرگترین الگوی انقلابیون به شمار می‌رود. امام حسین (ع) سید و سرور تمامی آزادگان عالم هستند. ایشان به انقلابیون می‌آموزند که چگونه باید به مسیر خود ادامه دهند و با ظلم و فساد مبارزه کنند. ایشان به مبارزان می‌آموزند که چگونه باید با یزیدیان زمان مبارزه کرد و در مقابل آنها ایستاد. بر همین اساس، اقدامات رژیم آل خلیفه در هدف قرار دادن مظاهر عاشورایی و حسینی (ع) در کشور، به منظور مقابله با اشعارها و ارزش‌های حسینی (ع) صورت می‌گیرد.

آل خلیفه به خوبی می‌داند که روح اباعبدالله الحسین (ع) در وجود مؤمنین، مسلمانان و آزادگان عالم در جریان است. این همان چیزی است که این رژیم را به ستوه آورده است. مبارزه با شعائر امام حسین (ع) در عصرهای دیگر همچون بنی امیه و بنی عباس هم مسبوق به سابقه بوده است. تمامی رژیم‌های دیکتاتور مآب و مستبد با اندیشه‌های امام حسین (ع) و راه ایشان مخالف بوده‌اند. رژیم آل خلیفه هم در همین مسیر حرکت می‌کند. بدون شک آل خلیفه در این مسیر شکست می‌خورد چراکه هیچکس قادر به ایستادن در برابر امام حسین (ع) نیست.

|| در حال حاضر شواهد زیادی وجود دارند که نشان می‌دهند روابط خوبی میان رژیم‌های آل خلیفه و صهیونیستی برقرار است. شما این مسأله را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ملت بحرین هرگونه عادی‌سازی روابط میان رژیم آل خلیفه و رژیم صهیونیستی را رد می‌کند و با آن مخالف است. از دیدگاه مردم بحرین، رژیم صهیونیستی دشمن شماره یک امت اسلامی است.

پشت پرده خبر ادعایی انفجار تروریستی یازدهم محرم در بحرین



در مورد خبر ادعایی وقوع انفجار تروریستی در روز یازدهم محرم در بحرین باید پرسید پشت پرده این خبر چیست و انتشار آن به نفع چه کسی است؟ در خصوص خبر مخابره شده توسط وزارت کشور بحرین مبنی بر انفجاری تروریستی ای که به مجروحیت پنج پلیس انجامیده است ذکر چند نکته ضروری است.

خبر ادعایی وزارت کشور بحرین از این قرار است: «انفجار تروریستی منجر به مجروحیت سطحی پنج نفر از نیروهای پلیس شد که در حال تأمین امنیت مراسم عزاداری در منطقه الدیه بودند».

نکته قابل توجه اینکه زمان انتشار این توییت هم تقریباً دو ساعت پس از سرکوب حرکت جوانان بسوی میدان اللؤلؤه است.

در این خصوص باید پرسید: پشت پرده انفجار تروریستی ادعایی در روز یازدهم محرم و در طی مراسم عزاداری منطقه الدیه (ده) بحرین چیست؟ این خبر به نفع کیست؟

با کنار هم گذاشتن قطعات پازلی که نظام آل خلیفه طی دهه محرم امسال در جلوی چشمان ما قرار داده است به راحتی می توان به چیستی خبر ادعایی پی برد:

نیروهای امنیتی، لباس شخصی ها و مزدوران نظام حتی پیش از آغاز ماه محرم اقدام به تخریب نمادهای محرمی در بسیاری از مناطق بحرین نمودند.

بسیاری از مسوولین حسینی، مداحان و خطیبان پیش از آغاز مراسمها و در طول دهه احضار، تهدید و یا بازداشت شدند.

رژیم در روز هشتم محرم اقدام به توقیف مسجد الخواجه منامه که محل اقامه نماز شب عاشورا و قرائت خطبه عاشورا بود نموده و متولیان آن را تهدید کرد که حق بازگشایی و استفاده از امکانات آن را ندارند.

فیلمها و تصاویر بسیاری از این اقدامات تجاوزگرانه رسمی نظام، درگیری آنان با اهالی مناطق و توسل آنها به گاز اشک آور و اسلحه ساچمه ای در مقابله با مردم در طول دهه محرم به طور وسیع نشر شد که تا روز یازدهم محرم نیز ادامه داشت.

انعکاس این اخبار رژیم آل خلیفه را متهم به اعمال سیاست تبعیض گرایانه در قبال اکثریت شیعه بحرین و نقض آشکار آزادی های دینی و عقیدتی نموده است.

مردم بحرین در حرکتی تاریخی در شب عاشورا با حمل تصاویر آیت الله عیسی قاسم در منامه و اطراف مسجد الخواجه تجمع نموده در خیابان نماز جماعت اقامه کردند و به طرق مختلف خطبه عاشورا را که شیخ حسین الدیهی معاون دبیرکل جمعیت الوفاق از خارج از بحرین قرائت می کرد در سراسر منامه بطور مستقیم پخش نمودند.

همچنین مردم شعارهایی به حمایت از آیت الله عیسی قاسم سر داده و سپس دسته عزاداری علما بطور منسجم و با همراهی پرشور مردم در منامه

بحرین در روز یازدهم محرم در منطقه الدیه (ده) صورت می گیرد و باتوجه به خطبه های حماسی ای که سالهای پیش در این مراسم توسط علما و فی المثل شیخ علی سلمان القا شده است و با در نظر گرفتن نزدیکی این منطقه به میدان اللؤلؤه، از صبح روز یازدهم محرم (روز انفجار ادعایی) نیروهای امنیتی بصورت گسترده در اطراف این منطقه و میدان اللؤلؤه مستقر شده و منطقه را تحت کنترل داشتند.

عصر روز یازدهم جوانان پس از پایان مراسم عزاداری به طرف میدان اللؤلؤه حرکت کردند که به شدت توسط نیروهای امنیتی سرکوب شده و مورد هدف گازهای اشک آور و اسلحه ساچمه ای قرار گرفتند که به مجروحیت عده زیادی انجامید.

تمامی این موارد حکایت از آن می کند که رژیم آل خلیفه باید طبیعتاً از ماه محرم و بخصوص عاشورا واهمه داشته و خود را در این ایام مورد خطر بیشتر و قوی تری ببیند که چه بسا به سرنگونی آن ولو در بلند مدت بیانجامد. چرا که به خوبی درک کرده است قیام امام حسین (ع) روشننگر راه و نیروی محرک شیعیان است که هرگز خاموش شدنی نیست.

بدیهی است که نظام به هر بهانه ای برای محدود کردن و نهایتاً برچیدن این دستگاه متوسل شود. چه بهانه ای بهتر از اتهام تروریسم و اعمال خرابکارانه، اتهامی که هم در عرصه بین المللی و هم داخلی برای آن دست آوردهایی دارد.

همچنین این مطلب در عرصه بین المللی توجیهی بر اقدامات تجاوزگرانه نظام بوده و در داخل راه را برای سرکوب شدیدتر و اعمال محدودیت بیشتر بر شؤونات مذهبی شیعیان هموارتر می کند.

حرکت نمود. صبح عاشورا نیروهای امنیتی منامه و تمامی مغازه ها و منازل و اماکن حوالی مسجد الخواجه و مسجد را به دقت تفتیش نمودند تا امکانات و منابع مردم برای پخش خطبه عاشورا را کشف نمایند.

اهالی منطقه الدرار ظهیر عاشورا به طرف منزل آیت الله عیسی قاسم حرکت کرده و سعی به شکستن محاصره آن نمودند و با وجود مواجهه با سرکوب شدید نظامیان ایستادگی نموده و خود را تا نزدیکی منزل ایشان رساندند.

غروب عاشورا علمای بحرین در بیانیه ای حرکت مردم را ستوده و آن را حماسه ای حسینی و پیام عاشورای بحرین و نوید بخش روزهایی سراسر آمادگی در خط اصلاح حسینی خواندند.

همچنین علمای بحرین اعلام کردند تمامی تحرکات سیاسی در بحرین را در راستای نصرت به قضیه امام حسین ع و مبادی اسلامی می دانند.

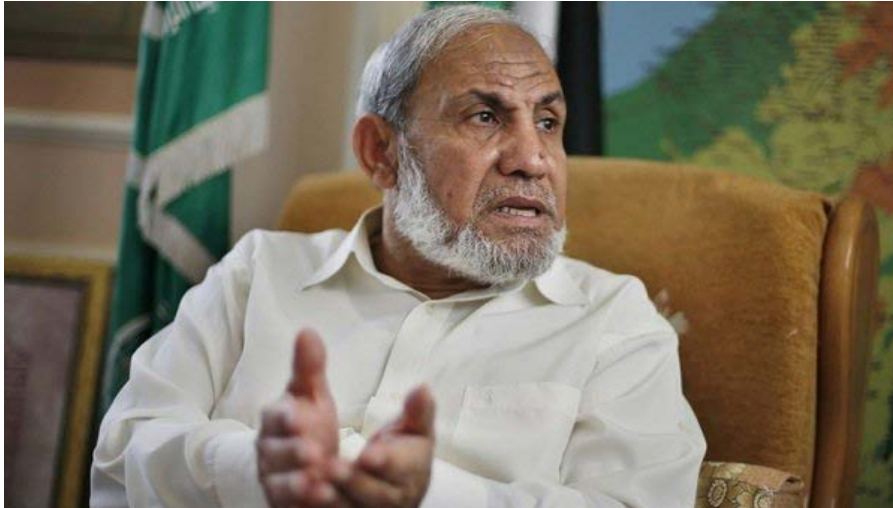
شب عاشورا فیلمی کوتاه و خبری مختصر در خصوص حضور سفیر آمریکا بطور ناشناس در مراسمهای منامه توسط شبکه های اجتماعی مخابره شد که کاربران و شخصیات های سیاسی از دو بعد مختلف به آن واکنش نشان دادند، عده ای آن را مکاری و حیلۀ رژیم برای آرام نشان دادن منامه برای سرپوش گذاشتن بر اقدامات تجاوزگرانه اش که تا آن روز منتشر شده بود خواندند، و عده ای هم تأکید داشتند سفیر آمریکا با چشمان خود دید که شیعیان بحرین مسالم اند و هیچ عمل خرابکارانه ای در مجالس و مراسمهای محرم صورت نمی گیرد.

باتوجه به اینکه طبق رسم دیرینه عزاداری مرکزی

محمود الزهار در گفتگو با مهر:

ورود «حمدالله» به غزه طبق توافق است / عدم توافق راهبردی فتح و حماس

رامین حسین آبادیان



عضو ارشد دفتر سیاسی حماس با بیان اینکه ورود اعضای دولت وفاق ملی به غزه براساس توافق سال ۲۰۱۱ در قاهره صورت گرفته، گفت: توافق استراتژیکی میان فتح و حماس حاصل نشده است.

اعضای دولت وفاق ملی فلسطین پس از سالیان طولانی، امروز دوشنبه وارد نوار غزه شدند. اعضای دولت وفاق ملی فلسطین که قرار است جلسه هفتگی خود را در نوار غزه برگزار کنند، از گذرگاه «عوفر» در غرب رام الله عبور کرده و از طریق گذرگاه «ایرز» وارد نوار غزه شدند. در همین راستا «واصل ابو یوسف» دبیر کل جبهه آزادی بخش فلسطین اعلام کرد که توافق قاهره به تکمیل آشتی میان حماس و فتح منجر شده است و هشدار داد که در سایه لجاجت های اسرائیل و سکوت ایالات متحده در برابر شهرک سازی های رژیم صهیونیستی، شکاف در میان جریان های فلسطینی می تواند خطرناک باشد.

این اقدام (ورود اعضای دولت وفاق ملی به غزه) بعد از توافقی است که اخیرا در قاهره صورت گرفت و بر اساس آن حماس اعلام کرد کمیته اداری خود را منحل خواهد کرد تا دولت وفاق ملی کار خود را در نوار غزه از سر بگیرد و به این ترتیب شکاف های ایجاد شده میان فلسطینیان از بین بروند. «رامی الحمدالله» نخست وزیر دولت وفاق ملی پس از ورود به غزه گفت: «کشور فلسطین بدون وحدت جغرافیایی و سیاسی کرانه باختری و نوار غزه تشکیل نخواهد شد. ما به غزه آمدیم تا به دودستگی و اختلافات داخلی برای همیشه پایان دهیم، از تلاش های مصر و تمامی گروه های فلسطینی در مسیر تحقق آشتی ملی و برچیدن دودستگی فلسطینیان تقدیر و تشکر می کنیم، تنها طرفی که از دودستگی و اختلافات فلسطینیان سود می برد رژیم صهیونیستی است».

در همین ارتباط، خبرنگار مهر گفتگویی را با «محمود الزهار» عضو ارشد دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی حماس ترتیب داده است که مشروح آن از نظر می گذرد:

«رامی الحمدالله» نخست وزیر دولت وفاق ملی فلسطین امروز وارد نوار غزه شد و هدف از این اقدام را برداشتن گامی در راستای پایان جدایی ها و تحقق آشتی ملی خواند. به نظر شما ورود هیأت دولت وفاق ملی چه تأثیری می تواند در تحقق آشتی ملی داشته باشد؟

هیچ سختی میان رویکرد حماس که مبتنی بر «مقاومت» است و رویکرد فتح که بر پایه همکاری های امنیتی با دشمن اسرائیلی استوار است، وجود ندارد

ما در جنبش حماس پیشتر با فتح توافق کرده بودیم که دولت وفاق ملی در نوار غزه تشکیل شده و به انجام وظایف و مسئولیتهاش بپردازد. با این حال، شاهد آن بودیم که دولت وفاق ملی از عمل به وظایف خود سر باز زد و به مسئولیت هایش عمل نکرد. در زمینه های مختلفی از جمله مسائل آموزشی، پزشکی - بهداشتی و همچنین مسائل مربوط به محیط زیست، دولت وفاق ملی به آنچه که می بایست، عمل نکرد.

پس از مشاهده این کوتاهی ها در اداره نوار غزه، جنبش حماس تشکیل یک کمیته اداری کرد تا امور مختلف را که پیشتر بدان اشاره شد، رتق و فتق کند تا بدین ترتیب از شدت مشکلات انسانی در نوار غزه کاسته شود. پس از مدتی مقامات جنبش فتح اعلام کردند که برای انجام وظایف و

نقش دولت قاهره به ریاست «عبدالفتاح السیسی» را در مذاکرات میان دو جنبش حماس و فتح، چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا قاهره در سلسله تحولات اخیر در عرصه مسأله فلسطین نقش مؤثری داشته است؟

همانگونه که پیشتر نیز ذکر کردم، ساز و کارهای تحقق آشتی ملی در قاهره مشخص و معین شده است. طبق توافق صورت گرفته ما می بایست که اداره نوار غزه را به حکومت رام الله واگذار می کردیم که اکنون به وظیفه خود عمل کردیم. اکنون نوبت دولت وفاق ملی است که به وظایف خود در عرصه های مختلف عمل کند.

ما مشکلات زیادی در زمینه های پرداخت حقوق ها، کمبود آب و برق و کمبود امکانات پزشکی داریم که تمامی این ها باید در سایه مدیریت دولت وفاق ملی حل و فصل شوند. آنچه که مصر اکنون روی آن تأکید دارد، اداره امور نوار غزه توسط دولت وفاق ملی در نوار غزه است. تا بدین لحظه هیچ توافق استراتژیکی میان فتح و حماس در زمینه آشتی ملی صورت نگرفته است.

اخیرا یک شهروند فلسطینی در عملیاتی شهادت طلبانه موفق شد سه نظامی رژیم صهیونیستی را به هلاکت برساند. ارزیابی شما از این عملیات استشهادی موفقیت آمیز و پیام های آن برای دشمن صهیونیستی چیست؟

این عملیات در نزدیکی کرانه باختری به وقوع پیوست. ما اگر نگاهی به وضعیت زندگی فلسطینیان در کرانه باختری بیندازیم به خوبی در خواهیم یافت که آنها همچون مردم عادی زندگی نمی کنند و وضعیت خوبی در سایه اقدامات خصمانه صهیونیستها ندارند. اگر فلسطینیان ساکن کرانه باختری بخواهند تنها از روستایی به روستای دیگر نقل مکان کنند باید از گذرگاه های صعب العبور بگذرند و در این میان، به صورتی کاملا اهانت آمیز توسط صهیونیستها تفتیش می شوند.

عملیات استشهادی در نزدیکی کرانه باختری در واقع بیانگر عمق مشکلاتی است که مردم فلسطین در این منطقه با آنها دست و پنجه نرم می کنند و نمی خواهند این وضعیت ادامه یابد. امروز اشغالگران، تمامی مؤسسات رسمی و مناطق کرانه باختری را تحت اشغال خود درآورده اند و روز به روز شهرک سازی ها را گسترش می دهند. عملیات های شهادت طلبانه در واکنش به این اقدامات، صورت می گیرند.

مسئولیت های خود آماده هستند. ما نیز زمانی که از موضع آنها آگاهی پیدا کردیم، اقدام به انحلال کمیته اداری کرده و مسئولیت را به دولت وفاق ملی واگذار کردیم.

اما در خصوص آشتی ملی، مسأله کاملا متفاوت است. آنچه که امروز انجام شد و اعضای دولت وفاق ملی وارد نوار غزه شدند، براساس توافق های قبلی میان دو طرف بود. اما مسأله آشتی ملی چیز دیگری است. هیچ سختی میان رویکرد حماس که مبتنی بر «مقاومت» است و رویکرد فتح که بر پایه همکاری های امنیتی با دشمن اسرائیلی استوار است، وجود ندارد. لذا نباید ورود اعضای هیأت دولت وفاق ملی به نوار غزه را با مسأله آشتی ملی خلط کرد. ما از مقاومت دست نمی کشیم.

بر اساس آنچه که درباره اختلافات راهبردی میان دو جنبش حماس و فتح مطرح کردید، آیا نمی توان دورنمای روشنی را برای تحقق آشتی ملی در اراضی اشغالی متصور بود؟

به این مسأله اشاره کردم که رویکردها و برنامه های فتح و حماس با یکدیگر متناقض است. طبق توافقی که در سال ۲۰۱۱ میان دو جنبش فتح و حماس به امضاء رسید، ساز و کارهای تحقق آشتی ملی مشخص شد. در آنجا صحبت از مسائلی همچون انتخابات و تشکیل دولت وحدت ملی به میان آمد. ما نیز طبق آنچه که در توافق حاصل شده آمده است، اداره غزه را به دولت وفاق ملی واگذار کردیم. بنابراین، آنچه که اکنون اتفاق افتاده است، عمل به توافقی است که حماس در سال ۲۰۱۱ آن را در قاهره پذیرفته بود. این بدان معنا نیست که ما از گزینه های خود که مقاومت اصلی ترین آن است عدول کرده ایم.

باتوجه به مشخص شدن ساز و کارهای تحقق آشتی ملی در اراضی اشغالی و سفر اعضای هیأت دولت وفاق ملی به نوار غزه، آیا در آینده مذاکراتی میان فتح و حماس برای جامه عمل پوشاندن به این هدف، انجام خواهد شد؟

به احتمال زیاد طی هفته آینده نشست مشترکی با هدف بررسی مسائل مربوط به آشتی ملی و پایان دادن به جدایی های کنونی، میان سران دو جنبش فتح و حماس در شهر قاهره پایتخت مصر برگزار خواهد شد.

استاد دانشگاه مینه سوتا در گفتگو با مهر:

جدایی اقلیم کردستان عراق باعث ایجاد بی ثباتی در منطقه خواهد شد

فاطمه محمدی

«ویلیام بیمن» معتقد است جدایی اقلیم کردستان از عراق باعث ایجاد بی ثباتی در منطقه خاورمیانه خواهد شد.

علیرغم افزایش مخالفت های بغداد و کشورهای همسایه عراق با جدایی اقلیم کردستان و تجزیه عراق، همه پرسش های جدایی کردستان عراق ۲۵ سپتامبر برگزار شد.

ناظران معتقد هستند جدایی احتمالی اقلیم نفع و صرفی برای مردم کرد نخواهد داشت؛ چرا که کشوری محصور در خشکی و با ضعف ژئوپلیتیک و عدم شناسایی از سوی جامعه بین المللی در سرزمین پرمنازعه خاورمیانه ظهور خواهد کرد.

در این زمینه خبرنگار مهر گفتگویی با پروفسور «ویلیام بیمن» استاد دانشگاه مینه سوتا آمریکا انجام داده که در ادامه می آید.

|| رفراندوم اقلیم کردستان عراق در تاریخ ۲۵ سپتامبر برگزار شد. تأثیر این رفراندوم بر جریانات سیاسی درون اقلیم چیست؟

در پایان جنگ جهانی اول به کردها داشتن کشور مستقل را وعده دادند، اما آنها توسط انگلیس که خواهان دسترسی به نفت در منطقه کردستان بود، فریب خورده بودند.

آنها بزرگترین گروه قومی در جهان بدون کشوری

جمعیت کرد خودشان مایل به پیوستن به آنها و جدا شدن از کشورهای کنونی خود باشند. عراق ترس از دست دادن نفت در کردستان را دارد و همچنین در مورد یک جنگ داخلی ممکن است نگران باشد.

|| واکنش قدرت های بین المللی به جدایی منطقه کردستان از عراق چیست؟

جامعه بین المللی به طور کلی معتقد است که جدایی کردستان از عراق باعث ایجاد بی ثباتی در منطقه خواهد شد. یک عامل اضافی وجود دارد که در آن اسرائیل سعی کرده است کردها را در عراق و سایر نقاط آرموده است. ایده یک کردستان مستقل متحد با اسرائیل بعنوان زنگ هشدار بزرگ توسط کشورهای منطقه مورد توجه قرار گرفته است.

|| پس از همه پرسی، ما شاهد تحریم شدید اربیل بودیم. با توجه به این تحریم ها، آیا شما فکر می کنید که باززانی از تصمیم خود برای جدایی از بغداد عقب نشینی خواهد کرد؟

باززانی می تواند بر اساس احساسات ناسیونالیستی مطرح شده توسط رفراندوم همچنان قدرت را حفظ کند، اما او نمی تواند جدایی کردستان را از عراق بدون یک درگیری داخلی تحمل کند. دولت بغداد از منابع نفتی در منطقه اربیل دست بر نخواهد داشت.



برای خودشان هستند، بنابراین آنها هنوز هم در این رویا هستند. با برگزاری رفراندوم رویاهای خود را پرورش می دهند و این امید را به آنها می دهد که روزی آنها ملت خود (کشور خود) را داشته باشند.

|| واکنش قدرتهای منطقه ای به جدایی اقلیم کردستان از عراق چیست؟

کردها در پنج کشور - ایران، عراق، ترکیه، سوریه و اتحاد جماهیر شوروی سابق زندگی می کنند. اگر کردها بخواهند به یک کشور یا منطقه مستقل در عراق دست یابند، کشورهای دیگر می ترسند که

آرمان نصراللهی

جلال طالبانی؛ چریک سیاستمدار

در کشور عراق کافی است که با کناره گیری وی از ریاست جمهوری به دلیل بیماری، این کشور بار دیگر وارد یک جنگ داخلی شد و دیگر هیچ زمان روی آرامش را به خود ندید و گروه های سیاسی در این کشور بار دیگر به جان هم افتادند.

جلال طالبانی در همه شرایط معتقد به حفظ یکپارچگی کشور عراق بود و به همین دلیل در نخستین روزهای سقوط رژیم بعث و حضور آمریکا در منطقه در مقابل شماری از گروه های سیاسی اقلیم کردستان عراق برای مستقل شدن محکم ایستاد و بر حضور کردها در تقسیم قدرت دولت مرکزی عراق به عنوان یکی از مطالبات و خواسته های اصلی تأکید کرد.

مام جلال برای تمامی کردهای منطقه نه تنها مردم اقلیم کردستان عراق چهره های کاریزما و دوست داشتنی بود و به همین دلیل است که مرگ وی بعد از یک دوره بیماری پنج ساله همه را متأثر کرده و در شبکه های اجتماعی نیز به یکی از موضوعات اصلی و مهم برای بحث و تبادل نظر تبدیل شده است.

بدون شک از دست دادن جلال طالبانی به دلیل ویژگی هایی که ذکر شد برای کشور عراق اتفاقی نگران کننده و تلخ است و نه تنها کردها، بلکه مردم این کشور دیگر نمی تواند شخصیتی این چنین مورد تکریم و احترام را به خود ببیند.

به ساحل آرامش برساند.

بدون شک بخشی از سابقه و تاریخ جلال طالبانی را باید به عنوان یک چریک ورق زد، تا جایی که وی به عنوان چریکی تحصیل کرده و با گفتمانی جدید وارد مبارزه با سران کشور عراق شد و البته در این راه نیز از همکاری و کمک کشورهای همسایه خود به ویژه جمهوری اسلامی ایران هیچگاه غافل نشد و به همین دلیل بود که همواره ایران را دوست و حامی اصلی کردها و مردم کشور عراق معرفی می کرد.

جلال طالبانی بعد از سالها مبارزه در اقلیم کردستان عراق، موفق شد بعد از سقوط صدام به یکی از بازیگران اصلی قدرت سیاسی در کشور عراق تبدیل شده و در این مدت با صبر و مدارا و با همان پیشه کردن اعتدال و میانه روی وفاقی عجیب را در بین گروه ها و جریان های سیاسی این کشور ایجاد کند.

در حالی که بر اساس قانون اساسی عراق، پست ریاست جمهوری تشریفاتی بود ولی جلال طالبانی به عنوان اولین رئیس جمهور این کشور بعد از سقوط صدام، هویتی تازه به آن بخشید و موفق شد با گفتگو کردن و همچنین ادامه رویه معتدل خود تمامی جریان های سیاسی را دور یک میز جمع کرده و عراق را به سمت و سوی آرامش سوق دهد.

شاید ذکر تنها این نکته در خصوص جایگاه جلال طالبانی

با مرگ جلال طالبانی، نه تنها کردها بلکه مردم کشور عراق یکی از شخصیت های برجسته و کاریزما خود را که

مشی اصلی وی اعتدال و میانه روی بود، از دست دادند. شخصیتی معتدل و میانه رو، اهل تعامل و همکاری و مورد اعتماد کامل تمامی گروه ها و جریان های سیاسی در کشور عراق که طی دو دهه اخیر به یکی از چهره های شاخص در این کشور نیز تبدیل شد، کسی که هیچ وقت خسته نشد و همواره در طول بیش از نیم قرن تلاش کرد تا کشور جنگ زده اش به ساحل آرامش برسد.

سخن از جلال طالبانی است یا به قول کردها مام جلال، نگاهی به سابقه درخشان جلال طالبانی در کشور همیشه بحرانی زده و درگیر جنگ عراق نشان می دهد که شاید در یک قرن اخیر هیچگاه این کشور چنین فردی را در دامن خود ندیده است، کسی که بعد از سقوط صدام حسین و رژیم بعث، توانست عنان قدرت را در این کشور در دست گرفته و به محور تعامل و همکاری تمامی گروه ها و جریان های سیاسی تبدیل شود.

جلال طالبانی از روزی که لباس رزم پوشید و در کوه های سلیمانیه و اربیل بر علیه سران کشور عراق جنگید تا روزی که لباس سیاست بر تن کرد و به عنوان رئیس جمهور کشور عراق، تصویر و چهره های جدید از این کشور ارائه کرد، دارای یک ویژگی مشترک بود و آن هم اعتدال و میانه روی است و این ویژگی را آنقدر در خود تقویت کرد که شاید تنها وی می توانست در سالهای نخستین پس از سقوط بعثی ها، کشتی طوفان زده عراق را

سخنگوی حماس در گفتگو با مهر:

روابط حماس با ایران متمایز است / نتانیاهاو برای ما تعیین تکلیف نکند

رامین حسین آبادیان



«عبداللطیف القانوع» سخنگوی جنبش حماس در واکنش به درخواست نتانیاهاو از دولت وفاق ملی برای قطع رابطه با ایران، گفت: روابط حماس با ایران متمایز است و تل آویو نمی تواند بر ایمان تعیین تکلیف کند.

اعضای دولت وفاق ملی فلسطین پس از سالیان طولانی، روز دوشنبه وارد نوار غزه شدند. اعضای دولت وفاق ملی فلسطین که قرار است جلسه هفتگی خود را در نوار غزه برگزار کند، از گذرگاه «عوفر» در غرب رام الله عبور کرده و از طریق گذرگاه «ایرز» وارد نوار غزه شدند. در همین راستا «واصل ابو یوسف» دبیر کل جبهه آزادی بخش فلسطین اعلام کرد که توافق قاهره به تکمیل آشتی میان حماس و فتح منجر شده است و هشدار داد که در سایه لجاجت های اسرائیل و سکوت ایالات متحده در برابر شهرک سازی های رژیم صهیونیستی، شکاف در میان جریان های فلسطینی می تواند خطرناک باشد.

این اقدام (ورود اعضای دولت وفاق ملی به غزه) بعد از توافقی است که اخیراً در قاهره صورت گرفت و بر اساس آن حماس اعلام کرد کمیته اداری خود را منحل خواهد کرد تا دولت وفاق ملی کار خود را در نوار غزه از سر بگیرد و به این ترتیب شکاف های ایجاد شده میان فلسطینیان از بین برود. «رامی الحمد الله» نخست وزیر دولت وفاق ملی پس از ورود به غزه گفت: «کشور فلسطین بدون وحدت جغرافیایی و سیاسی کرانه باختری و نوار غزه تشکیل نخواهد شد. ما به غزه آمدم تا به دودستگی و اختلافات داخلی برای همیشه پایان دهیم. از تلاش های مصر و تمامی گروه های فلسطینی در مسیر تحقق آشتی ملی و برچیدن دودستگی فلسطینیان تقدیر و تشکر می کنیم. تنها طرفی که از دودستگی و اختلافات فلسطینیان سود می برد، رژیم صهیونیستی است».

در همین ارتباط، خبرنگار مهر گفتگویی با «عبداللطیف القانوع» سخنگوی جنبش مقاومت اسلامی حماس ترتیب داده است که مشروح آن از نظر می گذرد:

«رامی الحمد الله» نخست وزیر دولت وفاق ملی فلسطین امروز وارد نوار غزه شد و هدف از این اقدام را برداشتن گامی در راستای پایان جدایی ها و تحقق آشتی ملی خواند. به نظر شما ورود هیات دولت وفاق ملی چه تأثیری می تواند در تحقق آشتی ملی داشته باشد؟

انحلال کمیته اداری در نوار غزه و واگذاری امور به دست دولت وفاق ملی، یک تصمیم سرنوشت ساز و استراتژیک توسط جنبش مقاومت اسلامی حماس بود. این تصمیم در راستای اجرایی ساختن توافق های قبلی صورت گرفته با فتح اتخاذ شد. اتخاذ این تصمیم موجب شد تا شرایط برای ورود اعضای دولت وفاق ملی به نوار غزه فراهم شود.

اکنون دیگر اداره تمامی وزارتخانه ها و مؤسسات در نوار غزه به دست دولت وفاق ملی واگذار شده است و حماس دیگر مسئولیتی در قبال اداره امور نوار غزه ندارد. از سوی دیگر، طی یکی دو روز گذشته دولت وفاق ملی مورد استقبال گسترده مردم فلسطین در نوار غزه قرار گرفت. پس از ورود اعضای دولت وفاق ملی به غزه، امید فلسطینیان ساکن این منطقه به آینده بیش از پیش

افزایش پیدا کرده است. همین استقبال موجب شد تا مقامات دولت وفاق ملی در آخرین جلسه خود که روز گذشته برگزار شد، تصمیمات تنبیهی تشکیلات خودگردان علیه نوار غزه را لغو کنند.

نقش دولت قاهره به ریاست «عبدالفتاح السیسی» را در مذاکرات میان دو جنبش حماس و فتح، چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا قاهره در سلسله تحولات اخیر در عرصه مسأله فلسطین نقش مؤثری داشته است؟

ما در طول مدت زمان گذشته از تمامی تلاش ها از سوی هر طرفی برای تحقق آشتی ملی استقبال کردیم. جنبش های حماس و فتح تاکنون نشست های گوناگونی در نقاط مختلف بایکدیگر داشته اند. ما در قطر، عربستان، یمن، سنگال و قاهره نشست های متعددی برگزار کردیم و رایزنی های زیادی را در خصوص آشتی ملی انجام دادیم. آخرین نشست گروه های فلسطینی برای تحقق آشتی ملی هم در شهر قاهره پایتخت مصر انجام شد. مصر همواره نقش بسیار مهمی در پیشبرد مذاکرات آشتی ملی در فلسطین ایفا کرده است. اکنون نیز دولت مصر در تحقق آشتی ملی در اراضی اشغالی جدی است و بر روی این مسأله اصرار می ورزد. مصر به دنبال پایان جدایی ها میان گروه های فلسطینی است. سفر روز گذشته هیأت اطلاعاتی مصری به نوار غزه در چارچوب تلاش های قاهره برای تحقق آشتی ملی میان فلسطینیان، انجام شد. قرار است طی هفته آینده گروه های فلسطینی دیداری با مسئولان مصری داشته باشند.

«بنیامین نتانیاهاو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی ضمن مداخله در امور فلسطینیان، تأکید کرده که رژیم اسرائیل تنها در صورتی موافق آشتی ملی خواهد بود که دولت وحدت ملی فلسطین، شاخه نظامی حماس را منحل کند. آیا حماس حاضر است برای تحقق آشتی ملی از گزینه مقاومت عبور کند؟

اظهارات «بنیامین نتانیاهاو» نخست وزیر رژیم اسرائیل در خصوص مسأله آشتی ملی فلسطین در وهله اول دخالت آشکار تل آویو در امور داخلی فلسطین به شمار می رود. مسأله آشتی ملی فلسطین اساساً ارتباطی به تل آویو پیدا نمی کند که مقامات آن در این باره اظهار نظر کنند.

سخنان نتانیاهاو به خوبی نشان داد که رژیم صهیونیستی بیشترین سود را از تداوم جدایی گروه های فلسطینی در اراضی اشغالی، می برد.

بر همین اساس، به ضرر قاطع می توان گفت که در صورت تحقق آشتی ملی در فلسطین و تشکیل دولت وحدت ملی، این رژیم اسرائیل خواهد بود که بیشترین زیان را متحمل می شود. امروز ما به دنبال آن هستیم تا از طریق تقویت وحدت داخلی، بیش از پیش با دشمن صهیونیستی مقابله کنیم. با با تقویت وحدت خود به مواجهه با صهیونیستها می پردازیم.

نکته بعدی در خصوص مسأله مقاومت، گزینه مقاومت و درخواست صهیونیستها از دولت وفاق ملی برای انحلال شاخه نظامی حماس است. تا زمانی که اشغالگری در اراضی فلسطین وجود دارد، گزینه مقاومت نیز وجود خواهد داشت. در سایه وجود اشغالگران، سلاح مقاومت توسط ملت فلسطین کنار گذاشته نخواهد شد. ما از گزینه مقاومت عدول نخواهیم کرد. بکارگیری سلاح مقاومت برای مقابله با رژیم اسرائیل، حق طبیعی ملت فلسطین است.

علاوه بر این، نخست وزیر رژیم صهیونیستی همچنین خواستار قطع روابط فلسطینیان با جمهوری اسلامی ایران شده است. با توجه به اظهارات اخیر بنیامین نتانیاهاو، روابط دولت وحدت ملی فلسطین با جمهوری اسلامی ایران در آینده را چگونه ارزیابی می کنید؟

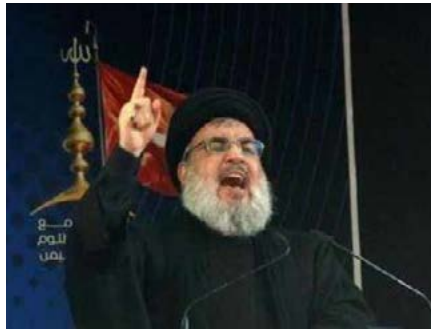
واقعیت این است که ما امروز با یک مجرم طرف هستیم. ما اجازه نخواهیم داد که رژیم صهیونیستی برنامه ها و پروژه های شوم خود را در فلسطین اجرایی سازد. روابط ما با جمهوری اسلامی

ایران، روابطی قوی، فعال و متمیز است. ما به اشغالگران و هیچ طرف دیگری اجازه مداخله در این روابط را نمی دهیم. روابط ما با همه حسنه است.

ما به دنبال ایجاد روابط حسنه با تمامی کشورهای منطقه ای و بین المللی هستیم. رژیم اسرائیل نمی تواند برای ما تعیین کند که با چه کسی ارتباط داشته باشیم و با چه کسی ارتباطمان را قطع کنیم. ما از رابطه با تمامی کشورهایی که از مسأله فلسطین و گزینه مقاومت حمایت به عمل می آورند، استقبال می کنیم.

هشدار شدید اللحن؛ هنگامی که نصرالله اردوی دشمن را به هم می ریزد

فرزاد فرهادی



سخنان اخیر دبیر کل حزب الله لبنان و هشدار شدید اللحن به نتانیاهو و کابینه وی درباره جنگ افروزی، محافل صهیونیست را سرگردان و مهوت کرد.

سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان از مناسبت عاشورا استفاده کرد و آمادگی کامل مقاومت لبنان برای هر رویارویی احتمالی با رژیم صهیونیستی را اعلام کرد. وی در راستای بازدارندگی در مقابل تل آویو شیدیدا به دشمن صهیونیست هشدار داد که اگر کوچکترین حماقتی در جنگ مرتکب شود بهای سنگینی را خواهد پرداخت. نصرالله اعلام کرد: «نتانیاهو و کابینه وی ارزیابی درستی از جنگ پیشرو ندارند و از مساحت و میادین جنگ اطلاعی ندارند. آنها نمی دانند که اگر جنگی را شروع کنند پایان آنرا نمی توانند رقم بزنند».

در واقع تهدید دبیر کل حزب الله به مثابه اعلان تثبیت معادلات و موازین جدید در نتیجه پیروزی محور مقاومت است. مراکز مطالعاتی و راهبردی رژیم صهیونیستی و غربی به افزایش قدرت حزب الله در نتیجه جنگ ضد داعش در سوریه و منطقه اذعان دارند. سید حسن نصرالله این بار یهودیان را از صهیونیست ها جدا کرد و به آنها هشدار داد که هیزم جنگ احمقانه نتانیاهو نشوند.

این موضع گیری دبیر کل حزب الله چندی پس از مانورهای رژیم صهیونیستی با مشارکت هزاران نظامی این رژیم برگزار شد که در آن راههای اشغال کردن لبنان تمرین شده بود.

در این میان محافل صهیونیست دچار تشمت و اختلاف درباره برخورد با حزب الله شده اند در حالی که برخی بر لزوم جنگ فرآگیر ضد لبنان اصرار دارند و اینکه حملات به حزب الله در سوریه بی اثر بوده است. برخی دیگر بر لزوم حمله به حزب الله قبل از بازگشت از سوریه اصرار دارند اما ژنرالهای اسرائیلی هرگز این طرح های غیرقابل اجرا را نمی پسندند و آنرا شبیه پناه بردن به آتش برای در امان ماندن از گرما می دانند.

این هشدار دبیر کل حزب الله لبنان نگاه تحلیلگران را مجدداً به خود مشغول کرد.

سریس ابوزید تحلیلگر سیاسی لبنانی به النشره گفت: نصرالله با علم و آگاهی از تناقضات موجود در اسرائیل بر روی نقطه ضعف آنها دست گذاشت. سید به خوبی می داند که در داخل اسرائیل افرادی منتظر مواضع وی هستند و حرفهای وی را قبول می کنند و از همین رو یهودیان داخل اسرائیل را مورد خطاب قرار داد.

وی افزود: نصرالله از یهودیان غیر صهیونیست خواست که حساب خود را صهیونیستها جدا کند و فلسطین اشغالی را ترک کنند و به کشورهایی که آمده اند بازگردند تا هیزم جنگ کابینه نتانیاهو احمق نشوند. این حرف حساب شده ای بود و به مثابه بازدارندگی معنوی بود تا دست به ماجراجویی و جنگ نزنند. دشمن می داند که موشک های حزب الله به هر نقطه ای از فلسطین اشغالی می رسد.

عبدالباری عطوان تحلیلگر بارز جهان عرب در رای الیوم نوشت: «وقتی سید حسن نصرالله به یهودی ها توصیه می کند که فوراً فلسطین اشغالی را ترک کنند، آیا باید بگوییم که جنگ در شرف وقوع است؟ رهبر حزب الله چه اسراری را می داند که دیگران از آن مطلع نیستند؟ آیا جنگی که از آن سخن می گوید قرار است در پاسخ به

و در پاسخ ایران هم غنی سازی اورانیوم را از سر خواهد گرفت و با توجه به پایان جنگ علیه تروریسم، این مسأله احتمال درگیری نظامی را از هر زمان دیگری بیشتر می کند.

در ادامه این گزارش آمده: بررسی های اسرائیلی ها نشان می دهد که حزب الله بیش از صد هزار موشک و ده ها هزار عرابه توپ دارد، هشدار سید حسن نصرالله به یهودیان در خصوص همین مسأله بود زیرا او به خوبی از توانایی و قدرت این موشک ها اطلاع دارد.

وی افزود: هیچ بحثی در این نیست که بر اساس آنچه دبیر کل حزب الله لبنان اعلام کرد طرح استقلال کردستان توطئه ای آمریکایی برای تجزیه عراق و شکاف در خاورمیانه است، این تجزیه هم به عراق محدود نخواهد شد و کشورهای عربی و خاورمیانه ای دیگری را هم شامل خواهد شد اما جنگ پیش رو که سید حسن درباره آن سخن گفت در سرزمین فلسطین رخ خواهد داد، تا این توطئه برای تقسیم منطقه در منبع و مرکز اصلی آن یعنی دولت اشغالگر اسرائیل از بین برود.

سخنرانی سید حسن نصرالله از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا از سوی مردی بیان شده که هرچه گفته را عملی کرده و تا کنون وارد هیچ جنگی نشده مگر اینکه پیروز از آن خارج شود، از جنگ آزادسازی جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ گرفته تا جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ که ارتش رژیم صهیونیستی و رهبران سیاسی و نظامی آن را تحقیر کرد.

عطوان می نویسد: اسرائیل آمریکا را برای ورود به جنگ دیگری تحریک می کند و از استقلال کردستان و توافق هسته ای ایران به عنوان بهانه های این جنگ استفاده می کند، اسرائیل بزرگترین اشتباه عمرش را مرتکب می شود و به هر حال عمر کوتاهی هم خواهد داشت. جنگ پیش رو اگر شعله ور شود خاموش نخواهد شد و از همه جنگ های گذشته خطرناک تر خواهد بود. هر کسی جای یهودی های سرزمین های اشغالی باشد باید با دقت به پیام های موجود در سخنرانی اخیر سید حسن نصرالله توجه کند.

به هر حال سید حسن نصرالله بر آمادگی حزب الله تاکید کرد. وی به خوبی بنیان سست رژیم صهیونیستی که بر اساس مهاجرت یهودیان دیگر کشورها شکل گرفته را نشانه گرفت و به خوبی مانور اخیر صهیونیستها و چنگ و دندان نشان دادن آنها را خنثی کرد. مواضع نصرالله علاوه بر اینکه جنگ روانی محسوب می شد در واقع نوعی محاسبات دقیق نیز است.

حزب الله به خوبی نحوه اداره نبرد با تل آویو را می داند و ارزیابی دقیقی از اوضاع دارد بر خلاف صهیونیستها که در سرگردانی به سر می برند. محافل صهیونیست نمی دانند که سخنان دبیر کل حزب الله لبنان در راستای جنگ روانی است یا آماده شدن برای نبرد قریب الوقوع است. سید حسن نصرالله قدرت تحلیل و ارزیابی نظامی و امنیتی دقیقی دارد و این را تجربه ثابت کرده است.

رژیم صهیونیستی تلاش زیادی کرده است که از نقطه ضعف حزب الله بهره گیرد اما تاکنون نتوانسته است و با توجه به قدرت بالای حزب الله در اداره اوضاع و تبدیل کردن تهدید به فرصت هرگز نخواهد توانست. تل آویو هیچگاه نتوانسته است که اقدامات حزب الله با پیش بینی و ارزیابی کند و همواره برداشت غلطی داشته است.

تلاش برای تقسیم عراق و تجزیه منطقه صورت بگیرد یا اینکه در پی خروج ترامپ از توافق هسته ای با ایران؟ عطوان با اشاره به هشدارها، موضوع، پیش بینی ها، مواضع صریح و آشکار در خصوص آینده منطقه عربی و تغییراتی که ممکن است در نقشه کشورها و مرزهای آن و جنگ هایی که ممکن است ایجاد شود که در سخنان دبیر کل حزب الله لبنان گنجانده شده بود تأکید کرده که سخنرانی اخیر سید حسن نصرالله مانند سخنرانی های پیشین او نبوده است.

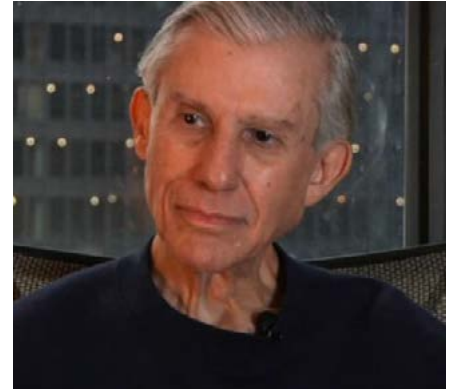
عطوان می نویسد: سید حسن برای اولین بار میان صهیونیسم و یهودیان تفاوت قائل شده و می گوید که اولی یک جریان اشغالگر نژاد پرستانه است و دومی از ادیان آسمانی که لایق و شایسته احترام است. تأکید او بر این بود که نبرد حزب الله با صهیونیسم است نه یهودیان اما به یهودیان هم هشدار داد که وارد طرح و برنامه های آمریکایی ها نشوند زیرا می خواهند از آنها (یهودیان) به عنوان آتش جنگ بعدی در منطقه استفاده کنند. تحلیلگر برجسته فلسطینی می نویسد که سید حسن نصرالله با اشاره به طرح نتانیاهو برای گرفتار کردن منطقه در جنگی دیگر که نه می داند به کجا ختم می شود و چه مناطقی را شامل می شود، به گونه ای از جنگ پیش رو سخن می گوید که گویی قرار است این جنگ فردا آغاز شود.

وی افزود: جنبش مقاومت حزب الله یک جنبش نهاد محور، با بانک های استراتژیست های برتر، یک مرکز تحقیق و بررسی و بیش از اینکه یک حزب باشد شبیه به یک دولت است. روابط ائتلافی مستحکم با قدرت های منطقه ای از جمله ایران دارد و بدون شک اطلاعات و تحقیقات گسترده ای دارد که باعث شده استراتژی و راهبرد دفاعی خود را بر اساس آن تنظیم کند و وقتی سید حسن از یهودی ها می خواهد که فلسطین را ترک کنند و به آنها هشدار می دهد که آتش جنگ احمقانه نتانیاهو نباشند و تأکید می کند که شاید حالا وقتی برای خروج از فلسطین برای آنها باقی مانده باشد و آنها در اراضی اشغالی امنیت نخواهند داشت، این سخنان را در چارچوب جنگ روانی مطرح نمی کند بلکه این اظهارات از سوی کسی بیان می شود که قرار است وارد جنگی قریب الوقوع شود.

عطوان نوشته هشدار های سید حسن را باید در چارچوب تصمیمی که دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا برای خروج از برجام قرار است بگیرد، بررسی کرد. ترامپ می خواهد به بهانه عدم پایبندی ایران به توافق هسته ای در نیمه اکتبر از این توافق خارج شود. خروج آمریکا از توافق هسته ای به معنای اعلام جنگ است زیرا بار دیگر می خواهند تحریم های اقتصادی را علیه ایران اعمال کند

نظریه پرداز آمریکایی در گفتگو با مهر:

اسرائیل خواهان دولتهای ضعیف در منطقه است



فاطمه محمدی

«استفن لندمن» با بیان اینکه جامعه بین‌المللی مخالف استقلال کردستان عراق است گفت: فقط اسرائیل از همه‌پرسی استقلال حمایت می‌کند زیرا خواستار ایجاد دولتهای ضعیف در منطقه است. علیرغم افزایش مخالفت‌های بغداد و کشورهای همسایه عراق با جدایی اقلیم کردستان و تجزیه عراق، همه‌پرسی جدایی کردستان عراق ۲۵ سپتامبر برگزار شد. ناظران معتقد هستند جدایی احتمالی اقلیم نفع و صرفی برای مردم کرد نخواهد داشت؛ چرا که کشوری محصور در خشکی و با ضعف ژئوپلیتیک و عدم شناسایی از سوی جامعه بین‌المللی در سرزمین پرمنزعه خاورمیانه ظهور خواهد کرد.

برنامه ریزی شده است. همه همسایگان عراق و تقریباً کل جامعه بین‌المللی نیز مخالف این فرآیند بودند. نظریه پرداز آمریکا در ادامه گفت: این بیانیه سیاست همیشگی ایالات متحده منطقه‌ای که تجزیه منطقه است و حمایت بریتانیا از همان سیاست، روسیه و چین بر علیه آن را نادیده گرفت. وی افزود: نتایج «تلاش‌های قانونی مردم کردستان برای دستیابی به دولت خود» حمایت کرد. نتایج امیدوار است که اهداف استقلال کردها می‌تواند به اسرائیل کمک کند و در منطقه به تسلط برسد و با دولت‌های ضعیف تر، راحت تر باشد. لندمن در خصوص موضع گیری ایران نیز تصریح کرد: ایران با جدایی طلبی کردی مخالفت می‌کند و خواستار حفظ تمامیت ارضی عراق شده است، روزهای پیش از آن، پروازها از این منطقه را به خاک خود به حالت تعلیق درآورد. وی افزود: شورای امنیت نیز به اتفاق آرا با انتشار بیانیه‌ای از «تأثیر بالقوه بی‌ثبات کننده» همه‌پرسی هشدار داد و خواستار گفتگو و سازش با بغداد شد. لندمن در پایان گفت: اولویت اول منطقه ثبات و ریشه کن کردن تروریسم است. بعید است که این مسائل به زودی حل شود زیرا صلح و ثبات در منطقه با اهداف امپریالیستی آمریکا همخوانی ندارد.

«استفن لندمن» نظریه پرداز آمریکایی در خصوص همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق به خبرنگار مهر گفت: همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق می‌تواند زمینه مهیا شدن جنگ داخلی در این عراق شود. وی تصریح کرد: بعد از فرآیند، بغداد تهدید به ارسال نیروهای مسلح به منطقه کرد، تا این منطقه و میدانهای نفتی با ارزش آن را که روزانه صدها هزار بشکه تولید می‌کند را بدست آورد. بر این اساس جنگ داخلی ممکن است فوران کند. لندمن گفت: رئیس‌جمهور ترکیه اردوغان نیز تهدید به بستن خط لوله، حمل نفت خام از این منطقه به دریای مدیترانه را کرد و خواستار دست کشیدن رهبران کرد از این ماجراجویی با یک پایان تاریک شد. وی افزود: نیروهای عراقی و ترک تمرینات مشترک نظامی را اعلام کردند - یک مانور مشترک برای مداخله مشترک؟ لندمن در خصوص موضع گیری جامعه بین‌المللی در خصوص فرآیند نیز گفت: بغداد، آمریکا و نمایندگان پارلمان اتحادیه اروپا فرآیند را رد کردند و گفتند که این نتایج به رسمیت شناخته نمی‌شود، وار وحدت و تمامیت ارضی عراق ابراز حمایت کردند. وی افزود: وزارت امور خارجه آمریکا در این خصوص گفت که ایالات متحده به شدت مخالف فرآیند اقلیم کردستان برای استقلال است که در تاریخ ۲۵ سپتامبر

سفیر سابق آمریکا در آذربایجان با مهر مطرح کرد:

پیامدهای همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق برای منطقه

فاطمه محمدی یور

می‌دانم که ترکیه با جمعیت کرد داخل قلمرو خود مشکلات سیاسی داخلی دارد. اما تهدید به قطع صادرات نفت از مناطق کردنشین عراق به خارج از طریق ترکیه، نه به نفع ترکیه است و نه به نفع کردها. در حال حاضر ترکیه باید به آرام کردن اوضاع و نه متشنج کردن آن کمک کند.

واکنش قدرت‌های بین‌المللی به جدایی منطقه کردستان از عراق چیست؟

به طور کلی جامعه بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد، سعی کرده است رهبر کردهای عراق را متقاعد کند که رای گیری و فرآیند نمی‌تواند به آنها کمک کند. پس از فرآیند بسیاری از کشورها فرایند رای گیری را به عنوان یک اقدام قانونی شناسایی نکردند.

پس از همه‌پرسی، ما شاهد تحریم شدید اربیل بودیم. با توجه به این تحریم‌ها، آیا شما فکر می‌کنید که بارزانی از تصمیم خود برای جدایی از بغداد عقب نشینی خواهد کرد؟

من به خوبی می‌دانم که اقدامات گوناگون بسیاری علیه اربیل از سوی دولت عراق صورت گرفته است. از جمله ممنوعیت صادرات نفت از مناطق کردنشین عراق، ممنوعیت پروازهای بین‌المللی به اربیل عراق، و قطع دسترسی اربیل به سیستم بانکی عراق. اینکه آیا این اقدامات بر کردهای عراق تأثیرگذار خواهد بود یا نه هنوز مشخص نیست و زود است در این مورد صحبت کنیم. آنچه در حال حاضر مهم است آرام کردن اوضاع در طی یک دوره موقت می‌باشد.



جمهوری آذربایجان (۱۹۹۴-۱۹۹۷) و بوسنی و هرزگوین (۱۹۹۷-۱۹۹۹) است.

فرآیند اقلیم کردستان عراق در تاریخ ۲۵ سپتامبر برگزار شد. تأثیر این فرآیند بر جریانات سیاسی درون اقلیم چیست؟

برای من بسیار سخت است در مورد چگونگی تأثیر فرآیند کردستان عراق بر کردها در دیگر کشورهای منطقه صحبت کنم. من باور دارم که این فرآیند و فرآیند کاتالونیا دیگر اقلیت‌های قومی در خاورمیانه و اروپا را جهت کسب خودمختاری بیشتر تحریک می‌کند.

واکنش قدرتهای منطقه‌ای به جدایی اقلیم کردستان از عراق چیست؟

من فکر می‌کنم، ترکیه در قبال جدایی کردستان از عراق بیش از حد واکنش نشان داده است. من به خوبی

«ریچارد کوزلاریچ» معتقد است که برگزاری همه‌پرسی در کردستان عراق، دیگر اقلیت‌های قومی در منطقه را جهت کسب خودمختاری بیشتر تحریک خواهد کرد. در پی تهاجم داعش به شمال عراق که در نتیجه آن پیشمرگ‌های کرد به طور غیررسمی کنترل برخی از مناطق را که نیروهای تحت کنترل بغداد رهپایشان کرده بودند، در دست گرفتند، خواسته‌ها برای استقلال کردستان قوت گرفت. با عملیات مشترک نیروهای کرد و حکومت مرکزی عراق برای آزادسازی موصل، تاریخ همه‌پرسی بارها اعلام شد و به تعویق افتاد. سرانجام مقام‌های بلندپایه دولتی و احزاب سیاسی کردستان عراق تاریخ برگزاری همه‌پرسی برای اعلام استقلال کردستان عراق را ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ اعلام کردند. این تصمیم در طی نشست‌های در اربیل عراق به ریاست «مسعود بارزانی» رهبر کردستان عراق گرفته شد.

علیرغم افزایش مخالفت‌های بغداد و کشورهای همسایه عراق با جدایی اقلیم کردستان و تجزیه عراق، همه‌پرسی جدایی کردستان عراق ۲۵ سپتامبر برگزار شد. ناظران معتقد هستند جدایی احتمالی اقلیم نفع و صرفی برای مردم کرد نخواهد داشت؛ چرا که کشوری محصور در خشکی و با ضعف ژئوپلیتیک و عدم شناسایی از سوی جامعه بین‌المللی در سرزمین پرمنزعه خاورمیانه ظهور خواهد کرد.

در این راستا خبرنگار مهر گفتگویی با «ریچارد کوزلاریچ» تنظیم نموده که در ادامه می‌آید.

«ریچارد کوزلاریچ» مدیر اندیشکده علوم و سیاست‌گذاری انرژی در دانشگاه جرج میسون و سفیر پیشین آمریکا در

دبیر کل شورای عالی سیاسی یمن:

«ولد الشیخ» ابرار دست متجاوزان سعودی / نقش آمریکا و انگلیس در جنگ یمن

رامین حسین آبادیان



را برای شایعه پراکنی جهت ایجاد روزنه ای برای اختلاف افکنی میان گروه های سیاسی یمن به کار می گیرند. در هر حال، تمامی گروه های سیاسی از جمله انصارالله و کنگره ملی به خوبی می دانند که اولویت آینده ما مقابله با متجاوزان سعودی است.

|| طبق آخرین گزارش های منتشر شده توسط سازمان بهداشت جهانی، تعداد قربانیان بیماری وبا در یمن از مرز ۲۰۰۰ نفر گذشته است. شیوع این بیماری در یمن و وضعیت انسانی اسفناک در این کشور را چگونه ارزیابی می کنید؟

اگر ما امروز نتوانیم با ارائه اسناد و مدارک متقن دست داشتن کشورهای عضو ائتلاف متجاوز سعودی در شیوع بیماری وفا را اثبات نکنیم، شکی نیست روزی خواهد آمد که مردم یمن این مسأله را اثبات و متجاوزان را رسوا می کنند. امروز عربستان سعودی و ائتلاف متجاوز تحت رهبری آن پس از شکست در مواجهه نظامی به جنگ اقتصادی علیه یمنی ها روی آورده است.

از سوی دیگر، عربستان سعودی و ائتلاف تحت رهبری آن شیوع میکروب ها و بیمارهای مسری در یمن را در دستور کار خود قرار داده اند تا جبران شکست آنها در میدان نظامی صورت پذیرد. این جنایت با گذشت زمان از اذهان پاک نمی شود. همانگونه که محاصره زمینی، دریایی و هوایی مردم یمن یک جنایت ضد حقوق بشری محسوب می شود، اقدام برای شیوع بیماری های مسری هم یک جنایت به شمار می رود.

لازم است جامعه جهانی اگر اندکی بوی انسانیت برده است، هرچه سریعتر برای جلوگیری از این جنایت های عربستان سعودی و ائتلاف آن وارد عمل شود. در غیر این صورت، جامعه جهانی نیز در جنایت های سعودیها علیه مردم یمن شریک و همدست است.

|| سازمان ملل متحد اخیر عربستان سعودی را در لیست سیاه کشورهای ناقض حقوق کودکان یمن قرار داده است. این سازمان در موضعی دوپهلوی همچنین از برخی اقدامات عربستان در حمایت از حقوق کودکان یمن! قدردانی کرده است. ارزیابی شما در این خصوص چیست؟

مواضع جامعه جهانی و سازمان ملل متحد در قبال بحران یمن به طور کامل در جانبداری از سعودیها اتخاذ شد. این مواضع تحت تأثیر استکبار جهانی و پروژه های شوم آن در منطقه اتخاذ شدند. شورای عالی سیاسی یمن و همچنین دولت نجات ملی، جامعه جهانی را در جریان تمامی جنایت های سعودیها و متجاوزان قرار دادند اما هیچ وجدان بیداری برای ممانعت از ادامه این جنایتها وجود نداشت. از سوی دیگر، سازمان ملل متحد نیز به مسؤلیت های خود در قبال یمنی ها عمل نکرده است. ما شاهد هستیم که اسماعیل ولد الشیخ فرستاده این سازمان به ابزاری در دستان دشمن تبدیل شده است. امروز ولد الشیخ به عنصری تبدیل شده است که با خواست سعودیها حرکت می کند با اراده آنها نیز از حرکت بازمی ایستد. ولد الشیخ بخشی از مشکل در یمن است و نه بخشی از راه حل. ما خواستار تجدید نظر سازمان ملل متحد در مواضع آن در قبال یمن هستیم.

دکتر «یاسر الحوری» دبیر کل شورای عالی سیاسی یمن با اشاره به اینکه «ولد الشیخ» فرستاده سازمان ملل در امور این کشور بخشی از مشکل است تا راه حل، به بررسی نقش آمریکا و انگلیس در جنگ یمن پرداخت. حملات رژیم سعودی به مردم بی دفاع و بی گناه یمن با وجود گذشت بیش از دو سال و نیم از آغاز این حملات، همچنان ادامه دارد. طبق آخرین گزارش های منتشر شده توسط سازمان ها و نهادهای بین المللی، این حملات تاکنون بیش از ۱۲ هزار یمنی شهید و هزاران تن دیگر به شدت زخمی شده اند. این در حالی است که جامعه جهانی تاکنون هیچ اقدامی برای توقف این جنایت های ضد حقوق بشری و ضد حقوق بشردوستانه صورت نداده است. حملات گسترده رژیم سعودی به مناطق مختلف یمن و زیرساخت های این کشور همچنین علاوه بر خسارت های مادی و جانی فراوانی که به دنبال داشته، موجب فراگیر شدن بیماری کشنده وبا نیز شده است. در همین ارتباط، سازمان بهداشت جهانی در بیانیه ای اعلام کرده است که در مجموع ۸۰۰ هزار و ۶۲۶ نفر در ۲۲ استان از ۲۳ استان یمن به بیماری وبا مبتلا شده اند. بر این اساس شمار قربانیان این هفته در مقایسه با گزارش هفته گذشته سازمان جهانی بهداشت ۲۴ نفر افزایش یافته است. در همین حال شمار موارد مشکوک به ابتلا به وبا نیز به ۳۳ هزار و ۱۰۲ مورد رسیده است. بیشتر تلفات بیماری وبا در استان حجه در شمال یمن و بیشترین موارد ابتلا به این بیماری در استان حدیده در شمال غرب یمن در ساحل دریای سرخ گزارش شده است. کمیته بین المللی صلیب سرخ پیش بینی کرده است با این روند، شمار افراد مبتلا به این بیماری در یمن تا پایان سال به یک میلیون نفر برسد.

در همین ارتباط، خبرنگار مهر گفتگویی را با دکتر «یاسر الحوری» دبیر کل شورای عالی سیاسی یمن ترتیب داده است که مشروح آن از نظر می گذرد:

|| در حال حاضر خبرهایی مبنی بر وجود اختلافات گسترده میان احزاب و جریان های یمنی از جمله انصارالله و کنگره ملی شنیده می شود. آیا صحت این اخبار را تأیید می کنید؟ هدف از انتشار چنین اخباری چیست؟

اکنون شاهد تجربه یک شراکت جدید میان احزاب و جریان های سیاسی یمن در اداره امور کشور هستیم. بنابراین کاملاً طبیعی است که در طول این تجربه جدید، اختلافاتی میان طرف های مختلف داخلی شکل بگیرد. اما نکته اینجاست که تمامی این اختلافات، توسط تمامی طرف ها قابل کنترل هستند و از یک حد و مرز مشخصی فراتر نخواهند رفت.

جای هیچ شکی وجود ندارد که سطح این اختلافات به آنچه که متجاوزان سعودی تمایل دارند، ارتقاء نخواهد یافت. متجاوزان سعودی تمایل دارند که این اختلاف نظرها میان احزاب سیاسی یمن به مواجهه نظامی میان آنها منجر شود که چنین اتفاقی نخواهد افتاد. عربستان سعودی و امارات متحده عربی هرگاه که تلاش هایشان در یمن با شکست مواجه می شود، تلاش خود

|| برخی گزارش ها حاکی از آن هستند که عربستان سعودی به دنبال راهی برای خروج از یمن و باتلاقی که در آن گرفتار شده است، می گردد. در این خصوص توضیح دهید.

عربستان سعودی کشوری است که ایالات متحده آمریکا آن را وارد جنگ یمن کرده است. از سوی دیگر، امارات متحده عربی نیز به دستور دولت انگلیس خود را وارد جنگ یمن در مناطق جنوبی این کشور کرده است. با کمال تأسفک اکنون مناطق جنوبی یمن تحت اشغال و استعمار همین اشغالگران اماراتی هستند. عربستان سعودی از زمان ورود به جنگ یمن بارها خواستار خروج از آن بوده است؛ چراکه تاکنون شکست های متعددی را متحمل شده است.

گزارش ها و اظهارنظرهای متعددی نیز از سوی طرف سعودی به چشم می خورد که نشان دهنده تلاش ریاض برای خروج از باتلاق یمن است. با تمام اینها آنچه که امروز در حال وقوع است، این است که شهوت کشتار مردم یمن بر عقل سران سعودی چیره شده است. عربستان سعودی همچنان به دنبال راهکار نظامی در یمن است. در طرف مقابل، نیروهای یمنی نیز عزم خود را برای مقابله با طغیانگران جزم کرده اند و عقب نخواهند نشست.

|| به نظر شما قدرت موشکی ارتش و کمیته های مردمی یمن تا چه حدی در نبرد با سعودیها نقش بازدارندگی داشته است؟

قدرت موشکی ارتش و کمیته های مردمی یمن بزرگترین عامل بازدارنده در برابر تجاوزهای رژیم سعودی است. نیروهای یمنی ثابت کردند که بُرد موشک هایشان تا دبی و ابوظبی هم می رسد. این قدرت موشکی در نزد نیروهای مقاومت یمن، معادلات میدانی را به کلی تغییر داد و محاسبات دشمن سعودی را برهم زد. اگر این تجاوزها و محاصره ها و کشتارها از سوی عربستان و همپیمانان آن اتفاق نمی افتاد، قدرت موشکی یمن تا این حد پیشرفت نمی کرد.

دشمن سعودی و همپیمانان آن تلاش کردند تا از طریق خاموش کردن انقلاب یمن، این کشور را به حیات خلوت خود تبدیل کنند اما در این زمینه متحمل شکست سختی شدند. اکنون دیگر سعودیها هیچ چاره ای جز به رسمیت شناختن حقوق مردم یمن و احترام به تمامیت ارضی آن ندارند.

آمریکا و داعش؛ ارتش جایگزین با پوشش محلی

فرزاد فرهادی



از آموزش می دهد و آنگاه از آنها استفاده می کند. آمریکا معمولاً برای سرنوشت نظام کشور مغایر با سیاست هایش از ابزارهای مختلفی از جمله داعش و گروههای مرتبط با آن بهره می برد.

بر اساس گزارش های مخابره شده؛ نیروهای آمریکایی در منطقه التنف و دیرالزور همسویی کاملی با داعشی ها به

عمل آورده اند. حضور خودروهای هامر آمریکایی و توپ های خودکشی در قلب مناطق تحت اشغال داعش آنهم بدون هیچ گونه درگیری و مقاومت یا حمله هوایی قبلی و حضور ادوات داعش در کنار آنها آنگونه که وزارت دفاع روسیه اعلام

کرده است حمایت آتشباری و تقویت توان ارتش جایگزین ارتش آمریکا یعنی تروریستهای اجیر شده از سوی آمریکا است.

بئینه شعبان مشاور بشار اسد رئیس جمهور سوریه در این باره می گوید: زبان کننده اصلی از حمایت های

پنهان و آشکار آمریکا از داعش در سوریه، عراق و یمن خود این کشورها و مردم آن هستند. ما شاهد عبور دهها

خودرو آمریکایی از عراق به شمال شرقی سوریه هستیم و این سؤال برای ما مطرح می شود که داعش این

خودروهای ساخت آمریکا را کجا آورده است در حالی که کشورهای ما نمی توانند سرم کودکان برای نجات

زندگی آنها به سبب تحریم ها تهیه کنند؟ داعش حقوق هزاران تروریست را می پردازد و این سؤال بزرگی درباره

گردش مالی دلار آمریکایی ایجاد می کند.

وی می افزاید: رابطه میان غرب و صهیونیستها با تروریستهای داعش و جبهه النصره و گروه موسوم به

ارتش آزاد و دیگر گروهها رابطه ای قدیمی است. این گروهها از ابزار صهیونیستها برای هدف قرار دادن و استعمار

کشور ما هستند.

به هر حال آنچه در منطقه ما می گذرد به نوعی مرحله جدیدی است. از سوئی اروپا از رهبری آمریکا

ناخرسند است و از سوی دیگر چین، روسیه و متحدان آن از رهبری دنیا از سوی غربی راضی نیستند. جنگ با

داعش و تکفیری ها نیز به منزله زور آزمایی میان ائتلافی است که نمی خواهد دنیا تغییر کند و به دنبال تثبیت

هیمنه آمریکا است و ائتلاف دیگری که هیمنه تک قطبی را بر نمی تابد و بر این باور است که زمان پایان آن فرا

رسیده است.

نکته این است که با وجود حمایت های آمریکا از داعش، دونالد ترامپ در نطق خود از غلبه آمریکا بر داعش و

تروریسم از طریق ائتلاف بین المللی سخن می گوید! به طور کلی سیاست آمریکایی ها در راستای تجزیه

منطقه صرف نظر از احساسات و تمایلات ملت های منطقه و بافت جمعیتی آن است. در سوریه طرح منطقه

حائل میان سوریه و لبنان از القلمون تا قنیطره مطرح بود اما شکست خورد. طرح دیگر منطقه حائل از قنیطره تا

جنوب سوریه که راه به جایی نبرد. هدف آمریکا از حمایت داعش یا همان ارتش جایگزین در واقع ایجاد مناطق

حائل و تجزیه است. با ورود ارتش سوریه به مناطق شمال شرقی دیرالزور و میدین نفت و گاز طرح های تجزیه آمریکا راه به جایی نمی برد.

داعش ندارد زیرا برای آنها آنچه مطلوب است نابودی ارتش

ها و ملت ها و فرسایش همه است و این سیاست آمریکا در

موضوع داعش است. نیروی هوایی آمریکا در برخی مناطق

مانع پیشروی ارتش سوریه و متحدانش در مناطق تحت اشغال

داعش می شود. ما در البادیه سوریه در اطراف شهر میدین

به پیش می رویم و آن پس گرفته خواهد شد. درباره رقم

زمن سرنوشت جنگ در غرب الانبار در منطقه القائم عراق

اصرار و عزم راسخ وجود دارد. آنچه در منطقه جریان دارد طرح

آمریکایی-سعودی است و در عراق و لبنان شکست خورد و در

سوریه در مسیر سرنوشت و خاتمه دادن است. حزب الله افتخار

مشارکت در شکست طرح آمریکایی-سعودی را دارد و شهیدان

مقاومت گواه آن هستند.

سندی دیگری درباره حمایت آمریکا از داعش از زبان

یک مسئول ارشد در ارتش سوریه مطرح شد که طی آن

اعلام کرده که سلاح ها و تجهیزات نظامی آمریکا برای

داعش و جبهه النصره ارسال شده است.

ژنرال علی العلی رئیس بخش عملیات های ارتش

سوریه در حین به نمایش گذاشتن سلاح هایی که از

تروریست های داعش مصادره شده اعلام کرد که ایالات

متحده به معارضان مسلح سوری سلاح نمی دهد بلکه

تروریست های داعش و جبهه النصره را تجهیز می کند.

وی تأکید کرد که ارتش سوریه مطلع شده که در فاصله

زمانی ژوئن گذشته تا ۱۵ سپتامبر دست کم ۱۴۲۱

محموله سلاح و تجهیزات نظامی به این بهانه که این

سلاح ها برای مقابله با تروریسم ارسال شده است به

دست عناصر داعش و جبهه النصره رسیده است.

سرتیپ محمد عیسی کارشناس نظامی و راهبردی سوری

نیز گفت: «از حقایق جنگ سوریه این است که نیروهای

آمریکایی نیروهای اشغالگر هستند. اینکه اعلام می کنند

هدفشان جنگ با تروریسم است کدام منطقه با کمک

آمریکایی ها از لووت داعش آزاد شده است؟ از سوئی

داعش با این حمایت لجستیک تانکی و توپخانه و پهپاد از

کجا آمده است؟ دستگاههای ارتباطی ماهواره ای و هزینه

های داعش چگونه تأمین می شود؟

این نظامی ارشد سوری می افزاید: داعش ارتش

جایگزین ارتش آمریکا است اما با پوشش محلی که از

طریق آن تحولات ژئوسیاسی مهم در منطقه خاورمیانه

ایجاد کند. آمریکایی می گویند که کمک هایی که با

چتر پرتاب شده است اشتباهی است چگونه ممکن است

که دهها کیلومتر اشتباه شود؟

عیسی بیان کرد: پایگاه التنف محور امداد رسانی

لجستیکی داعش و متحدانش است.»

آنچه باید گفت این است که اصولاً سیاست های غرب

در قرن بیستم در ایجاد بی ثباتی در خاورمیانه و بسط

سلطه دیکتاتورهای نظامی در منطقه نقش مهمی ایفا

کرد. آمریکا در قرن بیست و یکم نقش در ظهور و بروز

جریان سلفی و داعشی ها نقش مهمی داشته است. دخالت

های نظامی آمریکا به ویژه اشغال عراق فاجعه بزرگی را

برای تاریخ منطقه رقم زد. هرج و مرج و بی ثباتی منطقه

پس از ۲۰۰۳ تشدید شد.

تروریسم یکی از ابزارهای که آمریکا از آن برای تغییر

نظامهای مغایر با سیاست های خود بهره می گیرد.

در جنگ های نسل چهارم آمریکا به دنبال استفاده از

افراد اجیر شده برای بهره برداری در کشور مورد هدف

است تا سربازانی در خدمت ایالات متحده برای تخریب

و ویرانی این کشور باشند. آمریکا معمولاً افراد اجیره شده

آمریکایی ها همواره مدعی مقابله با داعش از طریق ائتلاف بین المللی هستند، اما اسناد و حقایق میدانی در مناطق تحت اشغال تکفیری ها به ویژه در سوریه خلاف آنرا ثابت می کند.

همواره در رسانه ها شاهد اخباری در زمینه حمایت های پنهان و آشکار آمریکایی ها از داعشی ها هستیم. برخی اخبار از هلی برن نیروهای آمریکایی در برخی مناطق تحت اشغال داعش و انتقال سرکرده های آنها به مناطق دیگر حکایت دارد و برخی اخبار دیگر نیز به ویژه از سوی روسها درباره همسویی واشنگتن با داعش مخابره شده است.

ایگور کوناشنکوف سخنگوی رسمی وزارت دفاع روسیه از حمله داعش به نیروهای سوریه از منطقه استقرار نیروهای آمریکایی خبر داد. به گفته وی، در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۷، داعش سعی در محاصره ارتفاعات القریبتین داشتند. در این عملیات تروریست ها از پست های مخفی نیروهای دولتی را دور زدند و مختصات دقیق آنها را می دانستند، این کار تنها از طریق اطلاعات مخفی هوایی امکان پذیر بود.

سخنگوی رسمی وزارت دفاع روسیه همچنین اعلام کرده است: «روسیه هنوز پاسخی به این سؤال دریافت نکرده است که نیروهای نظامی ویژه آمریکایی با چه کسانی و علیه چه کسانی در سوریه در حال جنگیدن هستند. توجه شما را دوباره به این مسئله جلب می کنم که در تصاویر بدست آمده از مواضع ترویستهای داعشی که اکنون در اختیار نیروهای ویژه آمریکایی قرار دارد، هیچ نشانه ای از درگیری نظامی یا حمله موشکی یا توپخانه ای دیده نمی شود. ضمن اینکه همانطور که در تصاویر مشخص است، اصلاً هیچ استقرار حفاظتی و نگهبانی هم در اطراف محل استقرار نظامیان آمریکایی وجود ندارد. با توجه به تجربه نظامی دو ساله بدست آمده از اقدامات گروه تروریستی داعش در جریان عملیات نیروهای نظامی روسیه در سوریه، این شواهد تنها یک سؤال را در ذهن بوجود می آورد و آن اینکه نیروهای نظامی ویژه آمریکایی واقعا با چه کسی و علیه چه کسی در سوریه در حال جنگ هستند؟ البته ما تاکنون توضیح قانع کننده ای برای این سؤال از طرف مقامات واشنگتن دریافت نکرده ایم.»

اسپوتنیک به نقل از ایگور کوناشنکوف سخنگوی رسمی وزارت دفاع روسیه بیان کرد: آمریکا می گوید آخرین حمله تروریستهای داعش به مواضع نیروهای سوریه در مناطق تحت کنترل آنها اتفاقی بوده است، روسیه نیز می تواند همه این اتفاقی بودنها را در آن منطقه از بین ببرد.

اگر آمریکایی ها چنین عملیاتی را به عنوان اتفاقات غیر قابل پیش بینی و اتفاقی در نظر بگیرد، نیروی هوایی نظامی روسیه در سوریه این آمادگی را دارد تا بطور کامل این حوادث «تصادفی» را در منطقه تحت کنترل خود از بین ببرد.

درباره نقش آمریکایی و حمایت آنها از داعش سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان بیان کرد: «داعش فانی است و از بین می رود و طرفی که جنگ با داعش را به تعویق می اندازد و مانع تراشی می کند آمریکایی ها هستند. آمریکا خواهان پایان داعش در کوههای العین، راس بعلبک و القاع نبود و برای توقف جنگ به ارتش و دولت لبنان فشار وارد آوردند و تهدید کردند. مانع تراشی آمریکایی ها در خاتمه دادن به پایان کار داعش راه به جایی نمی برد و مانع جنگ ضد داعش نخواهد شد. آمریکا عجله ای برای پایان دادن به کار

اربیل راهی جز پذیرش دعوت آیت الله سیستانی ندارد



نماینده پارلمان عراق ضمن غیرقانونی خواندن همه پرسوی استقلال اقلیم کردستان تأکید کرد: اربیل راهی جز پذیرش دعوت آیت الله سیستانی برای حل بحران کنونی ندارد.

علیرغم افزایش مخالفت های بغداد و کشورهای همسایه عراق با جدایی اقلیم کردستان و تجزیه عراق، همه پرسوی جدایی کردستان عراق ۲۵ سپتامبر برگزار شد. ناظران معتقد هستند جدایی احتمالی اقلیم نفع و صرفی برای مردم کرد نخواهد داشت؛ چرا که کشوری محصور در خشکی و با ضعف ژئوپلیتیک و عدم شناسایی از سوی جامعه بین المللی در سرزمین پر منازعه خاورمیانه ظهور خواهد کرد.

عباس البیاتی نماینده پارلمان عراق در خصوص همه پرسوی استقلال اقلیم کردستان عراق به خبرنگار مهر گفت: این همه پرسوی غیر قانونی و نامشروع است و به هیچ وجه منطبق بر قانون اساسی عراق نیست. بغداد به طور قاطع و صریح اعلام کرده است که نتایج این همه پرسوی را به رسمیت نمی شناسد و از نظر بغداد چنین همه پرسوی باطل است و نمی توان بر آن تکیه کرد. اقلیم کردستان اگر خواهان گفتگو با بغداد برای حل اختلافات اربیل - بغداد است باید همه پرسوی استقلال را رها کند زیرا عراقی ها با این موضوع کنار نمی آیند.

وی خاطر نشان کرد: بنا به دلایلی درباره همه پرسوی استقلال اقلیم کردستان عراق اختلاف نظر وجود دارد. اول اینکه این همه پرسوی به صورت یکجانبه و از سوی یک طرف واحد بدون توافق با بقیه شرکای سیاسی عراق انجام شد. اقلیم کردستان عراق تنها بخشی از عراق است و یک منطقه نمی تواند به تنهایی و بدون هماهنگی و توافق با دیگر طرف ها تصمیم به جدایی بگیرد. دلیل دیگر اینکه همه پرسوی استقلال کردستان عراق از سوی هیچ گروه و جریانی در کشور مورد تأیید نبود و به غیر از برادران کرد زبان، همه طرف ها از جمله اهل تسنن، شیعه، مسیحی، یزیدی، ترکمن و ... با این موضوع مخالف بودند. دلیل سوم اینکه همه پرسوی استقلال کردستان عراق، مناطق مورد مناقشه را که هنوز درباره آنها اختلاف و منازعه وجود دارد، در برمی گیرد و برگزاری این همه پرسوی به نوعی تحمیل امر واقع محسوب می شود و خارج از خواست و موافقت تمامی طوائف و طرف های موجود در مناطق مورد مناقشه است.

نماینده پارلمان عراق در ادامه گفت: دلیل چهارم اینکه چنین همه پرسوی به تقسیم و تجزیه کشورهای منطقه منجر خواهد شد و امنیت و صلح در خاورمیانه را تهدید می کند لذا چنین تهدیدی باید از بین برود چرا که تبعات و پیامدهای خطرناکی به همراه دارد و این خطرات نه تنها ملت عراق و به ویژه ملت کرد را هدف قرار می دهد بلکه کل منطقه را شامل می شود. ایران، ترکیه، سوریه، آمریکا و اروپا که با جدایی اقلیم کردستان عراق مخالف هستند معتقدند که این امر سرمنشا درگیری های جدید در منطقه خواهد شد چرا که بسیاری از کشورهای منطقه به لحاظ ترکیب جمعیتی، قومیتی و مذهبی ساختار اجتماعی و اقتصادی شبیه عراق هستند حتی برخی گروه های سیاسی در اقلیم کردستان عراق همچون گوران، تغییر و جماعت اسلامی مخالف همه پرسوی استقلال کردستان هستند و بر این باور هستند که در شرایط زمانی و فعلی،

اساسی عراق، اداره مناطق و گذرگاه های مرزی برعهده حکومت مرکزی بغداد است اما از سال ۲۰۰۳ تاکنون، اداره گذرگاه های زمینی عراق با ترکیه و ایران به عهده اقلیم کردستان عراق گذاشته شده بود و درآمدهای گمرکی در اختیار این منطقه قرار می گرفت. نیروهای پلیس در این گذرگاه ها نیز تابع اقلیم کردستان عراق بودند. اما در حال حاضر طبق قانون اساسی باید اداره این گذرگاه ها به دولت عراق سپرده شوند و فرودگاه های اربیل و سلیمانیه نیز که پیش از این از سوی اقلیم کردستان عراق اداره می شد باید از سوی بغداد اداره شوند. لذا نخستین اقدام دولت عراق در خصوص همه پرسوی استقلال کردستان عراق، طبق قانون اساسی، افزایش کنترل خود بر گذرگاه ها و اداره فرودگاه ها طبق قانون اساسی عراق است.

وی در ادامه گفت: برادران کرد زبان تلاش می کنند نفوذ خود را در مناطق مورد مناقشه در کرکوک، نینوا، جنوب صلاح الدین و شمال شرق دیاله شدت بخشند. این مناطق طبق قانون اساسی عراق به لحاظ مالی و اداری تابع دولت عراق است، در حال حاضر دولت عراق به موجب قانون اساسی به دنبال اداره این مناطق است. ملت کرد بخشی از مردم عراق محسوب می شوند و دولت عراق تمامی حقوق آن را پرداخت خواهد کرد و چنین تصمیمی از سوی بغداد با هدف محاصره و تحت فشار گذاشتن رهبران سیاسی اقلیم کردستان عراق برای چشم پوشی از نتایج همه پرسوی استقلال صورت می گیرد.

نماینده پارلمان عراق درباره پیامدها و آینده منطقه در صورت اصرار بر استقلال اقلیم کردستان عراق اظهار داشت: برادران کرد زبان راهی جز پذیرش دعوت آیت الله سیستانی مرجع عالیقدر عراق ندارند. آیت الله سیستانی اخیراً طرح نقشه راهی را در این رابطه ارائه کردند که اگر برادران کرد می خواهند از پیامدهای منفی همه پرسوی استقلال کردستان عراق رهایی یابند باید این طرح نقشه راه را بپذیرند. این طرح مبتنی بر ۳ عنصر است: اول اینکه رهبران اقلیم از نتایج همه پرسوی استقلال کردستان عراق پیروی نکنند و مخالفت خود را با تجزیه عراق اعلام کنند. دوم گفتگو با بغداد برای حل اختلافات موجود و سوم رجوع به قانون اساسی و دادگاه عالی عراق برای حل اختلافات است.

وی افزود: لذا یک طرح نقشه راه در برابر برادران کرد زبان قرار دارد، در غیر اینصورت کشورهای عراق، ترکیه و ایران اقداماتی را انجام خواهند داد و تصمیماتی اتخاذ خواهند کرد که به موجب آن با همکاری یکدیگر، همه پرسوی اقلیم کردستان را ابطال و رهبران کرد زبان را به چشم پوشی از استقلال سوق خواهد داد. اصرار رهبران سیاسی اقلیم کردستان عراق بر جدایی، به واکنش بیشتر کشورهای مذکور و اتخاذ اقدامات شدیدتر و دخالت های بیشتر منجر خواهد شد. دخالت هایی که اوضاع منطقه را متشنج خواهد کرد. ما با هر گونه استفاده از زور و خشونت در این زمینه مخالف هستیم. ما به استفاده از زور نیاز نداریم و من گمان می کنم اقدامات قانونی دولت عراق و پیروی از قانون اساسی و همکاری بغداد، تهران و آنکارا برای تحت فشار گذاشتن رهبران سیاسی اقلیم کردستان عراق با هدف چشم پوشی از جدایی اقلیم کردستان عراق کافی خواهد بود.

این مسئله به صلاح اقلیم کردستان عراق نیست. وی درباره اهداف همه پرسوی استقلال کردستان عراق از سوی رهبران اقلیم اظهار داشت: برخی رهبران کردستان عراق دارای مشکلات داخلی هستند، در این منطقه اختلافات سیاسی حل نشده ای میان اربیل و سلیمانیه وجود دارد، گروه های سیاسی موجود در اربیل و سلیمانیه درباره موضوعات مختلف با یکدیگر اختلاف دارند و همه پرسوی استقلال کردستان عراق با هدف سرپوش گذاشتن بر این اختلافات مطرح شد. نکته دیگر اینکه ملت کرد همواره به استقلال به عنوان یک آرزو می نگرد اما جغرافیا و تاریخ در این زمینه ایفاگر نقش هستند، در واقع تاریخ و جغرافیا با چنین خواسته ای مخالف است و نمی توان همه خواسته ها را محقق کرد. تنها ملت کرد نیست بلکه ملت های بسیاری در دنیا وجود دارند که به چنین موضوعی می اندیشند و تاریخ و جغرافیا به آنها اجازه تحقق خواسته هایشان را نداده است.

عباس البیاتی تصریح کرد: هدف سوم همه پرسوی از سوی مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان عراق، تحت فشار گذاشتن بغداد در راستای توسعه روابط از فدرالی به کنفدرالیسم است. فدرالیسم نص صریح قانون اساسی عراق است اما برای کنفدرالیسم نیاز به تغییر قانون اساسی است و چنین تغییری باید با موافقت تمامی گروه ها و جریانهای در عراق و تصویب پارلمان صورت گیرد لذا تغییر حکومت در عراق از فدرالیسم به کنفدرالیسم به د اصلاح قانون اساسی نیاز دارد و عراق در حال حاضر در شرایطی نیست که این مسئله را محقق کند.

این نماینده عراقی افزود: من گمان می کنم که برادران کرد عراقی به طور دقیق، واکنش ها در خصوص همه پرسوی استقلال کردستان عراق را پیش بینی نکرده بودند و تصور می کردند که این مسیر هموار است اما به عنوان مثال کشورهایی که پیش از برگزاری همه پرسوی اقلیم کردستان عراق سکوت اختیار کرده بودند در حال حاضر و پس از اعلام نتایج، نظر صریح و مخالفت خود را بیان کردند. بنابراین در چنین شرایطی تنها یک راه برای برادران کرد زبان باقی است و آن اینکه همه پرسوی و نتایج آن را فراموش کنند چرا که این مسئله برخلاف آنچه که تصور می کردند سهل و آسان نیست.

عباس البیاتی درباره اقدامات و راهکارهای بغداد علیه همه پرسوی استقلال اقلیم کردستان عراق گفت: دولت عراق در نخستین اقدام به دنبال افزایش کنترل و مدیریت خود بر مناطق اقلیم کردستان عراق است مثلاً به موجب قانون

تبدیل العوامیه به میدان جنگ / پایکوبی سعودی ها روی خاک شیعیان



محلّه شیعه نشین المسوره در مرکز شهر العوامیه واقع شده است که نظامیان رژیم سعودی به بهانه پروژه «بهبودی منطقه» آن را به شدت تخریب و ساکنانش را آواره کرده‌اند.

رژیم سعودی طی ماه‌های اخیر به گونه‌ای شهر شیعه نشین العوامیه واقع در استان القطیف را هدف حملات نظامی گسترده خود قرار داده است که مخاطب با نگاهی به تصاویر و فایل‌های صوتی منتشر شده از این شهر، در صورت عدم آگاهی، به دلیل حجم گسترده تخریب و نابودی گمان می‌کند که چنین تصاویری متعلق به سوریه، عراق و یا افغانستان است.

مسأله العوامیه

شهر العوامیه در استان القطیف واقع شده است. این شهر کاملاً شیعی بوده و تعداد ساکنان آن به ۳۰ هزار نفر می‌رسد. پس از روی کار آمدن رژیم سعودی در عربستان، شهر العوامیه به دلیل گرایش‌های دینی و مذهبی خود از تمامی امکانات محروم است و حتی شهروندان ساکن آن از حقوق شهروندی نیز برخوردار نیستند. شهید شیخ نمر النمر روحانی برجسته عربستانی از اهالی همین شهر یعنی العوامیه بود که به دلیل انتقادات گسترده از سیاست‌های داخلی و خارجی عربستان سعودی به شهادت رسید. مردم العوامیه به شهامت و شجاعت مشهور هستند به گونه‌ای که نظامیان آل سعود هیچگاه جرأت ورود به این شهر را نداشتند.

محلّه المسوره کجاست؟

در مرکز شهر العوامیه یک محلّه قدیمی به نام المسوره قرار دارد که جزو آثار تاریخی العوامیه نیز هست. قدمت ساختمان‌های موجود در این محلّه به بیش از ۴۰۰ سال می‌رسد. در این محلّه حدود هشت هزار نفر زندگی می‌کنند. در این محلّه راه‌های باریک و کوچه‌های تنگی وجود دارد. بسیاری از جوانان مظلوم آن که خواستار اصلاحات سیاسی و پایان سیاست‌های تبعیض آمیز رژیم سعودی هستند، زمانی که توسط نظامیان این رژیم مورد تعقیب قرار می‌گیرند به این کوچه‌های تنگ و راه‌های باریک پناه می‌برند و پنهان می‌شوند. رژیم سعودی مدتهاست که به بهانه ساختگی پروژه «بهبودی محلّه المسوره» آن را به صورت گسترده تخریب می‌کند و جوانان آن را نیز به قتل می‌رساند.

تبدیل العوامیه به میدان جنگ

نظامیان رژیم سعودی در تاریخ ۱۰ می سال جاری میلادی یورش نظامی گسترده‌ای را به محلّه المسوره ترتیب دادند. سعودی‌ها در یورش وحشیانه به این محلّه کوچک از تسلیحات سنگین و توپخانه‌های خود متوسل شدند. پس از یورش مسلحانه به المسوره، منازل این محلّه و ساکنان آن‌ها به صورت گسترده هدف گلوله‌های جنگی نظامیان سعودی قرار گرفتند. بسیاری از مردم بی دفاع و بی گناه ساکن این محلّه به شهادت رسیده و یا زخمی شدند. بسیاری از مساجد و حسینیه‌ها نیز تخریب شدند. سعودیها عمداً برخی از مساجد را نیز به آتش کشیدند. از همین روی، العوامیه بیش از هر چیز به یک میدان جنگ شایهت پیدا کرد و شمار زیادی از ساکنان آن شهید و زخمی

شدند. دامنه تخریب‌گری رژیم آل سعود در العوامیه و المسوره گسترش پیدا کرد تا مناطق اطراف آنها را نیز شامل شود. آل سعود اقدام به قطع برق از مناطق اطراف العوامیه و المسوره کرد. این رژیم برخلاف قوانین بین‌المللی و همچنین اصول حقوق بشری، از ورود هرگونه خودروی امدادی و یا خودروهای آتش‌نشانی به مناطق شیعه نشین شرق عربستان ممانعت به عمل آورد.

کوچ اجباری اهالی العوامیه

رژیم سعودی با سلسله اقدامات نظامی و خصمانه خود علیه مردم العوامیه موجبات کوچ اجباری ۶۰ درصد از آنها را از این شهر فراهم آورد؛ این درحالی است که هیچ یک از این مهاجران در نهایت به جایی برای زندگی آرام و برخوردار از امکانات دست نیافتند. در این میان، برخی انسان‌های خیرخواه اقدام به کمک‌رسانی به آوارگان العوامیه کردند و آنها را در سکونت‌گاه‌های خود جای دادند. اتفاقات ناگواری که در العوامیه به وقوع پیوست، دروغ بزرگ رژیم سعودی مبنی بر انجام «پروژه بهبودی در مناطق شرقی» را برای افکار عمومی برملا کرد و نقاب از چهره اهداف شوم این رژیم برای مناطق شیعه نشین برداشت.

اهداف آل سعود از اقدامات خصمانه علیه شیعیان العوامیه

از جمله مهمترین اهداف رژیم سعودی از اقدامات خصمانه در العوامیه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ۱- وادار کردن شیعیان العوامیه به ترک این شهر به دلیل گرایش‌های مذهبی و دینی.
- ۲- مجازات دسته جمعی مردم العوامیه به دلیل مطالبه کردن حقوق مسلم‌شان.
- ۳- متهم ساختن شیعیان العوامیه به دست داشتن در اقدامات تروریستی با هدف فریب افکار عمومی.
- ۴- سست کردن اراده جوانانی که در برابر اقدامات نظامی مقاومت کردند.

تحولات اخیر

رژیم آل سعود در تاریخ ۸ جولای سال جاری میلادی نیروهای ویژه خود را برای پایان دادن به مقاومت جوانان شیعی عربستان به العوامیه اعزام کرد. نظامیان سعودی در این عملیات جدید از تسلیحات به مراتب پیشرفته‌تر در مقایسه با گذشته استفاده کردند. بمباران توپخانه‌ای العوامیه در این دور بیش از گذشته تشدید شد. پس از آن، سعودی‌ها توانستند وارد محلّه المسوره شوند. نظامیان سعودی پس از ورود به محلّه المسوره از جشن و پایکوبی خود در این محلّه تصویربرداری و فیلمبرداری کردند تا شادی و خوشحالی خود را به نمایش گذاشته باشند. آنها همچنین با هدف عقده‌گشایی علیه پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) آنها را با الفاظ بسیار زشت و رکیک مورد خطاب قرار دادند.

وظیفه علماء و بزرگان دینی

در قبال آنچه که امروز شیعیان مناطق شرقی عربستان با آن مواجه هستند، علماء و چهره‌های دینی برجسته نیز مسئولیت دارند که از جمله آنها به موارد ذیل اشاره می‌شود:

- ۱- تأکید بر تکلیف شرعی و انسانی در قبال آوارگان العوامیه برای فراهم کردن امکانات و ضروریات زندگی آنها.
- ۲- تأکید بر عدم مشروعیت کمک به حکام ظالم آل سعود در کشتار مردم بی گناه و همچنین تأکید بر عدم تأیید اقدامات آل سعود در اعدام افراد بی گناه و مستضعف.
- ۳- تأکید بر لزوم حفظ مصالح اسلامی و دینی و ترجیح آن بر منافع شخصی و حزبی.
- ۴- تأکید بر ضرورت آگاهی سیاسی و عدم گرفتار شدن در بازی رژیم سعودی برای مقابله با ملت‌های آزاده و مقاوم در منطقه.
- ۵- دعای خیر برای جوانان مقاوم مناطق شرقی عربستان و همچنین دعا برای شفای آسیب دیدگان و حفظ شیعیان.

فعال برجسته بحرینی در گفتگو با مهر:

رابطه با صهیونیسم برای آل خلیفه به یک ضرورت تبدیل شده است

زامن حسین آبادیان

«ابراهیم المدهون» فعال برجسته بحرینی که توسط آل خلیفه سلب تابعیت شده معتقد است: باتوجه به منافع مشترک میان نامه و تل آویو، روابط با صهیونیستها برای آل خلیفه اکنون یک ضرورت است.

تحولات بحرین به تازگی وارد فاز جدیدی شده است. نظامیان رژیم آل خلیفه فاز سرکوب ها علیه غیرنظامیان و انقلابیون را به طور بی سابقه ای تشدید کرده اند. در همین ارتباط خبرنگار مهر گفتگویی را با «ابراهیم المدهون» فعال برجسته بحرینی که توسط آل خلیفه سلب تابعیت شده، انجام داده است که مشروح آن از نظر می گذرد:



|| با توجه به تداوم اقامت اجباری علیه شیخ عیسی چه پیامدهایی می تواند در آینده متوجه رژیم آل خلیفه باشد؟

در ابتدا باید به علل و عواملی اشاره کرد که رژیم آل خلیفه را بر آن داشت تا دست به اعمال اقامت اجباری علیه شیخ عیسی قاسم بزند. واقعیت این است که شیخ عیسی قاسم بزرگترین مرجعیت شیعی در بحرین است. وی همچنین بزرگترین مرجعیت سیاسی در کشور محسوب می شود. زمانی که شماری از چهره های برجسته دینی از وی خواستند تا به بحرین بازگردد و در امور سیاسی مشارکت نماید، شیخ عیسی ترجیح داد تا در نجف بماند و به تحصیل ادامه دهد. اما زمانی که استاد وی یعنی محمد باقر الصدر از وی خواست به بحرین بازگردد، وی این کار را انجام داد و به بحرین بازگشت.

بنابراین، شیخ عیسی پس از بازگشت به بحرین برای اولین بار با عضویت در شورای تدوین قانون اساسی در سال ۱۹۷۱، وارد روند سیاسی کشور شد. پس از آن شیخ عیسی برای عضویت در شورای ملی نیز نامزد شد و بیشترین رأی را آورد. شیخ عیسی زمانی که برای دومین بار از قم به بحرین بازگشت، شورای علمای اسلامی را تأسیس کرد. به همین دلیل وی در هدایت جنبش سیاسی در بحرین نقش مهمی ایفا کرده است.

شیخ عیسی قاسم تاکنون با اقدامات انقلابی خود به شدت نظام آل خلیفه را آزار داده است. آل خلیفه نیز با اقامت اجباری علیه شیخ عیسی در واقع وی را مجازات می کند. در حال حاضر رژیم آل خلیفه از سوی دو دولت در حاشیه خلیج فارس مورد حمایت های گسترده مالی و سیاسی قرار دارد و آن دو ریاض و ابوظبی هستند که تاکنون از هیچ حمایتی به منامه دریغ نکرده اند. در عرصه بین المللی نیز شاهد آن هستیم که آل خلیفه از سوی آمریکا و انگلیس حمایت می شود.

شیخ عیسی تاکنون نقش محوری و اساسی در پیشبرد اهداف انقلاب مردم بحرین ایفا کرده است. اعمال اقامت اجباری علیه شیخ عیسی قاسم در واقع نوعی مبارزه با مطالبات مشروع و به حق ملت بحرین است. آل خلیفه نمی خواهد که این مطالبات به نتیجه برسند. درست به همین دلیل است که شیخ عیسی را در اقامت اجباری قرار داده است. از آنجایی که من ملت بحرین را بهتر از هر کس دیگری می شناسم، می توانم صراحتاً بگویم که تداوم

حق ادای فرایض دینی خود را ندارند و آل خلیفه به آنها اجازه نمی دهند که آداب و رسوم دینی شان را به جای آورند.

بسیاری از زندانیان سیاسی در بند آل خلیفه هم اکنون در زندان انفرادی به سر می برند و این نقض آشکار حقوق بشر در بحرین به شمار می رود. حتی آل خلیفه اجازه ورود کمیسر عالی سازمان ملل به بحرین برای بازدید از وضعیت حقوق بشری در این کشور را نمی دهد. عدم صد و مجوز برای ورود کمیسر عالی سازمان ملل به بحرین به منظور سرپوش نهادن بر جنایت های آل خلیفه صورت می پذیرد.

|| دیدگاه شما در خصوص موضع جامعه جهانی در قبال وضعیت حقوق بشری در بحرین چیست؟

خبرهایی که از داخل زندان های آل خلیفه از جمله زندان های «جو» و «الحوض الجاف» به ما می رسد، جلگه حکایت از آن دارند که نظامیان این رژیم عرصه را به شدت بر زندانیان تنگ و تنگتر کرده اند. حتی متأسفانه باخبر شدیم که آل خلیفه به زندانیان در برخی موارد، اجازه نمی دهد تا از سرورس های بهداشتی استفاده کنند و این بسیار جای تأسف دارد. در زندان ها همچنین به عقاید زندانیان اهانت و هتاک می شود.

با تمام این ها شاهد آن هستیم که جامعه بین المللی تاکنون به وظایف و مسئولیت های خود در قبال مردم بحرین و مظلومانی که بی گناه، کشته می شوند، عمل نکرده است. در این میان، حامیان منطقه و بین المللی رژیم آل خلیفه نیز مانند عربستان، امارات، آمریکا و انگلیس هیچ مجازاتی نمی شوند. این بدان معناست که در عرصه بین المللی نیز مردم بحرین مظلوم واقع شده اند و هیچ حمایتی از آنها در این زمینه به عمل نمی آید.

|| روابط رژیم صهیونیستی و رژیم آل خلیفه را چگونه ارزیابی می کنید؟

روابط میان رژیم صهیونیستی و رژیم آل خلیفه اکنون به یک ضرورت برای هر دو طرف تبدیل شده است. این دو توسط استعمارگران انگلیسی و فرانسوی مورد حمایت قرار گرفته و می گیرند. اکنون هدف اصلی رژیم های صهیونیستی و آل خلیفه در تقسیم و تجزیه کشورهای امت اسلامی خلاصه می شود. البته دو طرف در راستای تشکیل دولت بزرگ اسرائیل در منطقه نیز تلاش می کنند و در این میان توسط انگلیس و فرانسه مورد حمایت قرار می گیرند.

لذا با توجه به منافع مشترک میان دو طرف می توان به ماهیت ارتباط آنها پی برد. امروز خاندان آل خلیفه به ویژه پس از انحلال پارلمان در سال ۱۹۷۵ از سوی حمد بن عیسی، هیچ مشروعیتی در بحرین ندارند. تا پیش از ظهور انقلاب اسلامی ایران روابط میان رژیم های عربی با رژیم صهیونیستی سبزی و محرمانه بود. اما پس از قیام انقلاب اسلامی و ظهور رهبری همچون امام خمینی (ره) وضعیت تغییر کرد. ایشان بلافاصله اعلام کردند که هرگونه روابط با رژیم صهیونیستی حرام است. ملت بحرین به طور کامل مخالف با هرگونه روابط میان رژیم صهیونیستی است.

اقامت اجباری شیخ عیسی پیامدهای وخیمی برای آل خلیفه به دنبال خواهد داشت.

در حال حاضر شیخ عیسی قاسم سمبل سیاسی و دینی مردم بحرین به شمار می رود و مردم برای تداوم جنبش انقلابی خود از وی الهام می گیرند. بنابراین حکمرانان آل خلیفه که از هیچ مشروعیتی برخوردار نیستند نمی توانند از پیامدهای وخیم تداوم اقامت اجباری شیخ عیسی در امان باشند. آل خلیفه از سال ۱۷۸۳ بحرین را به اشغال خود درآورده است.

|| رژیم آل خلیفه اخیراً سلسله بازداشت های گسترده ای را آغاز کرده و به دنبال آن شخصیت های حقوقی و سیاسی را دستگیر کرده است. هدف از این اقدامات چیست؟

اقدامات آل خلیفه علیه علماء و فعالان سیاسی و حقوقی بحرینی از سال ۲۰۱۱ آغاز شده و تاکنون نیز که قریب به هفت سال می گذرد، متوقف نشده است. آل خلیفه با این اقدامات موفق به توقف حرکت انقلابی مردم نشده است. حتی سازمان مل متحد نیز اقدامات آل خلیفه علیه فعالان حقوق بشری بحرین را محکوم کرده است. امروز، آل خلیفه در مقابل جنایت های خود علیه انقلابیون بحرینی ایستاده است.

طبق آمار موجود تاکنون ۱۷۵ توصیه از سوی شورای حقوق بشر سازمان ملل برای مقامات آل خلیفه صادر شده است. این به دلیل آن است که سلسله بازداشت ها و شکنجه ها علیه انقلابیون و تعرض به نوامیس آنها فاش شده است. امروز جالادان آل خلیفه باید به خاطر اقداماتی که انجام داده اند مورد مؤاخذ و مجازات قرار گیرند.

|| اخیراً خبرهایی در خصوص جنایت های آل خلیفه در زندان های این رژیم شنیده می شود. در این خصوص توضیح دهید.

سلسله جنایت های رژیم آل خلیفه علیه زندانیان اندیشه در بحرین اخیراً تشدید شده است. رژیم آل خلیفه تخلفات بسیار دیگری را علیه زندانیان سیاسی در کشور مرتکب می شود. از جمله این تخلفات می توان به ممانعت آنها از مداوای زندانیان بیمار اشاره کرد. حتی آل خلیفه به خانواده های زندانیان سیاسی در بسیاری از موارد اجازه نمی دهد تا با آنها ملاقات کنند. زندانیان بحرینی حتی

جاه طلبی ژئوپلیتیک عربستان؛ پروژه‌های از غرب مدرن تا شرق سنتی

سیده مهدیه قرشی



عربستان را بر عهده داشت، در مجمع اقتصادی سالیانه سنت پترزبورگ شرکت کرد و ماه بعد، صندوق حمایتی عربستان سعودی، متعهد به سرمایه‌گذاری ۱۰ میلیارد دلاری در روسیه طی پنج سال شد. روند جدید از چرخش رفتار عربستان نسبت به روسیه حکایت داشت. اگرچه ائتلافات همچنان باقی بود، اما رضایت هر دو طرف را به دنبال داشت.

کشورهای دیگر منطقه را اعلام کند. در عین حال این کشور در نظر دارد با استفاده از روسیه، محور مقاومت را به رهبری ایران در شرایط بی‌تحرکی نگاه دارد و عملاً با دادن امتیازهای اقتصادی و سیاسی به مسکو، روند رو به رشد فعلی نفوذ ایران در منطقه را کند کرده و با استفاده از روسیه حتی ایران را در حمایت از حوثی‌های یمن ناکام بگذارد.

قطعا با پررنگ شدن حضور ایران در منطقه، عربستان شاهد احیای جنبش بیداری اسلامی و اصلاح ساختار ذهنی غرب آسیا نسبت به سرمایه‌داری غرب و کارگزاران منطقه‌اش خواهد بود. به همین خاطر عربستان با متنوع سازی در گرفتن شرکای منطقه‌ای سعی در حفظ ساختارها و حاکمیت‌های موجود و نیز محدودسازی بازیگران موثر در تغییر نظم منطقه را دارد.

بنابراین القای این مساله به روسیه که عربستان به چشم جایگزین آمریکا به آن می‌نگرد، ورود به پروژه اعتمادسازی از سوی عربستان برای روسیه و گام برداشتن در مسیر ادامه جاه طلبی‌های این کشور در افزایش نفوذ خود در غرب آسیاست. همچنین با توجه به ارزیابی کشورهای عربی از وضعیت روسیه در مقطع کنونی و وجود تنش‌های جاری و تحریم‌های همه جانبه غرب علیه این کشور، در صورت تعامل بیشتر مسکو با کشورهای عربی تاکید داشته و به همین مناسبت گرفتن امتیازات بیشتری از روسیه را که در شرایط عادی امکان کسب آن با دشواری روبروست در سر می‌پروراند.

پیشرفت در این برهه زمانی این زمینه را برای عربستان ایجاد می‌کند تا با سرمایه‌گذاری بر رای روسیه در نهادهای بین‌المللی خصوصاً شورای امنیت سازمان ملل برای دستیابی به اهداف راهبردی‌اش با موانع کمتری مواجه شده و پیرامون بحرین و یمن اختیار عمل کامل داشته باشد.

به طور حتم در ماه‌های آینده منطقه غرب آسیا شاهد تعریف روابط جدید میان نیروها است و بر همین اساس نقش هر یک از کشورها تعیین کننده خواهد بود. به ویژه در شرایطی که مساله برجام موضوع مورد اختلاف میان اروپا، آمریکا و حتی روسیه قرار گرفته و در این بین عربستان که خواهان سهم بیشتری از قدرت منطقه ذیل تضعیف ایران از مسیر برجام و اثرگذاری روسیه در کنترل محور مقاومت است، از هر فرصتی برای چانه‌زنی با طرفین غربی و شرقی‌اش استفاده کرده و با اثرگذاری بر نقش منطقه‌ای ایران و مرزهای جنوبی روسیه، ضمن ایجاد فضای نگرانی، دور تازه‌ای از بازتعریف جایگاه منطقه‌ای ایران با روس‌ها را پیدا کند.

محوری‌ترین دلایل استقبال مسکو از گرم شدن روابطش با عربستان را در سه حوزه اقتصاد و انرژی، تامین امنیت روسیه از طریق عدم تحریک گروه‌های تجزیه‌طلب این کشور از سوی عربستان در مرزهای روسیه و جلوگیری از بحران‌زایی عربستان در منطقه و تسهیل در روند بازگشت ثبات در غرب آسیا خلاصه می‌شد. تامین سامانه‌های موشکی ضد هوایما ۴۰۰ اس و نیز سامانه‌های موشکی ضد تانک کورنت ای‌ام، سامانه‌های سنگین آتشباری توس بورتینو و همچنین توافق شرکت تسلیحاتی روزوبورون آکسپورت روسیه و صنایع نظامی عربستان برای سازماندهی تولید مجوزدار کلاشنیکف و مهمات آن در عربستان در مذاکرات روزهای گذشته طرفین روس و عرب، نه تنها در راستای دستیابی روسیه به اهدافش در سه حیطه ذکر شده بود، بلکه عربستان را نیز منتفع می‌کرد.

در حقیقت عملکرد ضعیف آمریکا در حوادث مربوط به مسلمانان پس از سال ۲۰۱۰ و بعدتر از آن عقب‌نشینی داعش و ضعف تروریست‌های حمایت شده از سوی عربستان در بحران سوریه این امکان را برای روسیه فراهم کرد تا برای نفوذ در جهان عرب این بار با بیلت عربستان بازی کند. مسکو از سال ۲۰۱۳ به طور متمرکزتر برای به دست آوردن موقعیت قدرتمند سابق خود، پس از گذشت ۲۳ سال از فروپاشی شوروی به افزایش مشارکت در سیاست‌های بین‌المللی پرداخت.

با توجه به اینکه داشتن ارتباط با تمامی طرف‌های مناقشات در منطقه غرب آسیا از مختصات سیاست خارجی روسیه و مزایای آن در نسبت با دیگر رقبای غربی‌اش است، مسکو از این طریق قادر است همزمان از دستاوردهای هر دو طرف مناقشات سود برده و هم از قدرت لابی‌گری آنان برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی‌اش بهره گیرد. لذا رابطه با عربستان نیز به جز تامین منافع داخلی در حوزه‌های امنیت، صنایع دفاعی و اقتصاد، قدرت مانور بیشتری را برای اثرگذاری بر کشورهای عرب منطقه نیز فراهم می‌کند.

این در حالی است که عربستان تلاش می‌کند قدرت منطقه‌ای را به دست گرفته و با اعمال برخی اصلاحات تصویر منفی خود را در افکار عمومی مردم غرب آسیا تعدیل کند. عدم کنترل بر یمن و خروج قطر از مدار تحت رهبری عربستان و باقی ماندن حکومت اسد در سوریه مزید بر علت شد تا این کشور با نزدیکی به روسیه به طور غیر رسمی تغییرات سیاست‌هایش در قبال

دیدار پادشاه عربستان با پوتین در حالی از شکل‌گیری دور تازه روابط میان دو کشور خبر می‌دهد که طرح‌های آمریکایی در منطقه و در قبال مساله سوریه و داعش با شکست مواجه شده است.

آیا ریاض، روسیه را به عنوان بازیگری جهانی می‌بیند که می‌تواند خلاء آمریکا را در منطقه غرب آسیا پر کند؟ آیا پیروزی‌های اخیر در سوریه و عراق علیه داعش زنگ خطر سلطنت اعراب را به صدا درآورده است؟ آیا عربستان سعودی درصدد اجرای طرح ائتلاف‌ساز علیه ایران و محور مقاومت در غرب آسیاست؟ دیدار ملک سلمان بن عبدالعزیز پادشاه عربستان با ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه در حالی از شکل‌گیری دور تازه روابط میان دو کشور خبر می‌دهد که طرح‌های آمریکایی در منطقه و در قبال مساله سوریه و داعش با شکست مواجه شده است. و آمریکا با تغییر استراتژی‌های خود، در حال گذار به مرحله جدیدی از حضور در این منطقه است. تغییری که منجر به نگرانی کشورهایی چون عربستان که تاکنون با حمایت مستقیم این کشور به اعمال نفوذ و قدرت در مناقشات منطقه می‌پرداخت، شده است.

کاهش نقش آمریکا در منطقه تا حدودی موازنه سابق حاکم بر غرب آسیا را دچار نوسان کرد و برخی از کشورهای منطقه را بر آن داشت تا به صورت انفرادی ابتکار عمل را به دست بگیرند. حمایت رژیم صهیونیستی از همه‌پرسی کردستان و آب‌کردن یخ‌های روابط ریاض با مسکو و نزدیک شدن ترکیه به ایران برای جلوگیری از خطر تجزیه نیز جلگه‌ی نشان از تغییر وضعیت موجود منطقه در صورت افزایش غیبت آمریکا است، اگرچه همچنان کشمکش‌ها بر سر موضوع سوریه، یمن، لیبی و عراق ادامه دارد. با مد نظر قرار دادن شرایط کنونی و کاهش سطح روابط آمریکا و اروپا در منطقه، این فرض قابل بحث است که عربستان با حرکتی پیش‌دستانه و براساس منطق حفظ بقا به سمت روسیه تمایل یافته تا از این رهگذر در سایه کاهش نفوذ آمریکا در منطقه، در مقابل این کشور و اروپا قدرت چانه‌زنی داشته باشد.

روابط عربستان و روسیه به دو دوره قبل از جنگ سرد و پس از جنگ سرد تقسیم شده بود. پیش از وقوع جنگ سرد، شوروی نخستین کشوری بود که در سال ۱۹۲۶ با عربستان روابط دیپلماتیک داشت، لکن عربستان با تعطیلی سفارت خود در این کشور در سال ۱۹۳۸ تا پایان دوران جنگ سرد و فروپاشی شوروی پایین‌ترین سطح روابط با شوروی را تجربه کرد.

افزون بر این گرایش بیش از پیش عربستان به آمریکا تا جایی پیش رفت که حتی تجارت دوجانبه عربستان با روسیه رقم ثابتی داشت. این روابط در سال‌های اخیر نیز به دلیل بروز اختلافات عمیق با بی‌اعتمادی و نگرانی همراه بود. تعیین قیمت نفت، سرمایه‌گذاری و تجارت، ادعاهای روسیه نسبت به سیاست سعودی‌ها در قضیه چچن و نیز همکاری‌های فنی تهران و مسکو از جمله اختلافات به شمار می‌رفت.

با وجود این تنش‌ها و مناقشات، ژوئن ۲۰۱۵، محمد بن سلمان که در آن زمان معاونت نخست‌وزیری

جنگ تونل ها در سوریه؛ جنگی پنهان و مخوف تر از روی زمین

فرزاد فرهادی

اهمیت محله جوبر در نزدیک بودن آن به میدان «العباسین» یکی از بزرگترین میدانی دمشق و مشهورترین آن است؛ این محله تنها ۵۰۰ متر با میدان العباسین فاصله دارد، این میدان محلی است که تروریست‌ها ده‌ها بار برای رسیدن به آن تلاش کردند تا به زعم خود آن را پیروزی بزرگی برای خود قلمداد کنند که در این راه ناکام ماندند.

جنگ در محله جوبر به صورت نبرد تن به تن میان نیروهای ارتش و تروریست‌ها جریان دارد و هر دو طرف تونل‌هایی را به شکل مستمر حفر می‌کنند تا مانع رسیدن طرف مقابل شوند. تروریست‌ها از این تونل‌ها برای رسیدن به ساختمان‌ها برای منفجر کردن آن استفاده می‌کنند.

به اعتقاد برخی ناظران امور سوریه و کارشناسان نظامی شاید به جرات بتوان گفت که هیچ نقطه‌ای در دنیا به اندازه‌ای که تونل در سوریه وجود دارد، تونل ندارد. حفر تونل در جنگ شهری سوریه از ۲۰۱۲ رواج پیدا کرد. گروه موسوم به اجناد الشام در غوطه شرقی به این شیوه روی آورد.

ترکی حسن از کارشناسان نظامی سوریه به العالم گفت: «این تجربه اکنون از طریق برخی تجهیزات از جمله تجهیزات حفاری کوچک به سوریه منتقل شده است و در حفاری‌ها همچنین از افرادی استفاده می‌شود که ربوده شده‌اند. ارتش با دو شیوه با این تونل‌ها برخورد می‌کند یا به طور مستقیم به آنها یورش برده و آنها را منهدم می‌کند یا اینکه اقدام به بمب‌گذاری و منفجر کردن آنها بین یک منطقه با منطقه دیگر می‌کند». ناظران معتقدند جنگ تونل‌ها بعد از تکنیک وصل کردن خانه‌ها به یکدیگر از طریق ایجاد درگاه در آنها و بستن شمار زیادی از خیابان‌ها در مناطق مختلف از طریق مستقر کردن تک تیراندازان - مسئله‌ای بسیار پیچیده در صحنه عمل به شمار می‌رود.

«نبیل عسرا» ژنرال ارتش سوریه درباره این تونل‌ها به نووستی روسیه گفت: «گروه‌های مسلح جنگ مخفی در دمشق از طریق به کارگیری شبکه‌های تونل‌های پیچ در پیچ در حومه دمشق به ویژه عین ترما و جوبر دارند.

تونل‌ها از سوی ارتش سوریه کشف شده است. به عبارت دیگر در کنار شیوه‌هایی مانند به کارگیری تک تیراندازان و خودروهای بمب‌گذاری شده در روی زمین از سوی تروریست‌ها، در زیر زمین اوضاع حکایتی دیگر دارد. در واقع تونل یکی از راه‌های در امان ماندن از حملات به شمار می‌رود. تونل‌هایی که به روشنایی مجهز هستند. تروریست‌ها از این تونل‌ها برای امداد رسانی، ارتباط میان پست‌های نظامی، تخلیه زخمی‌شدگان استفاده می‌شود و هنگامی که احساس می‌کنند که نیروهای ارتش سوریه در حال کشف محل آنها هستند تونل را بمب‌گذاری می‌کنند. بسیاری از تک‌تیراندازهای تروریست‌ها از این تونل‌ها جهت هدف قرار دادن طرفداران نظام سوریه استفاده می‌کنند.

از حفر تونل معمولاً در جنگ شهری استفاده می‌شود. معمولاً طرفین درگیر در داخل خانه‌ها و عمارت‌ها سنگر گرفته‌اند و طرفین را به این فکر می‌اندازد که از ایده قدیمی شامل حفر تونل استفاده کنند. ایده‌کنندگان تونل جدید نیست اما با هدف در امان ماندن از رصد و هدف قرار نگرفتن از هوا و مخفی ماندن از دید و توان ارتباط تروریست‌ها با یکدیگر است. جدای از آن تروریست‌ها می‌توانند از طریق تونل به مناطق تحت کنترل ارتش سوریه برسند.

یکی از مناطق مهم که جنگ تونل‌ها ویژگی عمده جنگ در آن است محل جوبر در حومه دمشق است. محله جوبر از ملتهب‌ترین جبهه‌های جنگ میان ارتش و گروه‌های تروریستی از ابتدای جنگ در سال ۲۰۱۱ به شمار می‌رود و اولین منطقه‌ای بود که به اشغال تکفیری‌ها درآمد. در این منطقه غیرنظامیان ساکن نیستند و یک منطقه صرفاً نظامی است. جوبر دروازه غوطه شرقی به سمت پایتخت قلمداد می‌شود.

جنگ جوبر یعنی جنگ تونل‌ها، تروریست‌ها حتی از طریق این تونل‌ها دست به حملات انتحاری می‌زنند، به طوری که یکی از این خودروهای مرگ (بمب‌گذاری شده) از یکی از همین تونل‌ها خارج شد تا علیه نیروهای ارتش به کار گرفته شود. تونل‌های جوبر به عمق غوطه شرقی وصل است.

جنگ تونل‌ها در سوریه به ویژه در حومه دمشق یکی از شاخصه‌های نبرد در این مناطق میان تروریست‌ها و ارتش سوریه است.

جنگ در سوریه جدای از نبرد روی زمین در زیر زمین نیز به شکل مخوف در جریان است. جنگ شهری در سوریه مرحله پیچیده‌ای دارد که در جنگ تونل‌ها که طی آن ارتش سوریه با تروریست‌ها می‌جنگند، نمایان می‌شود. وجود صدها تونل که بسیاری از آنها مسیر ارتباطی به مناطق جنگی هستند؛ تونل‌هایی پیشرفته‌ای که مجهز به منافذ ورود هوا هستند و از سیستم روشنایی و ارتباطی پیشرفته‌ای برخوردار هستند. این تونل‌ها گاهی به طول بیش از ۲۰۰ متر در زیر مناطق جنگی احداث شده و مجهز به هواکش و روشنایی و دستگاه‌های ارتباطی مدرن و اتاق‌های عملیات نظامی و دوربین‌های نظارتی است. به گفته یک منبع نظامی، در زیر اراضی سوریه جنگ از نوع دیگری یعنی جنگ شناسایی و تعقیب در جریان است و درگیری در زیر زمین شدیدتر و مهم از درگیری روی سطح زمین است.

این روند جنگ کاملاً متفاوت و مخوف تر از جنگ روی زمین است زیرا امکان هیچ اشتباهی وجود ندارد. اصل نظامی اولین اشتباه آخرین اشتباه است در جنگ تونل‌ها به خوبی عیان است. در مواردی هم نیروهای دولتی سوریه ناچار می‌شوند خود به حفر تونل جدیدی پردازند تا تونل آنان به تونل افراد مسلح نزدیک شود. معمولاً بعد از منفجر کردن تونل‌ها، درگیری‌های سنگینی بین دو طرف آغاز می‌شود زیرا ارتش سوریه به تعقیب افراد مسلح سنگر گرفته در داخل ساختمان‌های بالای تونل‌ها می‌پردازد.

جنگ تونل‌ها در سوریه به ویژه در حومه دمشق یکی از شاخصه‌های نبرد در این مناطق میان تروریست‌ها و ارتش سوریه است.

در این جنگ تروریست‌ها برای در امان ماندن از حملات و دید ارتش سوریه به تونل می‌خزند. تاکنون بسیاری از



گروههای مسلح به دنبال به تعطیلی کشاندن تلاش های موجود در ایجاد مناطق کاهش تنش در دمشق و حومه آن هستند.

این ژنرال سوری درباره حفر تونل بیان کرد: هنگامی که گروههای مسلح تونلهای خود را حفر می کنند در بسیاری از موارد فرو ریختن تونل سبب کشته شدن بسیاری از آنها می شود اما با این وجود آنها به مکان ریزش باز می گردند و به حفر ادامه می دهند زیرا جنگ تونلها بسیار فعال است زیرا از این تونلها به مواضع ما تیراندازی می کنند و هنگامی که مقابل مثل می کنیم آنها در تونلهایشان مخفی می شوند.

نبیل عسرا تاکید کرد: این تونلهای محکم به تروریستهای جبهه النصره این توان را می دهد که میان محله های شهر جوبر جابجا شوند و در آن واحد به سوی مواضع ارتش سوریه و گروههای مسلحی که منطقه کاهش تنش را قبول کرده اند، آتش می گشایند تا منطقه کاهش تنش نقض شود. تروریستها معمولا با ابزارهای ابتدائی تونل حفر می کنند اما از حفرکنندگان بومی نیز بهره می گیرند.

وی می افزاید: طول برخی تونلهای احداث شده از سوی تروریستها به ۵۰ کیلومتر می رسد و واحد نظامی به اندازه یک گردان کامل می تواند در داخل آن حرکت کند

و محله هایی برای انبار مهمات و استراحت وجود دارد و مجهز به نقاط تیراندازی محکم و حفاظت شده و پنهان از دید است.

این ژنرال سوری گفت: ساکنان بومی که از جنگ خسته شده اند نیروهای ارتش را به ورودی و دهانه ها و خروجی این تونلها هدایت می کنند و ارتش بلافاصله پس از کشف این تونلها اقدام به انفجار آنها برای ممانعت از استفاده اش از سوری گروههای مسلح می کند.

وی تاکید کرد: تروریستها از تاکتیک های جنگ سری و شیوه های جنگ زیر زمینی استفاده می کنند که این محدود به حومه دمشق نیست و بسیاری از این تونلها در شهر حلب و شهرک عقیربات که اخیرا در شرق استان حماه آزاد شد، استفاده کرده اند. در شهرک عقیربات تروریستها موفق به ایجاد شهر کامل زیر زمینی شده بودند و تنها طول یک تونل حدود ۱۰۰ تا ۸۰۰ متر است و از طریق گذرگاههای مخفی به یکدیگر متصل شده اند و این به تروریستها اجازه تحرک و انتقال مهمات و سلاح و محموله های خود از نقطه ای به نقطه دیگر بدون خارج شدن از تونل را می دهد. تخریب این تونلها از طریق بهره گرفتن از نیروی هوایی روسیه صورت گرفت که طی آن پهپادهای برای تخریب و ویرانی آنها با بمب های بتون

شکن این تونلها را نابود کردند. این احتمال وجود دارد که تروریستهای داعش در دیرالزور نیز دست به حفر تونل بزنند».

این در حالی است که یک منبع سوری به روزنامه الوطن سوریه گفت: ارتش آماده به کارگیری تاکتیک های جدیدی برای مقابله با جنگ تونلها که تروریستهای جبهه النصره و همپایه های آنها به کار می گیرند، است. این منبع به دلایل مسائل نظامی از ماهیت این تاکتیک ها سخنی به میان نیاورد اما از اجرایی کردن آن طی روزهای آتی سخن گفت.

قدر مسلم این است که ارتش سوریه که در جنگ با تروریستها همواره با بکارگیری تاکتیک های مختلف موفق بوده است برای مقابله با تونلهای حفر شده از سوی تروریستها نیز شگرد خاص خود را خواهد داشت. ارتش سوریه تونلها حفر شده از سوی تروریستها را تبدیل به گوری برای آنها می کند. این ترفند تروریستها نیز راه به جایی نخواهد برد. ارتش سوریه موفق شده است بسیاری از این تونلها را شناسایی، کشف و ویران کند و در این راه از تاکتیک جدیدی استفاده می کند که بر مبنای شناسایی تونل و بمبگذاری و منفجر کردن آن روی سر افراد مسلح داخل آن متکی است.

هلهله آل نفت از مواضع خصمانه آمریکا ضد ایران

فرزاد فرهادی



عربستان سعودی به همراه بحرین و امارات از مواضع خصمانه رئیس جمهور آمریکا علیه ایران ذوق زده شده و به گرمی از آن استقبال کردند این در حالی است که بی ثباتی در منطقه به زیان همه کشورهاست.

پس از اینکه دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا به تشریح راهبرد خود درباره ایران پرداخت و اکنش هایی به آن شد که در این میان مطابق معمول کشورهای مانند عربستان، امارات و بحرین به شدت از مواضع و سخنان رئیس جمهور آمریکا ضد ایران استقبال کردند.

«سلمان بن عبدالعزیز» پادشاه عربستان به صورت تلفنی با «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا پیرامون راهبرد جدید وی ضد ایران گفتگو کرد. وی در این تماس تلفنی از رویکرد جدید واشنگتن برای مقابله با ایران استقبال کرد!

احمد قطان سفیر عربستان سعودی در مصر نیز به راهبرد ضد ایرانی ترامپ و اکنش نشان داد و از آن استقبال کرد. وی از ایران به عنوان چالش مشترک میان عربستان و آمریکا یاد کرده و مدعی شد: تحرکات ایران در منطقه تجاوز کارانه است!

قطان همچنین در اظهارنظری مداخله جویانه در خصوص توافق هسته ای ایران و کشورهای ۵+۱ و همچنین بدون اشاره به حمایت های گسترده کشورش از تروریسم گفت: توافق هسته ای درآمد زیادی برای ایران داشته و ایران نیز از این درآمد برای فعالیت های ثباتزدا در منطقه استفاده می کند. حمایت از تروریسم و به ویژه حزب الله و توسعه برنامه موشکی بخشی از این اقدامات است! سفیر عربستان سعودی در قاهره در پایان نیز بر آمادگی کشورش برای همکاری با ایالات متحده آمریکا جهت مقابله با ایران در منطقه اعلام آمادگی کرد.

کننده در منطقه متهم کرد! در همین راستا، وزارت امور خارجه مصر روز شنبه طی بیانیه ای اعلام کرد که قاهره جزئیات راهبردی را که رئیس جمهور آمریکا روز جمعه اعلام کرد به دقت دنبال می کند. وزارت خارجه مصر اعلام کرد که قاهره جزئیات راهبرد آمریکا و علل نگرانی مصر از سیاست های ایران را که به ادعای قاهره منجر به بی ثباتی کشورهای منطقه و تاثیر بر امنیت کشورهای عربی می شود به دقت دنبال می کند.

وزارت خارجه مصر همچنین افزود که قاهره همیشه

این موضع گیری همسو با رژیم صهیونیستی بود که این سخنان ترامپ به مذاق تل آویو خوش آمد.

امارات نیز حمایت کامل خود را از این راهبرد جدید آمریکا در قبال ایران بروز داد و از همکاری با واشنگتن در مقابله با آنچه سیاست های بی ثبات کننده ایران خوانده شد، خبر داد.

بحرین نیز از راهبرد جدید ترامپ استقبال کرد و ایران را بزرگترین حامی تروریسم خواند!

مصر در واکنش به راهبرد جدید ضد ایرانی ایالات متحده آمریکا، ایران را به اتخاذ سیاست های بی ثبات



داشت و طرفهای زیادی در این ائتلاف مشارکت داشتند اما درباره ایران ما فقط آمریکا را می بینیم و اتحادیه اروپا، چین و روسیه همگی مخالف بازگشت به نقطه صفر هستند. ترامپ بر طبل جنگ می کوبد و گمان نمی کنم که طرفهای عاقل در اداره تصمیم گذاران سیاسی در واشنگتن اجازه آنرا بدهند.

السیوفی اعلام کرد: تحریم های جدید آمریکا ضد تهران تاثیری نخواهد داشت زیرا این تحریمها از سالیان قبل ضد ایران وجود داشته است و ایران به آن عادت کرده است و با اقتصادی مقاومتی با آن تعامل کرده است و طبق تجربه سابق ایران محاصره ایران را قوی می کند نه ضعیف. ایران با وجود تحریم پرونده هسته ای خود را اداره کرده است و بسیاری از سلاحها را توسعه داده و صنایع خود را رونق داده است.

به هر حال نکته ای که درباره واکنش برخی کشورهای عربی و استقبال آنها از سیاست ترامپ در قبال ایران می توان گفت این است که اولاً، موضع گیری این سه کشور در راستای تبعیت و دنباله روی از واشنگتن و کسب توجه ترامپ است و این با وجود گرفتن منابع و پولهای این کشور از سوی رئیس جمهور آمریکا است. در نظر این کشورها، آمریکا ارباب است و دنباله روی و اطاعت از آن واجب است.

ثانیاً، این موضع گیری در حالی با استقبال این کشورها روبرو می شود که این کشورها با مشکلات مربوط به دموکراسی دست و پنجه نرم می کنند و اگر ترامپ توجهی به این کشورها دارد به خاطر پول و نفت و سرمایه گذاری ها آنهاست و منافع آمریکا را بر هر موضوع دیگری ترجیح می دهند. از سویی شکست سیاست های این کشورها در سوریه، عراق و یمن و دیگر کشورها سبب اتخاذ این رویکرد از سوی آنها شده است.

ثالثاً، کشورهای مذکور باید بدانند که آنها همسایه ایران هستند و حق همسایگی مهمتر از هر اصل دیگری است. بیگانگانی که آنسوی مرزها می آیند فقط به دنبال جنگ طلبی و ویرانی کشورها و نابودی ملت‌های منطقه هستند و فقط منافع خود را جستجو می کنند و پیوندهای تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی میان ایران و همسایگان وجود دارد. این کشورها نباید از مواضع ضد ایرانی به ذوق آیند زیرا هر گونه بی ثباتی در منطقه در نهایت به زیان همه کشورهای منطقه و ملت‌های آنهاست.

این کارشناس مصری در ادامه ترامپ و دولت آمریکا را مسئول بحرانی که دنیا با آن روبرو خواهد شد دانسته و به پاسخ حسن روحانی رئیس جمهوری ایران به مواضع ترامپ اشاره و بیان کرد: واکنش حسن روحانی رئیس جمهور ایران به مواضع ترامپ شدید‌اللعن بود.

احمد السیوفی نویسنده مصری و کارشناس امور ایران نیز به موضع گیری درباره راهبرد خصمانه ترامپ ضد ایران پرداخت و به اسپوتنیک گفت: «آمریکا در راستای فروپاشی ائتلاف اروپایی درباره پرونده توافق هسته ای حرکت می کند و غرب نمی خواهد که دوباره به نقطه صفر برسد. غرب پس از ۱۰ سال از مذاکرات مطمئن شده است که ایران سلاح هسته ای تولید نخواهد کرد و منافع سیاسی و اقتصادی میان ایران و اتحادیه اروپا توسعه پیدا کرده است و این کشورها منافع خود را به راحتی قربانی نمی کنند و از آمریکا دنباله روی نمی کنند و مواضع آلمان، فرانسه و انگلیس اشاره به آن دارد.

السیوفی تاکید کرد: ما با توافق دوجانبه میان دو کشور روبرو نیستیم که بتوان آنرا یکطرفه لغو کرد بلکه توافق هسته ای از سوی ۵ کشور بزرگ دنیا امضا شده است یا می توان آن را شورای اداره دنیا نامید امضا شده است و در صورت خروج آمریکا از توافق این سبب نخواهد شد که وجهه بین المللی توافق از بین برود و آمریکا به دلیل خروج از اجماع بین المللی بازنده خواهد شد و این خروج به بی ثباتی در خاورمیانه و بین الملل می انجامد و با خروج آمریکا از این توافق مشکلات زیادی برایش ایجاد می شود.

وی افزود: ترامپ با بحران داخلی دست و پنجه نرم می کند که سعی می کند با دامن زدن به این موضوعات سرپوشی بر این مشکلات بگذارد این در حالی است که برخی طرفهای داخلی با این مواضع مخالف هستند از جمله دموکراتها و برخی از جمهوریخواهان و همه مخالف بازگشت به نقطه صفر پس از دستاورد به دست آمده هستند و تفریط به بحرانها منتهی می شود و زمینه ساز بروز جنگها می شود.

درباره برخی تحلیل ها که اوضاع کنونی را مشابه فضای جنگ ضد عراق توصیف می کنند این کارشناس بیان کرد: اوضاع هم اکنون مختلف است زیرا در آن زمان ائتلاف بین المللی میان آمریکایی ها و اروپایی ها و برخی از کشورهای منطقه ای وجود

خواستار تقویت اعتمادسازی در خاورمیانه از طریق سیاست‌هایی است که امنیت و ثبات منطقه را تهدید نکرده و از هرگونه دخالت منفی در امور داخلی کشورهای عربی جلوگیری می کند.

این هلهله و شادی برخی کشورهای عربی مانند عربستان و امارات در واکنش به سخنان ترامپ قابل بحث است. در حالی که همه دنیا ترامپ را شخصیتی احمق می دانند اما عربستان و آل نفت وی را فیلسوف می دانند و برای وی کف می زنند این در راستای تبعیت از ارباب است. فرمانروایی غلام از ارباب شجاعت نیست. این از آل سعود که اسرائیل را دوست می دانند و سیاست های آنها در سوریه و یمن و دیگر مناطق بر اساس تخریب و ویرانگری است عجیب نیست.

علاوه بر استقبال حکام این کشورها، رسانه هایشان نیز همسو با مقامات آنها سعی کردند که فضا را به گونه ای پس از سخنان ترامپ جلوه دهند که اوضاع شبیه سخنان بوش به صدام معدوم قبل از جنگ است. آنها همسو با ترامپ از ماهیت جنگ طلبانه ایران سخن گفتند و در مقابل از قدرت و حسنات نداشته آمریکا و ترامپ حرف زدند.

اما نکته این است که آل نفت باید بدانند که بازنده اصلی از هر گونه تحولات ناخوشایند در وهله اول آنها هستند. ترامپ با تهدید در واقع به دنبال دوشیدن بیشتر کشورهایی است که از سخنان ترامپ ضد ایران به وجد آمده اند.

به دنبال سخنان ضد ایرانی ترامپ رجز خوانی مسئولان عربستان نیز شروع شد اما واقعیت این است که سعودی ها و آل نفت باید مراقب دستان ترامپ باشند که در حال خالی کردن خزانه های آل سعود است.

ابوزید جابر کارشناس مصری امور ایران درباره این استقبال برخی کشورهای عربی از سخنان ترامپ ضد تهران و جانبداری از آمریکا ضد ایران به اسپوتنیک گفت: «در حالی که هنوز سرنوشت توافق هسته ای جهانی که ایران با کشورهای بزرگ در اکتبر ۲۰۱۵ امضا کرده است در راهبرد جدید ترامپ مشخص نیست این جانبداری برخی کشورهای عربی از آن اشتباه است. این در حالی است که اقدام ترامپ برای خروج از توافق هسته ای با مخالفت های گسترده بین المللی روبرو است.

جابر افزود: کشورهای عربی نباید بخشی از طرح آمریکا باشد و حداقل فرصت را به میانجی گران بدهند.

موانع اصلاحات فرهنگی یک شبه «محمد بن سلمان» / شیخ وهابی کمین کردند



«بن سلمان» در راستای اجرای سند چشم انداز ۲۰۳۰ اصلاحات فرهنگی در عربستان را در حالی آغاز کرده که هیچ فرهنگ سازی برای آماده کردن ذهن مفتی ها و شیوخ وهابی صورت نگرفته است.

سرمدمداران عربستان سعودی مدتی است که به منظور فراهم آوردن زمینه مناسب جهت تکیه زدن «محمد بن سلمان» و لیبهد سعودی بر کرسی پادشاهی، دست به اجرای سلسله اصلاحات سیاسی و اجتماعی زده اند؛ اصلاحاتی که البته می بایست طی ده ها سال گذشته در عربستان به مرحله اجرا درمی آمد و با این وجود، اکنون خاندان سعودی به فکر آن افتاده اند. مقامات ریاض در صدد هستند تا از رهگذر اجرای اصلاحات ظاهری در عرصه های مختلف، پیش از روی کار آمدن بن سلمان، ارکان قدرت وی را مستحکم سازند تا حتی الامکان از شدت مشکلات و معضلات دوره حکمرانی این شاهزاده جوان، بی پروا و ناپخته سعودی کاسته باشند. اصلاحاتی که سعودی ها تاکنون اعمال کرده و در آینده نیز دامنه آنها را گسترده تر خواهند کرد، در واقع در راستای عملیاتی ساختن سند «چشم انداز ۲۰۳۰» است. این سند توسط بن سلمان ۳۰ ساله تهیه و تنظیم شده است.

ریاض اجرای اصلاحات مدنظرش را به صورت جدی، در آوریل سال جاری میلادی با انجام یک خانه تکانی گسترده در کابینه خود کلید زد. در ماه آوریل، ملک سلمان با صدور فرمان هایی جداگانه بسیاری از وزراء، سفراء، استانداران و دیگران مسئولان عربستان را برکنار و نزدیکان خود و بن سلمان را جایگزین شان کرده و آن ها را در مناصب کلیدی گمارد. طی ماه های گذشته نیز خاندان سعودی ضمن تابوشکنی در حوزه زنان، به فرهنگ و سنت خشک و بی روح ده ها ساله خود پشت پا زده اند. صدور مجوز مشارکت دختران دانش آموز در کلاس ورزش مدارس، اعطای مجوز رانندگی به زنان، اجازه صدور فتوا به مفتی های زن و انتصاب یک زن به عنوان معاون شهردار، تنها گوشه ای از سیاست های اصلاح طلبانه ریاض در قبال زنان سعودی، است.

با تمام این ها، مشکلات و معضلات جامعه عربستان تنها در بحران های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی محدود و محصور نمی شوند. در عرصه های دیگر از جمله عرصه فرهنگی نیز در عربستان، مشکلاتی وجود و حتی خود بن سلمان به آنها اذعان دارد. وی در سخنانی در آوریل سال گذشته میلادی صراحتاً اذعان کرد: «ما در ارائه خدمات فرهنگی به مردم عربستان دچار مشکل هستیم. مردم درآمد زیادی دارند اما ابزارهای فرهنگی لازم و کافی در کشور وجود ندارد که آنها بخشی از درآمدشان را در زمینه های فرهنگی هزینه کنند». اکنون و در آستانه روی کار آمدن بن سلمان، شاهد وجود یک بحران فرهنگی در عربستان سعودی هستیم که تلاش شده است مهمترین آنها مورد ارزیابی قرار گیرد.

دانشگاه های عربستان و بحران هویت

مقامات عربستان سعودی طی سال های گذشته در راستای بهبود بخشیدن به وضعیت فرهنگ آموزشی خود که در سطح بسیار ناامیدکننده ای قرار داشت، به اعمال سلسله اصلاحاتی در این زمینه مبادرت ورزیدند. از جمله اقدامات سعودی ها در این حوزه می توان به ساخت تعداد بیشتری از دانشگاه ها، تأسیس مراکز پژوهشی

را پرچمدار اسلام می دانند و داعیه رهبری کشورهای جهان اسلام را دارند. البته جای هیچ تعجب و شگفتی نیست که در جامعه ای که مفتی های وهابی در آن میدان داری می کنند، ارزش ها و مفاهیم اسلامی مغفول واقع شده و به حاشیه بروند. مسأله بی توجهی به مظاهر اسلام حقیقی در عربستان سعودی، در عرصه های دیگری همچون کتب درسی دانش آموزان، کتاب های دینی و همچنین برنامه های تلویزیونی به خوبی قابل مشاهده است. به فراموشی سپرده شدن فرهنگ اسلامی در جامعه عربستان به حدی رسیده که حتی بن سلمان نیز برای آن اشک تمساح می ریزد. وی در این ارتباط می گوید: «ایا معقول است که در عربستان یک موزه اسلامی وجود نداشته باشد تا دیگران برای آگاهی از فرهنگ اسلامی از نقاط مختلف به آنجا بروند؟ این غیرمنطقی است. این مسأله حاکی از وجود خلأ در ارائه خدمات فرهنگی است که عربستان به آن احتیاج دارد».

خلأ ابزارها و امکانات فرهنگی سرگرم کننده

یکی دیگر از مشکلات و معضلات عربستان سعودی در عرصه فرهنگی، خلأ ابزارها و امکانات فرهنگی سرگرم کننده برای مردم است. ممنوعیت سینما و کمبود مراکز تفریحی در عربستان سعودی تنها بخشی از خلأ های امکانات فرهنگی سرگرم کننده برای مردم در این کشور را نمایان می سازد. عربستان سعودی اعلام کرده است که در حومه ریاض پایتخت این کشور یک «شهر سرگرمی» می سازد که وسعتش به اندازه لاس وگاس در آمریکا است. عربستان گفته است که این شهر، اولین مکان با چنین امکاناتی در جهان خواهد بود. قرار است کار ساخت از سال آینده آغاز شود و اولین فاز آن در سال ۲۰۲۲ آماده شود. این مسأله نیز در چارچوب سیاست جدید «گشایش فرهنگی» سعودی ها در کنار اصلاحات سیاسی و اجتماعی طبق سند دورنمای ۲۰۳۰ قابل تعریف است.

وابسته به آن ها و همچنین بورسیه کردن صدها دانشجو به کشورهای مختلف جهان، اشاره کرد. با این حال، عدم رسیدگی به زیرساخت های علمی عربستان طی سالیان گذشته و همچنین تمرکز بر روی برخی اصلاحات نه چندان ریشه ای و عمیق، موجبات تضعیف فرهنگ آموزشی این کشور را به دنبال داشته است؛ به گونه ای که دانشگاه های سعودی از لحاظ علمی قادر به رقابت با دانشگاه های دیگر در جهان نیستند.

در همین ارتباط، یک مجله علمی - پژوهشی آمریکایی در سال ۲۰۱۲ با انتشار گزارشی اعلام کرد که دانشگاه های بزرگ عربستان سعودی به منظور درج نام خود در مقالات علمی - پژوهشی مهم و بهبود جایگاهشان در رتبه بندی دانشگاه های جهان، مبالغ هنگفتی را به اساتید بین المللی به عنوان رشوه پرداخت می کنند. این مسأله به خوبی نشان می دهد که نظام عالی آموزشی در عربستان سعودی به شدت دچار مشکل شده و انتقادات فراوانی را به فرهنگ آموزشی در این کشور، سبب شده است. «احمد العیسی» پژوهشگر سعودی در این باره معتقد است: «عربستان دچار ضعف فرهنگ آموزشی است و علت اصلی این مسأله نیز به عدم برخورداری دانشگاه ها از استقلال بازمی گردد. امروز دانشگاه های عربستان از استقلال اداری، مالی و فکری برخوردار نیستند». از همین روی، پر واضح است که امروز دانشگاه های سعودی با معضلی تحت عنوان «بحران هویت» مواجه هستند؛ هویتی که برخورداری از آن در گرو استقلال یافتن مراکز عالی آموزشی است.

بایکوت مظاهر اسلام حقیقی

یکی از ضعف های بزرگ عربستان سعودی طی دهه های گذشته بایکوت مفاهیم اسلامی در این کشور به شمار می رود. در حال حاضر، عملاً در کشور عربستان یک موزه اسلامی که نشانگر آثار ارزش ها و مفاهیم اسلامی باشد، وجود ندارد. این در حالی است که مقامات سعودی خود

اصلاح طلب و سنت‌گرا در جامعه عربستان خواهیم بود. لذا بن سلمان در سایه مخالفت‌های سرسخت علمای وهابی، برای ایجاد اصلاحات فرهنگی و اجتماعی با چالش‌های جدی مواجه خواهد شد.

از سوی دیگر، شیخ «عبدالمیر قیلان» رئیس مجلس اعلای اسلامی شیعیان لبنان در خصوص ترویج وهابیت در عربستان می‌گوید: «روابط بسیار مستحکم و تنگاتنگی میان خاندان رژیم سعودی و پیروان مکتب وهابیت وجود دارد. کمتر کسی پیدا می‌شود که بتواند وجود چنین ارتباط استراتژیکی را انکار کند».

این عالم لبنانی در ادامه می‌افزاید: «امروز عربستان سعودی متهم ردیف اول در حمایت از وهابیت است؛ وهابیتی که مأموریت اصلی آن تنها کاشت بذر کینه و نفرت در میان مسلمانان است».

لذا این طرز تفکر مفتی‌های وهابی به بزرگترین مانع در برابر رفع بحران فرهنگی در عربستان تبدیل شده است. مقامات ریاض بدون مقابله با ریشه‌های فرهنگ وهابیت، بدون تردید قادر به پاسخگویی در برابر نیازهای فرهنگی نسل کنونی جامعه خود، نخواهند بود. چگونه ممکن است جامعه‌ای که در آن فعالیت‌های فرهنگی توسط علمای وهابی فسق و فجور و دروازه‌ای به سمت جهنم خوانده می‌شوند، به سمت «گشایش اقتصادی» حرکت کند؟ جای هیچ شکی نیست که تداوم حاکمیت ایدئولوژی مفتی‌های وهابی، موجبات ظهور و بروز اختلافات گسترده میان پرچمداران وهابیت و نسل‌های جدید عربستان و به خصوص صدها فارغ‌التحصیل دانشگاه‌های خارجی را که در نهایت به کشورشان بازمی‌گردند، فراهم خواهد آورد.

واقعیت این است که اصلاحات فرهنگی مدنظر محمد بن سلمان در جامعه عربستان بدون بسترسازی‌های مناسب آن به نتیجه موردنظر نخواهد رسید؛ هرچند که بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که این اصلاحات با اهداف خاص دیگری پیگیری می‌شوند و هدف از آن‌ها بهبود وضعیت جامعه عربستان نیست. در هر صورت، اصلاحات کنونی نه می‌توانند رضایت جامعه عربستان را در کوتاه‌مدت و میان‌مدت جلب کنند و نه قادرند تا بر چنای‌های رژیم سعودی در کشورهای مختلف و شکست‌های سنگینی که این رژیم در خارج از مرزهای خود متحمل شده است، سرپوش بگذارند.

کشور را داده بودند.

اصلاحات مقامات سعودی و در رأس آنها محمد بن سلمان در عرصه فرهنگی، شاید یک‌شبه به سرانجام برسد اما سؤالی که به اذهان متبادر می‌شود این است که آیا خاندان سعودی قادر خواهند بود با همین سرعت و بدون معطلی با مشکلات اجتماعی نشأت گرفته از فقدان ابزار فرهنگی تفریحی و سرگرم‌کننده نیز مقابله کنند؟ یکی از این آسیب‌های اجتماعی، گسترش مواد مخدر در میان جوانان سعودی است که طی سال‌های اخیر روند صعودی داشته است.

در همین ارتباط، اخیراً «عبدالله الجمیل» رئیس اداره مبارزه با مواد مخدر در عربستان فاش کرد که توزیع و استفاده از مواد مخدر در این کشور طی ۹ سال اخیر به نسبت هزار درصد افزایش یافته است. وی همچنین تصریح کرد: «خطرناکترین نوع ماده مخدر شایع در عربستان قرصهای کپتاگون است که مصرف آن در کشور شیوع پیدا کرده است. قرصهای کپتاگون از هرئوئین هم خطرناک‌تر است و این ماده با مواد سمی و کشنده دارویی ترکیب شده است. خشیش دومین ماده خطرناک شایع در عربستان است که پس آن هرئوئین و کوکائین در جایگاه بعدی قرار دارند». لذا راهایی یافتن از بحران‌های اجتماعی ناشی از عدم رشد فرهنگی در جامعه عربستان، خود به تهنیتی یک ابرچالش در مسیر اصلاحات فرهنگی بن سلمان است.

ریشه دوانی فرهنگ وهابیت

مشکل مهمی که امروز جامعه عربستان با آن مواجه است، میدان‌داری مفتی‌های وهابی در این کشور است. در واقع، اصلاحاتی که اخیراً توسط محمد بن سلمان در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی اعمال شده، بدون فرهنگ‌سازی و آماده کردن ذهن مفتی‌ها و شیوخ وهابی به انجام رسیده است. این بدان معناست که تحقق اصلاحات اساسی در عربستان در سایه عدم آماده‌سازی قبلی شیوخ وهابی، در حال‌های از ایهام است. فاصله عربستان سعودی تا یک نظام مردم سالاری دینی بسیار زیاد است. جامعه عربستان که یک جامعه کاملاً بسته و سنتی است، بدون فرهنگ‌سازی، اصلاحات فرهنگی را برنمی‌تابد. اگر این اصلاحات به همین شکل ادامه پیدا کند، شاهد تقابل دو جریان



اوضاع فرهنگی نامناسب در عربستان سعودی مسأله‌ای است که حتی در مقاطع زمانی مختلف مورد انتقاد رسانه‌های این کشور قرار گرفته است. روزنامه سعودی «الوطن» در این باره می‌نویسد: «وضعیت نهادهای و مؤسسات فرهنگی در عربستان، کاملاً سست و ناپایدار است. این مؤسسات تاکنون هیچ دستاورد فرهنگی را برای کشور به ارمغان نیاورده‌اند. تنها دستاوردهای فرهنگی کشور، مرهون خلاقیت‌های فردی است و نه طرح‌های از پیش برنامه‌ریزی شده. مهم‌ترین مشکل بخش فرهنگی کشور وابستگی آن به دولت و عدم استقلالش است». گزارش این روزنامه سعودی به خوبی گویای وجود نوعی «فقر فرهنگی» در جامعه عربستان و اعمال قدرت و نفوذ مقامات دولتی در این حوزه است. وجود همین ضعف‌ها و تنگناها در حوزه فرهنگ عربستان موجب شده است تا مقامات این کشور از سال گذشته سلسله تدابیر خاصی را برای برون‌رفت از شرایط فعلی به کار گیرند. پایگاه عربی «صیف ۲۲» در این زمینه گزارش داده است: «طبق آنچه که در سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ آمده است، ریاض در نظر دارند تا سال ۲۰۲۰، ۴۵۰ مرکز فرهنگی - تفریحی برای شهروندان بسازند. این در حالی است که برای تقویت و بهبود فعالیت‌های فرهنگی - ورزشی نیز تدارکاتی از سوی مقامات ریاض دیده شده است که بخش عمده‌ای از آنها می‌بایست تا سال ۲۰۲۰ محقق شود».

در سال گذشته میلادی نیز در راستای اجرای سند ۲۰۳۰ وزیر فرهنگ و اطلاع‌رسانی عربستان سعودی از آغاز طرح «تحول فرهنگ» در این کشور خبر داد. وی تصریح کرد: «وزارت فرهنگ قصد دارد به منظور جامه عمل پوشاندن به این طرح، مراکز و مؤسسات فرهنگی - هنری گسترده‌ای را در کشور ایجاد کند. برنامه داریم یک گروه موسیقی ملی تشکیل داده و تئاترهای تلویزیونی به ویژه برای کودکان را رونق بخشیم. برای مشارکت دادن زنان در حوزه فرهنگ نیز برنامه‌هایی را تدارک دیده‌ایم». احساس مقامات ریاض به لزوم اصلاح وضعیت فرهنگی در عربستان تاجایی پیش رفت که در ماه می سال ۲۰۱۶ وزارت فرهنگ و اطلاع‌رسانی آن از تشکیل «شورای عالی فرهنگی» برای ساماندهی طرح‌های مختلف در این زمینه خبر داد. در همین راستا، اولین نمایشگاه هنرهای تجسمی عربستان در تاریخ این کشور، در اوایل ماه جاری میلادی در ریاض برگزار شد؛ نمایشگاهی که سعودی‌ها یک سال پیش وعده برگزاری آن در چارچوب تقویت فعالیت‌های فرهنگی در



کارشناس موسسه خاورمیانه آمریکا در گفتگو با مهر:

جامعه جهانی مخالف استقلال اقلیم کردستان است

فاطمه محمدی پور

منطقه - اینکه چنین تصمیم مهمی ممکن است یک جانبه محسوب شود - حساس خواهند شد.

|| واکنش قدرتهای منطقه ای به جدایی اقلیم کردستان از عراق چیست؟

در منطقه خاورمیانه، از ترکیه گرفته تا ایران، بغداد و جهان عرب با انجام این همه پرسی مخالفت کردند. درست است که نگرانی های منطقه ای قابل درک هستند اما مطالبات اقلیتها نیز از سوی برخی کشورها نیز باید مورد توجه باشد.

|| واکنش قدرت های بین المللی به جدایی منطقه کردستان از عراق چیست؟

همانطور که در سوال قبل ذکر شد کشورهای خاورمیانه و جامعه بین المللی با انجام همه پرسی اقلیم کردستان عراق مخالفت کردند. مخالفت ها، انتقادهای و سکوت جامعه بین المللی باعث شده تا کردها در مذاکرات مربوط به آینده آنها نقش زیادی نداشته باشند - مذاکراتی که کردها بتوانند احساس کنند آرزوهای و ایده هایشان مورد احترام قرار می گیرد.

|| پس از همه پرسی، ما شاهد تحریم شدید اربیل بودیم، با توجه به این تحریم ها، آیا شما فکر می کنید که بارزانی از تصمیم خود برای جدایی از بغداد عقب نشینی خواهد کرد؟

من فکر نمی کنم اعمال فشار به تنهایی موثر باشد. این موضوع نیاز به مصالحه داشته و ایران و ترکیه و البته بغداد باید در یک روند بده و بستان با کردهای عراق درگیر شوند.



آمریکا است. او از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶، به عنوان کارشناس ارشد سیاسی حوزه خاورمیانه در جین لندن حضور داشته و از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰، سردبیری تحلیل امور اسلامی آن را عهده دار بود. وطن خواه همچنین به عنوان کارشناس ارشد مطالعات خاورمیانه در مدرسه عملیات ویژه نیروی هوایی ایالات متحده (USAFSOS) فعالیت کرده است.

|| رفراندوم اقلیم کردستان عراق در تاریخ ۲۵ سپتامبر برگزار شد. تأثیر این رفراندوم بر جریانات سیاسی درون اقلیم چیست؟

برگزاری همه پرسی در اقلیم کردستان عراق لحظه ای تاریخی برای مردم کرد محسوب می شود. در این مورد شکی وجود ندارد. بسیاری از کردها در منطقه با انجام این همه پرسی احساس غرور می کنند و به این باور رسیده اند که به خودمختاری دست یابند. در عین حال با توجه به روش رهبری رفراندوم و مخالفت های بین المللی با آن، من فکر می کنم کردها نسبت به نگرانی ها در

«الکس وطن خواه» با بیان اینکه جامعه جهانی مخالف همه پرسی استقلال کردستان عراق است گفت: ایران، ترکیه و بغداد باید در این مورد مذاکره کرده و به توافق برسند.

در پی تهاجم داعش به شمال عراق که در نتیجه آن پیشمرگ های کرد به طور غیررسمی کنترل برخی از مناطق را که نیروهای تحت کنترل بغداد رهانشان کرده بودند، در دست گرفتند، خواسته ها برای استقلال کردستان قوت گرفت.

با عملیات مشترک نیروهای کرد و حکومت مرکزی عراق برای آزادسازی موصل، تاریخ همه پرسی بارها اعلام شد و به تعویق افتاد. سرانجام مقام های بلندپایه دولتی و احزاب سیاسی کردستان عراق تاریخ برگزاری همه پرسی برای اعلام استقلال کردستان عراق را ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ اعلام کردند. این تصمیم در طی نشست در اربیل عراق به ریاست «مسعود بارزانی» رهبر کردستان عراق گرفته شد.

علیرغم افزایش مخالفت های بغداد و کشورهای همسایه عراق با جدایی اقلیم کردستان و تجزیه عراق، همه پرسی جدایی کردستان عراق ۲۵ سپتامبر برگزار شد. ناظران معتقد هستند جدایی احتمالی اقلیم نفع و صرفی برای مردم کرد نخواهد داشت؛ چرا که کشوری محصور در خشکی و با ضعف ژئوپلیتیک و عدم شناسایی از سوی جامعه بین المللی در سرزمین پرمنازعه خاورمیانه ظهور خواهد کرد.

در این راستا خبرنگار مهر گفتگویی با «الکس وطن خواه» انجام داده که در ادامه می آید.

«الکس وطن خواه» کارشناس امور امنیتی خاور میانه، با تمرکز ویژه بر ایران، عضو ارشد موسسه خاور میانه

معاون وزیر خارجه پیشین آمریکا در گفتگو با مهر:

جدایی احتمالی اقلیم کردستان عراق، منطقه را بی ثبات تر می کند

فاطمه محمدی



معاون وزیر خارجه پیشین آمریکا معتقد است جدایی احتمالی اقلیم کردستان عراق از دولت مرکزی بغداد بر بی ثباتی ها در عراق و سوریه خواهد افزود و شرایط فعلی را بدتر از قبل نیز می کند. علیرغم افزایش مخالفت های بغداد و کشورهای همسایه عراق با استقلال اقلیم کردستان، صحتهایی در خصوص احتمال به تعویق افتادن همه پرسی در صورت

دریافت طرح جایگزین از سوی مسعود بارزانی مطرح شده است. اما اقلیم کردستان تا این لحظه همچنان بر لزوم برگزاری همه پرسی برای استقلال از عراق در روز ۲۵ سپتامبر تأکید دارد که ایجاد بی ثباتی در منطقه از عواقب احتمالی آن به شمار می آید.

«ریچارد مورفی» سفیر پیشین آمریکا در عربستان و سوریه در گفتگو با خبرنگار مهر در خصوص آثار و نتایج منطقه ای همه پرسی جدایی اقلیم کردستان عراق گفت: قبل از پاسخ به این پرسش باید توجه داشت که منطقه در حال حاضر در وضعیت بی ثباتی است.

وی افزود: در حال حاضر عراق و سوریه در وضعیت امنیتی مناسبی نیستند. باید توجه داشت که استقلال کردستان عراق بر معضلات و مشکلات و عوامل بی ثبات کننده عراق و سوریه خواهد افزود.

معاون پیشین وزارت خارجه آمریکا در ادامه گفت: در واقع جدایی اقلیم کردستان عراق بر بی ثباتی ها در عراق و سوریه خواهد افزود و شرایط فعلی را بدتر از قبل نیز می کند. وی در خصوص حمایت آمریکا از کردها نیز تصریح کرد: در واشنگتن احترام زیادی برای نقش کردها در مبارزه با داعش وجود دارد.

مورفی تأکید کرد: جنگجویان کرد از نظر آمریکا نقش موثری در مبارزه با داعش ایفا کرده اند و آمریکا نیز در مبارزه با داعش روی نقش آنها حساب جدی باز کرده است.

وی در ادامه یادآور شد: برای نمونه شاهد حمایت آمریکا از کردهای سوریه هستیم و این نیروها در سوریه با هماهنگی آمریکا کمک شایانی به آمریکا در نبرد با داعش ایفا می کنند و مورد حمایت تسلیحاتی آمریکایی نیز قرار گرفته اند.

معاون وزیر خارجه پیشین در ادامه یادآور شد: اما این احترام باعث نمی شود تا آمریکا از جدایی اقلیم کردستان

استاد دانشگاه تاوسان در گفتگو با مهر:

عربستان سعودی می خواهد بر یمن مسلط شود



غیرنظامیان یمن همچنان بالاست.

«چارلز چمیتز» با بیان اینکه هدف عربستان از جنگ یمن تسلط بر این کشور است، گفت: نقش ایالات متحده آمریکا در جنگ یمن بسیار پررنگ است. عملیات نظامی عربستان در یمن در ۶ فروردین ۱۳۹۴ (۲۵ مارس ۲۰۱۵) با حملات گسترده هوایی ائتلافی از ۹ کشور عربی به رهبری عربستان سعودی تحت نام «عملیات طوفان قاطعیت» آغاز شد. عربستان، امارات متحده عربی، بحرین، قطر، مصر، اردن، مراکش، سنگال و سودان که اعضای ائتلاف یاد شده اند به درجات مختلف از سوی آمریکا، بریتانیا، کانادا، ترکیه، چین و آلمان حمایت می شوند و در عین حال از پشتیبانی لجستیکی جیبوتی، اریتره، سومالی و فرانسه نیز برخوردارند.

نگاهی به سازماندهی جنگ از سوی عربستان و اجرای «عملیات طوفان قاطعیت» که پس از حمله های ۲۷ روزه عمدتاً هوایی به درگیری های دریایی و زمینی نیز کشیده شد، نشان می دهد که برنامه ریزان سیاسی و استراتژیست های نظامی عربستان سعودی بر این باور بودند که در مدتی کوتاه به هدف های خود در یمن نایل خواهند شد، اما بعد از نزدیک به ۲۸ ماه بمباران هوایی، محاصره دریایی و جنگ های زمینی نه تنها جنگ در یمن پایان نیافته بلکه فقیرترین کشور عربی را با بدترین فجایع انسانی مواجه کرده است.

در این راستا خبرنگار مهر گفتگویی با پروفسور «چارلز چمیتز» استاد دانشگاه تاوسان آمریکا و کارشناس مسائل خاورمیانه و یمن در موسسه خاورمیانه انجام داده که در ادامه می آید.

وضعیت انسانی در یمن را چگونه ارزیابی می کنید و جامعه بین المللی چه اقداماتی جهت کاهش درد و رنج مردم یمن انجام داده است؟

سازمان ملل، آمریکا، انگلیس و دیگر کشورها کمک های بشردوستانه را به سمت یمن ارسال کرده اند اما بزرگترین نیاز مردم یمن و دولت آن، پول است. دولت (هر دو دولت) به پول نیاز دارند تا حقوق پرسنل پزشکی و کارمندان دولت را بدهند و مردم به پول نیاز دارند تا بتوانند مواد غذایی پایه خود را تهیه کنند. یمنی ها قبل از جنگ فقیر بودند و جنگ موجب فروپاشی اقتصاد آنها شد. در حال حاضر مردم پول جهت خرید مواد غذایی حتی اگر مواد غذایی در بازار موجود باشد را ندارند.

چرا جنگ یمن در صحنه بین الملل کمتر مورد توجه قرار گرفته و جنگ خاموش نام گرفته است؟

از دید کشورهای منطقه خاورمیانه و قدرتهای بین المللی، بحران عراق و سوریه نسبت به یمن از اهمیت بیشتری برخوردار است. علاوه بر این پناهندگانی که وارد کشورهای اروپایی می شوند از عراق، سوریه و لیبی می آیند و نه از یمن. مردم یمن نمی توانند از کشور خارج شوند، بنابراین درد و رنج آنها داخلی بوده و بعد بین المللی پیدا نکرده است.

رسانه های سعودی ادعا می کنند که هدف از حملات عربستان به یمن بازگرداندن ثبات به منطقه است. نظر شما در این ارتباط چیست؟

واضح است که جنگ نه تنها باعث ایجاد ثبات در یمن نشده بلکه باعث بی ثبات شدن یمن و منطقه می شود. عربستان سعودی می خواهد بار دیگر بر یمن مسلط شود. از نظر سعودیها یمن یک تهدید امنیتی بوده و آنها می خواهند مطمئن شوند که بزرگترین قدرت خارجی مسلط بر یمن هستند. آنها در نهایت به هدف خود دست خواهند یافت، اما شاید نه از طریق جنگ. زیرا عربستان از لحاظ اقتصادی تأثیر زیادی بر یمن داشته و هر کسی که بر یمن حکومت می کند باید با سعودی ها تعامل داشته باشد زیرا آنها نفوذ بسیار زیادی بر یمن دارند.

نقش ایالات متحده آمریکا در جنگ یمن را چگونه ارزیابی می کنید؟

نقش ایالات متحده آمریکا در جنگ یمن بسیار پررنگ است. ایالات متحده آمریکا به طور مستقیم از طریق کمپین مبارزه با القاعده و به طور غیر مستقیم از طریق حمایت از عربستان سعودی در جنگ یمن دخالت می کند. آمریکا و عربستان سعی کرده اند تلفات غیرنظامیان را با هدف گیری دقیق حملات هوایی کاهش دهند، اما سطح تلفات



علی عبدالله صالح هنگام فرار از صنعاء کشته شد

بنابر این گزارش، رئیس جمهور اسبق یمن، چند روزی است که چرخش های سیاسی تنیدی داشته و اوضاع داخلی یمن را نیز به هم ریخته است.

به نظر می رسد عربستان سعودی از بیم آنکه علی عبدالله صالح به دست نیروهای وابسته به دولت وحدت ملی صنعا بیفتد و ارتباطات او با سعودی ها آشکار شود، وی را ترور کرده است.

گفتنی است، علاوه بر علی عبدالله صالح، «عارف زوکا» معاون وی و «یاسر العواضی» دبیر کل حزب کنگره ملی نیز در میان کشته شدگان قرار دارند. این گروه در حال فرار با یک دستگاه خودروی زرهی از صنعاء بوده اند.

مشاور رسانه ای شورای عالی سیاسی یمن: «علی عبدالله صالح» در منطقه تحت سیطره هوایی امارات کشته شد «احمد الحیسی» مشاور رسانه ای شورای عالی سیاسی یمن اعلام کرد که «علی عبدالله صالح» در منطقه تحت سیطره هوایی امارات کشته شده است. بر اساس این گزارش، وی گفت: جنگنده های امارات

رئیس جمهوری سابق یمن در حال فرار از صنعاء پایتخت این کشور در منطقه تحت سیطره هوایی امارات متحده عربی کشته شد.

علی عبدالله صالح رئیس جمهوری سابق یمن در حال فرار از صنعاء کشته شد.

وی با خودروی زرهی در حال فرار از صنعاء بود. علاوه بر علی عبدالله صالح، «عارف زوکا» معاون وی و «یاسر العواضی» دبیر کل حزب کنگره ملی نیز کشته شدند.

شواهد حاکی از ترور علی عبدالله صالح به دست ائتلاف سعودی است

پس از انتشار خبر کشته شدن علی عبدالله صالح رئیس جمهور سابق یمن به همراه چند تن از همراهانش، برخی منابع در حالی مسئولیت این اتفاق را متوجه نیروهای کمیته های مردمی دانستند که شواهد موجود حاکی از نقش نیروهای ائتلاف سعودی در این ترور است.

بر اساس شواهد موجود، مزدوران سعودی و هم پیمانان آنها عامل اصلی حمله به علی عبدالله صالح بوده اند.

که از اعضای ائتلاف متجاوز سعودی هستند شب گذشته مواضع وابسته به علی عبدالله صالح را بمباران کردند. این مقام یمنی گفت: وزارت کشور یمن تا دقایقی دیگر با صدور بیانیه ای مرگ علی عبدالله صالح و شماری دیگر را اعلام می کند.

تحلیلگر لبنانی در گفتگو با مهر:

اربیل مقصر شکست مذاکرات با بغداد است / عدم برپایی دولت کردی در منطقه

رامین حسین آبادیان



«توفیق شومان» کارشناس مسائل استراتژیک معتقد است، مشکلات اقلیم کردستان با جدایی طلبی حل و فصل نخواهد شد و این اربیل است که مذاکرات سیاسی با بغداد را به شکست کشانده است.

اخیرا گزارشگر روسیه الیوم اعلام کرد که مسئولان اقلیم کردستان عراق با طرح بین المللی برای به تاخیر انداختن همه پرسی استقلال این اقلیم موافقت کرده اند. پیشتر هیأتی متشکل از اعضای این اقلیم برای دیدار با مقامات بغداد عازم این شهر شده بودند. بافل طالبانی، معاون رئیس دولت اقلیم کردستان عراق اعلام کرد که این دولت تصمیمی مبنی بر به تاخیر انداختن همه پرسی اقلیم کردستان اتخاذ کرده است. این در حالیست که میادین به نقل از شورای عالی همه پرسی اقلیم کردستان عراق گزارش داد که این همه پرسی روز دوشنبه برگزار خواهد شد. همچنین حزب دموکرات کردستان نیز اعلام کرد که این همه پرسی در زمان مقرر خود برگزار خواهد شد و سخنان بافل طالبانی بی پایه و اساس است.

از سوی دیگر، «بکر بوزداغ» معاون نخست وزیر ترکیه امروز (شنبه) پس از نشست هیأت وزیران این کشور درباره همه پرسی اقلیم کردستان عراق گفت: برای آخرین بار هشدار می دهیم که اقلیم با عقل سلیم حرکت کرده و همه پرسی را لغو کند. معاون نخست وزیر ترکیه ادامه داد: همه گزینه ها در برابر همه پرسی مذکور روی میز است و تمامی ابعاد این موضوع یعنی انجام یا لغو همه پرسی هم بررسی شده است. «بکر بوزداغ» در ادامه افزود: تصمیمات لازم در این باره گرفته شده است که در صورت برگزاری این همه پرسی ترکیه چه تدابیری را اتخاذ کرده و در کدام بازه زمانی این تدابیر را اجرائی خواهد کرد؛ لذا اعلام می کنم که همه ابعاد این همه پرسی را مورد نظر قرار داده ایم.

در همین ارتباط، خبرنگار مهر گفتگویی را با «توفیق شومان» تحلیلگر مسائل سیاسی و استراتژیک ترتیب داده است که مشروح آن از نظر می گذرد:

|| به نظر می رسد که اربیل قصد ندارد از موضع خود مبنی بر برگزاری همه پرسی استقلال اقلیم کردستان عقب نشینی کند. علت اصلی عدم عقب نشینی اقلیم کردستان از تصمیم خود در این زمینه را چه می دانید؟
من متقدم زمانی که مسعود بارزانی تاریخ ۲۵ سپتامبر را برای برگزاری همه پرسی استقلال اقلیم کردستان تعیین کرد، قصد داشت تا هدف خود را پیاده سازی کند. بارزانی از این طریق تلاش کرد تا تصب کردی در داخل اقلیم کردستان را برانگیزد و تحریک کند. این مسأله، یک مسأله کاملا سیاسی است. بارزانی کسی است که توافق میان اربیل و بغداد را به شکست کشاند و حاضر به توافق نشد.

از سوی دیگر، باید به این نکته نیست توجه داشت که دیوار بی اعتمادی میان بغداد و اربیل بسیار بلند است و همین مسأله نیز از جمله عوامل مهم در عدم

موفقیت مذاکرات میان دو طرف طی هفته های اخیر بوده است.

|| برگزاری همه پرسی استقلال اقلیم کردستان عراق در شرایطی که نیروهای این کشور به سختی مشغول مبارزه با تروریسم هستند آیا منجر به هرج مرجع در عراق نخواهد شد؟

نیروهای عراقی در حال حاضر در زمینه مبارزه با تروریسم در نیمه راه قرار دارند. به نظر می رسد که تعیین تاریخ ۲۵ سپتامبر برای برگزاری همه پرسی با هدف تأثیر گذاری اقلیم کردستان بر بعضی از نبردهای ضد تروریستی به ویژه در الحویجه و مناطق مورد مناقشه میان بغداد و اربیل، صورت گرفته است. اما آنچه که اکنون در جریان است، این است نیروهای ارتش عراق و حشد شعبی هم اکنون در جبهه های مختلف به نبرد با داعش مشغول هستند و عقب نشسته اند.

اما در هر صورت، تلاش اقلیم کردستان برای استقلال از دولت مرکزی بغداد در شرایط کنونی که نیروهای عراقی مشغول مبارزه با تروریسم هستند، تا زمانی که اراده مبارزه ضد تروریستی وجود داشته باشد، بر روند مبارزه با تروریسم تأثیر نخواهد گذاشت. بدون شک تأثیرات منفی منازعات سیاسی کنونی بر روند مبارزه با تروریسم، کمتر خواهد بود.

|| اقلیم کردستان عراق در حال حاضر با مشکلات داخلی بسیاری مواجه است که گمان می کند با برگزاری همه پرسی می تواند بر این مشکلات غلبه کند. آیا به راستی برگزاری همه پرسی راه حل مشکلات اقلیم کردستان است؟

من تصور نمی کنم که مشکلات اقلیم کردستان عراق از طریق برگزاری همه پرسی استقلال از دولت مرکزی حل و فصل شود. چراکه برگزاری همه پرسی استقلال و رأی مثبت کردها به آن از لحاظ تئوری یک مسأله است،

استقلال یافتن کردها و تشکیل دولت مستقل کردستان از لحاظ عملی، مسأله دیگری است. به طور کلی، گمان نمی کنم که برگزاری همه پرسی به برقراری ثبات در منطقه منجر شود.

برگزاری همه پرسی استقلال اقلیم کردستان به مثابه کار گذاشتن بمب های ساعتی بود و مشکلات زیادی را در منطقه به وجود می آورد؛ چه بسا منجر به ایجاد جنگ ها و نبردهای بسیاری در منطقه بشود.

|| رژیم صهیونیستی از جمله معدود طرف هایی است که از برگزاری همه پرسی استقلال اقلیم کردستان عراق اعلام حمایت کرده است. هدف اصلی و اساسی صهیونیستها از حمایت اقلیم کردستان در این زمینه را چطور ارزیابی می کنید؟

بدون شک رژیم صهیونیستی همواره تلاش می کند تا به هر طریقی که شده منطقه را وارد تنش و بحران کند. رژیم صهیونیستی به خوبی می داند که استقلال یافتن اقلیم کردستان عراق، افکار عمومی در عراق را از اسرائیل منحرف می کند. از سوی دیگر، روابط حسنه ای از مدت ها پیش میان مسعود بارزانی و رژیم اسرائیل وجود دارد.

این در حالی است که حدود ۱۵۰ نفر یهودی کُرد در اراضی اشغالی فلسطین زندگی می کنند و مسعود بارزانی با رهبر بسیاری از این کردهای یهودی در اراضی اشغالی در ارتباط است. لذا به نظر می رسد که اسرائیلی ها وعده ارائه مساعدت های مالی و اقتصادی زیادی را به اقلیم کردستان داده اند.

به طور کلی، آرزوی برپایی دولت کُردی در منطقه غیرقابل دسترس است، چراکه تحقق چنین مسأله ای از لحاظ امنیتی منطقه را دچار هرج و مرجع می کند. اما در هر صورت، باید کردها از تمامی حقوق سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود برخوردار باشند و با آنها همچون دوران صدام معدوم برخورد نشود.



اروپا

سایه کوربین بر داویننگ استریت / کاهش محبوبیت حزب محافظه کار

حنیف غفاری



نظرسنجی های اخیر نشان دهنده کاهش محبوبیت ترزا می نخست وزیر انگلیس و حزب متبوع وی است؛ امری که سران حزب محافظه کار را نسبت به آینده سیاسی خود نگران ساخته است.

نظرسنجی های اخیر در انگلیس نشان دهنده کاهش محبوبیت ترزا می نخست وزیر انگلیس و حزب متبوع وی است. انتشار این نظرسنجی ها، سران حزب محافظه کار را نسبت به آینده سیاسی خود نگران ساخته است. نظرسنجی منتشر شده در نشریه «میل آن ساندی» در انگلیس نشان می دهد که حزب کارگر با ۴۳ درصد رای برتری پنج درصدی نسبت به حزب حاکم محافظه کار که ۳۸ درصد رای به دست آورده، دارد.

نکته جالب توجه اینکه در این نظرسنجی، حدود ۴۰ درصد از طرفداران حزب محافظه کار، حضور ترزا می در رقابتهای انتخاباتی دور بعدی را غیر قابل تصور دانسته اند. این موضوع، نشان دهنده شکافی است که میان طرفداران حزب محافظه کار بر سر بقا یا عدم بقای ترزا می در قدرت وجود دارد. فراتر از آن، در نظرسنجی انجام شده، ۴۰ درصد شرکت کنندگان از پیروزی جرمی کوربین، رهبر حزب کارگر در انتخابات بعدی انگلیس حمایت کردند که یک درصد بیشتر از حمایت از نخست وزیر این کشور است. به عبارت بهتر، نه تنها در این نظرسنجی حزب کارگر برتری بیشتری نسبت به حزب محافظه کار دارد، بلکه موقعیت سیاسی جرمی کوربین نیز نسبت به ترزا می نخست وزیر کنونی انگلیس بهتر است.

واقعیت امر این است که مواردی مانند شکست نسبی در انتخابات زودهنگام، کندی و اختلاف در مذاکرات برگزیت، طرح دوباره موضوع استقلال اسکاتلند و ... جملگی سبب شده است تا محبوبیت نخست وزیر انگلیس کاهش پیدا کند. این مسئله، بر روی محبوبیت حزب متبوع ترزا می یعنی حزب محافظه کار نیز تاثیر

گذاشته است. در حال حاضر، برخی چهره ای سرشناس حزب محافظه کار معتقدند که پس از شکست ترزا می در انتخابات زودهنگام اسما، دیگر بهانه ای برای حضور وی در قدرت وجود ندارد. با این حال، برخی دیگر از سران حزب محافظه کار معتقدند که وی باید تا زمان به نتیجه رسیدن مذاکرات خروج انگلیس از اتحادیه اروپا، در سمت خود باقی بماند.

نظرسنجی های اخیر نیز زنگ خطر را برای حزب حاکم انگلیس به صدا در آورده است. جرمی کوربین در یکی از اظهارات اخیر خود، از تشکیل «دولت در انتظار» به جای «دولت در سایه» خبر داده است. به عبارت بهتر، کوربین به صورتی کاملاً جدی خود را برای حضور در خانه شماره ده داویننگ استریت آماده می کند. البته کوربین در این مسیر، با مانع تراشی هایی از سوی مخالفان سیاسی خود مواجه خواهد شد. یکی از این افراد، تونی بلر نخست وزیر اسبق انگلیس است که علی رغم تعلق به حزب کارگر، از حضور کوربین در مسند رهبری این حزب به شدت ناراضی است. بلر تلاشهای زیادی کرد تا کوربین در این مسند حضور پیدا نکند اما در نهایت موفق نشد به خواسته خود دست یابد. جرمی کوربین، آغاز جنگ عراق توسط بلر (در همراهی با بوش پسر) را همواره محکوم کرده و آن را یک فاجعه دانسته است.

نکته قابل توجه اینکه ترزا می در جمع برخی اعضای حزب محافظه کار اعلام کرده است که در سال ۲۰۱۹ میلادی از سمت خود کناره گیری خواهد کرد. به این ترتیب، حزب محافظه کار فرد دیگری را برای حضور در خانه شماره ده داویننگ استریت کاندید خواهد کرد. اما هیچ گونه تضمینی وجود ندارد که نامزد بعدی حزب محافظه کار بتواند در برابر جرمی کوربین، که محبوبیت وی همچنان در حال افزایش است، مقاومت کند. در این میان، انتشار

رئیس حزب مخالف کارگر در انگلیس در پیامی سکوت نخست وزیر این کشور در برابر ریاض را همدستی وی در رنج مردم یمن توصیف کرد. «جرمی کوربین» رهبر حزب مخالف کارگر در انگلیس با اشاره به تداوم فروش تسلیحات توسط کشورش به عربستان و حمایت از ریاض در فجایع یمن در پیامی توثیقی در این خصوص اعلام کرد: سکوت ترزا می در جریان سفرش به عربستان سعودی درباره محاصره یمن و نقش انگلیس در این جنگ، همدستی او در رنج مردم یمن را نشان می دهد.

وی ادامه داد: محاصره (یمن) باید پایان یافته و فروش تسلیحات ما به عربستان سعودی تا انجام یک تحقیقات مستقل باید به تعلیق درآید. لازم به ذکر است، نخست وزیر انگلیس روز گذشته از ریاض خواسته بود که محاصره یمنی ها را به منظور جلوگیری از بروز فاجعه انسانی کاهش دهد. شایان ذکر است که اشک تماشای ریختن ترزا می برای یمنی ها در حالی است که وی با توقف فروش سلاح به عربستان و کشورهای ائتلاف ضد یمن مخالفت کرده است.

گفتنی است، ائتلاف تحت سرکردگی آل سعود علاوه بر بمباران های گسترده و به خاک و خون کشیدن یمنی ها با اعمال محاصره ظالمانه قصد دارد که یمنی هایی که برای استقلال خود مبارزه می کند و زیر بار قیمومیت عربستان نمی روند را با گرسنگی و قحطی از بین ببرد.



جرمی کوربین:

سکوت ترزا می، همدستی وی در رنج مردم یمن را نشان می دهد

کارشناس مسائل سیاسی در گفتگو با مهر:

ترکیه همکاری‌های اقتصادی با اقلیم کردستان عراق را قطع کند

رامین حسین آبادیان



«داود شجاع» کارشناس سیاسی معتقد است که در صورت قطع روابط اقتصادی گسترده ترکیه با اقلیم کردستان، مقامات این اقلیم با مشکلات زیادی مواجه خواهند شد.

وضعیت سیاسی در عراق به دنبال برگزاری همه پرسی استقلال اقلیم کردستان از دولت مرکزی هم اکنون به مراحل حساسی نزدیک شده است. اقلیم کردستان مدعی است که دولت بغداد قصد دارد علیه آن از گزینه نظامی استفاده کند. این در حالی است که دولت عراق رسماً این مسأله را تکذیب کرده است. از سوی دیگر، دولت بغداد اعلام کرده که بدون لغو نتایج همه پرسی استقلال اقلیم کردستان حاضر به مذاکره با اربیل نیست. در همین ارتباط گفتگویی را با «داود شجاع» تحلیلگر مسائل سیاسی و غرب آسیا انجام داده است که مشروح آن از نظر می‌گذرد:

|| هدف اصلی مسعود بارزانی از پافشاری بر برگزاری همه پرسی استقلال اقلیم کردستان از دولت مرکزی چه چیزی می‌تواند باشد؟ آیا این همه پرسی قانونی است؟ اقدامات بعدی اقلیم کردستان چیست؟

همه پرسی استقلال اقلیم کردستان غیرقانونی بود. ریاست مسعود بارزانی بر اقلیم کردستان چهار سال پیش تقریباً به پایان رسید و تداوم این مسئولیت برای وی غیرقانونی است. در سال ۲۰۱۳ ریاست بارزانی بر اقلیم به پایان رسید. اما به دلایل مختلف از جمله قدرت طلبی بارزانی، پارلمان اقلیم بدون هماهنگی با دولت مرکزی بغداد طی جلسه‌ای ریاست بارزانی را دو سال تمدید کرد. حتی این مدت زمان تعیین شده نیز در سال ۲۰۱۵ به پایان رسید. بنابراین از سال ۲۰۱۳ تاکنون پست ریاست اقلیم کردستان برای مسعود بارزانی غیرقانونی است. بارزانی طی دو سال گذشته از وضعیت امنیتی نابسامان امنیتی در عراق برای ارتقاء جایگاه خود استفاده کرد. وی در طول این مدت بسیاری از احزاب بزرگ کردی در اقلیم کردستان را نادیده گرفت.

علیرغم غیرقانونی بودن ریاست بارزانی بر اقلیم کردستان، وی یک اقدام غیرقانونی دیگری به نام همه پرسی را انجام داده است. در این انتخابات هیچ ناظر و بازرس مورد اعتمادی حضور نداشت. سازوکارهای مورد تأیید نظام بین الملل در برگزاری همه پرسی استقلال اقلیم کردستان رعایت نشد. لذا نتایج این همه پرسی نمی‌تواند مورد پذیرش باشد؛ هر چند بارزانی اعلام کرد که بیش از ۹۰ درصد از شرکت کنندگان در آن به همه پرسی رأی مثبت دادند. در هر صورت، می‌توان گفت که یکی از اهداف مهم بارزانی از برگزاری این همه پرسی، باقی ماندن در صحنه قدرت است. متأسفانه بارزانی با تلاش برای باقی ماندن در قدرت به دنبال ایجاد فتنه‌ای جدید در منطقه است.

اقلیم کردستان در اولین گام پس از برگزاری همه پرسی، نام شورای عالی همه پرسی را به شورای عالی استقلال تغییر داد. البته این به معنای تشکیل دولت مستقل کردی نیست. گام‌های بعدی اقلیم کردستان

فرودگاه اربیل نیز ترکیه می‌تواند همین اقدام را انجام دهد. در زمینه گسترش و تقویت فرودگاه اربیل قراردادی به ارزش ۵۰۰ هزار دلار با ترکیه امضاء کرده‌اند. ترکیه از این طریق نیز با متوقف ساختن پروژه می‌تواند به اربیل فشار وارد کند.

روابط تجاری و غیرنفتی ترکیه با اقلیم کردستان ۲.۵ میلیارد دلار برآورد می‌شود. این یک رقم قابل توجه است. ترکیه از طریق لغو بخشی از این مرادوات می‌تواند فشار زیادی را به اقلیم کردستان وارد کند. ایران نیز می‌تواند بازارچه‌های مرزی خود با اقلیم کردستان را تعطیل کند تا منافع اقتصادی این بازارها برای اربیل قطع شود. علاوه بر این، ریزنی‌های میان ایران و ترکیه تاکنون بسیار خوب بوده اما کافی نبوده است. به عنوان مثال، سفر اردوغان به تهران بسیار ثمر ثمر بود.

|| مواضع رژیم صهیونیستی در قبال همه پرسی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ اساساً چه ارتباطی می‌تواند بین صهیونیست‌ها و بارزانی‌ها در کردستان عراق وجود داشته باشد؟

واقعیت این است که همه پرسی استقلال اقلیم کردستان مقدمه تجزیه خاک عراق است. طبیعی است که رژیم صهیونیستی با تجزیه کشورهای منطقه قدرت بیشتری پیدا می‌کند و به همین دلیل است که از این همه پرسی حمایت به عمل آورده است. از همین روی، رژیم صهیونیستی تنها طرفی است که به صورت آشکار از همه پرسی حمایت کرده است. در اربیل یک منطقه یهودی نشین وجود دارد که بارزانی به تل آویو قول داده است که در صورت استقلال یافتن، یهودیان آن منطقه را تقویت می‌کند.

لذا اسرائیل هم در صدد است تا شدیدترین اقدامات منطقه‌ای علیه ایران از طریق اربیل را دنبال کند. بنابراین، با استقلال یافتن اقلیم کردستان، جای پای اسرائیل در اربیل محکم‌تر خواهد شد و بیش از هر وقت دیگری تل آویو می‌تواند از طریق اربیل فعالیت‌های جاسوسی خود را ادامه دهد. حضور نظامی رژیم صهیونیستی در

خیلی مشخص نیست اما این اقلیم بسیار تمایل دارد که گام‌های آتی را به سرعت بردارد. در حالت طبیعی اگر اقلیم کردستان بخواهد نتایج همه پرسی را به منصفه ظهور رساند و کشور مستقل تشکیل دهد، به حمایت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و به ویژه آمریکا نیاز خواهد داشت.

|| اکنون که همه پرسی انجام شده و مردم کردستان به آن پاسخ مثبت داده‌اند، آیا می‌توان انتظار تشکیل دولت مستقل کردی در عراق را داشت؟ ایران و ترکیه با چه ابزارهایی می‌توانند مانع از تشکیل دولت مستقل کردی شوند؟

حداقل تا دو سال آینده شاهد تشکیل دولت مستقل کردی نخواهیم بود. ایران و ترکیه می‌توانند با استفاده از اهرم‌های فشار سیاسی و اقتصادی مانع از تحقق این امر شوند. ایران، ترکیه و عراق می‌توانند مرزهای خود با اقلیم کردستان را ببندند که البته تاحدودی این کار را انجام داده‌اند. ایران و ترکیه همچنین می‌توانند از طریق ریزنی‌های دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن‌ها را قانع سازند که دیگر از اقلیم کردستان نفت نخرند.

از سوی دیگر، ترکیه در بحث انتقال انرژی از اقلیم کردستان می‌تواند ایجاد وقفه کند. ترکیه می‌تواند موانعی را در مسیر انتقال نفت و گاز از اقلیم کردستان به کشورهای دیگر از طریق خاک خود ایجاد کند؛ هر چند که این اقدام مضرانی را نیز برای خود آنکارا به دنبال خواهد داشت. اگر آنکارا نگاه به منافع بلندمدت خود داشته باشد، بدون شک چنین گامی را نخواهد داشت و امنیت ملی خود را تأمین خواهد کرد.

افزون بر این، ترکیه می‌تواند برخی پروژه‌های خود با اقلیم کردستان را به حالت تعلیق درآورد. به عنوان مثال، پروژه فرودگاه «دهوک» را می‌تواند متوقف کند. ارزش تقریبی این پروژه با اقلیم کردستان ۴۵۰ هزار دلار است. نام این پروژه «گسترش و تقویت فرودگاه دهوک» است. در صورت اقدام ترکیه علیه این پروژه، پیامدهای اقتصادی و غیراقتصادی زیادی در انتظار اربیل خواهد بود. در بحث

ارزیل تقویت خواهد شد. لذا موازنه قدرت تا حدودی دستخوش تغییر می شود و حاشیه امنی برای صهیونیستها در منطقه ایجاد می شود. به این نکته نیز باید توجه داشت که بارزانی همواره حامی اسرائیل بوده و در مقابل، اسرائیل نیز از بارزانی حمایت کرده است. این دو همیشه با یکدیگر ارتباطات نزدیک و صمیمانه ای داشته و دارند.

|| یکی از مناطقی که در کردستان بسیار مهم است، کرکوک است. اکنون آرایش نظامی در کرکوک چگونه است و آیا این نیروهای

پیشمرگه هستند که در نقاط استراتژیک آن حضور دارند؟ آیا با توجه به عزم بغداد برای به دست گرفتن کنترل چاه های نفت کرکوک، احتمال وقوع درگیری نظامی میان دو طرف وجود دارد؟

یکی از اصلی ترین مناطق مورد مناقشه بغداد و ارزیل، کرکوک است. ذخایر و منابع عظیم و سرشار نفتی در کرکوک همواره مورد توجه همگان بوده است. در حال حاضر، نیروهای پیشمرگه در کرکوک مستقر هستند. آنجایی که اقلیم کردستان احتمال اقدام نظامی بغداد در کرکوک را می داد، حضور پیشمرگه را در کرکوک تقویت

کرده است. ارزیل این احتمال را می دهد که شاید در کرکوک درگیری نظامی به وجود آید. درست به همین دلیل است که شمار نیروهای نظامی پیشمرگه در کرکوک افزایش یافته است.

احتمال وقوع درگیری نظامی میان بغداد و ارزیل در کرکوک خیلی ضعیف است. دولت بغداد هم اکنون درگیر برخی مسائل داخلی است. مبارزه با داعش حداقل سه تا چهار ماه دیگر در عراق به طول می انجامد. وضعیت اقتصادی در عراق نیز یکی دیگر از دل مشغولی های دولت بغداد است. لذا احتمال ورود دولت بغداد به درگیری نظامی با پیشمرگه ها بسیار ضعیف است.

استاد دانشگاه بوستون در گفتگو با مهر:

اتحادیه اروپا با واشنگتن در لغو برجام همکاری نخواهد کرد

فاطمه محمدی پور



«جافری کارلینر» معتقد است که اتحادیه اروپا مخالف سرسخت لغو برجام بوده و در این مسیر با واشنگتن همراه نخواهد بود.

دولت ترامپ ۱۵ اکتبر باید پایبندی ایران به برجام را مورد تایید قرار دهد. در صورت عدم تایید پایبندی ایران به برجام، کنگره ظرف ۶۰ روز می تواند تحریم هایی را که در زمان انعقاد توافق هسته ای لغو شده بودند بار دیگر علیه تهران تحمیل کند.

در همین راستا خبرنگار مهر گفتگویی با «پروفیسور جافری کارلینر» استاد دانشگاه بوستون آمریکا انجام داده که در ادامه می آید.

|| برخی منابع خبری غربی اعلام کرده اند دونالد ترامپ رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا عدم پایبندی ایران به برجام را اعلام خواهد کرد و عملاً برجام را نقض خواهد کرد. نظر شما در این خصوص چیست؟

به احتمال خیلی زیاد «دونالد ترامپ» ۱۵ اکتبر اعلام خواهد کرد که ایران به توافق هسته ای با گروه ۵+۱ پایبند نیست. به نظر می رسد ترامپ این اقدام را انجام دهد حتی اگر همه مشاوران وی از جمله «جیمز متیس» وزیر دفاع، «کس تیلرسون» وزیر امور خارجه، آژانس بازرسی سازمان ملل و دیگر کارشناسان بگویند که ایران کاملاً به برجام متعهد بوده است.

|| اگر ترامپ برجام را نقض کند گام بعدی وی در خصوص ایران چه خواهد بود؟

گام بعدی آمریکا لزوماً به معنای پایان دادن به برجام نیست. مرحله بعدی این است که کنگره آمریکا باید به تحمیل دوباره تحریم ها علیه ایران رای دهد. اینکه چه اتفاقی در آینده نزدیک رخ خواهد داد هنوز مشخص نیست. *اگر ترامپ برجام را نقض کند در این صورت برای بازگشت تحریم های هسته ای ایران، کنگره آمریکا باید رای گیری کند. آیا کنگره چنین تصمیمی خواهد گرفت؟ بسیاری از جمهوریخواهان در کنگره برجام را به شدت مورد انتقاد قرار داده و به اعمال دوباره تحریم ها علیه ایران رای مثبت خواهند داد. اما دیگر نمایندگان درک کرده اند که هر توافقی به مراتب بدتر از برجام برای آمریکا خواهد بود. علاوه بر این، روسیه، چین، بریتانیا، فرانسه و آلمان از

ایالات متحده آمریکا پیروی کنند اگر کنگره تصمیم بگیرد تحریم ها بار دیگر علیه ایران اعمال شوند. بیانیه های بسیار قوی از سوی دیپلمات های اروپایی نشان می دهد که آنها نمی خواهند برجام لغو شود. ادعاهای مخالفان برجام در آمریکا مانند «ریچارد گولدبرگ» بسیار واهی و خیالی است. وقتی از «ژرار آرو» سفیر فرانسه در آمریکا پرسیده شد آیا فرانسه از آمریکا جهت بازگشت مجدد تحریم ها علیه ایران حمایت می کند؟ پاسخ داد: فرانسه به هیچ وجه از آمریکا جهت بازگشت مجدد تحریم ها علیه ایران حمایت نمی کند. فرانسه از مذاکره مجدد در مورد برنامه هسته ای ایران نیز حمایت نخواهد کرد. ایران کاملاً به برجام پایبند بوده و هیچ راهی جز پذیرش برجام وجود ندارد. «دیوید سولیوان» نماینده اتحادیه اروپا در آمریکا نیز گفت: اگر آمریکا تحریم ها را بار دیگر علیه ایران اعمال کند، بانک های اروپایی به تحریم ها توجه نمی کنند لذا آمریکا بانک های اروپایی را مجازات خواهد کرد. در این صورت اتحادیه اروپا با تحمیل تحریم ها علیه شرکت های آمریکایی تلافی خواهد کرد. «فدریکا موگرتینی» وزیر امور خارجه اتحادیه اروپا نیز اعلام نموده اتحادیه اروپا مخالف پایان برجام می باشد. روسیه و چین نیز بسیار بعید است که با ترامپ جهت پایان دادن به برجام همکاری کنند.

آمریکا جهت پایان دادن به برجام حمایت نخواهند کرد. دموکراتها در کنگره به احتمال زیاد مخالف پایان دادن به برجام و بازگشت مجدد تحریم ها علیه ایران باشند. با توجه به اظهارات متیس، تیلرسون، آژانس بازرسی سازمان ملل و دیگران در مورد اینکه ایران کاملاً به برجام متعهد بوده است هنوز نامشخص است که آیا جمهوریخواهان رای کافی جهت بازگشت تحریم ها علیه ایران خواهند داشت یا خیر؟ شاید در مورد برنامه هسته ای ایران مانند قانون اوباما که هیچ اتفاق خاصی علی رغم سخنرانی های جنجالی رخ ندهد. و شاید چیزی که واقعا ترامپ می خواهد این باشد: عدم تغییر در سیاستی که منجر به جنگ با ایران شده یا باعث شود برنامه هسته ای ایران بار دیگر از سر گرفته شود. در این صورت انتقادات و سخنرانی های شدید ترامپ علیه ایران جهت کسب رضایت حامیان وی در داخل ایالات متحده آمریکا بیان می شود.

|| برخی افراد مانند Richard Goldberg معتقد هستند اگر ترامپ برجام را نقض کند در این صورت اروپایی ها وی را در خصوص تحریم مجدد هسته ای ایران همراهی خواهند کرد. نظر شما در این خصوص چیست؟

بعید به نظر می رسد که بریتانیا، فرانسه و آلمان از

سناریوی عدم تایید برجام / آیا اروپا به «عمو سام» پشت می کند؟

مریم خرماتی



ترامپ فردا سناریوی نهایی خود را درباره توافق هسته ای ایران علنی می کند حال آنکه ظاهراً مدتی است اروپا و حتی اژانس بین المللی انرژی اتمی عهده دار نقش خود در این بازی شده اند.

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا از روزی که سککان دار کاخ سفید شد و حتی پیش از آن بارها و بارها رویای خود را پاره کردن توافق هسته ای ایران عنوان کرد. اما او که تا پیش از ورود به عرصه رقابت ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا جز دلالتی و تجارت و خندانند مردم در مقام کم دین برنامه های تلویزیونی پیشه دیگری نداشت، ناگهان با این واقعیت مواجه شد که در نظام بین الملل یک معادله چند وجهی را نمی توان یک شبه و آن هم به صورت یک جانبه بر هم زد.

همین مسئله هم موجب شد تا وی از ادعای خود گامی عقب رفته و به مطالبات جاهلانه و تا حدی جاه طلبانه خود، رنگ و بوی دیگری ببخشد. در همین راستا، او رفته رفته داستان پاره کردن برجام را با زمزمه باز مذاکره آن جایگزین و تمام همت خود و تیم امنیت ملی کاخ سفید را صرف جا انداختن این خواسته در ذهن جامعه بین الملل کرد.

البته آماده کردن ذهن جامعه بین الملل برای طرح چنین خواسته ای به راحتی امکان پذیر نیست و ادعای ترامپ در این زمینه تا حدی دور از ذهن است که حتی حالا آن هم به فاصله یکی دو روز مانده به موعد ارائه سومین گزارش آمریکا درباره تایید پایبندی ایران به توافق هسته ای، «فدریکا موگرینی» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا مجبور است باز هم واقعیت را به او گوشزد کند.

موگرینی همین چهارشنبه خطاب به رئیس جمهوری آمریکا گفت: می دانم این موضوع را به خوبی درک می کنی که به هر حال این راه درست توافق کردن نیست، نه در عرصه سیاست خارجی و نه در عرصه تجارت خصوصی.

با این حال ترامپ اگر چه تا پیش از تکیه زدن بر مسند قدرت کاخ سفید از سیاست سرشسته ای نداشت، به وضوح از رویکرد سیاسی اتحادیه اروپا آگاه است و روی این مسئله که نهایتاً بروکسل با واشنگتن کنار خواهد آمد، حساب ویژه ای باز می کند.

حال باید اندکی تامل کرد و دید ترامپ از این همه شلوغ کاری و جنجال رسانه ای چه هدفی دارد. انگیزه ترامپ از تغییر معادله بازی

گمانه زنی ها حاکی از آن است که احتمالاً ترامپ برای خلاصی از گزارشی که هر ۹۰ روز یک بار ارائه می شود؛ این بار از تایید تطابق ایران با توافق هسته ای طفره می رود. به این ترتیب توپ به زمین کنگره آمریکا می افتد.

در واقع اگر ترامپ در گزارش اکتبر پایبندی ایران را تایید نکند، برجام خود به خود از میان نمی رود بلکه کنگره ۶۰ روز فرصت خواهد داشت تا در این باره تصمیم گیری کند و تحریم های جدیدی را علیه ایران وضع کند.

به این ترتیب، ترامپ به وعده خود مبنی بر عدم تایید برجام عمل کرده، از تاییدیه ۳ ماهه خلاص شده

مدافع ماندن آمریکا در برجام است، آمریکا به طور قطع نیازمند حمایت اروپایی ها و دیگر متحدان است تا به ایران بفهماند این توافق واقعا نیازمند بازبینی است! وی در جای دیگری مدعی می شود: ترامپ از بند موسوم به «غروب آفتاب» برجام اعلام نارضایتی کرده و می گوید این توافق آنطور که لازم است برنامه هسته ای ایران را کند نمی کند.

محض یادآوری باید گفت این بند شامل بازه زمانی رفع محدودیت های هسته ای است که از قضا رژیم صهیونیستی با آن مخالف است.

حالا نگاهی به گزارش چند روز پیش «جرورالم پست» ببیندیم که در آن از نقش موثر لابی صهیونیستی «آپیک» در شکل دهی راهبرد جامع ترامپ علیه ایران سخن گفته و تاکید کرده بود: این لابی اصلاً دنبال خروج آمریکا از توافق هسته ای نیست بلکه می کوشد مذاکره را به سمت رفع ۲ نقص برجام هدایت کند: بند غروب آفتاب و نظارت بر مراکز نظامی ایران!

جالب آنکه ظاهراً راهبرد ترامپ که قرار است امروز و فردا اعلام شود، چند وقتی است در قالب غیر رسمی در حال اجرا است. نمایشی که ترامپ با همکاری اروپا و اژانس اجرا می کند

سناریو پیش رو به این صورت است: آمریکا و رژیم صهیونیستی فرضیه نقص برجام را مطرح می کنند، اروپا (بهترین نمونه ماکرون فرانسوی) این نقص را تایید می کند، «یوکیا امانو» مدیر کل اژانس انرژی اتمی هم با ژست بی طرفانه ادعا می کند به زعم وی فرقی میان اماکن نظامی و غیرنظامی ایران وجود ندارد، و اگر لازم باشد در زمان مقتضی این کار را انجام می دهد.

اینگونه می شود که «کاندولیزا رایس» جمهوریخواه پیشکسوت، مشاور امنیت ملی و وزیر خارجه اسبق آمریکا چند روز مانده به اعلام نظر قطعی ترامپ، با «فاکس نیوز» که رسانه محبوب رئیس جمهوری آمریکا است، مصاحبه کرده و با اطمینان از راهبرد احتمالی (!) او سخن می گوید: توافق را تایید نمی کنیم، اما از آن هم خارج نمی شویم. تلاش می کنیم نواقضش را رفع کنیم. هر چه باشد رضایت شرکای اروپایی در میان است. اما خوب با توجه به رفتار ایران در خاورمیانه به ویژه سوریه و یمن، دوام توافق به شکل فعلی خیلی هم میسر نیست.

جالب آنکه اظهارات خانم رایس به طرز غریبی یادآور اظهارات ماکرون جوان است وقتی از عدم تکامل برجام و دغدغه از بابت برنامه موشکی ایران صحبت می کرد! همه یک منظور دارند: برجام ناقص است.

آمریکا راضی به رضایت بروکسل، اروپا راضی به رضایت واشنگتن. این میان انگار فقط ایران است که هنوز پای میز باز مذاکره ننشسته و به این حرف خانم موگرینی دل خوش کرده که: شکایتی در میان نیست و اگر هم باشد خارج از چارچوب برجام قابل بحث است! لحن خانم موگرینی هم قابل تامل است. ظاهراً اروپا و آمریکا متفق القول هستند حالا که ایران به تعهدات خود در این چارچوب خاص پایبند است، باید از بابت تعهداتی که نداده و در چارچوب هایی که هنوز تعریف نشده، تحت فشار باشد.

و سایه تحریم ها را هم پررنگ تر کرده است. از سوی دیگر، ایران و اروپا را هم بر سر دو راهی لغو یا اصلاح برجام قرار داده است.

در این میان، باید دید موضع اروپا چگونه است و آیا آنها واقعا تا آخرین نفس پشت سر توافق هسته ای ایران خواهند ایستاد؟

اروپا؛ دوست عمو سام یا قیم برجام! اژانس بین المللی انرژی اتمی در تمامی ۸ گزارشی که در باره برجام ارائه داده، پایبندی ایران به تمام تعهدات هسته ای را اعلام کرده است و اتحادیه اروپا هم می گوید ملاک حرف اژانس است اما...

در عرصه بین الملل نباید از سایه تردیدی که اما و اگرها بر تصمیم های سرنوشت ساز می اندازد، به راحتی عبور کرد. برای اینکه بدانیم این سایه تا چه اندازه سنگین است، کافی است مروری داشته باشیم بر اظهاراتی که یک ماه پیش در حاشیه نشست عمومی مجمع سازمان ملل متحد از سوی رهبران و مسئولین اروپایی مطرح شد.

راه دوری نمی رویم و اول از همه یادی می کنیم از «امانوئل ماکرون» رئیس جمهوری جوان فرانسه که از وقتی وارد الیزه شده، در راستای احیاء نقش سنتی پاریس به میانجی گری در مسائل بین المللی، در صف مقدم حمایت از برجام قرار گرفته و در جریان سفر به نیویورک هم مصاحبه هایش پیرامون این موضوع خبرساز بود.

وی بعد از آن همه حرف و حدیث که در حمایت از برجام گفت؛ نهایتاً مخلص کلام را اینگونه ادا کرد: برجام در قالب فعلی به خودی خود کامل نیست! ماکرون در توضیح ادعای خود می افزاید: این توافق کامل است؟ باید بگویم خیر. برجام با توجه به تحول اوضاع منطقه، فشاری که ایران بر منطقه اعمال می کند و البته افزایش سطح برنامه موشک های بالستیک، توافق کاملی محسوب نمی شود.

البته این طور نیست که بقیه متحدین با وی همسو نباشند، برای مثال «جولسی بیشاپ» وزیر خارجه استرالیا هم در آن ایام در مصاحبه ای از برجام به عنوان بهترین گزینه موجود یاد کرد حال آنکه مدعی شد این توافق کامل نیست!

این زمزمه ها را که در تایید «نقص» برجام ارائه می شود باید در تجمیع با ادعای مقامات آمریکایی و صهیونیستی ارزیابی کرد تا به زندگی که در عمق آنها نهفته است پی برد.

به گفته «رکس تیلرسون» وزیر خارجه آمریکا که

ترامپ مهربان در کاخ الیزه! بازی مشترک اروپا و آمریکا با دولحن متفاوت

محمد قادری



طبیعی جلوه دادن خواسته های جدید ایالات متحده آمریکا به عنوان مصادیق تغییر توافق هسته ای، تاکتیکی است که مقامات فرانسوی نیز به مانند مقامات انگلیسی و آلمانی آن را به کار گرفته اند.

وزیر خارجه فرانسه در تازه ترین اظهارات خود

درباره برجام، با بیان اینکه می توان ریزنی درباره دوران پسا برجام را آغاز کرد، از کنگره آمریکا خواست تا توافق هسته ای با ایران را حفظ کند.

«ژان ایو لودریان» در این رابطه عنوان کرده است: «ما به طور جدی امیدواریم که کنگره که اکنون مسئول از بین رفتن احتمالی توافق هسته ای است آن را ناپود نکند. از نظر ما توافق وین یک توافق خوب است، اشاعه هسته ای را محدود می کند و مانع از دستیابی ایران به تسلیحات هسته ای می شود. این توافق قوی و منسجم است. درهای مذاکرات برای زمان پس از پایان توافق هسته ای، وقتی که محدودیت های غنی سازی اورانیوم در ایران منقضی می شود، باز است، اما واشنگتن مایل است که زمان این محدودیت ها افزایش یابد. اگر توافق حفظ شود، ما می توانیم مذاکرات اولیه با تهران درباره آنچه پس از سال ۲۰۲۵ اتفاق می افتد را آغاز کنیم! ایران نیز می تواند به طور کامل از حقوق خود طبق معاهده منع اشاعه بهره مند شود. اگر پادمان ها یا بازرسی ها در این تاریخ ضروری باشند ما می توانیم مذاکرات درباره آنها را آغاز کنیم!»

اظهارات وزیر امور خارجه فرانسه را می توان نسخه مهربانانه سخنان اخیر ترامپ در تقابل با برجام دانست؛ دونالد ترامپ در حاشیه برگزاری مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک، با امانوئل ماکرون رئیس جمهور فرانسه در خصوص امکان مذاکره مجدد بر سر برجام دیدار و گفت و گو کرد.

در آن دیدار، ترامپ خواستار اعمال بازرسی از اماکن نظامی ایران، اعمال محدودیت های دائمی بر سر برنامه هسته ای ایران و گنجانیدن مسئله توان موشکی ایران در برجام شد. هم اکنون مقامات فرانسوی در سخنان به ظاهر آرام خود، عملاً دو خواسته از سه خواسته ترامپ را به عنوان موضوعی «کاملاً عادی» پذیرفته اند!

مقامات فرانسوی به گونه ای در خصوص امکان مذاکره بر سر تمدید محدودیت های زمانی پیش بینی شده در برجام - برای پس از سال ۲۰۲۵ - یا بازرسی های گسترده تر از ایران سخن به میان می آورند که گویا اساساً در این خصوص مذاکره ای صورت نگرفته و فرانسوی ها نیز در آن مذاکرات نقشی نداشته اند!

طبیعی جلوه دادن خواسته های جدید ایالات متحده آمریکا به عنوان مصادیق تغییر توافق هسته ای، تاکتیکی است که مقامات فرانسوی نیز به مانند مقامات انگلیسی و آلمانی آن را به کار گرفته اند.

نکته آنکه؛ در بین سالهای ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ میلادی، زمانی که مذاکرات هسته ای میان ایران و اعضای ۵+۱ در ژنو، لوزان و وین صورت می گرفت، لوران فابیوس وزیر خارجه فرانسه به عنوان شخصیتی جنجالی مورد توجه بسیاری از رسانه ها و تحلیلگران مسائل مربوط به برجام قرار گرفته بود.

او حتی یکبار مانع از امضای توافق موقت ژنو شد تا مواضع سرسختانه فرانسه در مذاکرات هسته ای را بر همگان اثبات کند. اکنون اما؛ فابیوس در راس دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی فرانسه حضور ندارد لکن جانشینان وی، ترجمان همان رویکرد گذشته، البته با چهره ای آرام و مهربان هستند.

آنچه مسلم است اینکه؛ دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان باید همچنان بر روی این موضع تاکید کند که اساساً امکان مذاکره مجدد بر سر هیچ یک از بندها و مفاد توافق هسته ای وجود ندارد و اعمال هر گونه تفسیری در برجام، چه در قالب الحاقیه، چه در قالب اصلاحیه و چه در قالب باز تفسیر بندهایی مانند بند ۴ ضمیمه اول توافق هسته ای، مترادف با خروج طرف مقابل از برجام محسوب می شود.

رمز گشایی از اظهارات جانسون و پاس گل لندن به کنگره آمریکا

حنیف غفاری



انگلیس در دوران ریاست جمهوری اوباما، از اصلی ترین همراهان کاخ سفید در وضع تحریم های هسته ای علیه ملت ایران بود. پس از امضای برجام نیز لندن به بازی مستقیم خود در زمین آمریکا ادامه داد. وزیر خارجه انگلیس در تازه ترین اظهارات خود، از برجام به عنوان معاهده ای ارزشمند یاد کرده است.

بوریس جانسون در گفت و گو با نشریه

دیلی تلگراف تاکید کرده است: «آمریکایی ها هنوز بخشی از برجام هستند، تعلیق تحریم ها ادامه یافته و این مساله مهمی است. اکنون این احتمال وجود دارد که کنگره برجام را پاره کند؛ اما من بایستی این نکته را مشخص کنم که بعید است چنین اتفاقی رخ دهد چون ما تلاش خواهیم کرد تا دوستان و هم پیمانانمان را در کنگره متقاعد سازیم که برجام، معاهده ای ارزشمند است. بسیاری از نمایندگان کنگره تمایل دارند که برجام را اصلاح کنند، نه آنکه از میان بردارند.»

در خصوص اظهارات وزیر خارجه انگلیس نکاتی وجود دارد که نباید به راحتی از کنار آنها گذشت. مهم ترین نکته اینکه؛ بوریس جانسون در حالی از برجام به عنوان توافقنامه ای ارزشمند یاد می کند که در ژانویه امسال، در حالی که حدود دو هفته از حضور ترامپ در کاخ سفید گذشته بود، ترزا می، نخست وزیر انگلیس از توافق هسته ای به عنوان توافقی «بحث برانگیز» یاد کرده بود!

هم اکنون مقامات انگلیسی باید این موضوع را برای مخاطبان ایرانی و بین المللی خود توضیح دهند که توافق هسته ای بالاخره بحث برانگیز است یا ارزشمند؟ البته این گفتار دوگانه، نشات گرفته از ذات سیاستمداران انگلیسی است که اساساً صداقت و شفافیت در آن جایی ندارد.

نکته بعدی اینکه؛ بوریس جانسون در بخش دیگری از اظهارات خود - که نباید از سوی دستگاه دیپلماسی کشورمان نادیده انگاشته شود - عملاً به کنگره ایالات متحده آمریکا در خصوص اصلاح یا تغییر برجام چراغ سبز نشان داده است.

وی عملاً در دوگانه «خروج از برجام» یا «اصلاح برجام» گزینه دوم را انتخاب کرده و انتخاب آن از سوی کنگره آمریکا را نیز طبیعی جلوه می دهد، این در حالی است که میان اصلاح توافق هسته ای و ابطال آن یا خروج آمریکا از برجام اساساً تفاوتی وجود ندارد.

لازم به ذکر است که انگلیس در دوران ریاست جمهوری اوباما، از اصلی ترین همراهان کاخ سفید در وضع تحریم های هسته ای علیه ملت ایران بود. پس از امضای برجام نیز لندن به بازی مستقیم خود در زمین ایالات متحده آمریکا ادامه داد.

طی دو سال اخیر، بارها مقامات انگلیسی حمایت کلی خود را از توافق هسته ای اعلام کرده اند اما در عمل، همگام با ایالات متحده آمریکا به بدعهدی در قبال تهران ادامه داده اند. به عنوان مثال، در آوریل امسال، وزارت خارجه انگلیس در بیانیه ای جنجالی و به تاسی از مقامات آمریکایی، از ایران به عنوان مکانی چالش برانگیز برای معاملات تجاری یاد کرد!

اکنون نیز، بوریس جانسون ماموریت دارد با عادی جلوه دادن موضوع «اصلاح توافق هسته ای»، خدمت دیگری به مقامات دولت ترامپ در مواجهه با توافق هسته ای صورت دهد.

وزیر خارجه انگلیس به مانند ترامپ سعی دارد عدم خروج مستقیم و صریح آمریکا از برجام را به عنوان یک دستاورد بزرگ تلقی کرده و در مقابل، مذاکره مجدد بر سر توافق هسته ای را مسئله ای عادی جلوه دهد.

پس از آن نیز جانسون به همراه مقامات آمریکایی سعی خواهد کرد مخالفت ایران با مذاکره مجدد بر سر توافق هسته ای را تحت عنوان یک «مخالفت غیر عادی» قلمداد کند!

بدیهی است که در چنین شرایطی دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان باید مراقب بازی انگلیس در قبال توافق هسته ای باشد. بدون شک در روزهای آتی و خصوصاً در آستانه اعلام نظر کنگره آمریکا، این بازی از سوی مقامات انگلیسی پیچیده تر خواهد شد.

معاون جمهوری خلق ترکیه در گفتگو با مهر:

همکاری ایران و ترکیه می تواند منجر به ثبات و امنیت در منطقه شود



پیمان یزدانی

می شود. این دیپلمات ترک افزود: همکاری ترکیه و ایران باید نتایج مثبت و سازنده داشته باشد، و باید منجر به افزایش امنیت، ثبات و رفاه در منطقه شود و باید صلح آمیز باشد. وی افزود: این واضح است که کردستان عراق یک فراندوم غیر قانونی برگزار کرد و راه را برای بی ثبات کردن شدید عراق و منطقه باز کرد. ترکیه و ایران باید مسیر تسهیل مذاکرات، گفتگو و مصالحه را انتخاب کنند. آنها همواره می توانند این کار را انجام دهند و تمام جهان نیز به استثناء چند کشور قدر دان خواهند بود. لوغ اغلو یادآور شد: نکته دیگر در مورد سفر اردوغان از پذیرش مشتاقانه وی در تهران است. فراتر از اهمیت دو جانبه این دیدار، حضور وی نیز با کشمکش های سیاسی بین المللی مرتبط است. ایران به طور طبیعی به دنبال دوستی با ترکیه است در حالی که واشنگتن علیه تهران شیطنت می کند و همچنین روابط ترکیه با آمریکا در حال کم شدن است. روسیه به تهران و آنکارا چشم طمع دارد. همه اینها از منظر سیاست جهانی، فضا و نتایج دیدارها را شرح می دهد. وی در پایان گفت: بدون شک، سفر رئیس جمهور ترکیه به تهران، یک موفقیت اقتصادی و تجاری بزرگ بود. چند توافق نامه برای تقویت روابط اقتصادی با هدف افزایش حجم معاملات دوجانبه به بالاترین سطح امضا شد. روابط تجاری و اقتصادی استوار و قوی همواره پایه و اساس روابط میان دو کشور بوده و عامل اصلی حفظ رابطه آنها است. بنابراین روابط اقتصادی بهبود یافته به خوبی برای آینده همکاری ترکیه و ایران امیدوار کننده است. من امیدوارم که رهبران هر دو طرف انتخاب هایی داشته باشند که منجر به تقویت صلح، امنیت و ثبات در منطقه و حل اختلافات منطقه ای بدون توسل به سلاح و بدون مداخله نیروهای خارجی شود.

به شیعه و سنی تقسیم می کند، کم رنگ تر شده است. لوغ اغلو ادامه داد که با این حال طی چندین سال اخیر ما شاهد اتهامات شدید از طرف آنکارا و تهران در خصوص اهداف و سیاست های آنها در خاورمیانه و خلیج فارس بوده ایم. با این وجود، مکانیسم های موجود در رابطه بین این دو همسایه مسائل را کنترل می کند. چرا که هر دو کشور برای یکدیگر احترام قائل هستند و به فرهنگ و دیپلماسی یکدیگر احترام می گذارند. وی افزود: بنابراین سهام های بین دو کشور بر پایه هایی استوار قرار دارند. اما رقابت و جهت گیری های منطقه ای آنها منجر به روابطی است که صمیمانه و حساب شده است، اما به ندرت خودمانی و قابل اعتماد است. این الگو قرن ها با حفظ صلح و مرزها کاربرد داشته است. من فکر می کنم کارکردگرایی برجسته این رابطه، چیزی است که دانشجویان روابط بین الملل باید آن را مطالعه کنند. لوغ اغلو تصریح کرد: این ساختار منحصر به فرد از رابطه آنها به این ترتیب اجازه می دهد که ترکیه و ایران در زمینه مسائل مربوط به نگرانی های دوطرفه گرد هم آیند، حتی اگر بیشتر به مسائل تاکتیکی محدود شوند، که منجر به ایجاد اتحاد موقت در موضوعات خاص می شود. در عین حال، منافع استراتژیک بلندمدت آنها در حال جدا شدن از یکدیگر هستند. وی در ادامه گفت: همکاری کنونی آنها در سوریه یک مورد است و این دو گانگی را به خوبی نشان می دهد. آنها نیروهای خود را برای شکست دادن داعش متحد می کنند و با هم در مناطق کاهش تنش همکاری می کنند اما چشم انداز های مختلفی در مورد آینده سوریه دارند. همانطور که ممکن است، تا زمانی که کارهای آنکارا و تهران با هم نتایج مثبتی برای آنها و برای منطقه ایجاد کند، زیاد مهم نیست که آیا دستاوردها تاکتیکی است یا استراتژیک. اما اینجا جایی است که مسئله دوم مطرح

معاون حزب جمهوری خلق ترکیه معتقد است که همکاری های دو جانبه ایران و ترکیه باید باعث ایجاد ثبات و امنیت در منطقه خاورمیانه شود. «عثمان فاروغ لوغ اوغلو» معاون حزب جمهوری خلق ترکیه در گفتگو با خبرنگار مهر در خصوص روابط ایران و ترکیه گفت: موج جدیدی از دیدارها میان مقامات آنکارا و تهران پس از تحولات سوریه و به ویژه فراندوم کردستان در عراق به وجود آمده است. وی افزود: ایران و ترکیه به عنوان دو قدرت منطقه ای مدت طولانی در حال کار بر روی ایجاد مناطق کاهش تنش در سوریه بوده اند. با این حال، با ظهور فراندوم کردستان، که توسط ترکیه و ایران به عنوان ضربه ای برای ثبات منطقه تلقی می شود، این دو کشور همکاری خود را تشدید کرده اند. وی یادآور شد: دیدار «رجب طیب اردوغان» رئیس جمهور ترکیه در تهران به منظور تأیید عزم متحد طرفین برای مقابله با چالش اقلیم کردستان با تهدید به اقدامات سخت گیرانه علیه این منطقه صورت گرفت. سفیر پیشین ترکیه در آمریکا در ادامه گفت: شکی نیست که همکاری میان ترکیه و ایران امر مثبتی است. اتخاذ تدابیر مشترک توسط کشورهای منطقه، یک روش موثر است و مطمئناً باید بر مداخله قدرت های خارجی ترجیح داده شود. عضو حزب جمهوری خلق ترکیه گفت: اما دو مسئله مهم وجود دارد. یکی از آن ها رقابت طولانی مدت و تاریخی بین ترکیه و ایران است. این رقابت ادامه دارد و در جهت نفوذ بیشتر در خاورمیانه است. در ۱۵ سال گذشته، که ترکیه تحت حکومت حزب عدالت و توسعه بوده است، این رقابت با ترکیه بر فرقه گرایی، که اسلام را



آمریکا

آیا آمریکا به کره شمالی حمله می کند؟ نقش روسیه در شبه جزیره کره

وحید پور تهرانی



بر اساس نظریه های بازدارندگی هسته ای و منافع قدرتهای بزرگی چون روسیه و چین، حمله نظامی آمریکا به کره شمالی و سقوط پیونگ یانگ منتفی خواهد بود.

بدون شک بحران هسته ای و موشکی به وجود آمده میان کره شمالی و کشورهای غربی به خصوص آمریکا طی ماه های اخیر به یکی از چالش برانگیزترین موضوعات مطرح شده در مناسبات بین الملل بدل شده است.

صرف نظر از تمامی حواشی ایجاد شده پیرامون چالش کره شمالی سوالاتی در این خصوص برای هر ذهن آگاهی در سرتاسر جهان مطرح می شوند که عبارتند از: با احتساب تمامی تحریم ها و لفاظی های مقام های آمریکایی به ویژه دونالد ترامپ علیه کره شمالی و تهدید پیونگ یانگ به حمله نظامی، آیا ایالات متحده در عمل به کره شمالی حمله نظامی خواهد کرد یا خیر؟ سرنوشت نهایی کره شمالی و تکلیف این کشور با آمریکا چه خواهد شد؟ نقش روسیه و چین در میان تنش های ایجاد شده اخیر چیست؟ آیا مسکو و پکن واقعا خواستار برچیده شدن تاسیسات هسته ای کره شمالی هستند؟

در ادامه سعی خواهیم کرد به سوالات مطرح شده پاسخی اجمالی دهیم:

۱. آیا آمریکا در نهایت به کره شمالی حمله نظامی خواهد کرد؟

پاسخ به این سوال به احتمال زیاد پاسخ به بزرگترین شبهه بین المللی در خصوص مساله کره شمالی و تسلیحات هسته ای این کشور خواهد بود. سوال اینجاست که با وجود تمامی تهدیدات مطرح شده واشنگتن علیه پیونگ یانگ چرا باز هم کره شمالی نه تنها از مواضع خود کوتاه نیامده، بلکه هر روز نیز صدای خود را در برابر غرب بالاتر می برد؟ یکی از نظریه های مطرح شده توسط رئالیست های کلاسیک که در حقیقت از دهه ۷۰ میلادی مطرح شد بازدارندگی است. بر اساس اسناد تاریخی، نخستین نظریه پرداز بازدارندگی «برنارد پرودی» بود که در سال ۱۹۵۹ این نظریه را به شکلی نیمه منسجم مطرح کرد که پس از وی نظریه پردازانی همچون «توماس شلینگ» (۱۹۶۶) و «هنری کیسینجر» به تکمیل بنیان های آن پرداختند. در حقیقت نظریه بازدارندگی پایه گذار مسلح شدن قدرت های بزرگ به تسلیحات هسته ای در دوران جنگ سرد به حساب می آید.

بر اساس این نظریه مسلح شدن قدرت های هسته ای به تسلیحاتی از این جنس، دست دیگر قدرتهای متخاصم در حمله نظامی به آنها را می بندد. یکی از دلایل رخداد این امر نیز قدرت تخریب بیش از حد و غیرقابل پیش بینی موشک های بالستیک هسته ای (ICBM) در تخریب مواضع کشورهای مورد هدف است. لذا بر اساس نظریه بازدارندگی هسته ای، هیچ یک از قدرتهای هسته ای به یکدیگر حمله نخواهند کرد. البته نظریه پردازان این تئوری، بعدها در دوران پس از جنگ سرد به خصوص از دهه ۲۰۰۰

میلادی به این سو از رای خود بازگشته و وجود این نوع تسلیحات در دست قدرتهای بزرگ را زمینه ساز ایجاد بی ثباتی و افزایش تهدید در محیط نظام بین الملل معرفی کردند و همین امر منجر به تمدید معاهدات خلع سلاح هسته ای مانند استارت (START) و سالت (SALT) میان آمریکا و روسیه شد.

لذا بر اساس مبانی این نظریه، آمریکا قادر به حمله نظامی به کره شمالی نخواهد بود. چراکه با انجام چنین حمله ای بدون شک پیونگ یانگ و متحدین کره شمالی نیز در صدد انجام حمله تلافی جویانه علیه آمریکا خواهند آمد.

در تایید این مدعا، سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه نیز در مصاحبه خود به تاریخ دوم مهر ماه سال جاری گفت: لاوروف در سخنانی در این زمینه اعلام کرد: آمریکا علیه کره شمالی اقدام نظامی انجام نخواهد داد و به این کشور حمله نخواهد کرد. لاوروف در بیان علت گفته خود تأکید کرد: از آنجایی که آمریکایی ها از برخورداری پیونگ یانگ از تسلیحات هسته ای مطمئن هستند، علیه آنها اقدام نظامی نمی کنند.

۲. نقش روسیه و چین در میان چالش کره شمالی با غرب چیست؟

همانطور که می دانیم روسیه و چین از زمان شدت گرفتن تنش ها میان پیونگ یانگ و غرب و البته شرکای آمریکا در شرق مانند ژاپن و کره جنوبی، مسکو و پکن همواره دو طرف را به انجام گفتگو با یکدیگر و پرهیز از هرگونه درگیری نظامی با یکدیگر دعوت کرده اند.

مسلمانا نه مسکو و نه پکن، هیچ یک خواهان خلع سلاح هسته ای کره شمالی و یا سقوط پیونگ یانگ به دست متحدین آمریکا نیستند. با نگاهی به وضعیت ژئوپولیتیکی منطقه، شبه جزیره کره در شرق چین و جنوب شرق روسیه واقع شده است. از طرف دیگر نیز این شبه جزیره از سمت راست به آبهای دریای ژاپن منتهی شده و با امتداد بخش جنوبی این شبه جزیره به آبهای مورد مناقشه دریای جنوبی چین خواهیم رسید.

با این حساب در صورت سقوط پیونگ یانگ منافع

با توجه با مطالب ذکر شده در بالا به این نتیجه می رسیم که ایالات متحده همانطور که وزیر خارجه روسیه نیز اشاره کرد، به دلیل آگاهی از وجود تسلیحات هسته ای در کره شمالی و بنابر اصل بازدارندگی هسته ای، هیچگاه به این کشور حمله نظامی نخواهد کرد.

ثانیا در خصوص حمایت روسیه و چین از کره شمالی به نظر می رسد مسکو و پکن از حمایت خود دست نخواهند برداشت و در تصویب قطعنامه های شورای امنیت علیه کره شمالی نیز مانند همیشه سنگ اندازی خواهند کرد و یا واشنگتن می بایست امتیازی به ارزش رها کردن پینگ یانگ به چین و روسیه وعده دهد تا این دو کشور دست از حمایت های خود از پیونگ یانگ بردارند که البته با توجه به شرایط و وزن کشی های منطقه نیز به نظر نمی رسد گزینه ای به این ارزش برای پیشنهاد از سوی ایالات متحده وجود داشته باشد.

گفتگو با مشاور سابق وزارت خارجه آمریکا:

زمان برکناری ترامپ فرا رسیده / ترامپ «تیلرسون» را خلع سلاح کرد



عبدالمحمید بیاتی

مشاور سابق وزارت خارجه آمریکا با اشاره به تداوم اقدامات «سبک سرانه» ترامپ بر لزوم قطع حمایت جمهوریخواهان از وی تاکید و رجوع به اصلاحیه ۲۵ از فصل ۴ قانون اساسی ایالات متحده را خواستار شد. اقدامات «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا علیه منافع ملی این کشور همچنان ادامه دارد. وی در جدیدترین اقدام خود با انتشار ۲ پیام در توئیتر اقدامات «رکس تیلرسون» وزیر امور خارجه خود را که سعی در آرام کردن فضای تنش آلود میان واشنگتن و پیونگ یانگ را داشت خنثی کرده و اعلام داشت که اقدامات تیلرسون برای مذاکره با کره شمالی ائتلاف وقت است و بهتر است وی انرژی خود را بیهوده هدر ندهد.

این اقدام ترامپ در حالی انجام شد که اقدامات و اظهارات تحریک آمیز وی علیه کره شمالی و فعالیت های هسته ای و موشکی پیونگ یانگ موجب شده تا احتمال بروز جنگ میان این ۲ کشور افزایش بیابد. علاوه بر این موضوع اقدامات ترامپ در قبال ایران نیز موجب بروز نگرانی در جامعه جهانی در خصوص وضعیت برجام شده است در همین رابطه برای تحلیل بهتر رفتار ترامپ خبرنگار مهر گفتگویی با پروفیسور «دانیل سرور» مشاور سابق وزارت خارجه آمریکا داشته که در ادامه می آید.

سرور از معروف ترین کارشناسان حاضر در مبحث مدیریت جنگ و از کارشناسان ارشد موسسه «روابط دو سوی آتلانتیک» و از اساتید دانشگاه «جان هاپکینز» است که سابقه فعالیت گسترده در مورد جنگ های عراق، افغانستان و بالکان را دارد و از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ به عنوان نماینده ویژه آمریکا در امر میانجیگری میان مسلمانان و کروات های یوگسلاوی فعالیت کرده است.

پروفیسور دانیل سرور در خصوص توثیتهای ترامپ که به نوعی «رکس تیلرسون» را در خصوص کره شمالی خلع سلاح کرد به خبرنگار مهر گفت: ترامپ با پیام هایی که منتشر کرد به نوعی فرش را از زیر پای تیلرسون و تلاش های وی برای مذاکره با کره شمالی کشید.

وی افزود: هر کسی که در قدرت شبکه های اجتماعی تردید دارد باید به این مثال توجه کند. هرگز هیچ یک از وزرای خارجه آمریکا به این سرعت و با کلمات اندک خلع سلاح نشده بودند.

سرور در ادامه گفت: برخی معتقدند که تیلرسون اقدام درستی را انجام داده و بهتر است همراه با «جیمز ماتیس» وزیر دفاع و «مک مستر» مشاور امنیت ملی آمریکا به عنوان یک خاکریز در برابر ترامپ به کار خود ادامه بدهد. اما این خاکریز فرو ریخته و هیچ رهبر خارجی اعتمادی به حرف های تیلرسون نخواهد داشت.

وی یادآور شد: هم اکنون «کیم جونگ اون» رهبر کره شمالی، برای انتقاد از آمریکا دلیل دارد. ترامپ پیشتر تهدید به استفاده از «آتش و خشم» در برابر کره شمالی کرده و اکنون کیم این تائیدیه را از ترامپ گرفته که مذاکره بی فایده است. بنابراین کره شمالی باید سریعتر توانایی های هسته ای خود را افزایش دهد تا از حمله آمریکا جلوگیری کند. گزینه های کره شمالی برای بقا به تهدید جنگ اتمی خلاصه شده است.

کارشناس ارشد موسسه «روابط دو سوی آتلانتیک» در ادامه افزود: در این میان تنها دلیل واقعی برای آنکه تیلرسون همچنان در سمت وزارت خارجه آمریکا بماند آن است که به «مایک پنس» معاون رئیس جمهور آمریکا ملحق شده و تلاش ها برای استفاده از اصلاحیه ۲۵ از فصل چهارم قانون اساسی آمریکا را افزایش بدهد.

وی تصریح کرد: بر اساس این اصلاحیه هرگاه معاون رئیس جمهور و اکثریتی از کارکنان اصلی ادارات اجرایی و یا اعضای کنگره و همچنین سنا و رئیس مجلس نمایندگان آمریکا تشخیص دهند که رئیس جمهور قادر به انجام کارهای خود نیست، معاون رئیس جمهور می تواند به عنوان رئیس جمهور موقت امور را بدست بگیرد.

سرور در ادامه گفت: بر اساس اطلاعات من هیچ تلاشی از سوی معاون رئیس جمهور در این خصوص (سلب قدرت از رئیس جمهور) که در بهترین حالت اقدامی پرخطر و در بدترین حالت خودکشی است، انجام نشده است. اما اگر جمهوریخواهان به حمایت های خود از اقدامات سبک مغزانه ترامپ ادامه بدهند، خیلی زود خود را در جنگ با کره شمالی خواهیم دید که منجر به جنگ هسته ای می شود. ما (آمریکا) در این جنگ پیروز می شویم البته بعد از بجا گذاشتن تبعات سنگین برای کره جنوبی، ژاپن و نظامیان آمریکایی حاضر در منطقه!

مشاور سابق وزارت خارجه آمریکا یادآور شد: زمان متوقف کردن رئیس جمهور و سلب قدرت از وی اکنون است. برخی ممکن است بگویند که پنس از ترامپ بدتر است زیرا وی محافظه کارتر از ترامپ است. اما پنس به قانون اساسی آمریکا و ارزش های کشور احترام می گذارد در حالیکه ترامپ اینگونه نیست.

وی در پایان گفت: پنس کارهایی را انجام خواهد داد که من شخصا آنها را دوست ندارم از جمله بی اثر کردن قانون «اوباما کار» و اصلاحات نرخ مالیات. اما با این وجود وی در مورد کره شمالی، ایران و دیگر چالش های بزرگ آمریکا عاقلانه تر برخورد می کند. تیلرسون هنوز می تواند ارزش خود را با بی اثر کردن اقدامات خنثی کننده خود ثابت کند.

در گفتگو با مهر مطرح شد؛

دودستگی اعضای کنگره آمریکا در قبال برجام / تشریح سناریوهای احتمالی

رامین حسین آبادیان



«مراد عنادی» تحلیلگر سیاسی با تشریح سناریوهای احتمالی آتی آمریکا برای برجام، گفت: هم‌اکنون دودستگی بزرگی میان اعضای کنگره در قبال توافق هسته ای ایران وجود دارد.

دولت ایالات متحده آمریکا در حال حاضر تلاش می کند برجام را مغایر با منافع ملی خود نشان دهد. با این حال انتظار نمی رود ترامپ فراتر از این برود. در عوض وی به کنگره فشار می آورد تا با توسل به ابزار تحریم، ایران و اروپا را به رفع نواقصی وادار کند که به زعم وی در برجام وجود دارد! در همین ارتباط، «آسوشیتد پرس» در گزارشی به گمانه زنی درباره زمان دقیق اعلام راهبرد نهایی دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا درباره ایران پرداخته است. این رسانه از یک سو با استناد به اظهارات ترامپ که گفته بود «خیلی زود» موضع خود را اعلام می کند و از سوی دیگر با توجه به اینکه در برنامه ای که کاخ سفید برای امروز پنجشنبه ارائه داده، جایی برای سخنرانی ترامپ در نظر گرفته نشده است، احتمال داد اعلام تصمیم نهایی ترامپ به جمعه موکول شده باشد.

از سوی دیگر، تصمیم احتمالی ترامپ برای خروج از برجام و انکس سران کشورهای اروپایی را نیز به دنبال داشته است. در همین راستا، «فدریکا موری» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در مصاحبه با «پی بی اس» گفت: خروج احتمالی دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا از برجام، ممکن است دیگر کشورها را برای مذاکره با واشنگتن دچار تردید کند. وی افزود: پیامی که آمریکا با خروج از برجام به سایر جهان ارسال می کند این است که واشنگتن از این پس قابل اعتماد نخواهد بود. در همین ارتباط، خبرنگار مهر گفتگویی را با دکتر «مراد عنادی» کارشناس سیاسی و تحلیلگر مسائل استراتژیک انجام داده است که مشروح آن از نظر می گذرد:

|| برخی منابع خبری غربی اعلام کرده اند «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا عدم پایبندی ایران به برجام را اعلام خواهد کرد و عملاً برجام را نقض خواهد کرد. نظر شما در این خصوص چیست؟

بدون شک اقدام احتمالی ترامپ برای عدم تأیید پایبندی ایران به برجام، نقض آشکار این توافق محسوب می شود. در واقع، این اقدام به مثابه نادیده گرفتن توافقی است که توسط کشورهای ۵+۱ به امضاء رسیده و سپس در شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز تأیید شده است. «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا به دنبال آن است تا تصویر جدیدی را از خود به نمایش بگذارد. ترامپ تلاش می کند تا اینگونه القاء کند که سیاست های او بیش از اوپاما، تأمین کننده منافع ایالات متحده است. به همین دلیل است که وی قصد دارد میراث اوپاما (توافق هسته ای) را کنار بزند. اینکه ترامپ در نهایت موفق به تحقق و یا عدم تحقق هدف خود شود، به اقدامات آینده جمهوری اسلامی ایران، بستگی دارد.

|| تبعات و پیامدهای نقض احتمالی برجام

از سوی دولت ایالات متحده آمریکا برای واشنگتن چه خواهد بود؟ آیا این اقدام، آبروی آمریکایی ها را نخواهد برد و موجب افزایش بی اعتمادی در سطح جهان به واشنگتن خواهد شد؟

موضوع کاملاً واضح است. اژانس بین المللی انرژی اتمی بارها بر پایبندی جمهوری اسلامی ایران به مفاد توافق هسته ای صحنه گذاشته است. در همین حال، «فدریکا موری» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا صراحتاً پایبندی ایران به برجام را تأیید کرده است. از سوی دیگر، کشورهایی نظیر روسیه و چین نیز بارها بر پایبندی ایران به برجام تأکید کرده اند. جنبش عدم تعهد نیز مشابه همین مواضع را تاکنون اتخاذ کرده است.

لذا کاملاً واضح است که یک اجماع جهانی پیرامون پایبندی ایران به تعهداتش در برجام، شکل گرفته است. حتی در خود آمریکا نیز نخبگان آمریکایی معتقدند ایران به تمامی تعهدات خود در توافق هسته ای عمل کرده است. در این میان، تنها شخصی مانند «جان بولتون» نماینده سابق ایالات متحده در سازمان ملل است که مواضع ترامپ را تکرار می کند. البته سوابق وی که از جمله نؤمحافظة کارهای آمریکایی محسوب می شود، کاملاً مشخص است.

بنابراین، وقتی مجموعه تمامی این افراد را در مقابل یکدیگر قرار می دهیم، به خوبی درمیابیم که در یک طرف، دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی، جان بولتون، سفیر سابق واشنگتن در سازمان ملل و تام کاتن، سناتور آمریکایی قرار می گیرند و در طرف دیگر، جامعه جهانی قرار دارد. واقعیت این است که آمریکا در حال حاضر خلاف قوانین و مقررات بین الملل و تعهداتش عمل می کند. این نشانه بارز و شاخصی از بدعهدی های ایالات متحده به شمار می رود.

این اوج بدعهدی آمریکا به تعهدات بین المللی اش است؛ کما اینکه رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز بارها بر لزوم

عدم اعتماد به واشنگتن تأکید کردند و فرمودند که نباید چهره آمریکا را بزرگ کرد. نکته آخر هم به شخصیت خود ترامپ باز می گردد که اساساً به ایجاد تنش در آمریکا عادت کرده است.

|| اگر ترامپ برجام را نقض کند در این صورت برای بازگشت تحریمهای هسته ای ایران، کنگره آمریکا باید رای گیری کند. آیا کنگره چنین تصمیمی خواهد گرفت؟

در حال حاضر، در خود کنگره نیز در خصوص این مسأله اختلافاتی وجود دارد. «باب کورکر» رئیس کمیته روابط خارجی سنای ایالات متحده آمریکا بارها اعلام کرده است سیاست هایی که ترامپ دنبال می کند بر خلاف منافع آمریکاست. حتی برخی از سناتورهای آمریکایی دیگر که از همان ابتدا به جد مخالف انعقاد توافق هسته ای با ایران بودند، اکنون در زمره مدافعان آن قرار گرفتند و معتقدند که اقدام احتمالی ترامپ علیه این توافق به منافع آمریکا آسیب می رساند. لذا اختلافات جدی میان سناتورهای آمریکایی در خصوص برجام وجود دارد.

در هر صورت، اعلام احتمالی عدم پایبندی ایران به برجام از سوی ترامپ، عملاً به معنای خروج آمریکا از توافق هسته ای است. اگر هم ترامپ پایبندی ایران را تأیید و بررسی آن را به کنگره محول کند، در اینجا سناریوهای مختلفی به وجود می آید. فارغ از وجود دودستگی هایی که در کنگره وجود دارد، احتمال دارد کنگره به سمت اعمال فشار بیشتر بر ایران و آماده کردن فضا برای مذاکرات دیگری، پیش برود.

بنابراین، در صورت تحقق این سناریو، فرانسه نیز به عنوان ناچی وارد می شود و اینگونه وانمود می کند که به دنبال حل و فصل مشکلات به وجود آمده است و می خواهد نگرانی های آمریکا را رفع کند. بنابراین سخن از مذاکرات در خصوص مسائل منطقه ای و موشکی ایران را به میان می کشد. اینها سناریوی جدیدی است که ممکن است ترامپ و اتاق فکر او برای ایران تدارک دیده باشند.

|| برخی افراد مانند Richard Goldberg معتقد هستند اگر ترامپ برجام را نقض کند در این صورت اروپایی ها او را در خصوص تحریم مجدد هسته ای ایران همراهی خواهند کرد. نظر شما در این خصوص چیست؟

متأسفانه تاریخ ثابت کرده که در روابط بین الملل چیزی به اسم اخلاق و التزام به منشور سازمان ملل متحد وجود ندارد. در ۷۰ ساله که سازمان ملل تلاش کرده کشورهای مختلف را به قوانین بین المللی پایبند نگاه دارد، این اتفاق نیفتاده است. بزرگترین ناقضین مقررات بین المللی، قدرت های بزرگ هستند. امروز، اصل حاکم بر روابط بین الملل، اصل «بده و بستان» است. کشورها به منافع خود نگاه می کنند. بنابراین این احتمال وجود دارد که اگر شرایط به گونه ای متفاوت رقم بخورد، اروپایی ها وضعیت را بسنجند و در صف آمریکا و در مقابل ایران، قرار گیرند.

امروز حجم مبادلات اروپا و آمریکا ۱۱۰۰ میلیارد یورو برآورد می شود. این حجم مبادله قابل مقایسه با مبادلات اروپا با ایران که حدود ۱۵ میلیارد یورو برآورد می شود، نیست. لذا در اینجا این منافع اروپایی هاست که حکم می کند به چه سمت و سویی حرکت کنند. رفتارهای اروپایی نیز طی چهار دهه ای که از پیروزی انقلاب اسلامی سپری می شود، نشان می دهد که آنها و آمریکایی ها از یک قماش هستند. در برخی موارد، اروپایی ها و آمریکایی ها برای تحقق

منافع خود، تقسیم کار هم می کنند. نتایج اقدامات احتمالی اروپا و آمریکا بستگی به میزان ایستادگی و مقاومت ایران دارد. هرچقدر که ایران ایستادگی و مقاومت بیشتری از خود داشته باشد، طبیعتاً میزان چانه زنی ما در برابر طرف مقابل، بیشتر خواهد شد. طرف مقابل در این صورت، در خواهد یافت که ایران یک طرف سرسخت و نفوذناپذیر است و به همین دلیل، چاره جز عقب نشینی نمی بیند. به حمایت کنونی اروپا از ایران نمی توان زیاد تکیه کرد.

|| اینگونه به نظر می رسد که ترامپ قصد دارد در راهبرد جامع ضد ایرانی خود سپاه پاسداران را در لیست سیاه قرار دهد. هدف از این اقدام چیست و چه پیامدهایی دارد؟

طرح جامع اقدامات ضد ایرانی آمریکا مدتهاست که توسط مثلثی در ایالات متحده دنبال می شود. سه ضلع این مثلث را «مک مستر» مشاور امنیت ملی، «جیمز ماتیس» وزیر دفاع و «رکس تیلرسون» وزیر خارجه، تشکیل می دهند. خروجی اتاق فکر آمریکایی که این سه مثلث اجزاء اصلی آن را تشکیل می دهند، طرح جامع مقابله با ایران است. این طرح جامع، بخش های مختلفی دارد که سیاست های جمهوری اسلامی در منطقه را هدف قرار می دهد.

مسأله قرار دادن نام سپاه پاسداران در لیست گروه های تروریستی قبلاً نیز مطرح بوده که آمریکایی ها از آن صرف

نظر کردند. اکنون بار دیگر این پروژه را کلید زده اند. بخش مهمی از این اقدام به لابی صهیونیستی در آمریکا باز می گردد. آمریکایی به خوبی می دانند که در سال های اخیر در رویارویی با محور مقاومت در منطقه شکست های سختی را متحمل شده اند. محور اصلی فرهنگ مقاومت در منطقه نیز سپاه پاسداران محسوب می شود.

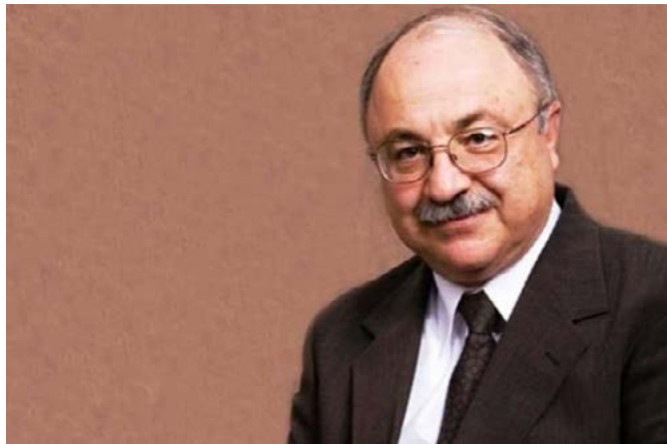
برآیند اقدامات منطقه ای سپاه پاسداران در شکست آمریکایی هایی ها و متحدان آنها در سوریه، یمن، عراق و دیگر کشورها تجلی یافته است. اکنون آنها به دنبال تخریب چهره سپاه پاسداران است. در هر صورت، اقدام احتمالی آمریکا، در قرار دادن نام سپاه در لیست گروه های تروریستی به شدت به زبان این کشور خواهد بود، چراکه امروز مانند گذشته نیست که رسانه ها کاملاً در اختیار قدرت های بزرگ باشد و افکار عمومی در تسخیرشان قرار گرفته باشند.

اکنون رسانه های بی طرف و مستقل زیادی تشکیل شده اند که نقش مهمی را در آگاهی بخشی به افکار عمومی منطقه و جهان ایفا کرده و می کنند. افکار عمومی امروز دیگر نتایج عملکرد آمریکا در افغانستان، پاکستان، یمن، سوریه و عراق و کشتار غیرنظامیان را به خوبی می بینند. در طرف مقابل، اقدامات ایران و سپاه پاسداران در منطقه نیز کاملاً عیان گشته است. زمانی که افکار عمومی در مقام مقایسه میان دو نقش ایران و آمریکا در کشورهای منطقه برمی آید، نظر مثبتی نسبت به سپاه پاسداران و دیدگاه منفی نسبت به آمریکا پیدا می کنند.

استاد دانشگاه آلاباما:

کنگره تحریمها باز می گرداند / برجام در کما است

جواد حیران نیا



رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آلابامای آمریکا معتقد است با مواضع دولت آمریکا در خصوص برجام این توافق در کما به سر می برد. دونالد ترامپ در سخنرانی امشب خود در قبال ایران بر مسائل موشکی ایران، تحریمهای سپاه و عدم دستیابی ایران به سلاحهایی که همسایگان این کشور را تهدید می کند تأکید کرد.

در گفتگو با پروفیسور «نادر انتصار» رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آلاباما آمریکا به بررسی این موضوعات پرداخته ایم که در ادامه می آید. *ترامپ در سخنرانی خود اگر برجام را لغو نکرد ولی توپ تحریمها را در زمین کنگره انداخت. نظر شما در این خصوص چیست؟

ترامپ در طول مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری و از زمان پیروزی، در محکوم کردن معاهده هسته ای ایران (برجام) را به عنوان چیزی که علیه منافع ملی ایالات متحده است بیان کرده است و لذا سخنان او چیز عجیبی نیست.

*اگر کنگره تحریمهای هسته ای را باز گرداند یعنی عملاً نقض برجام صورت گرفته است. با این حساب ترامپ مسئولیت نقض برجام را نیز متوجه کنگره خواهد کرد. آیا کنگره تحریمهای هسته ای را باز می گرداند؟

آنچه ترامپ انجام داده است ضربه زدن به کنگره ایالات متحده و به بدنه قانونی آمریکا است که مسئول انجام برجام است توجه به این واقعیت که اکثریت قریب به اتفاق تحریم هایبر علیه ایران توسط کنگره آمریکا تحمیل شده است، من اعتقاد دارم که کنگره این تحریم ها را تحمیل می کند. تحریم ها ممکن است در یک زبان نباشد که نشان دهنده خروج رسمی واشنگتن از برجام باشد، اما آنها تحریم هایی خواهند بود که در نهایت برجام را تبدیل به یک معاهده بی معنی در کاغذ خواهد کرد. به عبارت دیگر، برجام شبیه یک بیمار است که دچار سکنه مغزی شدید شده است، اما در یک حالت کما مصنوعی زنده نگه داشته شده است.

*در اروپا صدای واحدی در خصوص نقض برجام از سوی آمریکا شنیده نمی شود. اما نوتل

ماکرون رئیس جمهوری فرانسه چندی پیش اعلام کرد که باید چند بند به برجام اضافه شود و مسائل موشکی و حقوق بشری ایران نیز در قالب برجام آورده شود. این سخن تقریباً همان چیزی است که ترامپ می گوید. تصور می کنید اروپا با خواست آمریکا برای تجدیدنظر در خصوص برجام همراه خواهد شد؟

بله متأسفانه، موقعیت اروپا در برجام ضعیف شده است و رهبران مختلف آن از هر دو طرف سخن گفته اند. آنها می خواهند ایران در برجام باقی بماند و همچنان به مقررات آن ادامه دهد، در حالی که دیگران همچنان به نقض این توافقنامه ادامه می دهند. اروپا می خواهد کبک خود را داشته باشد و آن را بخورند. (سهم خود را از این معاهده داشته باشد) این یک بازی خطرناک است که اروپا بازی می کند.

*محمد جواد ظریف وزیر خارجه ایران اعلام کرده که برجام یا با حضور همه طرفهای معاهده است یا بدون هیچ کس. بر این اساس واکنش ایران به خروج آمریکا از برجام چیست؟

علاوه بر وزیر امور خارجه ظریف، تعدادی از مقامات دیگر ایران در هفته های اخیر چندین بار اظهار داشته اند که ایران برنامه هایی برای همه احتمالات دارد و تهران گزینه مناسبی را انتخاب کرده است بسته به آنچه ایالات متحده و سایر اعضای ۱+۵ تصمیم می گیرند من گزینه هایی که ایران در نظر گرفته است را نمی دانم، اما با نظر ظریف موافقم که بقاء برجام بستگی به پیروی همه طرفها در مقررات این توافق است. اگر یک طرف قرارداد از تعهداتش پیروی نکند، برجام باید نادیده گرفته شود.

کارشناسان بین‌المللی:

آثار خروج از برجام برای واشنگتن / بعید بودن احیای تحریم‌های ایران

جواد حیران‌نیا

ایران از تروریسم، نقض حقوق بشر، آزمایش‌های موشکی و موارد دیگر است؛ ناقض برجام است. امتناع از تأیید این توافق [هسته‌ای] تنها مستلزم آنست که کنگره بررسی کند آیا تحریم‌ها را مجدداً وضع می‌نماید یا خیر. از این رو، این مورد هم مورد نیاز است و هم اینکه قطعاً صورت می‌گیرد.

ترامپ ممکن است تصمیم بگیرد برای انجام مذاکرات پیرامون یک [توافق] جایگزین برای برجام یا یک توافق اضافی در رأس آن به ایران نزدیک شود، اما این احتمال همچنان در حاله‌ای از ابهام است.

پروفسور شیرین هانتر استاد دانشگاه جورج تاون آمریکا

رفتار ترامپ در قبال برجام به جهت گیری رابطه آمریکا و ایران بستگی خواهد داشت. وی گفته که حاضر به صحبت با هر کسی است که خواهان صحبت کردن با آمریکا باشد. اما بر اساس اظهارات وی تسامح کمتری در قبال برخی رفتارهای ایران نشان خواهد داد. این رویکرد در قبال تحریم‌ها هم صدق می‌کند. هرچند، تصمیم گیری در باره برخی از تحریم‌ها از قبیل آنهایی که تحت قانون تحریم‌های ایران-لیبی (ISLA) اعمال شده است، به کنگره بستگی دارد.

«داریل کیمبال» مدیر اجرایی انجمن تحقیقاتی کنترل سلاح آمریکا

به رغم اجرای مفاد برجام از سوی ایران هیچ شکی در این وجود ندارد که برجام به موجب اظهارات «ترامپ» تحت فشار سنگین قرار دارد. ترامپ معتقد است که انتقاد از برجام و تهدید برای عدم تأیید پایبندی ایران به برجام منافع سیاسی کوتاه مدت وی را تأمین می‌کند. برجام همچنین از سوی تندروها که بدنبال منافع داخلی خود هستند نیز تحت فشار است.

بر اساس قوانین آمریکا، رئیس جمهور ایالات متحده باید هر ۹۰ روز یکبار تأییدیه‌ای را در مورد برجام صادر کرده و به کنگره گزارش بدهد. تاریخ صدور این تأییدیه امروز

نومحافظه کاران آلوده واشنگتن، بسیار نگران کننده است. آنها سوریه را از دست دادند، بنابراین ممکن است به وسیله لغو معاهده هسته‌ای ایران را به چالش بکشند. من به شدت شک دارم که تصمیم ترامپ را ایران قبول کند و به رسمیت بشناسد؛ آنچه که همه دنیا می‌داند، و اجازه شرکت در آن را می‌دهد.

من انتظار دارم تحریم‌های غیر قانونی یک جانبه تحمیل شود. ترامپ ایران را تحریک می‌کند که در پاسخ به اقداماتش کاری نادرست انجام دهد که این اتفاق نخواهد افتاد. امیدوارم کشورهای دیگر ۱۴۵ همچنان از برجام JCPOA پشتیبانی کنند. برای اطمینان روسیه و چین، انگلیس و فرانسه یک علامت سوال هستند، اما حدس می‌زنم که آیا آنها نیز خواهند بود.

پروفسور «نادر انتصار» رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آلاباما جنوبی آمریکا

ترامپ نسبت به «برنامه جامع اقدام مشترک» -برجام- دیدگاهی بسیار منتقدانه داشت و هرازگاهی به قصد خود برای پاره کردن سند این توافق و انجام مذاکرات مجدد برای دستیابی به یک توافق جدید اشاره کرده بود. با توجه به سلطه جمهوریخواهان بر هر دو مجلس نمایندگان و سنات، ترامپ برای نادیده گرفتن برجام و حمایت از وضع تحریم‌های بیشتر علیه ایران فرصتی راحت و آسان در اختیار خواهد داشت.

«ریچارد نیفیو» عضو تیم مذاکرات هسته‌ای آمریکا و معمار شبکه تحریم‌های آمریکا علیه ایران

امتناع از تأیید اینکه این توافق (برجام) به نفع امنیت ملی آمریکاست، به خودی خود، تخلف از مفاد برجام به شمار نمی‌رود.

وضع مجدد تحریم‌هایی که تصور می‌شد به حالت تعلیق درآیند و یا منقضی شوند، ناقض برجام خواهد بود. به همین نحو، وضع تحریم‌های مشابه نیز حتی با این ادعا که هدف آنها تقویت روند مقابله با حمایت‌داعی

صاحب‌نظران بین‌المللی معتقدند تصمیم ترامپ برای خروج از برجام دارای آثار حقوقی و عرفی برای دولت امریکاست و احتمال کمی برای برقراری نظام مجدد تحریم‌ها علیه ایران وجود دارد.

دولت ایالات متحده آمریکا در حال حاضر تلاش می‌کند برجام را مغایر با منافع ملی خود نشان دهد. با این حال انتظار نمی‌رود ترامپ فراتر از این برود. در عوض وی به کنگره فشار می‌آورد تا با توسل به ابزار تحریم، ایران و اروپا را به رفع نواقصی وادار کند که به زعم وی در برجام وجود دارد! در همین ارتباط، «اسوشیتد پرس» در گزارشی به گمانه زنی درباره زمان دقیق اعلام راهبرد نهایی دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا درباره ایران پرداخته است. این رسانه از یک سو با استناد به اظهارات ترامپ که گفته بود «خیلی زود» موضع خود را اعلام می‌کند و از سوی دیگر با توجه به اینکه در برنامه‌ای که کاخ سفید برای امروز پنجشنبه ارائه داده، جایی برای سخنرانی ترامپ در نظر گرفته نشده است، احتمال داد اعلام تصمیم نهایی ترامپ به جمعه موکول شده باشد.

از سوی دیگر، تصمیم احتمالی ترامپ برای خروج از برجام واکنش سران کشورهای اروپایی را نیز به دنبال داشته است. در همین راستا، «فدریکا موگرنی» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در مصاحبه با «پی بی اس» گفت: خروج احتمالی دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا از برجام، ممکن است دیگر کشورها را برای مذاکره با واشنگتن دچار تردید کند. وی افزود: پیامی که آمریکا با خروج از برجام به سایر جهان ارسال می‌کند این است که واشنگتن از این پس قابل اعتماد نخواهد بود. در گفتگو با صاحب‌نظران و اندیشمندان بین‌المللی به بررسی آثار و تبعات خروج آمریکا از برجام پرداخته ایم که در ادامه می‌آید.

استفن لندنمن نظریه پرداز امریکایی

دشمنی غیر منطقی ترامپ نسبت به ایران، همراه با



۱۵ اکتبر است. اگر ترامپ این تأییدیه و پایبندی ایران به برجام را صادر نکند و یا آنکه دولت آمریکا دلیلی بیابد که به موجب آن بگوید ایران به مفاد برجام پایبند نبوده آنگاه کنگره ایالات متحده به موجب قانون INARA (قانون بازبینی توافق هسته ای ایران) که در سال ۲۰۱۵ تصویب شده می تواند تحریم های مرتبط با برنامه هسته ای ایران را مجدداً اعمال کند.

بر اساس قانون INARA، رئیس جمهور آمریکا باید موارد زیر را تأیید کند:

- ایران بطور کامل برجام را اجرا می کند؛

- ایران مفاد برجام را نقض نکرده است؛

- ایران هیچ اقدامی که مشخصاً می تواند موجب توسعه برنامه تسلیحات هسته ای شود انجام نداده است؛

- تعلیق تحریم ها اقدامی مناسب و موثر به موجب اقدامات انجام شده از سوی ایران بوده و به سود امنیت ملی آمریکاست.

تبعات نقض برجام برای آمریکا

«داریل کیمبال» مدیر اجرایی انجمن تحقیقاتی کنترل سلاح آمریکا

اعمال مجدد تحریم های هسته ای بدون وجود مدرکی

امروز، ایران - طبق اعلان آژانس بین المللی انرژی اتمی - در تطابق با توافقنامه پادمان منع اشاعه هسته ای و برجام عمل می کند. این شرایط امکان اقیانوس سایر کشورها به پیروی از آمریکا را بسیار دشوار می سازد.

پروفسور «محمود منشی پوری» استاد علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه کالیفرنیا برکلی و استاد دانشگاه سانفرانسیسکو

اگر این توافق هسته ای مهم و اجرایی آن بواسطه عوامل جانبی نقض شود تأثیرات آن شدید و غیر قابل پیش بینی خواهد بود. اگر این سناریو (برهم خوردن توافق هسته ای) اجرا شود برجام با آسیب های جبران ناپذیر مواجه می شود و یا حتی بدتر از آن بطور کلی از بین می رود.

استفن لندمن نظریه پرداز امریکایی

من شک دارم که اتحادیه اروپا از برجام JCPOA عقب نشینی کند، اما ممکن است دوباره بریتانیا و فرانسه تحت فشار قرار بگیرند.

در هیچ چیزی نمی شود به آمریکا اطمینان کرد. تاریخ کثیف و پست آنها نشانگر این موضوع است.

روشن در خصوص اینکه ایران از برجام تخطی کرده آمریکا را به عنوان برهم زنده برجام معرفی کرده و خطر از هم پاشیدن توافق هسته ای را افزایش می دهد. تحت چنین شرایطی بعید است که متحدان اروپایی آمریکا در اعمال مجدد تحریم های هسته ای علیه ایران از جمله تحریم های ثانویه که بانک ها و تجارت طرف قرارداد با ایران را تحت فشار قرار می دهد با واشنگتن همراهی کنند و دیگر اینکه «گزینه مذاکره مجدد برای رسیدن به توافقی بهتر»، گزینه ای واقع بینانه نیست.

«ریچارد نیفیو» عضو تیم مذاکرات هسته ای آمریکا و معمار شبکه تحریم های آمریکا علیه ایران

با توجه به مسئولیت [واشنگتن] برای اجرای این تحریمها، معتقدم که صحبت از همکاری سایر کشورها با آمریکا آسان تر از محقق ساختن این همکاری در عالم واقعیت است. برای آنکه تحریمهای وضع شده از سوی آمریکا در اروپا و هر نقطه ای دیگر از جهان از ارزش و اهمیت برخوردار شود، تلاش طاقت فرسایی صورت گرفته است. فکر می کنم که آقای گولدربرگ این تلاشهای طاقت فرسا و میزان اهمیت این شرایط را دست کم می گیرد.

ریچارد نیفیو:

معلوم نیست کنگره از تصمیم ترامپ حمایت کند

جواد حیران نیا - شبنم شکوهی

طراح تحریمهای ایران معتقد است معلوم نیست کنگره آمریکا در همسویی با ترامپ، تحریمهای هسته ای را باز گرداند و باعث نقض برجام شود.

دولت ایالات متحده آمریکا در حال حاضر تلاش می کند برجام را مغایر با منافع ملی خود نشان دهد. با این حال انتظار نمی رود ترامپ فراتر از این برود. در عوض وی به کنگره فشار می آورد تا با توسل به ابزار تحریم، ایران و اروپا را به رفع نواقصی وادار کند که به زعم وی در برجام وجود دارد! در همین ارتباط، «آسوشیتد پرس» در گزارشی به گمانه زنی درباره زمان دقیق اعلام راهبرد نهایی دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا درباره ایران پرداخته است. این رسانه از یک سو با استناد به اظهارات ترامپ که گفته بود «خیلی زود» موضع خود را اعلام می کند و از سوی دیگر با توجه به اینکه در برنامه ای که کاخ سفید برای امروز پنجشنبه ارائه داده، جایی برای سخنرانی ترامپ در نظر گرفته نشده است، احتمال داد اعلام تصمیم نهایی ترامپ به جمعه موکول شده باشد.

از سوی دیگر، تصمیم احتمالی ترامپ برای خروج از برجام واکنش سران کشورهای اروپایی را نیز به دنبال داشته است. در همین راستا، «فدریکا موگرتی» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در مصاحبه با «پی بی اس» گفت: خروج احتمالی دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا از برجام، ممکن است دیگر کشورها را برای مذاکره با واشنگتن دچار تردید کند. وی افزود: پیامی که آمریکا با خروج از برجام به سایر جهان ارسال می کند این است که واشنگتن از این پس قابل اعتماد نخواهد بود.

در همین راستا، خبرنگار مهر مصاحبه ای با «ریچارد نیفیو» داشته است که از وی به عنوان معمار شبکه تحریم های آمریکا علیه ایران یاد می شود.

نیفیو فارغ التحصیل رشته مطالعات سیاستهای امنیتی از دانشگاه «جرج واشنگتن» و عضو سابق تیم مذاکره کننده آمریکا در مذاکرات هسته ای با ایران است و مدتی نیز به

عنوان هماهنگ کننده ارشد سیاست تحریم های آمریکا در وزارت خارجه این کشور مشغول به کار شد.

نیفیو همچنین مدتی با سمت مدیر بخش ایران در شورای امنیت ملی آمریکا در کاخ سفید مشغول به فعالیت بوده است. وی در حال حاضر محقق مرکز سیاست انرژی جهانی در دانشگاه «کلمبیا» ی نیویورک است.

«چنانچه ترامپ «برنامه جامع اقدام مشترک» (JCPOA) - برجام - را نقض نماید، گام بعدی علیه ایران چه خواهد بود؟

این همان نقطه ای است که موضوع مورد بحث ما را جالب توجه می کند. امتناع از تأیید اینکه این توافق (برجام) به نفع امنیت ملی آمریکاست، به خودی خود، تخلف از مفاد برجام به شمار نمی رود. وضع مجدد تحریمهایی که تصور می شد به حالت تعلیق درآیند و یا منقضی شوند، ناقض برجام خواهد بود. به همین نحو، وضع تحریمهای مشابه نیز حتی با این ادعا که هدف آنها تقویت روند مقابله با حمایت ادعایی ایران از تروریسم، نقض حقوق بشر، آزمایشهای موشکی و موارد دیگر است؛ ناقض برجام است.

امتناع از تأیید این توافق [هسته ای] تنها مستلزم آنست که کنگره بررسی کند آیا تحریمها را مجدداً وضع می نماید یا خیر. از این رو، این مورد هم موردنیاز است و هم اینکه قطعاً صورت می گیرد. ترامپ ممکن است تصمیم بگیرد برای انجام مذاکرات پیرامون یک [توافق] جایگزین برای برجام یا یک توافق اضافی در راس آن به ایران نزدیک شود، اما این احتمال همچنان در هاله ای از ابهام است.

«چنانچه ترامپ تصمیم بگیرد برجام را نقض نماید، کنگره آمریکا مجبور می شود به برقراری مجدد تحریمهای ایران رای دهد. آیا کنگره برای همراهی با ترامپ چنین تصمیمی خواهد گرفت؟

نمی دانم. بسیاری از اعضای کنگره آمریکا به موضوع



ایران توجه دارند، اما نگران اشاعه تسلیحات هسته ای نیز هستند و بیم آن دارند که وارد آمدن هرگونه گزند به برجام، احتمال گسترش این تسلیحات را بالا ببرد.

این افراد شامل قانونگذارانی از هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواه هستند که معمولاً می توان از آنها انتظار اتخاذ یک موضع افراطی تر را داشت.

در شرایط کنونی، فرض من این است که برای جمهوریخواهان اتخاذ موضعی جداگانه از رئیس جمهور به لحاظ سیاسی امری دشوار است. اما این امر اندکی به نحوه تشریح تصمیم و راهبرد ترامپ بستگی دارد.

«برخی افراد همچون ریچارد گولدربرگ معتقدند در صورتی که رئیس جمهور آمریکا تصمیم بگیرد برجام را نقض نماید، اتحادیه اروپا با ترامپ همراهی خواهد کرد. نظر شما در اینباره چیست؟

با توجه به مسئولیت [واشنگتن] برای اجرای این تحریمها، معتقدم که صحبت از همکاری سایر کشورها با آمریکا آسان تر از محقق ساختن این همکاری در عالم واقعیت است. برای آنکه تحریمهای وضع شده از سوی آمریکا در اروپا و هر نقطه ای دیگر از جهان از ارزش و اهمیت برخوردار شود، تلاش طاقت فرسایی صورت گرفته است. فکر می کنم که آقای گولدربرگ این تلاشهای طاقت فرسا و میزان اهمیت این شرایط را دست کم می گیرد. امروز، ایران - طبق اعلان آژانس بین المللی انرژی اتمی - در تطابق با توافقنامه پادمان منع اشاعه هسته ای و برجام عمل می کند. این شرایط امکان اقیانوس سایر کشورها به پیروی از آمریکا را بسیار دشوار می سازد.

مشاور سابق وزارت خارجه آمریکا:

ترامپ با جدا کردن خود از اروپا موجب تضعیف آمریکایی شود

عبدالحمیدیاتی

مشاور سابق وزارت خارجه آمریکا در خصوص سخنرانی روز جمعه «ترامپ» گفت: تهران باید از این وضعیت خوشحال باشد چون ترامپ با این کار موجب تضعیف آمریکا شد.

همانگونه که انتظار می‌رفت «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا روز جمعه گذشته در گزارش خود به کنگره مدعی عدم پایبندی ایران به برجام شد. ترامپ در اظهارات خود مدعی شد: توافق به ایران اجازه می‌دهد که برنامه هسته‌ای ایش را کامل کند و تا چند سال دیگر که محدودیت‌ها برطرف شود؛ ایران به سراغ تأسیسات هسته‌ای می‌رود. فقط در برابر یک تعلیق موقت، ایران برای مدت کوتاهی از تأسیسات هسته‌ای عقب افتاده است.

ترامپ ادعا کرد: برخی معتقدند که ایران با کره شمالی همکاری داشته است. ایران روح برجام را نقض کرده است. قرار بود توافق هسته‌ای ایران به صلح و ثبات کمک کند؛ اما ایران تروریسم را پراکنده می‌کند. ایران روح توافق را نقض کرده است.

به گزارش مهر، قدرت‌های جهانی به رغم عدم تأیید پایبندی ایران به توافق هسته‌ای از سوی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، کماکان به اجرای برجام متعهد هستند و حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران نیز در واکنش به اظهارات ترامپ گفته است آمریکا امروز تنها تر است همیشه در برابر برجام قرار گرفته است. ایران تا زمانی که از منافع برجام برخوردار است، به آن احترام می‌گذارد.

فرانسه، آلمان و بریتانیا هم نسبت به سخنان ترامپ ابراز نگرانی کرده و بر تعهد خود در قبال برجام تأکید کرده‌اند. این سه کشور گفته‌اند توافق هسته‌ای به نفع امنیت ملی این کشورهاست.

فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز گفته است برجام یک قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل است و رئیس‌جمهور هیچ کشوری نمی‌تواند به آن پایان بدهد. روسیه هم از اظهارات ترامپ انتقاد کرده و گفته است چنین روش‌هایی برای حل مشکلات محکوم به شکست است.

اما اتخاذ این رویکرد چه آینده‌ای را برای برجام رقم خواهد زد؟ برای پاسخ به این پرسش به سراغ پروفیسور «دانیل سرور» رفتیم.

سرور از معروف‌ترین کارشناسان حاضر در محث مدیریت جنگ و از کارشناسان ارشد موسسه «روابط دو سوی آتلانتیک» و از اساتید دانشگاه «جان هاپکینز» است که سابقه فعالیت گسترده در مورد جنگ‌های عراق، افغانستان و بالکان را دارد و از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ به عنوان نماینده ویژه آمریکا در امر میانجیگری میان مسلمانان و کروات‌های یوگسلاوی سابق فعالیت کرده است. پاسخ پروفیسور

سرور به پرسش مهر به شرح زیر است:

ایران باید به خاطر این وضعیت جشن بگیرد. ترامپ با جدا کردن آمریکا از متحدان اروپایی خود در خصوص برجام و طرح این ادعا که منافع برجام برای آمریکا امتیازهای کسب شده از سوی ایران را توجیه نمی‌کند، موجب تضعیف تأثیرگذاری ایالات متحده شده است. این ادعای ترامپ کاملاً نادرست است. توافق هسته‌ای ایران برای مدت ۱۰ تا ۲۵ سال بدست آمده است و آنچه ترامپ می‌گوید یعنی مسدود کردن تمام راه‌های دسترسی ایران به فعالیت هسته‌ای، آرزوی شخصی ترامپ است.

|| آیا برجام آنگونه که ترامپ ادعا می‌کند توافق بدی است؟ ||

تنها ایراد یا نقص اساسی که در برجام وجود دارد به پایان رسیدن آن در زمان اعلام شده است. اگر آمریکا مواضع فعلی خود در خصوص برجام را به همین شکل ادامه بدهد در آینده حرف زیادی برای گفتن نخواهد داشت. برجام با توجه به اینکه امکان دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را به تأخیر می‌اندازد منافع آمریکا را تأمین می‌کند و در مورد ایران هم همینطور است چون به اقتصاد این کشور امکان بازسازی داده شده است. بدون وجود برجام ما (آمریکا) در وضعیت بسیار بدی قرار می‌گرفتیم و وضعیت برای ایران نیز به همین صورت بود.

معاون پیشین وزارت خارجه آمریکا:

احتمال حفظ برجام از سوی کنگره وجود دارد / نقش مهم سه بازیگر اصلی

عبدالحمیدیاتی

ترامپ ابراز نگرانی کرده و بر تعهد خود در قبال برجام تأکید کرده‌اند. این سه کشور گفته‌اند توافق هسته‌ای به نفع امنیت ملی این کشورهاست.

فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز گفته است برجام یک قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل است و رئیس‌جمهور هیچ کشوری نمی‌تواند به آن پایان بدهد. روسیه هم از اظهارات ترامپ انتقاد کرده و گفته است چنین روش‌هایی برای حل مشکلات محکوم به شکست است.

اما اتخاذ این رویکرد چه آینده‌ای را برای برجام رقم خواهد زد؟ برای پاسخ به این پرسش به سراغ «مارک فیتزپاتریک» معاون پیشین وزارت خارجه آمریکا رفتیم.

فیتزپاتریک مدیر فعلی برنامه خلع سلاح و منع اشاعه موسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک (IIS) بوده و سابقه حضور در وزارت خارجه آمریکا در پست معاونت وزیر را دارد. پاسخ وی به پرسش مهر به شرح زیر است:

ترامپ به برجام ضربه زد اما هنوز خیلی زود است که در این مورد قضاوت کنیم که آیا ترامپ این توافق را کشته است یا خیر؟ آینده برجام تا حد زیادی به تصمیمات سه بازیگر اصلی دیگر این توافق بستگی دارد.

اول کنگره آمریکا؛ کنگره آمریکا اکنون با این تصمیم مواجه است که تحریم‌های ایران را مجدداً برقرار کند یا خیر. انتظار من این است که کنگره برخی تحریم‌های جدید در خصوص برنامه موشکی ایران و اقدامات منطقه‌ای آن علیه تهران اعمال کند.

دوم؛ ایران و سوم سایر طرف‌های حاضر در برجام به ویژه اروپایی‌ها. اگر آنها بتوانند در برابر تحریم‌های ثانویه آمریکا مقاومت کنند آنگاه ایران می‌تواند به بهره‌مندی از برجام ادامه بدهد.

فیتزپاتریک در ادامه گفت: در مورد تصمیم کنگره برای اعمال تحریم‌های غیر هسته‌ای باید بگویم که پاسخ ایران به این تحریم‌ها حیاتی خواهد بود. ممکن است ایران تصمیم بگیرد تا زمانیکه دیگر طرف‌های امضاکننده برجام در این قرار داد حضور دارند در آن حضور داشته باشد. باید بگویم که همه طرف‌های برجام خواستار حفظ آن هستند.



معاون پیشین وزارت خارجه آمریکا معتقد است با وجود آنکه «ترامپ» برجام را تأیید نکرده این احتمال وجود دارد که کنگره توافق هسته‌ای ایران را حفظ کند.

همانگونه که انتظار می‌رفت «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا روز جمعه ۲۱ مهر در گزارش خود به کنگره مدعی عدم پایبندی ایران به برجام شد.

ترامپ در اظهارات خود مدعی شد: توافق به ایران اجازه می‌دهد که برنامه هسته‌ای ایش را کامل کند و تا چند سال دیگر که محدودیت‌ها برطرف شود؛ ایران به سراغ تأسیسات هسته‌ای می‌رود. فقط در برابر یک تعلیق موقت، ایران برای مدت کوتاهی از تأسیسات هسته‌ای عقب افتاده است.

آمریکا می‌گوید که چرا در ابتدای توافق کلی پول به ایران داده شده است؟ ایران مرتکب موارد نقض این پیمان شده است و دو بار از محدودیت ۱۳۰ متریکن تن غنی سازی خود فراتر رفته است. ایران بازرسان را ارباب کرده است.

ترامپ ادعا کرد: برخی معتقدند که ایران با کره شمالی همکاری داشته است. ایران روح برجام را نقض کرده است. قرار بود توافق هسته‌ای ایران به صلح و ثبات کمک کند؛ اما ایران تروریسم را پراکنده می‌کند. ایران روح توافق را نقض کرده است.

اما قدرت‌های جهانی به رغم عدم تأیید پایبندی ایران به توافق هسته‌ای از سوی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، کماکان به اجرای برجام متعهد هستند و حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران نیز در واکنش به اظهارات ترامپ گفته است آمریکا امروز تنها تر است همیشه در برابر برجام قرار گرفته است. ایران تا زمانی که از منافع برجام برخوردار است، به آن احترام می‌گذارد.

فرانسه، آلمان و بریتانیا هم نسبت به سخنان

مشاور سنای آمریکا:

پیش بینی واکنش کنگره در خصوص برجام دشوار است / ساز مخالف فرانسه

جواد حیران نیا



مشاور مجلس سنای آمریکا گفت: ممکن است کنگره آمریکا تحریم‌هایی را علیه ایران در نظر بگیرد که برجام را نقض نکنند. همانگونه که انتظار می‌رفت «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا روز جمعه ۲۱ مهر در گزارش خود به کنگره مدعی عدم پایبندی ایران به برجام شد.

ترامپ در اظهارات خود مدعی شد: توافق به ایران اجازه می‌دهد که برنامه هسته‌ای را کامل کند و تا چند سال دیگر که محدودیت‌ها برطرف شود؛ ایران به سراغ تأسیسات هسته‌ای می‌رود. فقط در برابر یک تعلیق موقت، ایران برای مدت کوتاهی از تأسیسات هسته‌ای عقب افتاده است. آمریکا می‌گوید که چرا در ابتدای توافق کلی پول به ایران داده شده است؟ ایران مرتکب موارد نقض این پیمان شده است و دو بار از محدودیت ۱۳۰ متریکن تن غنی‌سازی خود فراتر رفته است. ایران بازرسان را ارباب کرده است.

ترامپ ادعا کرد: برخی معتقدند که ایران با کره شمالی همکاری داشته است. ایران روح برجام را نقض کرده است. قرار بود توافق هسته‌ای ایران به صلح و ثبات کمک کند؛ اما ایران تروریسم را پرانگنده می‌کند. ایران روح توافق را نقض کرده است.

اما قدرت‌های جهانی به رغم عدم تأیید پایبندی ایران به توافق هسته‌ای از سوی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، کماکان به اجرای برجام متعهد هستند و حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران نیز در واکنش به اظهارات ترامپ گفته است آمریکا امروز تنها تر از همیشه در برابر برجام قرار گرفته است. ایران تا زمانی که از منافع برجام برخوردار است، به آن احترام می‌گذارد.

فرانسه، آلمان و بریتانیا هم نسبت به سخنان ترامپ ابراز نگرانی کرده و بر تعهد خود در قبال برجام تأکید کرده‌اند. این سه کشور گفته‌اند توافق هسته‌ای به نفع امنیت ملی این کشورهاست. فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز گفته است برجام یک قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل است و رئیس‌جمهور هیچ کشوری نمی‌تواند به آن پایان بدهد. روسیه هم از اظهارات ترامپ انتقاد کرده و گفته است چنین روش‌هایی برای حل مشکلات محکوم به شکست است.

در خصوص ابعاد مختلف این اقدام خبرنگار مهر گفتگویی با «برایان کاتولیس» مشاور سنای آمریکا انجام داده است که در ادامه می‌آید.

برایان کاتولیس عضو ارشد مرکز پیشرفت آمریکا است که در آن کار خود را در سیاست امنیت ملی ایالات متحده در خاورمیانه و جنوب آسیا متمرکز است.

وی به عنوان مشاور سازمان‌های متعدد دولت آمریکا، شرکت‌های خصوصی و سازمان‌های غیر دولتی در پروژه‌های کشورهای عراق،

پیش بینی این موضوع که کنگره در مقابل برجام چه اقدامی انجام خواهد داد بسیار سخت است - کنگره با مسائل زیادی به خصوص در صحنه داخلی مواجه است. کنگره ممکن است تحریم‌هایی اضافی علیه ایران در نظر بگیرد که شرایط برجام را نقض نکنند؛ به عنوان مثال اعمال تحریم‌های بیشتر علیه ایران در خصوص برنامه موشک‌های بالستیک و حمایت از تروریسم.

پاکستان، افغانستان، یمن، مصر، و کلمبیا خدمت کرده است. وی به عنوان سخنران در جلسات کمیته‌های مهم مجلس سنای آمریکا از جمله کمیته روابط خارجی و نیروهای مسلح حضور می‌یابد و مشاور سناتورهای مهمی نیز هست. وی عضو وزارت دفاع و وزارت خارجه آمریکا و شورای امنیت ملی آمریکا نیز بوده است.

|| ترامپ در حالی که مخالفت‌های داخلی و بین‌المللی زیادی با لغو برجام از سوی وی داشت، برجام را لغو کرد. دلایل این کار از سوی وی چه بود و خواستار ارسال چه پیامی در داخل آمریکا از یک سو و جامعه بین‌المللی از سوی دیگر بود؟

من فکر می‌کنم انگیزه اصلی ترامپ عمل به وعده‌هایی بود که در طی مبارزات انتخابات ریاست جمهوری داده بود - یا حداقل عمل به خواسته‌هایی بود که باید انجام می‌شدند. او می‌خواست این پیام را به ایران و متحدان خود در خاورمیانه ارسال کند که قصد دارد اقدامات سخت تری را جهت مقابله با اقدامات ایران در منطقه در پیش گیرد اما باید گفت که میان لفاظی‌هایی که ترامپ مطرح می‌کند و اقداماتی که تاکنون انجام داده است شکاف وجود دارد.

ترامپ می‌خواهد این پیام را به کنگره ارسال کند که او قصد دارد نمایندگان کنگره اقدامات بیشتری در رابطه با تحریم‌ها علیه ایران در خصوص موشک‌های بالستیک و حمایت از تروریسم در پیش گیرند.

|| اگر کنگره تحریم‌های هسته‌ای را باز گرداند یعنی عملاً نقض برجام صورت گرفته است. با این حساب ترامپ مسئولیت نقض برجام را نیز متوجه کنگره خواهد کرد. آیا کنگره تحریم‌های هسته‌ای را باز می‌گرداند؟

|| در اروپا صدای واحدی در خصوص نقض برجام از سوی آمریکا شنیده نمی‌شود. اما نئوئل ماکرون رئیس‌جمهوری فرانسه چندین پیش‌اقدام کرد که باید چند بند به برجام اضافه شود و مسائل موشکی و حقوق بشری ایران نیز در قالب برجام آورده شود. این سخن تقریباً همان چیزی است که ترامپ می‌گوید. تصور می‌کنید اروپا با خواست آمریکا برای تجدیدنظر در خصوص برجام همراه خواهد شد؟

به نظر می‌رسد که واکنش اصلی اروپا مخالفت با پیام سخنرانی و اقدامات ترامپ باشد. موضع فرانسه در حال حاضر تا حدی متفاوت از موضع کشورهای اروپایی است.

|| محمد جواد ظریف وزیر خارجه ایران اعلام کرده که برجام با حضور همه طرف‌های متعاقد است یا بدون هیچ‌کس. بر این اساس واکنش ایران به خروج آمریکا از برجام چیست؟

ایران همچنان نسبت به اظهارات و اقدامات ترامپ بدگمان است. ایران در بازی طولانی درگیر شده و به خوبی می‌داند که ترامپ از انزوای ایالات متحده آمریکا در جامعه بین‌المللی آسیب خواهد دید و اینکه ممکن است ترامپ برنامه‌ای معتبر در خصوص ایران در منطقه خاورمیانه نداشته باشد.

دفنس وان بردسی کرد:

دکترین خروج؛ مبنای سیاست خارجی ترامپ / به خطر افتادن لیبرالیسم

جانبه را دوست دارم. توافقات دو جانبه به تحقق سیاست اول امریکا کمک می کنند.

«فیونا هیل» عضو شورای امنیت ملی ترامپ گفت: من بیشتر ترامپ را به عنوان فردی می شناسم که صاحب قدرتمند املاک است نه فردی محافظ کار و سیاستمدار. در مورد توافق هسته ای ایران باید گفت دموکراتها، متحدان اروپایی امریکا، مشاوران امنیت ملی ترامپ و دیگر کشورهای قدرتمند با تصمیم ترامپ در مورد عدم پایبندی ایران به این توافق بین المللی مخالفت کرده اند و قطعاً این تصمیم ترامپ به پرستیژ و اعتبار امریکا در صحنه بین الملل آسیب وارد خواهد کرد. با لغو توافق هسته ای ایران، «کیم جونگ اون» و «جاستین ترودو» چگونه می توانند با دولت ترامپ به توافق رسیده و به آن اعتماد کنند؟ علاوه بر این در آینده آیا کشورهای دیگر می توانند به روسای جمهور امریکا اعتماد کنند توافقات دولت قبلی را محترم



شمارند؟ جدید امری بی سابقه در تاریخ مدرن امریکا محسوب می شود. همانطور که «ریچارد هاس» رئیس شورای روابط خارجی امریکا گفت: مبنای سیاست خارجی ترامپ، دکترین خروج است.

ترامپ بارها گفته که در دوره اولیه ریاست جمهوری بوده و این اقدامات لازمه بازسازی سیاست خارجی امریکاست. او می خواهد به وعده های عمل کند که در طی مبارزات انتخاباتی خود قول داد بود.

وی در طی هفته گذشته در طی مصاحبه با فوربس در پاسخ به این سوال که آیا در مقابل توافقات دولت قبل احساس مسئولیت می کند یا خیر به طور صریح گفت: نه، احساس مسئولیت نمی کنم. توافقات قبلی امریکا از جمله توافق آب و هوایی پاریس، توافق هسته ای ایران و توافقات تجارت آزاد اشتباه بوده و من آنها را قبول ندارم. این توافقات باید لغو شوند. من توافقات دوجانبه نه چند

دکترین خروج از معاهدات بین المللی، سیاست اول «دونالد ترامپ» است که باعث شده امریکا از صحنه نظام بین الملل خارج شود.

پایگاه تحلیلی «دفنس وان» اخیراً مقاله ای با عنوان «ترامپ، شکننده توفیق» با قلم «یوری فریدمن» منتشر کرده است.

فریدمن در این مقاله معتقد است که خروج امریکا از برجام (توافق هسته ای ایران) ضربه سختی به پرستیژ و اعتبار امریکا در صحنه بین الملل وارد خواهد کرد. ترجمه مقاله پیش روی شماست.

«دونالد ترامپ» خود را یک معامله گر می داند اما از آغاز ریاست جمهوری اش تا کنون، هیچ توافق بین المللی را امضاء نکرده است. او فقط یک توافق تسلیحاتی چند میلیون دلاری با عربستان سعودی امضاء نموده که به عنوان توافق بین المللی چند جانبه محسوب نمی شود. در عوض رهبر ایالات متحده امریکا نقش شکننده توافقات بین المللی را ایفا نموده و به طور مکرر از توافقات مهم بین المللی خارج شده است. وی تاکنون از توافقات آب و هوایی پاریس و ترانس پاسیفیک خارج شده است.

ترامپ فقط این هفته پایان عضویت امریکا در سازمان یونسکو، نهاد فرهنگی سازمان ملل را به بهانه دشمنی با رژیم صهیونیستی اعلام نموده، از پایان توافقات تجارت آزاد امریکا، کانادا و مکزیک (نفتا) نیز سخن گفته و پایبندی ایران به برجام را مورد تأیید قرار نداده و آنرا به کنگره محول کرده است.

اینکه رئیس جمهور امریکا از توافقات بین المللی مهم با سازمانهای بین المللی خارج می شود امری بی سابقه نیست، «رونالد ریگان» نیز یونسکو را به علت مبنای ضد امریکایی آن ترک کرد. اما خروج از این همه توافقات بین المللی مهم و عدم تمایل به ایجاد توافقات بین المللی

«جوزف دانفورد» رئیس ستاد مشترک ارتش امریکا در این ارتباط گفت: منطقی است که پایبندی ما به توافقاتی هایی که امضاء کرده ایم بر تمایل دیگران به امضاء توافقی نامه با ما تأثیر می گذارد.

دکترین خروج در سیاست خارجی شکی جدی را در مورد تعهد امریکا به سیستم بین المللی پیچیده مطرح می کند؛ سیستمی که بعد از جنگ جهانی دوم با کمک امریکا ایجاد شده و مسیر تکامل را طی می کند. در این سیستم کشورها در مورد موضوعات مهم و حساس به توافق رسیده اند. اگر امریکا توافقات بین المللی را یکی پس از دیگری ترک کند، آیا کشورهای دیگر بدون حضور یک بازیگر اصلی می توانند به آنها پایبند باشند؟

همانطور که یک دیپلمات اروپایی گفته است: امریکا در زمان ترامپ نظم لیبرال چند جانبه را رها کرده است.

ترامپ رفتار با «مایکل فلین» را غیر منصفانه خواند



مستغفی امنیت ملی کاخ سفید و پسرش را در اختیار دارد. بر اساس این گزارش، بازپرس ویژه پرونده دخالت ادعائی روسیه در انتخابات سال گذشته ریاست جمهوری امریکا به دنبال اثبات پولشویی، دروغگویی به مأموران فدرال و نقش ژنرال «مایکل فلین» در انتقال احتمالی یکی از مخالفان رئیس جمهور ترکیه از امریکا به این کشور در مقابل دریافت میلیونها دلار پول متهم است.

در ادامه این گزارش آمده بود: با تفهیم اتهام «پل منفورت» رئیس سابق ستاد انتخاباتی دونالد ترامپ رئیس جمهوری امریکا، حالا فشارها بر ژنرال فلین افزایش یافته است. شایان ذکر است، مایکل فلین که به مدت ۲۴ روز مشاور امنیت ملی ترامپ بود، به دلیل اتهاماتی مبنی بر رازبانی با دیپلمات های روس در راستای رفع تحریم های مسکو، چند ماه پیش از سمت خود کناره گیری کرد.

در همین راستا، «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری امریکا نیز در آن زمان «کیت کلاگ» را به عنوان جایگزین وی معرفی کرده بود.

برخی منابع آگاه اعلام کرده بودند که فلین در ۲۹ سپتامبر سال ۲۰۱۶ یعنی روزی که «باراک اوباما» رئیس جمهوری سابق امریکا دستور اخراج ۳۵ دیپلمات روس را صادر و ۲ نهاد اطلاعاتی روسیه را تحریم کرد، حدود ۵ تماس تلفنی با

دونالد ترامپ، رئیس جمهور امریکا امروز دوشنبه از آنچه رفتار غیرمنصفانه با «مایکل فلین» مشاور امنیت ملی پیشین خود توصیف کرد، انتقاد نمود.

رئیس جمهور امریکا در این باره به خبرنگاران در کاخ سفید اعلام کرد: برای ژنرال فلین متناسفم.

ترامپ ادامه داد: هیلاری کلینتون بارها به افسی آی دروغ گفت؛ اما هیچ اتفاقی برای او نیفتاد. فلین یک بار دروغ گفت، اما زندگی اش را نابود کردند. به نظر من، این شرم آور است. این در حالیهست که ۴۵مین رئیس جمهور امریکا در این اظهارات به صورت ضمنی از ایراد اتهامات «رابرت مولر» بازپرس ویژه کمیته تحقیق درباره دخالت روسیه در انتخابات هشتم نوامبر ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ این کشور انتقاد کرده است.

لازم به ذکر است، مایکل فلین مشاور سابق امنیت ملی دونالد ترامپ رئیس جمهوری امریکا شنبه ۱۱ اذرماه سال جاری در پرونده ارتباط با روسیه متهم شد.

وی در این باره متهم به ارائه اطلاعات دروغین به پلیس فدرال امریکا «اف بی آی» شده است. این اتهام از سوی یک دادگاه کیفری در واشنگتن دی سی اعلام گردید.

«رابرت مولر» ۱۵ آبان ماه سال جاری گفته بود که مدارک کافی برای متهم کردن ژنرال مایکل فلین مشاور سابق و

«سرگئی کیسلیاک» سفیر روسیه در امریکا داشت. فلین در ابتدا موضوع مطرح کردن تحریم ها در تماس با مقامات روس را انکار کرده بود و «مایک پنس» معاون ترامپ نیز در روز ۲۰ ژانویه سال جاری میلادی با حضور در برابر دوربین رسانه ها؛ خبر انکار وی را رسماً اعلام کرد. اما موضوع، زمانی بیشتر مطرح شد که «واشنگتن پست» به نقل از مقامات امریکایی، احتمال طرح موضوع تحریم ها در تماس های تلفنی فلین را یک بار دیگر مطرح کرده بود و جالب آنکه فلین هم این احتمال را رد نکرد و در عین حال گفته بود: حافظه ام به طور ۱۰۰ درصد مرا در تأیید صحت این موضوع یاری نمی کند!



آسیا

رئیس شورای اخوت افغانستان در گفتگو با مهر؛

راهبرد ترامپ تداوم جنگ افغانستان با هدف تسلط بر آسیای میانه است



«مولوی حسام» رئیس شورای اخوت اسلامی افغانستان در گفتگو با خبرنگار مهر ضمن اینکه استراتژی ترامپ در افغانستان را موجب تشدید نا امنی در منطقه دانست، پیرامون مسائل جهان اسلام صحبت و تاکید کرد کشورهای اسلامی می توانند برای دفاع از خود ارتشی قدرتمند تر از ناتو را ایجاد کنند.

وی مبارزه حزب الله و حماس علیه رژیم صهیونیستی را یک تکلیف اسلامی دانست و از آمریکا و رژیم صهیونیستی به عنوان تروریسم واقعی نام برد و عربستان سعودی را نیز غلام حلقه به گوش آمریکا خطاب کرد.

به گفته وی، از استراتژی ترامپ این گونه برداشت می شود که آمریکا خواهان تداوم جنگ در افغانستان است تا بتواند از این طریق راه خود را برای رسیدن به آسیای میانه و تاراج کشورهای استقلال یافته از شوروی سابق و حتی سلطه بر روسیه باز کند.

از دید این تحلیل گر جهان اسلام، آمریکا از راه تشدید جنگ در افغانستان، کشورهای آسیای میانه را نا امن کرده تا به منابع اقتصادی آنها دست پیدا کند.

به گفته حسام، با پایان جنگ در افغانستان، امنیت و ثبات در آسیای میانه حکم فرما شده و این مسئله آمریکا را از اهداف خود دور نگه می دارد.

وی یکی دیگر از اهداف آمریکا را تسلط بر قریقستان و نامن کردن روسیه عنوان کرد و گفت: آمریکا می خواهد با کشاندن جنگ به مرزهای این کشورها حکومت های آنان را تضعیف کند.

حسام تاکید کرد: آمریکا در نظر دارد با تداوم جنگ دامنه آتش را به کشورهای آسیای میانه بکشد.

به گفته رئیس شورای اخوت اسلامی افغانستان، با توجه به موضوعات یاد شده، با اطمینان می توان گفت صلح در افغانستان به نفع تمام کشورهای منطقه است.

این عالم دینی افغانستانی، برقراری صلح در کشورش را به ۳ شیوه امکان پذیر دانست که عبارتند از: صلح مردمی، صلح جناح های سیاسی و صلح منطقه ای.

حسام اظهار داشت که صلح بین اقسام مختلف مردم هیچ شرطی را نمی پذیرد، باید مردم افغانستان با ایثار و از خودگذشتگی مشکلات را کنار گذاشته و به روند صلح کمک کنند.

وی یکی از دیگر از راه های برقراری صلح را کنار آمدن جناح های سیاسی و حتی مخالفین حکومت با دولت کابل دانسته و اظهار داشت که دولت باید همه تلاش خود را برای فراهم کردن صلح به خرج دهد.

رئیس شورای اخوت اسلامی افغانستان سومین راه صلح را تحکیم اخوت و برادری بین کشورهای منطقه عنوان کرد. از سوی دیگر، حسام تاکید کرد دشمنان اسلام مانع برقراری صلح بین امت اسلامی شده اند.

به گفته وی، طالبان و دولت افغانستان نیز برای برقراری صلح استقلال ندارند و بر اساس منافع کشورهای تامین کننده شان فعالیت می کنند.

رئیس شورای اخوت اسلامی افغانستان تاکید کرد کشورهای فرامنطقه ای منفعت خود را در صلح افغانستان نمی بینند.

وی در این باره گفت: یکی از راه های برقراری ثبات، صلح منطقه ای است که باید کشورهای منطقه درباره آن به اجماع برسند، اما وقتی پای افغانستان به میان می آید چون منافع کشورهای منطقه و کشورهای فرامنطقه متضاد

است، نمیتوان صلح را حکم فرما کرد.

رئیس شورای اخوت اسلامی افغانستان در بخش دیگری از گفتگوی خود با خبرنگار مهر، ایجاد ارتشی که بتواند دست غرب از منطقه و کشورهای اسلامی را کوتاه کند به نفع تمام کشورهای مسلمان منطقه دانست و افزود: اگر حاکمان دنیای اسلام (واقعا) مسلمان باشند و از آموزه های اسلام برخوردار باشند به وجود آوردن این پدیده کار مشکلی نیست.

حسام در این باره تاکید کرد: تمام کشورهای اسلامی با توانایی که امروز دارند حتی می توانند ارتش فوق ناتو را ایجاد کنند.

به گفته این عالم دینی افغانستانی؛ دشمنان اسلام قصد دارند تا کشورهای اسلامی را با فتنه و حيله پاره پاره کنند.

او در این رابطه به اقلیم کردستان عراق اشاره کرد و گفت: غرب در تلاش است که اسرائیل دومی را در منطقه ایجاد کند.

حسام خودکامگی در اقلیم کردستان عراق را باعث تشدید تنش ها میان اعراب کرکوک، کردها و شیعیان منطقه دانست و ابراز امیدواری کرد که کشورهای ترکیه، سوریه، عراق و ایران از ایجاد این پدیده جلوگیری کنند.

وی با جعلی خواندن رژیم صهیونیستی، به مبارزات حماس و حزب الله لبنان در مقابل رژیم صهیونیستی اشاره و تاکید کرد: غرب سعی دارد با تروریست خطاب کردن جریان های مبارز اسلامی قدرت جهان اسلام را تضعیف کند.

به گفته حسام، تروریست های واقعی رژیم صهیونیستی و حامی آن یعنی آمریکا هستند.

وی تاکید کرد: رژیم صهیونیستی و آمریکا تروریست واقعی هستند نه حماس و حزب الله لبنان که در مقابل متجاوزین، از سرزمین خود دفاع می کنند.

حسام گفت: کشورهای غربی در حالی به کشورهای اسلامی اتهام تروریست وارد می کنند که خود ایجاد کننده تروریسم بین المللی هستند.

وی ادامه داد: ما دیدیم که چگونه اینها در میان حامی تروریسم دولتی بودند، دولت میانمار مردم را می کشت

اینها حمایت می کردند.

رئیس شورای اخوت اسلامی افغانستان تاکید کرد: کسانی که برای حفاظت از منافع، دین و ارزشهای خود مقاومت می کنند، تروریست نیستند. آنها از اعتقاد و دین و آیین خود دفاع می کنند.

حسام گفت: اگر حماس و حزب الله از خود دفاع و کشورهای اسلامی از آنها پشتیبانی نکنند، جلوی تروریسم صهیونیستی را که می گیرد.

وی ادامه داد: آیا کسی که از سرزمین خود دفاع کند تروریسم است؟ یا کسی که به سرزمین دیگران هجوم آورده و اشغال گری می کند؟ آیا آنهایی که در کشورهای اسلامی پایگاه ایجاد می کنند و تسلیحات می فروشند؛ تروریسم نیستند؟

به گفته رئیس شورای اخوت اسلامی افغانستان، در هر جایی که فتنه ای ایجاد می شود پشت سر آن دست غرب است.

این عالم دینی افغانستانی در ادامه تاکید کرد: غرب برای فلج کردن کشورهای اسلامی دست به کار شده، از متحدان خود استفاده می کند، از کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس به خصوص عربستان سعودی هم استفاده می کند تا تمام امت اسلامی را در گیر خود نگه دارد.

مولوی حسام به اوضاع سوریه اشاره و اذعان کرد: آمریکا از داعش به عنوان ابزاری برای از بین بردن دولت سوریه استفاده کرد تا بتواند منابع سوریه را به چنگ آورد.

حسام گفت: آمریکا می خواهد یک حکومت سکولار و بی دین را جایگزین حکومت فعلی سوریه کند. در عراق هم آمریکا دنبال فتنه عظیم است تا اعراب کرکوک، کردها و شیعیان را علیه هم بشورانند.

وی در نهایت گفت: بی توجهی عربستان سعودی به عنوان یک کشور اسلامی در قبال مسائل جهان اسلام و صلح و ثبات در منطقه نشان می دهد که ریاض غلام حلقه به گوش آمریکا و متحدانش است.

به گفته حسام، عربستان سعودی از خود سیاست مستقل ندارد و حامی منافع آمریکا در منطقه است.

برادر احمد شاه مسعود در گفتگو با مهر:

استراتژی ترامپ ابهام حضور آمریکا در افغانستان را بیشتر کرد



برادر احمد شاه مسعود گفت که برادرش مخالف حضور آمریکا در افغانستان بود و همواره از آمریکا تقاضا داشت که جریان های حق و باطل را در افغانستان اعلام و مشخص کند.

احمد ولی مسعود برادر احمد شاه مسعود که قهرمان ملی افغانستان لقب داده شده، است. او در حال حاضر یکی از سیاستمداران فعال این کشور و مسئول بنیاد شهید احمد شاه مسعود است.

احمد ولی مسعود از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ میلادی سفیر افغانستان در انگلستان بود و در حکومت فعلی که با نام حکومت وحدت ملی شناخته می شود به دلیل آنچه وی ناتوانی این حکومت در حل مشکلات داخلی قلمداد می کند به عنوان یک شاخه از اپوزیسیون این کشور فعالیت دارد.

مسعود به عنوان یک فعال سیاسی و از اعضای ارشد ائتلاف ملی در حال حاضر طرح وفاق ملی را برای بیرون رفت از بحران داخلی افغانستان به تمام جریان های سیاسی دخیل در موضوعات این کشور پیش کرده است. احمد ولی مسعود همانند برادرش یک چهره جهادی به شمار می رود، و آن گونه که از کنش او نمایان گر است، چندان به حضور نیروهای خارجی در کشورش تمایل ندارد.

احمد ولی مسعود در خصوص استراتژی ترامپ در افغانستان به خبرنگار مهر در افغانستان گفت: آمریکا با اعلام استراتژی خود، سعی کرده خود را یک قدم از مسائل داخلی افغانستان دور کند.

مسعود در این گفتگو اذعان کرد که اگر برادرش احمد شاه مسعود زنده می بود، آمریکا هیچ گاه توان حضور فیزیکی در افغانستان را نداشت.

به بیان احمد ولی مسعود، برادرش همواره اظهار نموده که نیازی به حضور نیروهای آمریکایی در کشورش نمی

بیند، و اگر آمریکا خواهان همکاری با ملت افغانستان است این کشور را حمایت معنوی کند.

احمد ولی مسعود در این رابطه تصریح کرد: اگر احمد شاه مسعود زنده می بود آمریکا نمیتوانست با این قوت به افغانستان بیاید چرا که در زمان حیات خود بارها گفته بود که ما حکومت آمریکا را نیاز نداریم و اگر آمریکا می خواهد در افغانستان کمک کند حمایت معنوی کند و مشخص کند که کی حق است و که باطل.

برادر احمد شاه مسعود در این رابطه پافرازر گذشته و اظهار داشت که اگر برادرش زنده می بود حتی کشمکش های منطقه ای پدید نمی آمد.

مسعود به این عقیده است که استراتژی ترامپ در افغانستان به گونه ای طرح ریزی شده تا آمریکا بتواند تمرکز بیشتری در منطقه داشته باشد.

مسعود در ادامه گفت: افغانستان قربانی سیاست های منطقه ای شده و در حال حاضر توان مدیریت بالای سیاست های منطقه ای ندارد و اگر برادر احمد شاه مسعود زنده می بود افغانستان قربانی سیاست های خطرناک منطقه ای نمی شد.

مسعود همچنین بیان کرد: آمریکا با اعلام استراتژی خود خواسته تا یک قدم از مسائل داخلی افغانستان عقب بنشیند.

مسعود در این رابطه اظهار کرد که آمریکا با این استراتژی به دولت افغانستان اعلام کرده که مسائل داخلی افغانستان را بایستی خود افغان ها حل کنند چرا که آمریکا یک برنامه مهم تر در منطقه دارد.

مسعود گفت: آمریکا با این استراتژی پشت سر حکومت کابل را خالی کرده است.

به بیان احمد ولی مسعود: ترامپ با اعلام استراتژی خود نشان داد که آمریکا بیشتر به منطقه توجه دارد و افغانستان

قربانی سیاست های منطقه ای شده است. مسعود گفت دولتمردان ما درگیر مسائل داخلی هستند و نمی توانند رویکرد منطقه ای داشته باشند و این گونه خود قربانی سیاست های پیچیده و خطرناک منطقه ای شده اند.

احمد ولی مسعود به مهر گفت از طرف دیگر سیاست آمریکا با این استراتژی نسبت به گذشته بیشتر نامفهوم به نظر می رسد.

مسعود گفت: این سیاست به شدت نا مفهوم و گنگ است.

به بیان احمد ولی مسعود: «تا دیروز اگر سیاست آمریکا در قبال افغانستان فاصله ای به سمت معلوم شدن داشت، حالا فاصله زیاد شده و دقیق نمیدانیم چه زمانی معلوم می شود.»

مسعود در ادامه گفت: این سیاست نامعلوم با اطمینان باعث برافروخته شدن آتش جنگ در افغانستان می شود. مسعود همچنین خبر از ایجاد طرحی با نام «وفاق ملی» برای منسجم کردن جریان های همسوی منتقد داده است.

از تمام جریان های سیاسی کشورش خواسته تا به واسطه این طرح با یکدیگر منسجم شده تا با تشکیل یک تنظیم قوی مشکلات کشور خود را حل کنند.

مسعود گفت با این طرح می توان آینده سیاسی افغانستان را به سوی پیشرفت سوق داد.

او حتی گفت که با طرح وفاق ملی می شود در انتخابات آینده منسجم تر و با برنامه دقیق شرکت کرد.

مسعود همچنین بیان داشت که زمانی می توان نشست با مخالفین حکومت را به نتیجه رساند که یک دولت قدرتمند داشت در غیر آن مذاکرات به نتیجه ای نمی رسد.

به بیان برادر احمد شاه مسعود با ایجاد یک حکومت قدرتمند می توان مداخلات خارجی را نیز کنترل کرد.

فرشته دموکراسی یا الهه مرگ؛ اوج بحران انسانی در میانمار



بنفشه اسماعیلی

بهداشتی بیشتر از گذشته شده است. در این میان اما ارتش میانمار ادعا کرده است که عملیات پاکسازی منطقه از شبه نظامیان و تروریست ها را آغاز کرده و به نیروهای امنیتی نیز دستور داده شده است تا مراقب غیرنظامیان باشند.

ولی مسلمانان روهینگیا که به بنگلادش فرار کرده اند، از آتش سوزی و کشتار وسیع مسلمانان توسط نیروهای امنیتی میانمار خبر می دهند که هدف اصلی از این اقدامات مجبور کردن مسلمانان برای ترک استان راخین بوده است.

جالب اینجاست که همه این جنایت های فجیع اکنون به تأیید کسی صورت می گیرد که از سوی نمایندگان «جهان متمدن» جایزه صلح نوبل گرفته و «باراک اوباما» رئیس جمهوری پیشین آمریکا از وی به عنوان «فرشته دموکراسی» تمجید کرده بود؛ فرشته دموکراسی اما اینک به الهه مرگ هزاران روهینگایی بی پناه بدل شده است؛ تنها به این دلیل که آنها مسلمان اند و از آیین بودایی ها، پیروی نمی کنند.

در این میان اما سکوت سیاه و سنگین رسانه های دنیای مدرن و خاموشی مرگبار و معنادار سران و سکان داران نهادهای جهانی و به ویژه سازمان های حقوق بشری شرق و غرب در برابر حجم کوهوار مصایب و فجایع جاری در میانمار، تنها از یک حقیقت عمیقاً تلخ و دردناک پرده برمی دارد و آن دروغگویی انسان مدرن و متمدن کنونی است.

انسان امروز، آنچنان در انسان گرایی مبتنی بر کرامت و حقوق مختلف و به ویژه حق حیات افراطی می کند که گویی ورای انسان چیز دیگری در پهنه هستی وجود ندارد. از نظر کنوانسیون ها و بیانیه های جهانی مهور به مهر سازمان ملل متحد، به عنوان معتبرترین نهاد جهانی هیچ چیز به اندازه انسان برخوردار از حق حیات و سایر حقوق انسانی نیست؛ اما کارنامه همین سازمان جهانی در دفاع از انسان های مظلوم سراسر عالم، مخصوصاً مسلمانان بی پناه و پشتوانه میانمار، سراسر سیاهی و تاهی است.

هیچ اتفاقی نیفتاده است. در ادامه انتشار گزارش ها درباره وضعیت ناگوار مسلمانان روهینگیا روز گذشته سازمان ملل آماری تازه از تعداد آوارگان روهینگایی مستقر در بنگلادش منتشر کرد؛ مسلمانانی که در میانمار حتی از حق تابعیت و داشتن شهروندی برخوردار نیستند.

طبق اعلام سازمان ملل، تعداد آوارگان روهینگایی که از ۲۵ اگوست به بنگلادش پناه برده اند، به رقم ۵۸۲ هزار نفر افزایش یافته است.

با آغاز موج تازه ورود مسلمانان روهینگیا و کمبود منابع، خطر وقوع بحران انسانی بیشتر از گذشته شده است. بنا بر گزارشی از رویترز، نیروهای امدادی که در منطقه «کاکس بازار» بنگلادش در حال کمک رسانی به مسلمانان روهینگیا هستند، از کمبود شدید امکانات از جمله پناهگاه های اضطراری، آب سالم و مواد غذایی خبر می دهند.

با ورود حدود ۶۰ هزار مسلمان روهینگیا به این منطقه، وضعیت کمک رسانی بدتر از قبل شده است. بیش از ۱۰ هزار مسلمان روهینگیا نیز در مرز و کشور گرفتار شده اند. پیش بینی می شود با ورود تعداد بیشتری از مسلمانان روهینگیا به بنگلادش، وضعیت بحران انسانی در مناطق مرزی بدتر از گذشته خواهد شد.

در بین تازه واردها، حدود ۱۶ هزار کودک که در سن مدرسه هستند، وجود دارند و بیش از ۵ هزار کودک نیز زیر ۵ سال هستند که نیاز به پوشش های واکسن دارند.

امکانات آموزشی فعلی تنها برای پوشش دادن ۵ هزار کودک کافی است و به بیش از ۵۰۰ مرکز آموزشی دیگر نیاز خواهد بود.

برای جلوگیری از سوء استفاده از کودکان، آزار و اذیت جنسی آنها و گرفتار شدن در دام گروه های تبهکار قاچاق انسان، خانواده های مسلمانان روهینگیا نیاز به آموزش و آگاهی های بیشتری دارند.

نگرانی ها نسبت به عدم دسترسی به آب سالم و

افزایش آوارگان روهینگایی به مناطق مرزی بنگلادش وضعیت بحران انسانی را به انتهای خود رسانده و همه این فجایع به تأیید کسی صورت می گیرد که روزی از وی به عنوان «فرشته دموکراسی» تمجید شده بود. میانمار کشوری است در جنوب شرقی آسیا که از شمال شرقی با چین، از شرق با لائوس، از جنوب شرقی با تایلند، از غرب با بنگلادش و از شمال غربی با هند مرز مشترک دارد و از جنوب غربی با خلیج بنگال و از جنوب به دریای «آندامان» محصور است. این کشور با مساحت ۶۷۸۵۰۰ کیلومتر مربع دومین کشور بزرگ آسیای جنوب شرقی است.

طبق آخرین آمار به دست آمده میانمار جمعیتی بالغ بر ۵۵ میلیون نفر دارد و ۷۰ درصد مردم میانمار بودایی هستند. در سال ۱۹۸۲ قانون حقوق شهروندی به تصویب رسید که به واسطه این قانون از میان ۱۴۴ اقلیت موجود در میانمار ۱۲۵ اقلیت حق شهروندی دریافت کردند و ۹ دسته از اقوام اقلیت از حق شهروندی محروم شدند.

بزرگترین این اقلیت ها قوم روهینگیا است، روهینگیا ۴ درصد جمعیت میانمار را تشکیل می دهند و بیشتر آنان در ایالت راخین در سواحل غربی میانمار ساکن هستند. آمار رسمی جمعیت روهینگیا ۶ میلیون نفر است اما طبق آمار غیررسمی جمعیت این قوم که صد در صد آن ها مسلمان هستند به ۸ میلیون نفر می رسد.

اکنون این اقلیت مسلمان توسط ارتش میانمار به کمک بودایی های تندرو در معرض نسل کشی و کوچ اجباری مواجه اند.

ارتش میانمار زنان و کودکان روهینگایی را زنده زنده می سوزاند، منازل و مزارع مسلمانان را آتش می زند، آنان را از سرزمین آبایی و اجدادی خود بیرون می راند، به زنان و دخترانشان تجاوز دسته جمعی می کند، اما همه چیز در میانمار طوری رقم می خورد که گویی

نشست سیاست خارجی افغانستان؛

سیاست خارجی دولت افغانستان بی طرفی نیست



رئیس مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه افغانستان سیاست فعلی دولت وحدت ملی این کشور را ترک بی طرفی و تامین امنیت از طریق رشد اقتصادی عنوان کرد.

روز شنبه (۲۹ مهر) نشست هم اندیشی دکتر «فرامرز تمنا» رئیس مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه افغانستان با دانشجویان و نخبگان مهاجر افغانستانی و با موضوعات «جوانان، افراط گرایی و چالش های امنیتی افغانستان» و «سیاست خارجی افغانستان» و با حضور دکتر «نصیر احمد نور» سفیر جمهوری اسلامی افغانستان، در محل این سفارت در تهران برگزار شد.

دکتر تمنا در ابتدای نشست به بررسی عوامل موجود در گرایش جوانان افغانستانی به سمت افراطی گری پرداخت و با تقسیم این عوامل به سه بخش: ۱- کلان؛ قاچاق مواد مخدر، تغییرات اقلیمی منجر به مهاجرت، نظم جهانی مستقر در کشورهای جهان سوم، فقر؛ ۲- میانه؛ ابعاد منطقه ای و رقابت های منطقه ای، تعارضات ایدئولوژیک و رقابت های دینی و فرهنگی؛ ۳- خرد؛ نقش فرد به عنوان عنصر پویایی دهنده به افراط گرایی، مهم ترین عامل در گسترش تروریسم را هویت فردی خواند و گفت که انسان فطرتا هویت خواه است و به همین دلیل به دنبال هویت جویی می رود و پس از کسب هویت در پی حفظ هویت خواهد رفت و در مرحله بعدی به بسط و گسترش هویت خود می پردازد اما مرحله آخر که مهم ترین بخش است پیوند انسان به هویت و اعمال هویت است. گروه های تروریستی نیز از این طریق وارد عمل می شوند و به جوانان هویت می بخشند.

وی افزود که هم اکنون ۷۵ درصد جمعیت افغانستان را جوانان تشکیل می دهند که متأسفانه موجی از افراطی گری در بین آنان به ویژه در مناطق «هلمند» «پنجشیر» «بدخشان» و «هرات» شکل گرفته است. دکتر تمنا در ادامه با اشاره به این موضوع که هویت انسانها از درون و برون تهدید می شود گفت زمانی که

گفت: گروه های افراطی در واقع با آموزش هویت های ضعیف و تهییج در بین جوانان یک امر واقعی را بهانه قرار داده و آن را تبدیل به یک امر ذهنی کرده و وقتی این امر ذهنی دغدغه فرد می شود تبدیل به عمل افراطی می گردد.

رئیس مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه افغانستان در ادامه افزود: تروریسم از سال ۲۰۰۱ به این سو از تروریسم سیاسی به تروریسم هویتی تبدیل شده است و در تروریسم نو هدف و هویت مهم است و نه فرد.

وی شبکه های اجتماعی و اینترنت را در بسط و گسترش و تروریسم نو عامل اساسی خواند و گفت که داعش از طریق شبکه اجتماعی توانمندی بسیاری در هویت دادن به کسانی دارد که داری هویت متزلزل هستند.

وی افزود: گروه های افراطی در فاصله سال های ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۴ تعداد سایت های خود را از ۱۲ به ۱۵۰ افزایش داده اند و این خود نشانگر افزایش مخاطب گروه های افراطی طی ۱۷ سال اخیر است. تمنا با اشاره به اینکه خانواده و نهادهای مدنی و فرهنگی در افغانستان برای شکل دادن به هویت جوانان ضعیف عمل کرده اند گفت این هویت های ضعیف در پی نشان دادن خود زیر پرچم گروه های افراطی نظیر داعش برآمده و در نتیجه هویت افراطی گری شکل می گیرد، حال اگر این هویت تهدید نیز بشود دست به شورش و انقلاب زده که آثار سوء آن در جامعه به وضوح دیده می شود.

وی در ادامه به بررسی «سیاست خارجی» افغانستان پرداخت و گفت که ژئوتیپ سیاست خارجی افغانستان اصولاً خلل ناپذیر است و شامل موارد ذیل می شود: ۱- حس استقلال خواهی و بیگانه ستیزی؛ ۲- جایگاه افغانستان به عنوان پل تجارت و اتصال دهنده کشورهای منطقه (ژئو اکونومیک)؛ ۳- موقعیت جغرافیایی افغانستان به عنوان پل اتصال دهنده فرهنگ کشورهای منطقه (ژئو کالچر) و ۴- موقعیت ژئوپلیتیک کشور افغانستان.

تمنا در ادامه گفت که تمام پویای های سیاست خارجی افغانستان حول این ۴ محورند که ثابت و غیر قابل تغییرند.

وی در ادامه فنوتیپ سیاست خارجی افغانستان را وابسته به عواملی همچون نیاز به توسعه، امنیت، مبارزه با فقر، تغییرات اقلیمی و محیط زیست، پدیده مهاجرت و تعامل با سازمان های بین المللی، مناسبات با کشورهای منطقه و جهان خواند و گفت که این عوامل در دولت های مختلف افغانستان متفاوت بوده و مثلاً در دوران ریاست جمهوری «حامد کرزای» روابط با آمریکا نزول پیدا کرده و در دوران «اشرف غنی» سیر صعودی گرفته است.

وی در ادامه افزود که سیاست خارجی افغانستان از ابتدا تاکنون ۴ دوره متفاوت داشته که عبارتند از: دوره اول: ظرفیت سازی در سیاست خارجی افغانستان؛ دوره دوم: تدوین خطوط سیاست خارجی افغانستان؛ دوره سوم: ثبات در سیاست خارجی افغانستان (امضای تفاهم نامه با ۲۰ کشور همسایه) و دوره چهارم: صنعتی سازی در سیاست خارجی افغانستان.

وی در ادامه یادآور شد: در زمان دولت وحدت ملی افغانستان سیاست افغانستان از بی طرفی تغییر شکل پیدا کرده و اقتصاد محور شده است.

هویت انسان از درون تهدید می شود بیم انسان را فرا می گیرد و به خود ضربه می زند اما زمانی که هویت انسان از بیرون تهدید می شود انسان احساس خطر کرده و به دیگران ضربه می زند.

رئیس مرکز مطالعات استراتژیک امور خارجه افغانستان در ادامه گفت: وقتی هویت دچار تهدید از بیرون می شود انسان درصدد حذف کسانی برمی آید که شبیه وی نیستند و این همان سیاستی که دقیقاً گروه های افراطی در پیش گرفته اند یعنی سیاست حذف دیگران.

وی افزود: پس با در نظر گرفتن دو عنصر «خود» و «دگر» در عصاره روابط و با توجه به اینکه «هرآنکه مثل من نمی اندیشد دگر است» افراطی گری به شکل دادن هویت افراد و پیش بردن سیاست خود یعنی حذف «دگر» می پردازد؛ در واقع تروریسم ابزار حذف دیگران و اندیشه های آنان است.

تمنا افزود: حال زمانی که این خود فردی تبدیل به خود جمعی می شود خطر آغاز می گردد یعنی وقتی هویت خواهی فردی تبدیل به هویت خواهی جمعی شده و هویت جمعی شکل می گیرد که این هویت خود بر اساس سه مولفه شکل می گیرد: ۱- ملی؛ آرمان ملی (ناسیونالیسم) که بیشتر در کشورهای غربی مصداق دارد؛ ۲- قومی؛ قومیت گرایی مانند صربستان، بوسنی و هرزه گوین و ۳- ایدئولوژی و مذهب که از همه خطرناک تر است و هم اکنون در افغانستان نیز جریان دارد.

وی با اشاره به اینکه تروریسمی که در افغانستان جریان دارد فرا ملی و فرامرزی است و با تاکید بر اینکه آموزش مهم ترین عامل شکل دهنده هویت است گفت که تروریسم از پاکستان وارد افغانستان شده و در مدارس «دیوبندی» که در آن سوی مرزهای دوبرند وجود دارند آموزش داده می شوند.

تمنا با اشاره به اینکه هویت افرادی که توسط خانواده، نهادهای مدنی و فرهنگی به خوبی شکل نگرفته و ضعیف است به راحتی قابلیت جذب شدن به سمت تروریسم و شکل گرفتن به این سو را دارد

و سیستم های امنیتی منطقه ناتواست چرا که دغدغه های مشترکی از جمله مبارزه با تروریسم، آزادی بیان و ... دارند.

تمنا عامل دیگر در سیاست خارجی افغانستان را پاکستان خواند و گفت که باید نگاه افغانستان در سیاست خارجی خود به پاکستان عقلانی و بر اساس سناریوهای ممکن باشد.

وی در ادامه گفت در این سناریو حماسه جایی ندارد؛ اینکه پاکستان قبلاً جزئی از افغانستان بوده و تعصب بر این کشور در این سناریو جایی ندارد و نگاه باید بر اساس واقعیت باشد.

نفوذ تروریسم از پاکستان به افغانستان عامل دیگری در سیاست خارجی دو کشور است که با استراتژی جدید ترامپ در قابل افغانستان و کشورهای جنوب آسیا و اعمال فشار به اسلام آباد برای قطع حمایت از گروه های تروریستی این موضع تا حدودی برای افغانستان تسهیل شده است.

همچنین باید در نظر داشت که پاکستان قدرت بیشتری از افغانستان دارد و افغانستان ظرفیت تقابل با این کشور را ندارد، اما سازمان همکاری اسلامی در جده می تواند اهرم فشاری باشد بر پاکستان در جهت حمایت از افغانستان.

از دیگر سو بروکسل و شرکای افغانستان در ناتو نیز می توانند به حمایت افغانستان در مقابل پاکستان بپردازند.

گرایی و افغانیزه کردن این نظریه گفت که هم اکنون اتحادیه اروپا، اتحادیه عرب و ایک همه جوامع امن برای افغانستان محسوب می شوند.

وی همچنین گفت که افغانستان برای حل مشکلات امنیتی و پر کردن خلا اقتصادی خود سیاست ترک بی طرفی را در پیش گرفته است که در این میان گرایش به سمت آمریکا و ناتو پیش از سایرین است. وی دلیل این امر را در اجتماع برون منطقه ای سیستم های امنیتی اطراف افغانستان دانست که به سه دسته سیستم امنیتی جنوب آسیا، سیستم امنیتی آسیای مرکزی و سیستم امنیتی خاورمیانه تقسیم می شوند.

وی افزود که افغانستان عضو هیچکدام از این سیستم های امنیتی نیست چرا که هیچکدام از این سیستم ها با سیستم امنیتی افغانستان همخوانی ندارد.

وی همچنین تصریح کرد که در طول ۴ دهه گذشته این سه سیستم امنیتی مشکلات خود را در افغانستان حل کرده و این کشور به محلی برای تسویه حساب این سه سیستم امنیتی تبدیل شده است.

افزون بر این هیچکدام از سه سیستم امنیتی اجازه ورود افغانستان به سیستم دیگر را نمی دهند. لذا افغانستان به سیستم امنیتی چهارم که متعلق به جغرافیای این منطقه نیست و میتوان نام سیستم امنیتی سایه بر آن نهاد می پیوندد که ناتو نام دارد. وی افزود: در واقع قوی ترین ارتباط بین افغانستان



تمنا در ادامه گفت که سیاست بی طرفی منجر به توسعه افغانستان شد اما سیاست ترک بی طرفی سبب شکل گیری ائتلاف هایی مبتنی بر دوستی، دشمنی و یا رقابت شد.

وی تصریح کرد که دولت قبلی افغانستان سیاست امنیت محور داشت اما دولت فعلی سیاست اقتصاد محور دارد و گذر و گریز از سیاست امنیت محور به اقتصاد محور هدف اصلی دولت وحدت ملی برای رشد اقتصادی است.

وی به اشاره به نظریه کارل دوئیچ مبتنی بر منطقه

سخنگوی رئیس جمهور افغانستان در گفتگو با مهر:

افغانستان اجازه استفاده از خاکش علیه همسایگان را نمی دهد

خود یک تهدید و خطری دیگر به شمار می آید. سخنگوی ریاست جمهوری افغانستان تصریح کرد: جغرافیای افغانستان مکانی برای تأمین منافع کشورهای منطقه خواهد شد.

به گفته وی افغانستان در نظر دارد تا کشورهای منطقه را در بخش انتقال انرژی، تجارت و حمل و نقل به هم گره بزند. مرتضوی در این ارتباط خاطر نشان ساخت که همان گونه که افغانستان به چهار متصل شد حکومت این کشور در نظر دارد تا از طریق ازبکستان، ترکمنستان و دیگر کشورهای آسیای میانه کشورهای بزرگ منطقه را به هم متصل کند.

وی به نمایندگی از دولت جمهوری اسلامی افغانستان خطاب به تمام کشورهای منطقه اذعان داشت که سیاست افغانستان؛ سیاست همکاری های منطقه ای بر مبنای منافع جمعی است نه سیاست تقابل.

وی همچنین تصریح کرد که افغانستان در برابر کشورهای مبارزه خواهد کرد.

مرتضوی خاطر نشان ساخت که دروازه های صلح باز است اما حکومت این کشور در برابر گروه هایی که می جنگند و بر علیه مردم بی دفاع دست به سلاح برده اند و ایزاری شده اند برای برخی کشورها با جدیت مقابله خواهد کرد.

سخنگوی ریاست جمهوری افغانستان در این ارتباط گفت: دروازه های صلح باز است و ما برای مذاکره آمادگی داریم اما آنانی که دست به جنایت و کشتار مردم می زنند، مساجد و اماکن مقدس را مورد حمله قرار می دهند، هموطنان بی دفاع ما را به خاک و خون می کشند با قاطعیت تمام مبارزه خواهیم کرد.



اقدامی صورت نخواهد گرفت.

وی همچنین بیان داشت که رابطه افغانستان و آمریکا یک رابطه تعریف شده است و استراتژی آمریکا ابهاماتی که نسبت به کنش آمریکا در مبارزه با تروریسم که در گذشته وجود داشت را برطرف ساخته.

از سوی دیگر مرتضوی از تمام کشورهای خواست تا وضعیت افغانستان را درک کرده و این کشور را برای مبارزه با تروریسم همکاری کنند.

وی گفت: تأکید ما این است که رابطه کشورها با افغانستان دولت محور باشد. متأسفانه برخی کشورها در تلاش این هستند که منافع سیاسی خود را از طریق تماس با گروه های تروریستی تأمین کنند.

به بیان این مقام افغانستانی تماس کشورها با گروه های تروریستی هیچ کمکی بر حل مشکلات نخواهد کرد و

سخنگوی رئیس جمهور افغانستان گفت: به تمام کشورهای همسایه اطمینان می دهیم که از خاک افغانستان علیه آنها استفاده نخواهد شد.

«سید شاه حسین مرتضوی» سخنگوی رئیس جمهور افغانستان در گفتگو با خبرنگار مهر در کابل به تمام کشورها خصوصاً کشورهای همسایه افغانستان اطمینان داد که از خاک افغانستان علیه آنها هیچ اقدامی صورت نمی گیرد.

«مرتضوی» جغرافیای افغانستان را مکانی برای تأمین منافع کشورهای منطقه خواند و اظهار داشت که افغانستان می تواند ایران را به چین وصل کند.

وی در حالی که ارتباط بین افغانستان و آمریکا را یک رابطه استراتژیک تعریف شده عنوان نمود در این ارتباط به صراحت به تمامی کشورهای منطقه اطمینان داد که از خاک افغانستان علیه هیچ کشوری خصوصاً کشورهای همسایه اقدامی صورت نخواهد گرفت.

سخنگوی ریاست جمهوری افغانستان در حالی این سخنان را به میان می آورد که اکثر کارشناسان سیاسی افغانستان به ای عقیده هستند که استراتژی ترامپ در افغانستان آتش جنگ را از گذشته هم در منطقه برافروخته تر می سازد و آمریکا قصد دارد توسط این استراتژی و به بهانه مبارزه با تروریسم در منطقه به ایران و روسیه ضربه زده و این کشورها را از لحاظ سیاسی، نظامی و اقتصادی تضعیف سازد.

اما با بروز این نگرانی ها سخنگوی ریاست جمهوری افغانستان در گفتگو با خبرنگار مهر به تمامی کشورهای منطقه خصوصاً کشورهایی که در همسایگی افغانستان حضور دارند اطمینان داد که از خاک افغانستان علیه آنان

سخنگوی طالبان در گفتگو با مهر:

عربستان برادر طالبان است / نظامیان خارجی نشوند جنگ ادامه دارد



سخنگوی طالبان با اشاره به اینکه عربستان سعودی برادر طالبان است گفت: نظامیان خارجی از افغانستان خارج نشوند جنگ ادامه خواهد داشت.

ذبیح الله مجاهد سخنگوی گروه طالبان مسلح که به عنوان گروه مخالف دولت افغانستان در این کشور در حال جنگ است؛ در یک گفتگوی تفصیلی با خبرنگار مهر، در ارتباط به مسائل سیاسی افغانستان و همچنین مواضع این گروه در افغانستان بحث و گفتگو کرده است.

مجاهد در این گفتگو به خیلی از سؤال هایی که از زمان ایجاد این گروه تاکنون مطرح بوده و همواره طالبان را نزد تحلیلگران سیاسی و حامیان دولت افغانستان به عنوان یک گروه تروریستی معرفی کرده پاسخ ارائه نمود. مجاهد دلیل اصلی برافروخته بودن جنگ در افغانستان را از دید خود به خبرنگار مهر بیان داشت.

سخنگوی طالبان در گفتگوی خود برای ختم جنگ در افغانستان راهکار ارائه نمود؛ هرچند در محافل سیاسی این بحث همواره مطرح بوده است، که طالبان یکی از ابزارهای دست نشانده کشورهای قدرتمند از جمله آمریکا، برای برافروخته بودن همیشگی جنگها در افغانستان هست، تا از این طریق حضور این گروه توجیهی باشد برای بقای طولانی مدت آمریکا و کشورهای غربی در افغانستان.

مجاهد در گفتگو با خبرنگار مهر در خصوص دلیل انجام حملات انتحاری استدلال نمود و در مورد کشته شدن غیر نظامیان در این حملات توجیهات خود را ارائه داشت.

سخنگوی طالبان همچنین در ارتباط به موضوعات دیگری همچون؛ کشته شدن نظامیان افغان توسط جنگجویان طالب در حالی که این گروه ادعای جنگ با آمریکایی ها را دارند، روابط نزدیک طالبان با عربستان سعودی در شرایطی که حکومت آل سعود یکی از متحدان سرسخت آمریکا هست و دیگر مواضع این گروه جنگجو و مخالف دولت در افغانستان دلایل خود را ارائه نمود.

ذبیح الله مجاهد در بخشی از این گفتگو در ارتباط به موضع طالبان با استراتژی ترامپ در افغانستان و پاکستان نیز صحبت کرد.

این عضو برجسته طالبان در ارتباط به بحث هایی که حاکی از اتحاد طالبان و روسیه در مقابل آمریکایی ها هست نیز گفته هایی داشت.

مشروح گفتگوی خبرنگار مهر با ذبیح الله مجاهد را می توانید در ادامه دنبال کنید.

|| سالیان دراز است که مردم افغانستان درگیر جنگ های داخلی هستند، و به همین دلیل کشور شما با ناامنی روبرو بوده، آیا فکر نمی کنید که زمان آن رسیده که به این جنگ ها خاتمه داده شود تا جلوی خونریزی های بیشتر گرفته شود؟

مردم افغانستان مجبور هستند که جنگ کنند، جنگ انتخاب مردم ما نیست و توسط خارجی ها بر ما تحمیل شده، بدبختی، مشکلات و زبان های جنگ از همه بیشتر ما مردم افغانستان را سوزانده است، ما جنگ را بر اساس مجبوریت به پیش می بریم اما این جنگ به انتخاب ما و یا به خاطر منفعت شخصی ما نیست بلکه یک

مسئولیت و یک تکلیف دینی است.

به هر کشور دنیا اگر بیگانه ای یورش ببرد و حمله کند طبیعتاً با مقابله مواجه می شود که این تاریخ جهان ثابت کرده و ملل جهان می فهمند و درک می کنند که اگر هر کشور دنیا نیروهای نظامی خود را به کشور دیگر بفرستد کشوری که با حمله مواجه شده حتماً مردمش برمی خیزند و برای کسب آزادی خود جنگ می کنند.

ما در تاریخ خود داریم که علیه انگلیس ها هم سه جنگ را به پیش بردیم، همراه روس ها هم ۱۴ سال جنگ کردیم، جنگ زبان های خود را دارد اما تکلیف دینی، مردمی و انسانی ما است که در خاک خود برای کسب استقلال و آزادی جنگ کنیم.

واضح است که جنگ زبان بار است اما ما کوشش می کنیم تا زودتر بتوانیم دشمن را از خاک خود برانیم و از وطن و استقلال کشور خود محافظت کنیم.

|| در افغانستان سالهای بسیاری جنگ بوده و مردم افغانستان از این روند خسته شده اند، شما فکر نمی کنید که زمان جنگ ها خیلی طولانی مدت شده و مردم را خسته کرده و آنها را نسبت به زندگی نا امید ساخته؟

ما نمی توانیم اشغال را بپذیریم و بگوییم که مشکلی نیست اگر ما برده باشیم، نوکر بیگانه باشیم، یا مشکلی نیست که در سلطه آمریکا زندگی کنیم و جنگ نکنیم، آنهایی که می گویند از جنگ در افغانستان خسته هستیم خود در رکاب آمریکایی ها هستند و به خاطر منفعت های شخصی و پول این صحبت را می کنند و به همین دلیل جنگ برای آنان خسته کننده است و اینان هستند که تلفات زبان بار می بینند.

کسانی که جهاد می کنند و از آزادی وطن خود دفاع می کنند بسیار با صبر و حوصله بلند و با متانت و حس وطن دوستی جهاد می کنند و تا حال از جنگ خسته نشده اند.

|| اصل استراتژی جنگی شما چگونه است،

شما چرا حملات انتحاری را در شهرها و مناطق مسکونی طرح ریزی می کنید؟

طالبان چند هدف را در استراتژی جنگی خود به پیش می برند که البته بیشتر مناطق نظامی هستند:

اول اینکه هدف مهم ما خارجی ها هستند، و تا وقتی دست ما به مراکز و اهداف خارجی ها می رسد ما دیگر کاری نمی کنیم و اول خارجی ها را هدف قرار می دهیم. دوم اینکه اهدافی که مشخص می کنیم بیشتر مکان های نظامی و قرارگاه های دشمن است که علیه آنان عملیات صورت می گیرد. یعنی اهداف ما مکان های نظامی است.

سوم اینکه در بعضی از شهرها اهداف کلیدی و بسیار مهم استخباراتی، یا یک هدف بسیار مهم خارجی موقعیت دارد، اما در اجرای عملیات همواره کوشش کرده ایم تا به گونه ای اجرا شود تا تلفات مردمی به حداقل برسد، سنجیده می شود تا که انتحار کننده خود را به هدف مشخص شده برساند و بعد عملیات انجام دهد و یک مرکز نظامی را از بین ببرد تا به مردم آسیب نرسد.

|| بنا بر ادعای شما و برای تنها یک نمونه آیا در دو حمله اخیر که شما در نزدیکی اقامت گاه محمد محقق معاون دوم ریاست اجرایی افغانستان و کابل بانک شهر کابل داشته اید، اهداف خارجی یا مکان های نظامی هدف قرار گرفته اند؟!

من مشخص ساختم که در مرحله اول خارجی ها برای ما مهم هستند، به عنوان نمونه حمله ای که چند شب گذشته در بگرام صورت گرفت. این اهداف برای ما بسیار مهم بود.

در ردیف دوم استخبارات اداره کابل برای ما مهم است، به این دلیل که اداره کابل، ارگانهای بسیار مهم اداره کابل و سرپازان اداره کابل هدف ما در مراکز خود هستند، چرا که اداره کابل و استخبارات کابل در جرم و جنایت خارجی ها شریک هستند و حملاتی که شما نام بردید هر دو به استخبارات کابل و مواضع نظامی بوده اند.

|| حمله اخیر شما به یکی از شعبه های کابل بانک رخ داد، آیا کابل بانک یک ارگان نظامی است؟

کابل بانک در یک منطقه امن نظامی ساخته شده تا نظامیان اداره کابل بتوانند از آن حقوق خود را دریافت کنند، به همین منظور است که اداره کابل حقوق افراد خود را از بانک های دولتی پرداخت نمی کند و برای آن یک بانک خصوصی ایجاد کرده است.

|| رسانه ها گزارش هایی را مبنی به کشته شدن غیر نظامیان توسط حملات شما به نشر رسانده اند، آیا می پذیرید که در حملات انتحاری شما غیر نظامیان نیز کشته می شوند؟

ما همیشه در فرمان ها و رهنمودهای مختلف خود تذکر داده ایم که در مکان هایی که خارجی ها بود و باش دارند و یا گشت و گذار می کنند و همچنین مراکز نظامی ایجاب می کند تا مردم خود را از این مناطق دور نگاه دارند تا تلفات نبینند.

اما باید یک موضوع را متذکر شوم که جنگ، جنگ است و گاه عوارض جانبی دارد و باوجود این که ما تمام جزئیات را می سنجم و تمام توان خود را برای جلوگیری از تلفات مردمی به کار می گیریم، امکان دارد بر اساس برخی اشکالات فنی عملیات نظامی در نقطه دقیقی که مشخص شده نه بلکه نزدیک به هدف صورت گیرد و به همین سبب امکان دارد که برخی مشکلات را به مردم به وجود بیاورد.

در کل با اطمینان می گوئیم که هدف ما هرگز کشتن مردم عام یا صدمه زدن به آن ها نیست، اما اگر چنین موضوعاتی به دلیل یک اشتباه صورت می گیرد، این امر می تواند طبیعی باشد!

اگر ما جنگ های سایر نقاط دنیا را بررسی کنیم و آن را با جنگ ما در افغانستان مقایسه کنیم به خصوص جنگی که ما در این ۱۶ سال تجربه کردیم متوجه تلفات بسیار کم غیر نظامی ها در جنگ افغانستان می شویم.

در عراق، سوریه و کشورهای دیگر درگیر جنگ، اگر تلفات غیر نظامیان را بسنجم و ویرانی های صورت گرفته را مطالعه کنیم این موضوع روشن می شود که تلفات غیر نظامیان در جنگ ما میزان حداقلی را دارد.

|| طالبان همواره مطرح ساخته اند که برای کسب استقلال و آزادی با اشغالگران جهاد می کنند، اما بیشتر تلفات جنگ افغان ها هستند، در عملیات شما بیشتر هموطنان شما یعنی افغان ها کشته می شوند و خیلی به ندرت دیده شده که خارجی ها در حملات طالبان از بین برده شوند، استدلال شما در این رابطه چیست؟

کشته شدن نظامیان اداره کابل مربوط به ما نمی شود چون همین افغان نماها هستند که از امریکا حمایت می کنند، ما نگفته ایم شما بروید از امریکا حمایت کنید تا ما شما را به قتل برسانیم، بارهابه این نیروها گفته ایم که جنگ بین ما و امریکا هست، امریکا اشغال گراست و ما مدافع ملت.

تعدادی از مزدوران اداره کابل که افغان نما هستند و خود را افغان می گویند اما در رکاب کفار و در مقابل ایستاده اند و به امریکایی ها خوش خدمتی می کنند ما ملامت نیستیم که آن ها به قتل می رسند، باید هم این عناصر

فاسد کشته شوند، مملکت اگر چنین افرادی را داشته باشد که با یورشگران حمایت کند او خائن ملی محسوب می شود و باید از بین برده شود.

در زمان انگلیس ها هم مجاهدین افغان هایی را از بین بردند که از انگلیس حمایت کرده بودند و افغان هایی را که با شوروی حمایت می کردند را هم ما از بین بردیم و امروز کسانی که در رکاب امریکایی ها ایستاده اند را هم ما خواهیم کشت.

ما بارها دعوت کرده ایم و هنوز هم اسرار داریم که اداره کابل و حامیانش از حمایت امریکایی ها دست بردارند و با برادران مجاهد خود نجنگند و در استقلال کشور خود سهیم شوند و در مقابل ارزش های دینی و انسانی در مقابل ملت خود ایستاد نشوند و اما اگر قبول نمی کنند و برای دفاع از امریکایی ها در مقابل ما ایستاده اند طبیعی است که ما برای از بین بردن موانع سر راه خود آن ها را از بین ببریم.

|| پس از اینکه امریکا بر علیه طالبان دست به اقدام نظامی زد و حکومت طالبان را با سقوط مواجه کرد، طالبان به کوهستان ها و دشت ها پناه بردند، آیا فکر نمی کنید که امریکا به عنوان یک کشور که دارای امکانات استخباراتی پیشرفته است بتواند موقعیت شما را تشخیص دهد و به شما ضربات سنگینی وارد کند؟ از سوی دیگر همین مسئله باعث شده که خیلی ها فکر کنند از طالبان استفاده ابزاری می شود، استدلال شما در این رابطه چیست؟

در ابتدا طالبان هیچ گونه تجربه و آگاهی برای مبارزه علیه امریکا نداشتند و به منظور جلوگیری از تلفات بیشتر و تخریب شهرها و تخریب بیت المال زودتر مناطق تحت کنترل خود را خالی کردند و مجاهدین به سمت کوه و دشت پناه بردند تا امنیت خود را تأمین کنند و هم خود را از لحاظ اسلحه و مهمات تکمیل کنند.

بعد از آن در طول این ۱۶ سالی که ما علیه امریکایی ها جنگ کردیم یک تجربه بسیار خوب به دست آمده است.

در یک آکادمی نظامی وقتی کسی خوب تربیت می شود شاید چهار الی پنج سال تعلیم ببیند، آن هم فقط به صورت نظری اما ما ۱۶ سال هست که با امریکا درگیر جنگیم.

این تهدیدهای امریکایی و کم و زیاد کردن نیروهای شان بر ما تأثیری ندارد، این که یک بار میگویند ما ۸ هزار نظامی زیاد می کنیم، بعد ارقام مداوم بالاتر می رود نشان ترس امریکا هست.

|| عربستان سعودی کشوری است که از همان ابتدای شکل گیری صالبان در افغانستان حمایت خود را از این گروه اعلام کرد، اما سؤال اصلی اینجاست که این کشور یکی از هم پیمانان بسیار متعهد و حافظ منافع امریکا در منطقه است، از سویی دیگر طالبان مدعی هستند که با امریکا درگیر جنگ هستند و اداره کابل و نظامیان دولت افغانستان را به دلیل متعهد بودن با امریکا دشمن خود می پندارند، شما چگونه این موارد را استدلال می کنید؟ آیا دوستی شما با عربستان سعودی استراتژیک است؟

تا اندازه ای که به ما مربوط می شود و ما میتوانیم اظهار

نظر کنیم؛ میتوان گفت که طالبان در مقابل کشورهای اسلامی برنامه مشخص خود را دارند.

ما نمی خواهیم که با هیچ کشور اسلامی در تضاد قرار بگیریم و با آن ها مخالفت کنیم، آن هم با کشوری مثل عربستان سعودی یا کشورهای مسلمان دیگر منطقه یا فرا منطقه ای، به این دلیل که به این عقیده هستیم که مسلمان ها برادر ما هستند و می خواهیم دنیای اسلامی به سمت اتحاد سوق داده شود نه به سمت جنگ و آوارگی.

بعضی موارد مسائل داخلی کشورها است و آنچه که به ما برمی خورد ما هرگز با هیچ کشور اسلامی نمی خواهیم در تضاد قرار داشته باشیم بلکه می خواهیم یک نوع همزیستی را در بین مسلمان ها به میان بیاوریم تا که دست غرب و امریکایی ها و اشغالگران که در کشورهای اسلامی دسیسه طرح ریزی می کنند را از کشورهای اسلامی کوتاه کنیم.

مسائل داخلی کشورهای اسلامی مسئله ای است که شاید کشورهای اسلامی به آن متوجه شوند، اما امارت اسلامی به عنوان یک نهضت اسلامی می خواهد با تمام کشورهای اسلامی روابط دوستانه داشته باشد و کم و کاستی در برنامه های استراتژیک آن ها مسائل داخلی خود آن ها است که می تواند ملحوظات خود را داشته باشد اما در کل با وجود آن ما فکر می کنیم که اتحاد کشورهای مسلمان نیاز به خودگذری و صمیمیت بیشتر دارد.

|| اما عربستان سعودی با امریکا برای مبارزه با تروریسم همکاری هایی داشته اند و از سویی امریکایی ها و غرب شما را به عنوان یک قدرت تروریستی می شناسند، با این وجود هنوز هم سیاست خارجی شما با عربستان سعودی تغییر نخواهد کرد؟

اول باید این را روشن بسازیم که ما یک قدرت تروریستی نیستیم! و تروریست به کسی گفته می شود که ترس و وحشت ایجاد کند، خیلی از کشورها هستند که تروریست دولتی را به پیش می برند، مثلاً اسرائیل یک تروریست دولتی است که امریکا از آن حمایت می کند و کشورهای دیگر که هم پیمان ناتو هستند در واقعیت از تروریسم حمایت می کنند.

و اینکه بعضی کشورها وعده هایی می دهند شاید مشکلات و استراتژی داخلی خود را دارند با غرب یا دیگر کشورهای جهان، اما در عمل ما از این ناحیه خطری را احساس نمی کنیم و خواهان این هستیم که در بین امت مسلمان اخوت و برادری ترویج داده شود و به همین دلیل از مسائل اختلاف برانگیز دوری می کنیم و نمیخواهیم خدای ناخواسته با کشورهای اسلامی در مقابله قرار بگیریم.

|| امریکا مدعی ارتباط نزدیک روسیه با طالبان است، به فرض صحت این موضوع آیا امکان متحد شدن این دو علیه امریکا در افغانستان وجود دارد؟

در پاسخ به این سؤال که ما از کی همکاری می خواهیم یا نه باید گفت؛ هر راهکاری که ما را در راستای آزادی کشور یاری کند می پذیریم و از آن استفاده خواهیم کرد. به صراحت می گوئیم که برای استقلال کشور خود از همه گزینه های مثبت استفاده خواهیم نمود.

|| در مورد حادثه میرو اولنگ برخی آن را اقدام

طالبان می دانند و برخی هم کار داعش. آیا شما دست داشتن طالبان در این حادثه را تأیید می کنید؟

واقعیت یک چیز است و اخبار رسانه های دشمن چیز دیگر.

حکومت به نام خیزش مردمی مردم محل را علیه طالبان مسلح کرد، که از این مردم ۲۸ تن کشته شدند. بعد از این موضوع تعدادی از مردم به مکان دیگر کوچ می کردند که در بین آن ها اطفال و کودکان نیز حضور داشتند و متأسفانه تعدادی از این مردم در بین جنگ گرفتار می شوند و درگیری ها حدود ۸ تن جان خود را از دست میدهند.

به کلی حضور داعش در میزاولنگ را رد می کنیم، در تمام میزاولنگ یک داعشی هم حضور نداشته و همه مجاهدین ما حضور دارند.

نفع هیچ یک از کشورهای منطقه نبوده نشان داد که از جنگ ۱۶ ساله عبرت نگرفته و هنوز هم می خواهد که منطقه را در آتش جنگ بسوزاند. ما هیچگونه اتکایی با پاکستان نداریم و فشارها و اتهاماتی که به پاکستان وارد شده در روند مبارزه طالبان تأثیر نخواهد گذاشت؛ چرا که مبارزه طالبان با حمایت مردمی استوار است و ما نیاز به کمک های بیرونی نداریم. اظهارات ترامپ علیه پاکستان به دلیل خوشنود کردن هند صورت گرفته، آمریکا با این اظهارات قصد بی ثباتی در منطقه را دارد؛ با وجود تنش هایی که بین پاکستان و هندوستان وجود دارد ترامپ پاکستان را مورد تهدید قرارداد تا خود را با دولت هند نزدیک تر کند؛ چرا که پاکستان یک نیروی اتمی در منطقه است و آمریکا می خواهد با بروز اختلافات علیه پاکستان این نیرو را از پای در بیاورد.



|| در ارتباط با کشف گورهای دسته جمعی نظر شما چیست؟ آیا این نشان جنایات طالبان نیست؟

اجساد که از زیر خاک بیرون کشیده شده بودند مربوط به افراد خیزش مردمی بودند که توسط حکومت مسلح شده و علیه طالبان بر خواسته و در جریان جنگ کشته شدند؛ سپس در بین جنگ توسط موسفیدان به صورت موقت دفن و بعد از جنگ از خاک بیرون کشیده شدند. خوب این طبیعی است که کسی که در مقابل ما ایستاد می شود طبعاً کشته می شود.

|| ترامپ چند روز گذشته استراتژی آمریکا برای افغانستان را اعلام کرد و ضمن آن پاکستان را حامی تروریسم خواند و موضع سختی نسبت به پاکستان گرفت، این موضوع واکنش های مختلفی را چه از طرف اسلام آباد و چه از طرف کشورهای منطقه به دنبال داشت، در این شرایط پاکستان و کشورهای منطقه چه موضعی در این باره اتخاذ خواهند کرد؟

موجودیت آمریکا در منطقه بالای تمام همسایه های ما تأثیر منفی دارد. آمریکا با استراتژی متضاد خود که به

این اشخاص میدانند که بمباران صورت می گیرد و مردم افغانستان کشته می شوند، آن ها می دانند که افغانستان اشغال شده است، میدانند که کنترل زمین و آسمان در دست آمریکایی ها است و هر چیزی که آمریکایی ها خواسته باشند تطبیق می شود، اداره کابل چون وابسته به آمریکایی ها هست نمی تواند حقیقت اشغال را قبول کند.

البته این موضوع را که بودن نیروهای خارجی کاملاً به زبان مردم افغانستان است را حتی یک کودک خردسال هم درک می کند. شما در هیچ کشوری نمی بینید که نیروهای خارجی را بدون پاسپورت اجازه دخول دهند. حامد کرزای در ابتدا حامی نظامیان آمریکا بود، اما زمانی که تداوم و شدت جنگ و مخالفت مردم از حضور نیروهای بیگانه را دید و دانست که این یک حرکت مردمی است و مردم خود جوش در مقابل آمریکایی ها بر خواسته اند دست به مخالفت با آمریکا زد، کرزای حالا تلاش می کند که خود را به جامعه نزدیک تر بسازد تا پیشینه خود را پاک کند.

|| آیا طالبان برای ختم جنگ و برقراری صلح راهکاری دارند، آیا شما برای صلح تلاشی کرده اید یا می کنید؟ تا چه زمانی قصد دارید به جنگ ادامه دهید؟

این سؤال که تا چه زمانی جنگ های ادامه دارد را باید از آمریکایی ها پرسید، چرا که این امریکا هست که به کشور ما یورش برده، و مردمان هر کشوری هم که جای ما می بودند همین کاری را می کردند که ما می کنیم، یعنی در مقابل اشغال گر ایستاد می شدند و مبارزه می کردند.

اما برای برقراری صلح ما حاضر هستیم هر زمانی که کشور ما از زیر سلطه خارجی ها بیرون شود مذاکره و صلح کنیم.

ما فقط می خواهیم که اشغالگران و نیروهای نظامی خارجی کشور ما را ترک کنند چرا که افغانستان خاک ما و متعلق به ما هست و تصمیم گیری در رابطه به آن در اختیار ملت افغانستان میشود.

این حق ما هست که این هزاران تن از خارجی هایی که در کشور ما جولان می دهند و مردم بی گناه ما را به خاک و خون میکشند از کشور خود بیرون کنند.

|| انتقادهای بسیاری وجود دارد که با وجود ادعای طالبان مبنی بر خروج نیروهای آمریکایی، در صورتی که این نظامیان تا پایان سال ۲۰۱۴ بسیاری از نیروهای خود را خارج کرده اند اما هیچ واکنشی از سوی طالبان که بتواند باعث صلح شود بروز داده نشد، تحلیل شما در این رابطه چیست؟

بله این واقعیت هست، تا زمانی که آمریکا در کشور ما حضور داشته باشد تعداد حضور اشغال گران برای ما تفاوتی ندارد.

هنوز هوایمهای آمریکایی حریم کشور را نقض می کنند، همین چند شب گذشته در فراه هوایمهای آمریکایی خانه های ما را بمباران کردند، اگر یک هوایمهای آمریکایی باشد و ظلم کند ما مجبور هستیم مقابله کنیم.

این دلیل معقول نیست که با کاهش نیروهای آمریکایی ما جنگ را هم کاهش دهیم، تا کشور ما به معنای واقعی آزاد نشده، ما بر اساس تکلیف دینی، اسلامی و انسانی مجبور هستیم جنگ را ادامه دهیم و از آزادی خود دفاع کنیم.

البته این تهدیدهای آمریکا جایی را نمی گیرد، آمریکا از همان ابتدا هم با تهدیدات بلندپروازانه بوش جنگ را شروع کرد و او با ما ۸ سال تهدیدات خود را ادامه داد و نیروهای بسیاری را فرستاد و هزینه های سنگینی را متقبل شد.

تهدید در گفتار و عمل متفاوت است، در عمل آمریکا شکست خورده، اقتصادش از بین رفته، ناامید شده و اعتماد جهانی خود را هم از دست داده.

تهدید آمریکا هیچ ارزشی برای ما ندارد و آمریکا با وجود این تهدیداتی که کرده شاهد خواهید بود که پوزشان را به خاک می مالیم.

|| واکنش ها به استراتژی ترامپ در داخل افغانستان متفاوت بود، هر چند «اشرف غنی» و «عبدالله عبدالله» رهبران دولت وحدت ملی این کشور از این راهبرد استقبال کردند اما مقاماتی همچون «حامد کرزای» رئیس جمهوری پیشین این کشور به شدت با این راهبرد مخالفت کرد. دلیل این واکنش های متفاوت چیست؟

زبان وجود آمریکایی ها در منطقه را همه درک می کنند، هم اشرف غنی و هم عبدالله و همچنین کرزای.

پاکستان و چرخه بی ثباتی سیاسی



اگر در ساختارها، ارزش‌ها و نیروهای اجتماعی پاکستان تغییری حاصل نشود، بی‌ثباتی سیاسی همچنان در این کشور تداوم خواهد یافت.

محمد نواز شریف، نخست وزیر پاکستان، در هفته اول مرداد ماه ۱۳۹۶ با اعلام نظر دادگاه عالی این کشور به علت فساد اقتصادی اطرافیان خود، از قدرت برکنار شد و در روز دهم مرداد ماه، شاهد خالقان عباسی وزیر نفت دولت نواز شریف و کاندیدای حزب مسلم لیگ (شاخه نواز) با کسب ۲۲۱ رای از مجموع ۳۴۲ کرسی مجلس پاکستان در برابر ۴۷ رای سیدنوید قمر، کاندیدای حزب مردم، نخست وزیر پاکستان شد.

این نخستین بار نیست که یک نخست وزیر پاکستان پیش از پایان دوره قانونی خود، از سربر قدرت به وسیله یک عامل بیرونی پایین کشیده می‌شود و بی‌ثباتی سیاسی در کشور پدید می‌آید، برای نمونه، نواز شریف در سال ۱۹۹۹ نیز در کودتای نظامیان به رهبری ژنرال پرویز مشرف از قدرت برکنار، بازداشت و سپس به عربستان تبعید شده بود. اما این بار، اگرچه کنار گذاشتن شریف با میزان بی‌ثباتی کمتری همراه بوده است، با این حال دوباره، خبر از وقوع تحولات تازه‌ای در عرصه سیاست پاکستان و پررنگ‌تر شدن نقش ارتش برای بار دیگر در این کشور می‌دهد.

سیاست پاکستان، عرصه‌ای است از چرخش قدرت در دست سیاستمداران مدنی که با انتخابات بر سر کار می‌آیند، برکناری آنان نیز به علتی خاص، از جمله کودتای نظامیان و قرارگیری آنان بر سربر قدرت، اتحاد احزاب و گروه‌های مخالف نظامیان، اجبار آنان به برگزاری انتخابات، فرو افتادن نظامیان از قدرت و تداوم روند این چرخه، اما پی بردن به راز این چرخه قدرت، نیاز به بررسی عمیق‌تری از درون سیاست و جامعه پاکستان دارد.

در سال ۱۹۴۷ هم‌زمان با به نتیجه رسیدن خیزش مردم هند برای استقلال یافتن از انگلستان که از ۱۸۵۷ آغاز شده بود، بخشی از مبارزان مسلمان استقلال طلب هند به رهبری محمدعلی جناح در حزبی به نام لیگ مسلمانان هند سازمان یافته و خواستار عملی شدن اندیشه اقبال لاهوری در ۱۹۳۰ مبنی بر حضور مسلمانان هند بطور مستقل در کشوری جداگانه و بر پایه اسلام سامان یافته باشد.

از این‌رو در دو بخش غربی و شرقی هندوستان که مسلمانان اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دادند، با تمام مخالفت‌هایی که مهاتما گاندی رهبر استقلال هندوستان از تجزیه کشور داشت، کشور تازه‌ای به نام پاکستان تشکیل شد. در همین زمان، مهاجرت جمعیت زیادی از هندوها و مسلمانان برای جابه‌جا شدن به هندوستان و پاکستان آغاز شد، تا بتوانند در سرزمینی که همسانی بیشتر با آن دارند، سکونت گزینند. البته ذکر این نکته نیز اهمیت دارد که پاکستان شرقی، سپس در سال ۱۹۷۱ از جمهوری اسلامی پاکستان جدا شد و نام بنگلادش را بر خود نهاد.

با اینکه اسلام، عامل هویتی ایجاد کشوری به نام پاکستان، با نوع حکومت جمهوری اسلامی بود و ریشه نام این کشور نیز از پاک برمی‌خیزد. با این حال آنچه به عنوان ابزار بسیج‌کننده برای استقلال پاکستان می‌توان از آن یاد کرد، ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) بود.

بحران‌های غیرقابل انکاری روبه‌رو کرد که نه تنها اجازه رشد دموکراسی را ندادند که به دست به دست شدن قدرت، بحران سیاسی و در نهایت به بی‌ثباتی سیاسی نیز دامن زدند، تا آنجا که در پاکستان معروف است کمتر دولتی، زمام امور را تا پایان دوره قانونی خود در دست خواهد داشت.

نباید از نظر دور داشت که ثبات سیاسی از راه‌های گوناگونی می‌تواند به چالش کشیده شود، این عوامل می‌تواند داخلی یعنی قومی، مذهبی، هویتی، اقتصادی و... و یا خارجی باشد. اما یک نکته بنیادی درباره بی‌ثباتی سیاسی در بیشتر نظریات به چشم می‌خورد و آن رابطه‌ای است که مفهوم ثبات سیاسی با امنیت دارد. به این ترتیب بسیاری از صاحب‌نظران، امنیت و ثبات را یکسان تعریف کرده یا حداقل دو روی یک سکه دانسته‌اند، چرا که امنیت به معنای رهایی از تهدیدها در قبال ارزش‌های اساسی جامعه است و پاکستان که همواره در ترس امنیتی از هندوستان به سر می‌برد و آن را بنیاد هویت خود ساخته است، همواره سایه بی‌ثباتی سیاسی را نیز به دوش خواهد کشید.

اگرچه پاکستان تلاش دارد با بزرگ نشان دادن تهدید هند، موازنه قوا را با آن کشور حفظ کند و بر این اساس حتی به بمب هسته‌ای نیز دست یافته است، اما هم سیاستمداران و هم نظامیان پاکستانی به خوبی می‌دانند که مشکل اصلی امنیتی این کشور ناشی از بنیادگرایی مذهبی و قومی است که از ناحیه پشتون‌های ساکن شمال کشور و جنوب مرز دیوراند که خاستگاه طالبان محلی پاکستان است، پدید می‌آید.

کسانی که قصد تجزیه کشور را برای برپایی پشتونستان بزرگ در سر می‌پروراند، اینان همان کسانی هستند که حملات تروریستی در پاکستان انجام می‌دهند، ارتش از قدرت آنها برای ترور مخالفانی چون بوتو و دولت‌های برسر کار ناهمسو یا ناساز با برنامه‌های خود برای از

با وجود چنین تعارضی، در عمل کشوری تشکیل شد که نه سکولار بود، آنچنان که در اندیشه‌های ملی‌گرا وجود دارد و نه قوانین شریعت در سیاست آن اجرا می‌شد، آنچنان که در اسلام سیاسی بدان توجه می‌شود. از سوی دیگر ناهمگونی قومی را نیز باید به این وضعیت اضافه کرد که منجر به ایجاد کشوری با ساختار فدرالی شد. در مجموع هم هیچ یک از این عوامل، یعنی ملی‌گرایی، اسلام و قومیت، نتوانستند ارزش‌های محورین خود را برای ایجاد پایه‌های مشروعیت بخش تک بُعدی، در پاکستان فراهم آورند و به این ترتیب بود که نقش پایدار ماندن پاکستان به وجود دشمنی به نام هند، سپرده شد تا تهدیدهای امنیتی از سوی هند که در پاکستان بسیار بزرگ جلوه داده می‌شد و منازعه بر سر جامو و کشمیر مظهر آن بود، بتواند ضامن بقای پاکستان باشد. با چنین وضعیتی، برخلاف انتظار نخبگانی چون اقبال لاهوری و محمدعلی جناح، نمی‌توانست انتظار ویژه‌ای وجود داشته باشد تا در پاکستان یک دموکراسی واقعی پدید آید و در عمل نیز یک دموکراسی صوری بر بنیاد نهادهای بر جا مانده از دوران استعمار انگلستان برقرار شد.

تکیه کردن بر وجود تهدیدات امنیتی از سوی هند در پاکستان، به مشکل دیگری نیز برای پیدایش دموکراسی و در پی آن ایجاد ثبات سیاسی دامن زد که تا کنون نیز تداوم یافته است و آن، پررنگ شدن نقش ارتش پاکستان و سازمان‌های اطلاعاتی این کشور نظیر اطلاعات ارتش پاکستان (آی.اس.آی) و نیز سازمان امنیت این کشور که در اختیار نظامیان است، گردید، که در کل نقش عمده‌ای در تحولات سیاسی و اقتصادی این کشور بازی می‌کنند. میلیتاریزه شدن عرصه سیاست، رشد قومیت‌گرایی، سیاسی شدن بنیادگرایی، کنترل ارتش بر بیشتر بنگاه‌های اقتصادی بزرگ، افزایش شکاف‌های اجتماعی و خود ساختار سیاسی کشور، به زودی پاکستان را با

آن شده است که برادرش شهباز شریف، رهبری حزب را برعهده بگیرد و جانشین نواز شود، البته باید دانست که با این حال نیز، رهبر پنهانی حزب، نواز شریف باقی خواهد ماند. اما آنچه باعث می شود این کار تا انتخابات سال ۲۰۱۸ ناممکن باشد، آن است که شهباز شریف، سروریزر کنونی ایالت پنجاب، نماینده مجلس نیست و نمی تواند در حال حاضر نخست وزیر شود و برای این منظور، نخست باید به نمایندگی شورای ملی (مجلس) انتخاب شود. قرار گرفتن قدرت در دست وی، به عنوان نخست وزیر نیز منوط به برد انتخابات توسط حزب مسلم لیگ (شاخه نواز) در انتخابات ۲۰۱۸ پاکستان است.

این در حالی است که آصف علی زرداری به تازگی و پس از برکنار شدن نواز شریف به علت پرونده پاناما، از تبعید خود خواسته در امارات به همراه پسرش بلاول بوتو زرداری (جانشین سیاسی هر دو خانواده) به پاکستان بازگشته و امید دارد تا بار دیگر بتواند با پیروزی در انتخابات به قدرت دست یابد و البته به نظر می رسد بر اساس تجربیات سیاسی در پاکستان که بعد از برکناری رهبر یک حزب به علت دست داشتن در فساد اقتصادی، حزب رقیب از احتمال برد بیشتری در انتخابات برخوردار می شود، حزب مردم بتواند قدرت را با برد در انتخابات

در اختیار بگیرد. زرداری از همین حالا، مبارزه انتخاباتی را با متهم کردن نواز شریف در اجرا نکردن قرارداد گاز میان ایران و پاکستان که می تواند هزینه انرژی در این کشور را برای مردم کاهش دهد، آغاز کرده است و این فرصت مناسبی برای جمهوری اسلامی ایران است تا با استفاده از بی ثباتی حاضر در پاکستان، خواهان اجرای سریع این پروژه شود، چرا که حزب مسلم لیگ با اجرای آن، می تواند احتمال برد خود را در انتخابات ۲۰۱۸ افزایش دهد و حزب مردم نیز وعده اجرای آن را برای پیروزی در انتخابات، به شدت دنبال خواهد کرد.

از سوی دیگر، اگر در ساختارها، ارزش ها و نیروهای اجتماعی پاکستان تغییری حاصل نشود، بی ثباتی سیاسی همچنان در این کشور تداوم خواهد یافت. روابط آمریکا با پاکستان پس از روی کار آمدن ترامپ، دیگر وضعیت مناسب پیشین را ندارد، چرا که در راهبرد ترامپ برای افغانستان، پاکستان باید از حمایت طالبان و پناه دادن آنان در خاک خود دست بردارد و این امر که نواز شریف در حال نزدیک شدن به آمریکا بود، مزید علت دیگری شده بود که وی از قدرت برکنار شود، چرا که ارتش به هیچ وجه نمی خواهد نفوذ خود را در افغانستان از دست دهد حتی به قیمت بی ثباتی سیاسی، تا بتواند خطر تجزیه پاکستان را کاهش دهد.

در نتیجه، ارتش در حال فشار بر دولت است تا به چین و روسیه که از نظر ساختاری بیش از آمریکا امنیتی هستند، به عنوان متحدان جدید توجه کند و این تغییر در حرکت به سوی متحدان جدید، بی ثباتی سیاسی را تداوم خواهد بخشید، چرا که می تواند سایه آمریکا بر کنترل سلاح های هسته ای پاکستان را کم کند، معارضة با هند را تقویت کرده و کنترل بیشتری به ارتش برای تسلط بر عرصه سیاسی پاکستان ببخشد. در یک کلام، بخش بزرگی از بی ثباتی پاکستان و تداوم آن، از ارتش این کشور و سازمان اطلاعات ارتش که بسیار پرنفوذ است، نشات می گیرد.



سابق کریکت) توانست جایگاه دوم را به دست آورده و به نواز نواز دو حزبی مسلم لیگ (تاسیس ۱۹۴۷) و حزب مردم (تاسیس ۱۹۶۷) در عرصه سیاسی پاکستان پایان دهد، اگرچه امروز کمتر نامی از حزب تحریک انصاف در سطح ملی پاکستان شنیده می شود، اما در کل، احزاب به همراه گروه های مذهبی و قومی دارای نفوذ بخش دیگری از هرم قدرت سیاسی در پاکستان را تشکیل می دهند و جدال های میان آنان، دولت و ارتش، همه با یکدیگر زمینه اصلی بی ثباتی سیاسی را در پاکستان تشکیل می دهد.

احزاب معروف در پاکستان که با سه مورد از آنها آشنایی داده شد، عبارتند از: حزب مسلم لیگ (شاخه نواز) که محافظه کار و دست راستی است، حزب مردم، حزب ملی عوامی، حزب جنبش متحد قومی و حزب تحریک انصاف که هر چهار سکولار، معتدل و دست چپی هستند، حزب جمعیت علمای اسلامی و حزب جماعت اسلامی و سپاه صحابه که بنیادگرا، افراطی و طرفدار طالبان هستند، تا آنجا که مولانا فضل الرحمن، رئیس جمعیت العلمای اسلامی، پدر معنوی طالبان نام گرفته است و نیز نهضت جعفری که شیعه است و با طالبان دشمنی دارد.

تمامی این احزاب و گروه ها نیز در پاکستان دارای قدرت هستند و جدال آنها، به ویژه آنها که به ارتش نزدیک ترند، همچون احزاب و گروه های بنیادگرای طرفدار طالبان و نیز دست راستی هایی مثل مسلم لیگ، با دیگر احزاب و گروه ها و جامعه مدنی پاکستان، بر سر کنترل منابع قدرت و نیز اقتصاد، عوامل اصلی تداوم بی ثباتی سیاسی در پاکستان است.

اگرچه در حال حاضر شاهد خان عباسی، نخست وزیر پاکستان است، اما همه شواهد نشان می دهد که وی نخست وزیر موقت بوده و دولتی مستعجل دارد که نمی تواند به پاکستان ثبات ببخشد، بخشی از این ناتوانی در حفظ ثبات نیز به خود نواز شریف باز می گردد که اگرچه دیگر نخست وزیر نیست، اما در لایه های اصلی حزب، هنوز رهبر حزب مسلم لیگ (شاخه نواز) است و در سیاست، گاهی نفوذ در قدرت، بیش از داشتن آن ارزش دارد.

به علاوه، تصمیم حزب بر پایه نفوذ نواز شریف بر

میان بردن نیروی آنان بهره می برد. در پاکستان، در ساختار هرم سیاسی، قوه مجریه متشکل از رئیس جمهور، نخست وزیر، کابینه فدرال و شورای امنیت ملی است. با اینکه رئیس جمهور یک مقام تشریفاتی است و نخست وزیر مقام اجرایی کشور است، اما قوانین نانوشته ساختار سیاسی پاکستان موجب شده تا حضور فردی پرنفوذ در این سمت، همچون ضیاء الحق، پرویز مشرف، آصف علی زرداری و... مانع اساسی از ایجاد ثبات سیاسی در پرتو فعالیت نخست وزیر باشد. قوه مقننه پاکستان یا مجلس شورا، متشکل از دو مجلس سنا و ملی است، نمایندگان مجلس را مردم هر ایالت و مناطق قبایلی و پایتخت، به طور مستقیم انتخاب می کنند و نمایندگان مجلس سنا را اعضای مجالس ایالتی برمی گزینند.

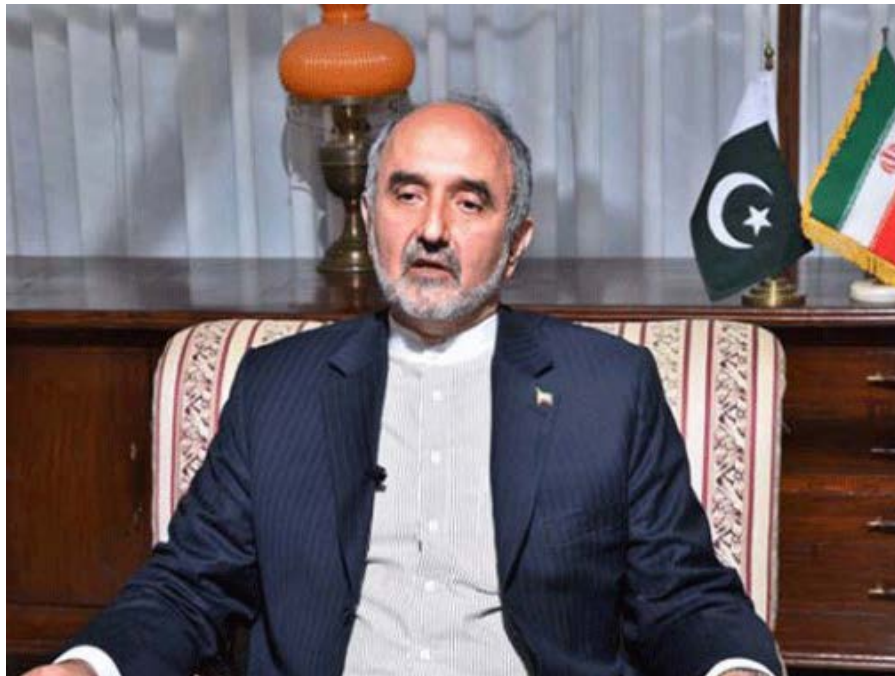
رئیس جمهور را هیاتی متشکل از اعضای سنا، مجلس ملی و اعضای مجالس ایالتی انتخاب می کنند و نخست وزیر از سوی نمایندگان حزب حاکم در مجلس ملی برگزیده می شود. اما قوه قضائیه پاکستان شامل دیوان عالی، دیوان های ایالتی، دادگاه های محلی و دادگاه فدرال شریعت است، رئیس دیوان عالی را هم رئیس جمهور انتخاب می کند و به همین دلیل اگر فردی پر قدرت رئیس جمهور شود، نفوذ زیادی بر دیوان عالی خواهد یافت، چنانچه مشرف تلاش کرد از این نفوذ استفاده کند و قضات دیوان عالی را معزول گرداند که منجر به بی ثباتی سیاسی و در نهایت سقوط او با برگزاری انتخابات در سال ۲۰۰۸ شد، همان انتخاباتی که بی نظیر بوتو که مخالف حضور نظامیان و حمایت آنان از طالبان بود، در یک حادثه تروریستی، ترور شد، ولی حزب وی، یعنی حزب مردم توانست، انتخابات را ببرد، زرداری، همسر وی را، به مقام ریاست جمهوری بنشانند و یوسف رضا گیلانی را به مقام نخست وزیر برسانند. البته آنها نیز به دلیل فساد زرداری مجبور به کناره گیری شده و تا برگزاری انتخابات سال ۲۰۱۳، دولتی موقت در پاکستان بر سر کار بود.

انتخابات ۲۰۱۳ که در آن، برای نخستین بار حزب سومی به نام تحریک انصاف به رهبری عمران خان (قهرمان

مهدی هنر دوست در گفتگو با مهر:

روابط تجاری ایران و پاکستان در پسابرجام ۳۵ درصد رشد داشته است

افشین مجلسی



سفیر ایران در پاکستان گفت که در دوران پسابرجام شاهد افزایش ۳۵ درصدی روابط تجاری ایران و پاکستان هستیم ولی فقدان روابط بانکی با پاکستان عامل مهمی در عدم افزایش تعاملات بازرگانی دوجانبه است. افزایش روابط ایران و پاکستان به ویژه در بخش اقتصادی طی سالهای اخیر به ویژه پس از شکسته شدن تحریم های ایران و همچنین گسترش تعاملات فرهنگی طرفین که از دیرباز به دلیل فرهنگ نزدیک دو کشور دوست و همسایه در جریان بوده است، عاملی شد برای دیدار خبرنگار مهر با «مهدی هنر دوست» سفیر ایران در اسلام آباد و انجام گفتگویی در این راستا که در ادامه از نظر می گذرد:

|| در مورد امنیت مرزی، آیا تاکنون جنابعالی شخصا از مناطق مرزی به منظور مشاهده اقدامات پاکستان در جهت جلوگیری از فعالیت های اشرار و استفاده از خاک پاکستان علیه ایران دیدن کرده اید؟

بله، بازدید کامل در سال گذشته از نوار مرزی داشتیم که البته این بازدید با هدف کلی اطلاع یافتن از تمامی موضوعات مربوط به مرز اعم از گذرگاه ها و بازارچه های مرزی و مشکلات موجود و یافتن راه حل ها بود.

|| چرا حجم روابط تجاری دو کشور بزرگ ایران و پاکستان، ایران با جمعیت ۸۰ میلیونی و پاکستان با جمعیت ۲۰۰ میلیونی پائین است؟

دو کشور ایران و پاکستان دارای اشتراکات فراوانی هستند. فرهنگ و ادبیات، تاریخ و تمدن، دین و آئین، همسایگی با مرز ۹۰۰ کیلومتری مشترکاتی هستند که پیوندهای ناگسستنی فیما بین را بوجود آورده اند. از جمله عواملی که روابط ایران و پاکستان را در حد کمتر از انتظار نگاه داشته فقدان اطلاعات و عدم شناخت کافی از همدیگر است. این موضوع همه اقشار و طبقات دو کشور را در بر گرفته است، مسلما افزایش حجم روابط تجاری با تعاملات اتاق های بازرگانی و تجار امکان پذیر است و این هم با افزایش شناخت میسر است. به عبارت دیگر ارتقاء همه جانبه روابط مستلزم شناخت بیشتر است و این موضوع نقش و جایگاه رسانه ها را مشخص می سازد که می توانند در آگاهی دهی به مردم خود موثر واقع شوند. این سفارت با علم به این موضوع سال گذشته هیاتی از اصحاب رسانه پاکستان را به ایران گسیل داشت و هم اکنون نیز شاهد حضور هیات رسانه ای ایران در پاکستان هستیم.

در دوران پسابرجام و با تلاش های به عمل آمده شاهد رونق نسبی در حجم روابط تجاری بوده ایم به صورتی که شاهد افزایش ۳۵ درصدی روابط تجاری هستیم. اما کماکان فقدان روابط بانکی با پاکستان یک عامل بسیار مهم در عدم افزایش تعاملات بازرگانی دوجانبه علاوه بر موضوع فوق تحریم های بین المللی عامل موثری در پائین بودن حجم روابط

جهت تقویت روابط نخست وزیر پاکستان (نواز شریف) دو دیدار از کشورمان داشته که دستاوردهای ملموسی را به همراه داشته است. در همین چارچوب دیدارهای مستمری بین روسا و وزرای دو کشور برقرار بوده که نموده بارز آن دیدار اخیر رئیس جمهور کشورمان با نخست وزیر پاکستان در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل می باشد.

تلاش های سفارت جمهوری اسلامی ایران برای ارتقاء سطح روابط، بخش اقتصادی و تجاری را نیز در بر گرفته است. امارت تجارت دو سویه رسمی میان ایران و پاکستان طی سال گذشته به حدود یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار افزایش یافت که بخش عمده این رقم سهم صادرات ایران به پاکستان است.

بر این اساس ریزنی های متعددی در جهت افزایش ارزش مبادلات تجاری دو کشور در جریان است و معتقد هستیم رسیدن به میزان ۵ میلیارد دلار حجم روابط تجاری قابل تحقق است. هم اکنون اقدامات دو کشور برای تحقق خواسته و تاکید رئیس جمهوری اسلامی ایران و نخست وزیر پاکستان، با جدیت تمام ادامه دارد و پس از فعال شدن کانال های بانکی، سرعت افزایش همکاری های تجاری دو کشور، چند برابر خواهد شد.

دو طرف به دنبال توافق بر نقشه راه برای رفع مشکلات تعاملات بانکی برای تسهیل تجارت دو کشور بوده و رفع این مانع نیز در مراحل پایانی قرار دارد که امیدواریم به زودی این مانع برداشته شود.

حجم صادرات و واردات میان ایران و پاکستان طی دو سال گذشته سیر صعودی گرفته، در سال ۱۳۹۴، کل مبادلات تجاری رسمی میان دو کشور تنها ۸۶۱ میلیون دلار بوده است. این رقم در سال ۱۳۹۵ به بیش از یک میلیارد و ۱۵۰ میلیون دلار افزایش یافت. انتظار می رود در پایان سال جاری، تجارت میان دو کشور نسبت به سال گذشته نیز افزایش یابد. ارزش اقلام صادراتی ایران به پاکستان در

تجاری فیما بین بوده است. در دوران پسابرجام و با تلاش های به عمل آمده شاهد رونق نسبی در حجم روابط تجاری بوده ایم به صورتی که شاهد افزایش ۳۵ درصدی روابط تجاری هستیم. اما کماکان فقدان روابط بانکی با پاکستان یک عامل بسیار مهم در عدم افزایش تعاملات بازرگانی دوجانبه است. علیرغم اینکه با امضای برجام شاهد برقراری روابط بانکی بسیاری از کشورها با ایران بوده ایم، روابط بانکی با پاکستان برقرار نشده است. البته تلاش هایی در جریان تا روابط بانکی برقرار شود و امیدواریم به زودی این امر با همکاری طرف پاکستانی عملی شود.

|| به عنوان سفیر ایران چه اقداماتی در جهت ارتقای سطح روابط دو کشور به عمل آورده اید؟

روابط دو کشور ایران و پاکستان از اهمیت بسزائی برخوردار است و به همین دلیل در جهت ارتقای همه جانبه روابط تلاش ها و اقدامات موثری صورت پذیرفته است. یکی از نموده های بهبود روابط بین کشورها میزان رفت و آمدهای مقامات و شخصیت های سیاسی اقتصادی نظامی و ... است.

در طول مدتی که اینجانب در کشور پاکستان مسئولیت داشته ام رئیس جمهور محترم کشورمان آقای روحانی در راس هیات های بلندپایه دوبار به این کشور سفر داشته اند که یک سفر مربوط به روابط دوجانبه بوده و سفر دیگر به منظور شرکت در اجلاس سران اکو در اسلام آباد صورت پذیرفته است.

ثمره دیدار اول رئیس جمهور امضای هفت یادداشت تفاهم همکاری در زمینه های اقتصادی، بازرگانی، علمی فرهنگی، بهداشتی و دانشگاهی بوده و در سفر دوم نیز علاوه بر مذاکره پیرامون مسائل دوجانبه، نقش و جایگاه همکاری های منطقه ای و بین المللی دو کشور تقویت گردیده است. به طور متقابل و در

سال ۱۳۹۵ بیش از ۷۹۵ میلیون دلار و واردات از این کشور همسایه حدود ۳۶۵ میلیون دلار بود. پروراز مستقیم بین پایتخت های دو کشور (تهران - اسلام آباد، اسلام آباد- تهران) با تلاش های مستمر و پیگیرهای دائمی سفارت برای نخستین بار برقرار شده است که عاملی موثر در جهت تعامل گسترده تر بازرگانان دو کشور و افزایش مبادلات فیما بین است. افزایش همکاری دوجانبه در بخش های ترانزیت جاده ای و ریلی و حمل و نقل دریائی و هوائی را از دیگر برنامه های در دست اجرا بوده و در این بخش ها نیز توافقاتی حاصل شده و به زودی اجرائی می شود. یکی از زمینه های مهم همکاری بین ایران و پاکستان بخش انرژی است. ایران کشور هم به لحاظ منابع انرژی فسیلی غنی است و هم به لحاظ تولید انرژی الکتریسیته توان صادرات بالائی دارد. در سوی دیگر پاکستان برای تامین نیازهای داخلی خود برای مصارف صنعتی و شهری نیازمند انرژی است. در حال حاضر خط لوله گاز بین ایران و پاکستان از سوی ایران تکمیل شده و انتظار داریم طرف پاکستانی اقدامات لازم را جهت انجام آن در خاک خود و اجرائی شدن خط لوله مذکور بردارد. هم اکنون صادرات برق ایران به پاکستان ۷۶ مگاوات است و اعلام آمادگی نموده ایم

در گام اول آنرا به ۱۰۰ مگاوات و در گام های بعدی به ۱۰۰۰ مگاوات افزایش دهیم. ظرفیت های همکاری اقتصادی بین ایران و پاکستان تنها منحصر به روابط دوجانبه نمی شود. در حال حاضر در پاکستان کریدور اقتصادی چین-پاکستان با سرمایه گذاری طرف چینی در حال انجام است و ایران اعلام آمادگی نموده در این پروژه هم به لحاظ تامین انرژی و هم به لحاظ صدور خدمات فنی مهندسی مشارکت نماید. گسترش همکاریهای رسانه ای، فرهنگی، تبادل هیات های خبرنگاری، گروههای هنری، فعال شدن کمیسیون های مرزی در این چارچوب می گنجد.

|| زمینه های همکاری مشترک میان دو کشور چیست؟

ایران و پاکستان با توجه به اشتراکات موجود در همه زمینه ها پتانسیل افزایش همکاری دارند. به لحاظ سیاسی در موضوعات دوجانبه، منطقه ای و بین المللی به ویژه موضوع افغانستان و امکان همکاری و تعامل به منظور ثبات بخشی به آن کشور وجود دارد. همانگونه که ذکر شد زمینه های اقتصادی متعددی مانند انرژی، تجارت، حمل و نقل و ... هستند که ظرفیت بالائی برای

توسعه دارند. ایران توان افزایش صادرات کالاهایی همچون پروپان و بوتان (LPG)، قیر، خشکبار و سایر مشتقات گازی و نفتی به عنوان مهم ترین اقلام صادراتی کشورمان به پاکستان را دارد. بازرگانان دو کشور در بخش های مختلف نظیر صنعت و معدن، سنگ های قیمتی، راه اندازی نمایشگاه های تجاری دوجانبه، کشاورزی و گردشگری، صنایع داروئی و صنایع پزشکی می توانند همکاری کنند و امید است با رفع مشکلات مربوط به باز کردن ال -سی و رفع موانع تجارت آزاد بین دو کشور، حجم مبادلات تجاری دو کشور افزایش یابد.

|| افکار عمومی پاکستان علاقمند به ایران است. ایران چگونه می تواند از این پتانسیل برای تعمیق روابط استفاده کند؟

علاقتمندی مردم پاکستان گنجینه ای است که بهره برداری از ظرفیت های موجود در روابط را آسان می سازد. در واقع با برداشته شدن موانعی که در اثر عوامل خارجی بر روابط دو کشور تحمیل شده علایق فیما بین به عنوان یک عامل محرک عمل نموده و شاهد تسریع در بهبود و گسترش روابط دو کشور در تمامی ابعاد خواهیم بود.

معاون رئیس اجرایی افغانستان در گفتگو با مهر:

تکفیر یهانی می تواند مانع عزاداری مردم افغانستان در ایام محرم شوند



معاون رئیس اجرایی افغانستان گفت که دشمنی با محبین اهل بیت از قدیم در نزد دشمنان اسلام جریان داشته و تکفیری ها نمیتواند مانع عزاداری مردم افغانستان در ایام محرم شوند.

«محمد محقق» معاون دوم ریاست اجرایی دولت وحدت ملی افغانستان در پیوند به اظهارات اخیر خود که تشکیل گروه های تروریستی همچون داعش را نتیجه اشتباه دولت های بزرگ برشمرده به خبرنگار مهر گفت: دشمنی با محبین اهل بیت موضوع تازه ای نیست و از قدیم در بین دشمنان اسلام رایج بوده و داعش نیز یکی از این گروه ها است.

محقق در این اظهارات خود کشور های قدرتمند را به باد انتقاد گرفته و بروز جنگ ها در افغانستان را ناشی از سیاست های غلط قدرت های بزرگ برشمرده که با پرداخت میلیاردها دلار این کشور را نا امن ساختند.

وی تصریح کرد که حملات تروریستی اخیر زنگ خطری بود برای تهدیدات بیشتر و دولت افغانستان هم پذیرفت که این گروه ها به فکر قتل عام و نسل کشی در افغانستان هستند. محقق اظهار داشت که رخ داد های اخیر باعث شده که دولت افغانستان در کنار مردم و با هوشیاری، تمام تلاش خود را برای جلوگیری از حمله به اماکن مقدس خصوصاً در ایام عزاداری در ماه محرم الحرام به کار گیرد.

معاون دوم ریاست اجرایی افغانستان در ادامه با اظهار این مطلب که تکفیری ها نمی توانند مانع برگزاری مراسم عزاداری، یا کم رنگ کردن آن در ایام محرم شوند بیان نمود که مردم افغانستان برای شرکت در عزاداری های حسینی مصمم و پر شور تر از گذشته هستند.

محقق همچنین در بخش دیگر از گفتگویی خود تأکید کرد که انتخابات شفاف و نقش سازنده مخالفین سیاسی در آن به اصلاح نظام افغانستان کمک خواهد کرد.

محمد محقق، معاون دوم ریاست اجرایی افغانستان در ادامه گفتگویی خود با خبرنگار مهر اظهار داشت که انتخابات آینده ریاست جمهوری و تلاش مخالفین سیاسی دولت در آن، می تواند راهی برای بیرون رفت از مشکلات داخلی افغانستان باشد.

وی در محل اقامت خود در کابل به مهر گفت که مخالفان سیاسی دولت فعلی افغانستان در تلاش هستند که در انتخابات آینده قوی ظاهر شده و در صورت موفقیت مشکلات داخلی افغانستان که در حال حاضر گریبان گیر ملت افغانستان شده است را مرفوع خواهند ساخت.

محقق اذعان کرد که مخالفان سیاسی دولت افغانستان در تلاش هستند که نقش تأثیرگذار در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری افغانستان داشته باشند.

وی گفت که در یک دولت حامی دموکراسی همانند افغانستان تشکیل ائتلاف ها و اپوزسیون ها یک امر کاملاً طبیعی است.

معاون دوم ریاست اجرایی افغانستان تصریح کرد که ائتلاف هایی که در افغانستان ایجاد شده انتقاد هایی را نسبت به دولت افغانستان دارند که آن را بروز داده اند. وی افزود که این انتقاد این ائتلاف ها بدون شک برای اصلاح نظام افغانستان تأثیر گذار خواهد بود.

رئیس حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان همچنین اذعان کرد که انتقاد ها در مقابل حکومت افغانستان زیاد شده است و اپوزسیون ها می توانند برای رفع مشکلات نقش مؤثری داشته باشند.

محقق همچنین ائتلاف های ایجاد شده را ائتلاف های پر قدرتی در افغانستان بر شمرده که توانایی این را دارند که برای اصلاحات در نظام افغانستان نقش ایفا کنند.

معاون دوم ریاست اجرایی افغانستان همچنین «ائتلاف ملی برای نجات افغانستان»، «ائتلاف حراست»، «ائتلاف محور»، «ائتلاف جبهه نوین» و دیگر ائتلاف ها را از گروه های سیاسی منتقد و قوی برشمرده که در بین ملت افغانستان ریشه دارند.

به بیان محقق تلاش هایی وجود دارد تا گروه های مخالف دولت فعلی بتوانند با شرکت در انتخابات آینده یک دولت مردمی را جایگزین دولت فعلی افغانستان کنند.

نشال اینترست بررسی کرد:

استفاده چین از اختلاف ژئوپلیتیک روسیه و امریکا/نفوذ در بخش انرژی



پکن در طی سالهای اخیر توانسته از اختلاف ژئوپلیتیک روسیه و امریکا نهایت استفاده را نموده و از نفوذ قابل توجهی در بخش انرژی منطقه اروپا و آسیای غربی برخوردار شود.

«مارک پیفیل» معاون مشاور امنیت ملی جورج بوش پسر، رئیس جمهور پیشین آمریکا در مقاله ای که در سایت تحلیلی نشنال اینترست منتشر شد ادعا نمود: پکن در طی سالهای اخیر توانسته از اختلاف ژئوپلیتیک روسیه و امریکا نهایت استفاده را نموده و از نفوذ قابل توجهی در بخش انرژی منطقه اروپا و آسیای غربی برخوردار شود. متن مقاله پیش روی شماست.

در حالی که سیاستمداران در ایالات متحده امریکا بر توثیق های رئیس جمهور و کنش بانوی اول کاخ سفید تمرکز کرده اند، چین تغییری ژئوپلیتیک در منطقه اروپا ایجاد کرده که باید تن هر سیاستمدار امریکایی را به لرزه در آورد. چین بدون توجه به کشورهای دیگر و حواشی بین المللی، قدرت و نفوذ اقتصادی و نظامی خود را در منطقه اروپای شرقی گسترش داده است. در واقع منطقه اروپای شرقی، منطقه ای بسیار مهم و استراتژیک برای ایالات متحده امریکا بوده که حیات تجاری و ژئوپلیتیک امریکا تا حد زیادی به این منطقه وابسته است.

چینی ها که تلاش چندانی برای متوقف کردن برنامه هسته ای کره شمالی انجام نداده اند! اخیرا توانسته اند جای محکمی در منطقه اروپا به دست آورند. آنها بر بندر پیرائوس یونان مسلط شده و تلاش می کنند امتیازاتی مشابه را در جمهوری چک، مجارستان و لهستان به دست آورند. پکن همچنین تلاش نموده قراردادهایی با این کشورها در زمینه ساخت نیروگاههای هسته ای

امضاء کند. در بلغارستان تلاش «هیلاری کلینتون» وزیر امور خارجه سابق امریکا باعث شد بلغاری ها قرارداد خود را با شرکت دولتی روسیه در خصوص غنی سازی اورانیوم روس اتم) ملغی نمایند، در نتیجه به چین فرصت سرمایه گذاری در این بخش داده شد.

بر خلاف روسها که در برنامه توسعه هسته ای بر طرح وام های بین دولتی جهت تامین مالی ساخت و ساز تکیه می کنند و مدیریت را به حکومت های محلی می سپارند، چینی ها تلاش می کنند کنترل موثر بر روند ساخت و ساز و امور مالی مربوط به آن داشته باشند.

در نتیجه چین زیر ساخت های هسته ای کشورهای اروپایی شرقی را به خوبی کنترل می کند. این موضوع به چین قدرت نفوذ بالایی در منطقه اروپای شرقی داده است که می تواند با قدرت نفوذ اتحاد جماهیر شوروی در این منطقه در زمان جنگ سرد مقایسه شود.

در حال حاضر چین سعی می کند امتیاز قرارداد ساخت نیروگاه اتمی در لهستان را که قبلا به امریکا پیشنهاد شده بود، کسب کند. واقعیت این است که صنعت هسته ای ایالات متحده امریکا در حال ورشکستگی بوده و شرکت های امریکایی دیگر قادر به افزایش سرمایه گذاری در بخش زیر ساختهای هسته ای در منطقه اروپا نیستند.

چین در عوض سرمایه و پول نقد کافی حاصل از تجارت با امریکا را در اختیار داشته و می تواند به راحتی در بخش زیر ساختهای هسته ای این کشورها سرمایه گذاری کند. آنچه اهمیت دارد این مسئله است که چین از اختلاف ژئوپلیتیک امریکا و روسیه بهره برداری نموده و مالکیت و مدیریت بخش های مهم و زیر ساخت های انرژی در اروپا را به دست می آورد. این تاکتیک اخیرا باعث

شده کمربند انرژی چین از دریای بالتیک تا دریای سیاه گسترش یابد. چین به طور موثر بخش های مهم زیرساختی در بلغارستان، جمهوری چک، لهستان، رومانی و اسلواکی را کنترل می کند.

برخی از سیاستمداران امریکایی از هر دو حزب این مسئله بسیار مهم را بارها گوشزد کرده اند. «مایک پومپئو» رئیس سیا و «بن رودرز» معاون مشاور امنیت ملی رئیس جمهور بارها پکن را خطرناک تر از مسکو دانسته اند.

جهت جلوگیری از نفوذ زیاد چین در منطقه اروپا، کاخ سفید باید کارشناسان و متخصصان زبده و با استعداد را به عنوان مشاوران وزارت امور خارجه در بخش آسیا و اروپا استخدام کند. این متخصصان باید رشد فزاینده چین در منطقه آسیای غربی و اروپا را با دقت مورد توجه قرار دهند.

ایالات متحده امریکا همچنین باید به سمت نوعی استراتژی حرکت کند که به شرکت های روسی اجازه و فرصت فعالیت در منطقه آسیا و اروپا داده شود، طوری که به امنیت انرژی اروپا و نگرانی های امنیتی امریکا لطمه وارد نشود.

در بازی شطرنج ژئوپلیتیک، بازیگران باید علاوه بر حرکت مورد نظر خود دو یا سه حرکت دیگر را نیز مدنظر قرار دهند. بازیگران همچنین باید ابعاد مختلف استراتژی (نظامی، ژئوپلیتیک و اقتصادی) را مدنظر قرار داده و توجه داشته باشند که با دشمنان مختلفی مواجه خواهند شد.

در نهایت باید گفت، رقابت در ساخت و مدیریت طرح های هسته ای در اروپا فقط یکی از مثال های شطرنج ژئوپلیتیک بوده و امریکا باید قدرت بازی خود را در این منطقه مهم ارتقاء دهد.

ژئوپلیتیک قومی - مذهبی میانمار / قدرت در برابر حقوق بشر

محمد تقی امراللهی



امروز بی توجهی به حقوق اقلیت روئینگیا که نقطه مشترک رویکرد دولت نظامی شورای نظم و توسعه از یک سو و طرفداران دموکراسی غربی از سوی دیگر محسوب می شود، واقعیتی تکان دهنده است.

در گستره ژئوپلیتیک حقوق بشر که در قرن بیست و یکم به شکل بی سابقه‌ای با سیاست بین الملل گره خورده است، تقابل و تعامل قدرت و حقوق با یکدیگر از مباحث بسیار جدی و قابل توجه حوزه روابط بین الملل است. امروز بی توجهی به حقوق اقلیت روئینگیا که نقطه مشترک رویکرد دولت نظامی شورای نظم و توسعه از یک سو و طرفداران دموکراسی غربی و در رأس آن ها خانم آنگ سان سوچی از سوی دیگر است، واقعیتی تکان دهنده تلقی می شود.

در زمینه منازعات قومی و مذهبی، هر چند با شکل گیری فرایند مدرنیته امکان ظرفیت سازی جدیدی در زیست بوم های هویت فرد، قومیت و شاخص های هویت فرهنگی و اجتماعی متناسب با نیازمندی های انسان به وجود آمده است، اما با دقت نظر در گسترش بی محابای خواسته های از نوع خود جایگاه جدیدی را نه لزوماً در هواداری از عدالت اجتماعی بلکه بیشتر در حمایت از ستیز، خشونت و افراطی گزایی شاهد هستیم.

این بحران فرهنگی زمانی آشکارا به نبرد با اقلیت های دینی و دولت های متکثر یا میانه رو خواهد رفت که با معضل جغرافیای محصور یا بن بست عرض جغرافیایی همراه شود و امکان بهره گیری از خلأ احتمالی قدرت مهیا باشد. در چارچوب نظری توسعه می توان فرضیه هایی را به طور مدون و مبسوط در چگونگی چنین رخدادی دید. با در نظر گرفتن مقوله توسعه به طور کلی چهار دیدگاه متصور است.

در دیدگاه نخست که به دیدگاه های سنتی حول این مقوله اختصاص می یابد توسعه، زمینه ساز شرایط بدیلی برای رفع اختلافات قومی و فرقه ای پنداشته شده است. در اینجا مسیری که فرایند مذکور ترسیم می کند سبب رنگ باختن اختلافات قومی و مذهبی شده و در نهایت زمینه را برای برقراری دولت های کثرت گرا و جوامع روامدارانه فراهم می کند.

این رهیافت با در نظر گرفتن این نگاه که فقدان بازار آزاد و آزادی در خرید و فروش در جوامع عقب مانده سبب شده است تا نگاه عامه مردم به گروه های خاص یعنی متمرکز به قومیت و دسته های ماقبل مدرنیته جلب شود و نهایتاً قومیت قدرت گیرد، با ظهور نگرش های نو و عدم به حقیقت پیوستن نقطه نظرات مذکور در کشورهای چون یوگسلاوی سابق، کانادا، بلژیک و بسیاری دیگر از کشورهای چند قومیتی و در عین حال توسعه یافته و مدرن به چالش کشیده شده است.

در نظریات جدید نه تنها قومیت و مذهب با توسعه از میان نمی رفت بلکه با تفاوت محسوسی به عکس، پررنگ تر و اساسی تر می شد و به رویارویی جدی و بی پروا میان افراد و اندیشه ها دامن می زد. به بیان دیگر موجب سر باز کردن شکاف های حقوقی و خواسته های طبیعی و یا آزمانده ای انسانی می شد.

رهیافت های حول محور سوم تمرکز خود را بر مسیر در حال گذار کنونی گذاشتند و تأکید کردند در فضای گذار یا انتقالی در هر دوی جوامع سنتی و مدرن رشته اختلافات

قومی و مذهبی کاهش می یابد. در جوامع سنتی با این فرض که ماهیت بسته و اقتدارگرایانه ای دولت ها با محدودیت ارتباطی و اطلاعاتی همراه است و در جوامع مدرن با این فرض که ماهیت آزاد جریان اطلاعاتی و مردم محوری سبب می شود تا آحاد جوامع با آگاهی امکان حل و فصل مناقشات خود را هر اندازه که قدیمی باشد به دست آورند. در حقیقت هر چند توده ها در این دو جامعه محدود در دو گستره ای کاملاً متضاد هستند، اما مشابه یکدیگر واکنش نشان می دهند و همچون یک عضو طبیعی بدن انسان به بهبود خود کمک می کنند. در انتها در رهیافت های موسوم به پسانوگرایی یا فرانوگرایی به آشتی دادن ذهنیت و عینیت مباردت می شود که اغلب به علت فضای بالقوه به وجود آمده برای فرد و آگاهی او از ضعف های عقل اجتماعی به فردیت او و افراد هم نوع او تأکید می شود. در اینجا به سبب تثبیت شکاکیت انسان و حساس شدن او نسبت به امور احتمال تنش ها گسترش می یابد و وحدانیت جامعه به معنای همبستگی اجتماعی زیر سؤال می رود.

میانمار کشوری با پیشینه ای تاریخی است که پس از دوره موقت الحاق به هند در قالب یکی از مستعمره های بریتانیا و یکی از استان های هند بزرگ، استقلال خود را نهایتاً در سال ۱۹۴۸ به دست آورد و تا به امروز تاریخ پر فراز و نشیبی را از سر گذرانده است. کشوری که در حد فاصل دو منطقه مهم قاره ای آسیا یعنی جنوب و جنوب شرقی این قاره قرار گرفته است، جمعیت بیش از ۵۲ میلیون نفری را در خود جای داده است و از آب و هوای مناسب کشاورزی به خصوص در زمینه ی کشت برنج و ذخایر متنوع طبیعی همچون گاز به عنوان ویژگی های محیط طبیعی خود برخوردار است. با این وجود این کشور در مسیر دولت سازی بر مبنای دموکراسی همواره با چالش های عمده ای روبه رو بوده است.

در این میان تأکید و تمرکز افکار عمومی جهان و رسانه های جهت دهنده به روند متزلزل شکل گیری دولت ملی و به تبع آن استبداد و سرکوب دموکراسی خواهان و دولت های برخاسته از رأی مردم بوده است، اما موضوع مهم دیگری که شاید حتی با تشکیل

یک دولت دموکرات همچنان گشوده و حل نشده باقی بماند پیشاپیش این کشور وجود دارد و اغلب خواسته یا ناخواسته از آن چشم پوشی می شود. موضوعی که از آن به عنوان درگیری های قومی و مذهبی بودایی ها و مسلمانان یاد می شود و بیش از هر منطقه ای ایالت آراکان و پس از آن ایالت کمتر شناخته شده ای مندی را در بر می گیرد. قرن ها پیش و از آغاز برآمدن اسلام مهاجرین مسلمانی به میانمار عزیمت کرده و در مناطق شمال غربی این کشور و به ویژه در آراکان سکنی گزیده اند. برخی اسناد ورود مسلمانان به این منطقه را به قرن هفتم می رساند. آری اسمارت در فرهنگ جغرافیای برمه می گوید اولین تماس تجار مسلمان با مردم آراکان در سال ۷۸۸ روی داده است. اطلاعات دیگری نیز در آرشیو اطلاعاتی بنادر دریایی برمه و کتب دیگر موجود است که بر ورود مسلمانان که برخی از آن ها به دلایلی چون شکسته شدن کشتی در آن منطقه ساکن می شدند تأکید دارد. از این گذشته آثار باستانی با نام های بدرمکان و درگاه در این سواحل پراکنده است که نشان از حضور تاریخی مسلمانان دارد.

داستان هایی دربارہ حضور محمد حنفیه فرزند حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) نیز وجود دارد که به علت اختناق و تنگنای سیاسی احتمالاً همراه یک هیأت تجاری به این منطقه کوچ نموده است و مقبره ای هم به نام او وجود دارد. بر اساس همین شواهد مسلمانان به مدت ۳۵۰ سال تا زمان تصرف پادشاهی برمه در سال ۱۷۸۴ در این منطقه نفوذ، اعتبار و حتی حاکمیت داشتند. برخی منابع روئینگیا را ساکنان اولیه و بومی آراکان معرفی می کنند و حتی پادشاهی مستقل روئانگ را به آن ها نسبت می دهند.

این مسلمانان و بومی هایی که با مشاهده رفتار و اخلاق گروه اول به اسلام گرویدند در طول تاریخ همواره با بی توجهی حکومت های مختلف روبه رو شده اند. این بی توجهی در دوران اخیر با نادیده انگاشتن این اتباع به عنوان شهروندان میانمار و محروم کردن آنان از حقوق اولیه ای انسانی وارد فاز جدیدی شده است تا جایی که در چندین مقطع زمانی بودایی های متعصب با چراغ سبز دولت به سوزاندن و کشتار وحشیانه مردم مظلوم مسلمان،

غرب زندگی کرده است این نظر وجود دارد که حمایت او از مسلمانان منجر به زدن برجسپ خارجی و بیگانه تلقی کردن او در سروصدای تبلیغاتی دولت میانمار شود. با در نظر گرفتن وضعیت دشوار امروز نمی توان هیچ یک از قرائت های توسعه را با شرایط کنونی میانمار با منطبق دانست. اگر روزگاری وضعیت حاکم بر میانمار با حکومت دولت های نظامی سرکوبگر، توسعه نیافتگی و راه نیافتن دموکراسی به بطن جامعه توجیه می شد، امروز این وضعیت با حضور مخالف قدرتمند گذشته حکومت های نظامی در جایگاه تأثیرگذار سیاسی و اجتماعی و سکوت معنادار او که با حمایت ضمنی از اقدامات دولت و گروه های شبه نظامی مخالف روهینگیاها همراه است نوعی سرفکندگی تاریخی را برای دموکراسی میانمار به همراه آورده است. حمایت دولت های مدافع حقوق بشر که در خصوص این فاجعه اگر این موضوع را مسئله ای داخلی قلمداد نکرده اند تنها به محکوم کردن وضعیت بدون تحت فشار گذاردن تنها طرف جنایتکار بسنده می کنند نشان از منافع کلیدی در منطقه است که حقوق بشر را به مفهوم واقعی آن به تنگنا کشانده است. رشد اقتصادی ۶.۹ درصدی میانمار که ناشی از فضای بکر و دست نخورده اقتصادی در سال های تحریم گسترده کشورهای غربی بوده است یکی از این عوامل است. معامله پنهانی قدرتهای خارجی و بر سر کار آوردن سوکی و پایان یافتن فشار حقوق بشری سبب شده است تا امروز نوعی توازن منطقه ای میان جبهه آمریکا، هند، چین، روسیه و... به وجود آید و زمینه های گسترده سرمایه گذاری، فروش تسلیحات و استفاده از انرژی وضعیت رقابتی فراگیری را در این نقطه پدید آورد. این موضوع و جایگاه مسلمانان در انرژی جهان کشورهای قدرتمند را تشویق به کنار گذاشتن گروه های ضعیف می کند تا به آسانی منابع جهان را میان خود و براساس سهم از قدرت بین المللی تقسیم کنند.

دارند. بنابراین کشمکش های بودایی ها در این منطقه در رویارویی با اقلیت های ساکن مسئله ای ریشه دار است و گریز از مرکز این اقوام نیز نسبت به حکومت مرکزی در ناپیدا، رانگون، و مندلی سابقه طولانی دارد. راین ها تمایل زیادی دارند تا روهینگیاها را بنگالی بنامند و بر این اساس آن ها را مهاجرین غیرقانونی از بنگلادش به میانمار تلقی کنند. اما سؤالی که در اینجا وجود دارد این است چه دلیلی وجود دارد که بنگلادش ها در زمانی که آزار و اذیت مسلمانان به اوج می رسد از سرزمین بنگلادش که دارای اکثریت مطلق مسلمان است به منطقه احاطه شده به وسیله ی غیرمسلمانان بودایی مهاجرت کنند. وضعیت اقتصادی عقب نگه داشته ی میانمار برای دهه ها زمینه ی اقتصادی ویژه ای را به ارمان نیآورده است. علاوه بر این تفاوت ظاهری، و ریشه های قابل توجه روهینگیاها با مسلمانان جنوب شرق و شرق آسیا مبنای دیگری است که در کنار اسناد تاریخی روهینگیاها را ساکنین بومی معرفی می کند. اما رفتار سبوعانه ی فرقه بوداییان که هر اقدام غیر انسانی را به نام دین و نژاد علیه این مردم انجام می دهند حتی با این توجیه که این افراد دارای تابعیت حقوقی نیستند نمی تواند قابل قبول باشد. آنگ سان سوچی که در گذشته بابت این شرایط تأسف خورده است هیچ گاه زیر بار محکوم کردن این حوادث و حمایت از بررسی های سازمان های حقوق بشری مثل دیدبان حقوق بشر که بوداییان را مسبب آزار و اذیت مسلمانان دانسته اند، نرفته است. بسیاری از فعالان حقوق بشر با چنین واکنشی از او که به عنوان طلایه دار مقاومت در برابر دولت استبدادی معرفی شده بود شوکه شده اند و برخی خواستار باز پس گیری جایزه صلح نوبل از او شده اند. حضور چندساله ای او در انگلستان که جامعه ای چند ملیتی است تردیدها را نسبت به تعصب او بیشتر می کند. با توجه به اینکه همسر او انگلیسی است و سال ها در

که به طور عمده از قوم روهینگیا هستند، پرداخته اند. براساس آمارهای جهانی سازمان ملل و بسیاری از دیدبان های حقوق بشری، اقلیت مسلمانان روهینگیا در میان اقلیت ها بیشترین آسیب و آزار را متحمل شده اند. گذشته از نسل کشی فجیع که هر از گاهی با بیانه های واهی به طور مقطعی وجود داشته است، سوزاندن خانه ها و بیرون کردن این مردم از محل زندگیشان سبب شده است تا صدها هزار نفر بی خانمان شده و به دنبال کمپ های موقتی در کشورهای دیگر در شرایط نامساعد کشورهای پذیرنده بروند و به هر شکل ممکن که شده خود را به اردوگاه هایی که خود شرایط ناسالم، غیر بهداشتی و وضعیت نابسامانی دارد برسانند. آراکان ایالتی که جمعیت چشمگیر مسلمانان میانمار در آن زندگی می کنند منطقه غربی سرزمین برمه و مرز تقریبی سه کشور میانمار، بنگلادش و هند است. این منطقه گذشته ی تاریخی و پر اهمیتی داشته است که از یک نقطه نظر سرحدات دو دین اسلام و بودائیسیم بوده است و از نقطه نظر دیگر محل اتصال دریا به خشکی و دارای موقعیتی استراتژیک وجود ساحل طولانی با خلیج بنگال و نزدیکی به تنگه ی استراتژیک مالاکا است. بازرگانان و تجار در گذشته های دور به این منطقه رفت و آمد گسترده داشته اند که به عنوان مثال می توان از بازرگانان مسلمان در سال های اوج تمدن اسلامی و هلندی ها در دوران استعمار نام برد. منطقه مذکور جغرافیای بسیار ویژه ای دارد طوری که در برخی نواحی ساحلی، دشت های مردابی و در مناطقی خارجی به سمت شرق یک سلسله کوهستان هایی وجود دارد که عملاً دسترسی دولت مرکزی و بقیه ی میانمار را به آن سخت می کند. علاوه بر مسلمانان و بودایی ها که اکثریت و جمعیت های تأثیرگذار این منطقه هستند، اقوام دیگری چون چین، مرو، خامی ها که اغلب آنیمست (روح گرا) بوده اند و امروز به مسیحیت گرویده اند و نیز کمان ها که به اسلام گرویده اند وجود

سفیر تایلند در گفتگو با مهر:

تایلندی ها نیازمند آشنایی با فرهنگ و تمدن ایرانی هستند

مریم خرمائی

نیز برای نزدیکی هر چه بیشتر و بهبود روابط تلاش کرده ایم. از همه مهمتر، باید به این موضوع اشاره کرد که رابطه میان تایلند و ایران بیش از ۴۰۰ سال قدمت دارد و به زمانی بر می گردد که تاجران ایرانی به تایلند آمدند. آنها نه تنها با خود فرهنگ ایرانی بلکه اسلام را هم به تایلند آوردند. شما درباره بخش انرژی صحبت کردید و باید بگویم که همکاری در این زمینه به بعد از توافق هسته ای، محدود نمی شود. همکاری در عرصه انرژی به قبل از دهه ۱۹۷۰ میلادی و دوره ای باز می گردد که ما از ایران نفت خام وارد می کردیم حال آنکه به دلیل تحریم ها، روند واردات نفت از ایران متوقف شد. اما در یکی دو سال اخیر، شرکت نفت تایلند فعالیت چشمگیری در ایران داشته است و در حال حاضر برای مشارکت در ۴ پروژه ایرانی تلاش می کنیم. اخیراً هم از تایلند دعوت شده که درخواست مشارکت در پروژه آزادگان را که شاید مهمترین میدان نفتی ایران باشد، به شرکت ملی نفت ایران ارائه دهد. بنابراین، من آینده روشنی برای همکاری های آتی تایلند و ایران در عرصه انرژی پیش بینی می کنم و کار ما هم در سفارت تایلند این است که مطمئن شویم روابطمان از



|| مهمترین زمینه های همکاری میان ایران و تایلند به ویژه در بحث انرژی چیست؟ سابقه روابط دیپلماتیک تایلند و ایران به ۶۲ سال قبل باز می گردد. در طول این ۶۲ سال، ما نه تنها در زمینه های اقتصادی، بلکه در عرصه های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی

«کالایانا ویپاتی پومی پراتس» آینده رابطه بانکوک-تهران را به ویژه در حوزه انرژی بسیار مثبت ارزیابی کرد و از ایران به عنوان کشوری مستعد برای تبدیل شدن به قطب صادرات منطقه نام برد. موفقیت ایران در عرصه مذاکرات هسته ای فرصت مغتنمی برای کشورهای دوست فراهم آورد تا با استفاده از پتانسیل های فضای پسابرجام با اشتیاق بیشتری به توسعه رابطه با تهران بیایندیشند. در این میان، تایلند نیز به عنوان یک هاب تجاری مهم در منطقه آسیای جنوب شرقی از گسترش همکاری های دو جانبه استقبال می کند و تاکنون هیات های تجاری-سیاسی متعددی را به ایران فرستاده که این خود نشانه عزم راسخ بانکوک برای بهبود روابط در عرصه های مختلف از جمله تجاری، صنعتی، سرمایه گذاری و فرهنگی است. در همین راستا، خبرنگار مهر مصاحبه ای با «کالایانا ویپاتی پومی پراتس» سفیر تایلند در ایران داشته تا ضمن ارزیابی امکاناتی که پیش روی دو کشور قرار دارد، نظر وی را درباره توسعه روابط به ویژه در حوزه های انرژی، تجارت و توریسم جویا شویم.



جایگاه فعلی پسرقت نخواهد داشت. فکر می‌کنم که باید همکاری در حوزه انرژی را از سطح فعلی نیز بیشتر افزایش دهیم.

از این هم که بگذریم، مسئله واردات نفت از ایران در زمان فعلی و آن هم به واسطه یک خریدار کوچک مطرح می‌شود. هرچند، در این مورد هم چشم‌انداز خوبی پیش روی ما است و اگر شرکت نفت تایلند شانس مدیریت حوزه های نفت و گاز را پیدا کند، شاهد بهبود همکاری میان ۲ کشور در حوزه انرژی خواهیم بود.

|| همکاری در زمینه های فرهنگی و گردشگری را چگونه می‌توان افزایش داد؟

تقویت تورسیسم بخشی از رویکرد ما برای بهبود دیپلماسی مردم محور است. پیشتر هم به این موضوع اشاره کردم که تایلندی‌ها نیازمند آشنایی بیشتر با فرهنگ و جامعه ایرانی هستند که این هدف می‌تواند با تبلیغ در رسانه یا از راه سفر آنها به ایران، میسر شود.

به همین ترتیب، ایرانی‌ها هم باید بیشتر با تایلند آشنا شوند. تایلند بیش از آن ۴ الی ۵ تفریحگاهی که مقصد ایرانی‌ها است (پوکت، بانکوک و پاتایا) جاذبه دارد و من اطمینان دارم که گردشگران ایرانی از سایر جاذبه‌های تایلند هم استقبال می‌کنند.

در آینده بسیار نزدیک، قرار است تفاهنامه همکاری میان وزارت گردشگری و ورزش تایلند با مسئولین صنعت گردشگری ایران منعقد شود که این مسئله می‌تواند به افزایش سطح همکاری‌های ۲ جانبه کمک کند.

در حال حاضر، هر ساله ۲۰۰ هزار ایرانی از تایلند بازدید می‌کنند. حتی حالا در مقایسه با گذشته، تایلندی‌های بیشتری به ایران سفر می‌کنند. قبلا رقم بازدید از ایران کمتر از ۱۰ هزار تایلندی بود حال آنکه انتظار داریم این رقم دست کم امسال به ۲۰ هزار نفر برسد. خط پروازی میان ۲ کشور مستقیم است (هر هفته ۶ پرواز ایرانی و ۴ پرواز با خطوط هوایی تایلند). پرواز غیرمستقیم با خطوط هوایی آسیا ایر هم باید به این تعداد افزود که از مسیر بانکوک-کوالالامپور به تهران انجام می‌گیرد.

اما اگر خواهان سفر تعداد بیشتری از تایلندی‌ها به ایران هستیم، باید بگوییم که آنها باید اول آشنایی بیشتری با ایران پیدا کنند. این به آن معنا است که ادبیات و اطلاعات (تاریخی) بیشتری از ایران باید به مردم تایلند معرفی شود که این کار حتی با کمک رسانه‌های ایرانی هم امکان پذیر است.

|| به استثنای بخش انرژی، ایران و تایلند در چه زمینه‌های تجاری دیگری قادر به همکاری هستند؟

خوب ما هم گزینه‌هایی برای عرضه داریم. از همه مهمتر برنج به ویژه برنج «هوم مالی» است که به بسیاری از مناطق جهان صادر می‌کنیم و صادانه بگویم امیدواریم امکان صدور آن و همچنین انواع دیگر برنج به ایران هم فراهم شود. البته به گمانم امسال موفق شدیم حدود یکصد هزار تن برنج به ایران صادر کنیم که رقم خوبی است. اما قرار نیست به همین مقدار راضی شویم. امیدواریم سال آینده، در صورت امکان، حداقل این مقدار را به ۳۰۰ هزار تن برسانیم. البته ابتدا نیازمند بازاریابی هستیم.

دومین محصولی که می‌توانیم به ایران صادر کنیم، پلاستیک طبیعی است. فکر می‌کنم بخش تجاری برای تضمین صادرات پلاستیک طبیعی به ایران تلاش زیادی

|| به عنوان عضوی از آسه آن، موضع تایلند در قبال رفتار میانمار با مسلمانان روهینگیا چیست؟

در واقع، رسم همه کشورهای آسه آن مبتنی بر عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورهای عضو است. اما وقتی چنین مسئله‌ای در حد درگیری منطقه‌ای اتفاق می‌افتد، بیانیه صادر می‌کنیم یا به اقدامی مشابه متوسل می‌شویم اما هرگز در قبال مسائل کشورهای آسیای جنوب شرقی، موضع شخصی اتخاذ نمی‌کنیم. درباره مسئله مسلمانان میانمار هم وضع به همین منوال است. فکر می‌کنم تا کنون تایلند در این باره موضع گیری نکرده است.

البته ما در جریان آنچه دولت میانمار انجام می‌دهد هستیم. اما اگر نگاهی به تایلند بیندازیم باید با همه مردم از هر دین و مذهبی که باشند، با مساوات و برابری رفتار کنیم و با مسلمانان تایلند هم به همین نحو برخورد می‌شود. در جنوب تایلند که اکثر مردم مسلمان هستند، ما مرجع قضایی اختصاصی برای رسیدگی به شکایات خانوادگی مسلمانان داریم. اما با توجه به اینکه ۹ سال در میانمار بوده ام، باید بگویم در این کشور مشکل چند سالی است که وجود دارد و با توجه به این حقیقت که همسایه بنگلادش است، شمار زیادی از مسلمانان آواره نقاط مرزی شده اند.

من ترجیح می‌دهم بگویم ما افرادی داریم که افکارشان با دولت و بقیه مردم تایلند متفاوت است. البته باید از رفتار عادلانه نسبت به پیروان همه ادیان از بودایی گرفته تا مسلمان، اطمینان حاصل کنیم. نمی‌خواهم بگویم ما در تایلند با افرایلی‌گری مواجه هستیم. بلکه فکر می‌کنم افرادی هستند که ایدئولوژی شان درباره اینکه حکومت چگونه نواحی جنوبی تایلند را اداره کند، متفاوت است. اغلب مسلمانان منطقه هم از سیاست های دولت پیروی می‌کنند. این مشکل از مدتی پیش آنجا وجود داشته و قرار نیست در عرض یک شب حل و فصل شود. اما ما شاهد همکاری خوبی از جانب مردم منطقه هستیم و با شورای اسلامی تایلند رابطه نزدیکی داریم

می‌کند. جدا از این مورد، اقدام کوچک دیگری که در ۲۰ الی ۲۰ سال گذشته به ایران صادر شده‌اند شامل چوب و محصولات چوبی است. در این میان، تایلند باید در آینده نزدیک بر حوزه گاز طبیعی و حتی الامکان نفت خام هم تمرکز کند.

|| از تایلند به عنوان دروازه جنوب آسیا یاد می‌شود حال آنکه ایران هم کریدور مطمئنی برای خاورمیانه است. این مسئله به بهبود روابط ۲ کشور چه کمکی می‌کند؟

در واقع باید بگویم که تایلند حکم دروازه کشورهای آسه آن را دارد. ما تلاش زیادی می‌کنیم تا حمایت لجستیکی را افزایش داده و با پذیرش کالا از سراسر جهان نه تنها آنها را به کشورهای آسیای جنوب شرقی باز صادر می‌کنیم بلکه کشورهای نظیر کره جنوبی، استرالیا و غیره را نیز پوشش می‌دهیم.

ما تلاش می‌کنیم که به قطب صادرات آسیای جنوب شرقی تبدیل شویم. به همین ترتیب، فکر می‌کنم ایران به صورت بالقوه مستعدترین کشور برای تبدیل شدن به قطب صادرات برای باز عرضه کالاهایی است که باید از تایلند به سایر نقاط خاورمیانه منتقل شوند. حتی در حال حاضر هم به نوعی این کار را انجام می‌دهیم.

برای مثال بعضی کالاها را از تایلند به ایران فرستاده و بعد به قطر یا حتی ترکیه و امارات منتقل می‌کنیم اما این کار در حجم بسیار اندک انجام می‌شود. اطمینان دارم وقتی همه چیز مهیا باشد این کار هم در حجم بزرگتری انجام خواهد شد. یعنی وقتی مشکل تبادل ارز میان بانک‌های تایلندی و ایرانی رفع شود حال آنکه حمایت لجستیکی میان تایلند و ایران هم باید بهبود پیدا کند.

ما می‌توانیم حجم همکاری‌های تجاری را با بهبود مسائل این چنینی افزایش دهیم. در آینده باید قادر به تضمین رابطه تایلند و ایران در راستای بهبود حمایت لجستیکی از روند انتقال کالا باشیم. مفهوم تایلند به عنوان قطب صادرات آسیای جنوب شرقی و ایران به عنوان قطب صادرات برای سایر کشورهای منطقه به ویژه خاورمیانه می‌تواند کاملاً تحقق پیدا کند.

کارشناس و محقق جغرافیای سیاسی:

شاهد نسل کشی مسلمانان «روهینگیا» در میانمار هستیم

ییمان یزدانی

|| وظیفه نهادهای بین المللی از جمله سازمان ملل در قبال تلاش برای توقف این قتل عام چیست؟
با نگاهی به نحوه رفتار و مداخله نهادهای بین المللی در بحران‌هایی مانند لیبی و سوریه یا حتی در خصوص تجاوزهای آمریکا و خرابکاری‌های این کشور علیه ایران پر واضح است که نقش این نهادها در میانمار نیز کوچکتر از آنی خواهد بود که بهمبودی در وضعیت این کشور ایجاد کند. این نهادها تنها در راستای خط تأمین منافع گفتمان غالب و لابی‌های آنها به خصوص آمریکا و متحدین اروپایی این کشور حرکت می‌کنند. هرگونه مداخله سازمان ملل در تأمین نیازهای اولیه و پناهگاه برای قربانیان به احتمال زیاد منجر به پیچیده تر شدن بحران خواهد شد.

دارد - همچنین در راستای حمایت از تروریسم (توسط آمریکا) در راستای تجزیه و نابودی کشورها در جهت حضور نظامی آمریکا در منطقه - عربستان سعودی تلاش می‌کند تا یک نیروی شبه نظامی ساختگی ایجاد کند تا از این طریق فرصت و زمینه حضور نظامی آمریکا و پایگاه‌های نظامی این کشور در میانمار به عنوان همسایه چین را ایجاد کند. ایجاد پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه جنوب شرق آسیا همواره از اهداف بلند مدت و دیرینه سیاستمداران آمریکایی بوده و ورود تروریسم در قالب داعش به فیلیپین و یا نیروهای شبه نظامی تحت حمایت عربستان نیز امکان به وجود آمدن چنین امکانی را برای نیروهای نظامی آمریکا آن هم به صورت کاملاً حساب شده و مهندسی شده فراهم می‌آورد. با استقرار نیروهای نظامی آمریکا در جنوب شرق آسیا، چین به محاصره

«آنتونی کارتلوچی» معتقد است آنچه از آن در حقوق بین الملل تحت عنوان نسل کشی یاد می‌شود، در حال رخ دادن در ایالت راخین میانمار است. اکثریت جمعیت میانمار را بوداییان تشکیل می‌دهند و همین مساله منجر به ایجاد فضای قالب نفرت انگیزی علیه مسلمانان روهینگیا شده که از حق شهروندی در میانمار برخوردار نبوده و آنها را مهاجرین غیرقانونی از بنگلادش می‌خوانند. شرایط اضطراری و ملتهد ۱.۱ میلیون مسلمان روهینگایی در افریق موج جدیدی از خشونت‌ها که از ۲۵ آگوست آغاز شد پس از چندین دهه درگیری‌های نژادی در ایالت راخین تبدیل به سرخط خبرهای تمام جهان شد. مسلمانان روهینگیا به عنوان رنج کشیده ترین مردم جهان مورد کشتار جمعی، تبعیض سازمان یافته، محدودیت‌های بسیار سخت، نداشتن حق شهروندی و آزادی عمل، نبود دسترسی به خدمات پزشکی و آموزشی و دیگر سرویس‌هایی از این قبیل قرار گرفته‌اند. بر اساس گزارش‌های منتشر شده، دستکم ۴۰۰ نفر از مسلمانان روهینگیا در جریان درگیری‌ها و خشونت‌های دو هفته گذشته به این سو کشته شده‌اند. سازمان ملل معتقد است در طول این مدت و با افزایش گسترش تعقیب مسلمانان میانمار از سوی نیروهای امنیتی این کشور، ۱۴۶ هزار مسلمان روهینگایی به بنگلادش گریخته‌اند و بر اساس تخمین‌های در نظر گرفته شده گمان می‌رود آمار پناهجویان حتی دو برابر این رقم باشد. برای روشن شدن ابعاد خشونت‌های اخیر اعمال شده علیه مسلمانان روهینگیا، خبرنگار مهر گفتگویی با «آنتونی کارتلوچی»، کارشناس و محقق جغرافیای سیاسی داشته است که در ادامه آمده است.



|| «آنگ سان سوچی» رهبر میانمار که برنده جایزه صلح نوبل نیز هست، به شکل تعجب‌آوری در قبال جنایت‌های رو به انجام ارتش در این کشور سکوت اختیار کرده است. دلیل این سکوت چیست؟
رهبر فعلی میانمار آنگ سان سوچی است که به صورت رسمی رئیس جمهور این کشور نیست بلکه به نوعی صدراعظم است. وی پس از تاسیس دفتر برای خود از آنجا حکومت خود بر ملت را آغاز کرد. دریافت جایزه وی هم به لابی مشترک آمریکا و انگلیس یا یکدیگر بازمی‌گردد که وی و متحدین سیاسی اش را تقویت کردند تا بتوانند از طریق ایجاد یک رژیم محکم سیاسی بر میانمار حکومت کنند. عمده حمایت‌های وی از جانب نژادپرستان و ملی‌گرایان فوق العاده خشن افراطی انجام می‌شود که در حقیقت از سردمداران جنایت علیه مسلمانان روهینگیا هستند. سکوت وی ناشی از تلاش برای از دست ندادن قدرت خود و دلجویی از هواداران خود است که بدون وجود آنها قدرتی هم برای وی وجود نخواهد داشت. آمریکا و انگلیس با علم به اینکه در صورت به قدرت رسیدن سوچی و طرفداران افراطی وی موج بزرگی از خشونت علیه جمعیت روهینگیا به راه خواهد افتاد، به شکل عامدانه از به قدرت رسیدن آنها حمایت کردند.

در خواهد آمد و همین مساله منافع آمریکا را تأمین کرده و قدرت این کشور را به رخ خواهد کشید. اسرائیل همواره حامی پر و پا قرص استراتژی‌های تنش برانگیز آمریکا توسط کشورهای مانند عربستان سعودی بوده و به دنبال مسلح کردن دولت میانمار جهت به آتش کشیدن بیشتر جهان اسلام و افزایش غیر منطقی و احساسی تفرقه در هر دو سوی مرزهای میانمار و فراتر از آن است. در حقیقت، اسرائیل به تمامی جهان سلاح می‌فروشد و دولت میانمار تنها بخش اندکی از این تسلیحات را خریداری می‌کند. می‌توانیم وقایع سال ۲۰۱۱ و پشتیبانی اسرائیل از هر دولت در حال سقوطی را مثال بزیم که از سوی دیگر آمریکا در برابر آن از مخالفین آن دولت و شبه نظامیان حمایت می‌کرد. در حالی که مبارک در مصر گرفته تا معمر قذافی در لیبی. در ظاهر کار حمایت اسرائیل از چنین دولت‌هایی کاری مسخره به حساب می‌آید. در سال ۲۰۱۱، شایعات (انقلاب‌های عربی) مانند آتش به همه جا کشیده شد و به صورت خودکار موجب ایجاد هیجان در جهان اسلام شده و همین امر منجر شد تا آمریکا و حامیان اسرائیلی این کشور به دنبال سرنگون کردن دولت‌های این کشورها حرکت کنند. امروز نیز در میانمار چنین هیجان مشابهی ایجاد شده تا وضعیت بحرانی را که تمامی میانمار را در بر گرفته را وخیم تر کند.

|| آیا می‌توان جنایت علیه مسلمانان میانمار را نمونه‌ای از نسل‌کشی بر اساس قوانین حقوق بین الملل قرار داد؟

آنچه از آن در حقوق بین الملل تحت عنوان نسل کشی یاد می‌شود، در حال رخ دادن در ایالت راخین میانمار است. آن دسته از گروه‌هایی که اقدام به نسل کشی علیه اقلیت روهینگیا می‌کنند، نسل کشی را به عنوان هدف اولیه خود تعیین کرده‌اند. این موضوع تنها منوط به ارتش و خشونت‌های اعمال شده از سوی آنها نمی‌شود، بلکه گروه‌های ملی‌گرا و بسیاری دیگر از آنها هم که «آنگ سان سوچی» رهبر میانمار را حمایت می‌کنند، سابقه‌ای بلند مدت در تحریک خشونت و تفرقه‌انگیزی فرقه‌ای در میانمار دارند. پیش از آنکه آنگ سان سوچی در میانمار به قدرت برسد، ارتش تلاش فراوانی برای از بین بردن خشونت کرد. از زمانی که ملی‌گرایان اقدام به تشکیل بلوک عظیمی از حامیان سوچی کردند، پیش‌بینی می‌شد که رسیدن وی به قدرت منجر به ایجاد خشونت‌ها ضد روهینگایی‌ها و حتی نسل کشی علیه آنها خواهد شد.

|| گفته می‌شود عربستان سعودی و اسرائیل در پس این ماجرا قرار دارند. نظر شما در این خصوص چیست؟

عربستان سعودی نقش دستیار آمریکا در خاورمیانه را بر عهده